

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران
موضوع: ...
تاریخ: ...
محل: ...

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران



Handwritten text in Persian script, likely a document or letter, with some words underlined in red.



صورت مذاکرات شورای انقلاب

اسفند ۱۳۵۷

سپهر

مقدمه

هنگام اقامت امام خمینی در پاریس و همزمان با اوج گرفتن تحولات انقلابی در ایران، چالش خلاء مدیریت این تحولات در داخل کشور، وی را واداشت شورایی مرکب از روحانیون شناخته شده‌ای که سابقه شاگردی وی را داشتند، به‌صورتی ناشناس و پنهانی، منصوب کند تا مجموعه روند اقدامات نهضت اسلامی را در درون کشور رصد کرده و نیروهای انقلابی را مدیریت نماید. خبر تشکیل شورا، ۲۳ دی‌ماه ۱۳۵۷ رسانه‌ای شد. بر این اساس، امام خمینی، بدون نام بردن از اعضا، وظایف شورا را مشتمل بر تأسیس دولت انتقالی، تشکیل مجلس مؤسسان و برگزاری انتخابات معرفی کرد (روزنامه اطلاعات، 1357/10/23، ص اول). با اعلام این خبر، گمانه‌زنی‌ها درباره ترکیب اعضای شورا آغاز و از چهره‌هایی نظیر یزدی، قطب‌زاده، بازرگان و سرلشکر مدنی به‌عنوان اعضای شورا نام برده شد (اطلاعات، 1357/10/24، ص 2). تا مدت‌ها هیچ‌کس نمی‌دانست که آیات مرتضی مطهری، سیدمحمد حسینی بهشتی، سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی، محمدجواد باهنر و اکبر هاشمی رفسنجانی، پنج روحانی منصوب در این شورا بودند و هسته مرکزی و اولیه آن را تشکیل می‌دادند. هسته مرکزی این اجازه را داشت تا از شخصیت‌های معمم و مکلاً به ترکیب شورا بیافزاید. از این رو تا مقطع پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، آیات سیدمحمدعلی طالقانی، سیدعلی حسینی خامنه‌ای، محمدرضا مهدوی‌کنی و نیز مهدی بازرگان، یدالله سبحانی، احمد صدر حاج‌سیدجوادی، مصطفی کتیرائی، سرلشکر قرنی و تیمسار مسعودی به جمع شورای انقلاب پیوستند.

بازگشت امام خمینی به کشور و تشکیل دولت موقت مهندس بازرگان موجب گردید تا تغییراتی در ترکیب شورا صورت گیرد. بازرگان، سبحانی، سیدجوادی و کتیرائی به دولت رفتند و قرنی نیز به ارتش منتقل شد. برای پوشاندن این خلاء، حسن حبیبی، عزت‌الله سبحانی، عباس شیبانی، ابوالحسن بنی‌صدر و صادق قطب‌زاده عضو شورای انقلاب شدند. چند ماه بعد، همان‌گونه که در مشروح مذاکرات خواهد آمد، بار دیگر شورا تصمیم به افزایش تعداد اعضای خود می‌گیرد و بدین ترتیب میرحسین موسوی، حبیب‌الله پیمان و احمد جلالی نیز به عضویت شورا درمی‌آیند.

شورای انقلاب در ماه‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، جایگاه قانونگذاری و سیاستگذاری در کلیه امور کشور را در اختیار داشت؛ همان‌گونه که عباس امیرانتظام، سخنگوی دولت موقت، در آن مقطع اعلام کرده بود که شورای انقلاب، عالی‌ترین مرجع رسیدگی به مسائل است (کیهان، 1357/12/13، ص 2). قرار گرفتن شورای

انقلاب در چنین جایگاه مهمی موجب گردید تا این نهاد، مورد توجه بسیاری از عوامل سیاسی این دوره قرار گیرد. شهادت آیت الله مطهری در شامگاه یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، دقیقاً پس از خروج وی از جلسه شورا در منزل یدالله سبحانی، اتفاق افتاد. گروه فرقان که مسئولیت این ترور هدفمند را پذیرفت، در بیانیه‌ای اعلام کرد قتل مطهری، اولین گام در مسیر استحکام بخشی به ایده‌های گروه فرقان بوده و ابراهیم یزدی، صادق قطب‌زاده، هادوی (دادستان کل انقلاب) و امیرانتظام (معاون نخست‌وزیر) نیز در لیست ترور سازمان قرار دارند؛ چرا که همگی آنها، به زعم این گروه، در زمره اعضای شورای انقلاب هستند (کیهان، 1358/2/15، ص 2). در واقع فرقان رسماً اعضای شورای انقلاب را تهدید به حذف فیزیکی نمود، چرا که تصور می‌کرد با این هدف‌گیری، قلب نظام تصمیم‌گیری جدید را نشانه می‌رود. ترور سرلشکر قمری و نیز سوء قصد نافرجام به هاشمی رفسنجانی نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است.

رفته رفته و با نمایان شدن پیچیدگی مشکلات اداره کشور، نیاز به تقویت دولت و همگرایی بیش‌تر میان شورای انقلاب و دولت موقت ملموس‌تر شد و با موافقت امام، ترمیم کابینه صورت گرفت. بر این اساس، تعدادی از اعضای شورای انقلاب وارد دولت شدند تا به قول مهندس بازرگان، "حفظ وحدت" محقق شود. سیدعلی خامنه‌ای معاون وزیر دفاع، محمدجواد باهنر معاون وزیر آموزش و پرورش، اکبر هاشمی رفسنجانی و محمدرضا مهدوی‌کنی معاون وزیر کشور، و ابوالحسن بنی‌صدر معاون وزیر دارایی شدند (کیهان، 1358/4/30، ص 9). با این اقدام تلاش شد تا مشکله تعدد مراکز تصمیم‌گیری حل شده و مسئولیت مشترک میان اعضای شورا و دولت پدید آید؛ هرچند نهایتاً این راهکار نیز گره‌گشایی نکرد. با این وجود، فهرست اعضای شورا کماکان محرمانه باقی مانده بود و اطلاع رسمی و معتبری در خصوص اعضا وجود نداشت (اطلاعات، 1358/4/31، ص 2).

انباشته شدن مشکلات کشور، فاصله گرفتن از فضای آرمان خواهانه ابتدای انقلاب، و درک ناتوانی مسئولان از پیاده‌سازی وعده‌ها، مردم را نسبت به آینده کشور دچار تردید نمود. همچنین، نامعلوم بودن اعضای شورای انقلاب، در کنار اعتراض دولت موقت مبنی بر تعدد مراکز تصمیم‌گیری، همه و همه، انتقادهای بسیاری را از جانب گروه‌های سیاسی متوجه شورای انقلاب کرد. جبهه ملی با حمله به دولت و شورا اعلام کرد دولت بدون قدرت باید کنار رفته و شورای انقلاب نیز منحل شود و قدرت خود را به دولت منتخب رهبری انقلاب واگذار کند (اطلاعات، 1358/5/3، ص 2). در عین حال، برخی نیز مشکل را متوجه دولت موقت می‌دانستند. برای نمونه، ابوالحسن بنی‌صدر معتقد بود دولت بازرگان "نظام" ندارد و مترصد آن است تا بنیان ساختمان رژیم سابق را حفظ نموده و تنها آن را اصلاح کند. از نظر بنی‌صدر، شورای انقلاب چاره‌ای جز این ندارد که با دولت موقت

کار کند و از نظر وی، گزینه مطلوب، جایگزین کردن دولت بازرگان با دولتی انقلابی است (کیهان، 1358/6/24، ص 11). آیت‌الله بهشتی هم بر این باور بود که نقد شورا به دولت موقت ناظر بر این نکته اساسی است که نباید نیروهای انقلابی در پیچ و خم بوروکراسی اداری موجود تضعیف و خنثی شوند (جمهوری اسلامی، 1385/8/12، ص 9).

با درگذشت ناگهانی آیت‌الله طالقانی در شهریورماه ۱۳۵۸، شورای انقلاب رسماً اعلام کرد رئیس خود را از دست داده است. این اولین باری بود که شورا به صورت رسمی، نام یکی از اعضای خود را اعلام می‌کرد (کیهان، 1358/6/19، ص 1). پس از درگذشت آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله بهشتی که تا این مقطع نیز عملاً ریاست شورا را در دست داشت، مسئولیت دبیری شورا را بر عهده گرفت و تا بهمن‌ماه ۱۳۵۸، شورا را اداره کرد.

همان‌گونه که در مذاکرات آمده، از ابتدای آبان‌ماه ۱۳۵۸ دولت و شورا به این توافق دست یافتند که دیگر امکان اداره کشور بر نهج گذشته نیست و دولت موقت باید کناره‌گیری نموده و دولتی با ترکیب جدید جایگزین آن شود. ماجرای اشغال سفارت آمریکا اما، نوعی کاتالیزور بود و تنها به سقوط دولت بازرگان شتاب بیشتری بخشید، درحالی‌که تصمیم این تغییر، روزها قبل از این اقدام در جلسات شورای انقلاب اتخاذ شده بود و در آن، سران دولت موقت نیز خود در زمینه چینش کابینه آتی، به ایفای نقش و اظهارنظر می‌پرداختند. در این راستا، شورای انقلاب اعلام کرد در وضعیت جدید، طرحی ضربتی برای اداره کشور در نظر دارد. بر این اساس، ایران تا پایان انتخابات مجلس، نخست‌وزیر نخواهد و باید تغییراتی بنیادین در نظام اقتصادی و اجتماعی کشور حاصل شود و با جذب نیروهای جوان، مؤسسات و وزارتخانه‌ها از عناصر فاسد پاکسازی شوند. همچنین، ترکیب شورای انقلاب ترمیم گردیده و سه انتخابات برای تصویب قانون اساسی، تعیین رئیس جمهور و انتخاب نمایندگان مجلس به عمل آید (کیهان، 1358/8/16، ص 2). استعفای دولت موقت موجب گردید شورا¹ با در دست گرفتن توأمان امور اجرایی و تقنینی، به کانون مرکزی تصمیم‌سازی و پیاده نمودن تصمیمات تبدیل شود. جای تأمل بسیار است که آیا شورای انقلاب حقیقتاً ظرفیت و امکان تأثیرگذاری بر تحولات و فرایند امور را در این دوره داشت یا صرفاً به صورت ظاهری و اسمی، عنوان چنین جایگاهی را یدک می‌کشید. توجه به مذاکرات شورا و گلابه‌های اعضا نشان می‌دهد کانون‌های متکثر قدرت در دوران گذار پس از انقلاب، اجازه اثرگذاری تام و تمام را از شورای انقلاب سلب می‌کرد و به‌رغم برداشت عمومی، قدرت سیاسی، تمرکزی در نهاد شورای انقلاب نداشت.

دوره بعدی تغییر و تحولات در شورا، متعاقب کناره‌گیری دولت موقت از مصدر امور و سپرده شدن امور اجرایی به عهده شورای انقلاب تحقق یافت. در این راستا، چهره‌هایی چون بازرگان، معین‌فر و... به جمع اعضای شورا پیوستند و جلالی، موسوی و... مسئولیت‌های دیگری را عهده‌دار شدند. با ادغام امور تقنینی و اجرایی در شورا، اعضای شورا مسئولیت‌های اجرایی را نیز بر عهده گرفتند. بهشتی، هاشمی‌رفسنجانی، مهدوی‌کنی و موسوی‌اردبیلی به ترتیب متصدی سرپرستی جهاد سازندگی، وزارت کشور، کمیته‌ها و دادگاه‌های انقلاب و سپاه، و بنیاد مستضعفان شدند (کیهان، 1358/8/22، ص 3). بنی‌صدر نیز همزمان تصدی دو وزارتخانه امور خارجه و اموراتقتصاد و دارایی را عهده‌دار شد (کیهان، 1358/8/21، ص 2). همچنین از شورا، حبیبی به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، عزت‌سحابی به سازمان برنامه و بودجه، شبیانی به وزارت کشاورزی و عمران روستایی، و معین‌فر به وزارت نفت رفتند (کیهان، 1358/8/26، ص 2). در همین ایام بود که پس از مدت‌ها ابهام، روزنامه انقلاب اسلامی وابسته به ابوالحسن بنی‌صدر، اسامی اعضای شورای انقلاب را افشا کرد و از منتظری، بهشتی، اردبیلی، مهدوی‌کنی، خامنه‌ای، باهنر، هاشمی، بازرگان، شبیانی، بنی‌صدر، معین‌فر، قطب‌زاده، حبیبی و عزت‌الله سحابی نام برد (انقلاب اسلامی، 1358/8/22، ص 1).

پیرو این تغییرات، شورای انقلاب در بیانیه‌ای هشدار داد تحصن، گروگان‌گیری و اعتصابات بهانه‌جویانه ممنوع است؛ چرا که این گونه اقدامات ضدانقلابی، چنان که در تجربه شیلی هم مشاهده گردیده بود، تنها آب به آسیاب استعمار می‌ریزد (اطلاعات، 1358/8/27، ص 2). از این مقطع، شورای انقلاب به طرز محسوس و ملموسی با مسئله اجرا و مدیریت کشور درگیر شد و به قول بازرگان، حالا شورا فرصتی پیدا کرده بود که در برابر مسئولیتی که قرار گرفته عمل کند و متوجه اشکالاتی شود که دولت موقت از آن به‌عنوان درد در اداره کشور نام می‌برد (انقلاب اسلامی، 1358/9/3، ص 1). بهشتی بر این باور بود که اختلاف اصلی دولت موقت و شورای انقلاب روی همین جمله بود که: "اختلافی هست، تعدد مراکز تصمیم‌گیری است و نمی‌شود کاری کرد"، اما شورا معتقد بود نباید معطل این حرف‌ها شد و باید ضمن سرعت بخشیدن به اقدامات انقلابی، نیازهای جامعه انقلابی را محقق نمود (کیهان، 1358/9/10، ص 2).

تصدی مدیریت اجرایی توسط شورای انقلاب، منتقدانی نیز داشت. جبهه ملی طی نامه‌ای سرگشاده به امام خمینی اعتراض کرد که سابقه نداشته و عملی هم نیست که شورای انقلاب جایگزین نخست‌وزیر و متصدی مقام اجرایی کشور باشد (انقلاب اسلامی، 1358/9/6، ص 9). از سوی دیگر، جنبش مسلمانان مبارز این نقد اساسی را به شورای انقلاب وارد می‌دانست که روش و طرز عمل و بینش فکری و مشی آن به همراه دولت موقت، در مجموع

با مقتضیات و ضرورت‌های انقلاب تناسب و هماهنگی نداشته و اعضای آن، خط امام را بر مبنای مذاق و مصلحت فردی خویش تفسیر می‌کنند که این امر، برای انقلاب سم مهلکی است (انقلاب اسلامی، 1358/9/28، ص 3). شیخ علی تهرانی، از روحانیون سرشناس، با انتقاد از جلسات غیرعلنی شورا، اظهار داشت شورای انقلاب نقش مجلس را دارد و باید صورت‌جلسات آن به صورت علنی منتشر شود (اطلاعات، 1358/12/15، ص آخر). مسعود رجوی، رهبر سازمان مجاهدین خلق از آیت‌الله بهشتی دعوت کرد تا برای بررسی کارنامه و عملکرد یک‌ساله شورای انقلاب، مناظره‌ای تلویزیونی با وی ترتیب دهد (کیهان، 1358/12/22، ص 15). در حقیقت، رفته رفته و با تمرکز مدیریت اجرایی در شورای انقلاب و مشاهده روند رو به رشد مشکلات جاری کشور، انتقادهای از شورا نیز اوج گرفت و دایره منتقدان، حتی به حامیان گفتمان اسلام فقاهتی نیز تسری یافت. مثلاً آیت‌الله صدوقی در پیامی به شورای انقلاب هشدار داد که بیش از این نشستن و شاهد توطئه بودن، برخلاف تعهدات انقلابی است و تاکنون اقدام چندانی در زمینه پاکسازی‌ها صورت نگرفته است (جمهوری اسلامی، 1358/10/3، ص 4).

در بهمن‌ماه ۱۳۵۸ و برگزاری نخستین انتخابات ریاست جمهوری، بنی‌صدر رئیس‌جمهور شد و به خواست رهبران حزب جمهوری اسلامی از امام، وی هم‌زمان ریاست شورای انقلاب را نیز عهده‌دار گردید. بنی‌صدر در ابتدای کار خود اطمینان داد که تعدد مراکز قدرت و تصمیم‌گیری را حل نموده و وحدت کامل را به ارمغان خواهد آورد (اطلاعات، 1358/11/8، ص 12). در این دوره مقرر گردید تا زمان تشکیل و آغاز به کار مجلس شورای ملی، تصمیم‌گیری امور مملکت با شورای انقلاب باشد. هاشمی‌رفسنجانی، از اعضای شورا اعلام کرد بنی‌صدر یا باید دولت را برای اخذ رای اعتماد به شورا معرفی نماید و یا تا موعد تشکیل مجلس صبر کند (کیهان، 1358/11/9). بنی‌صدر هم مورد اخیر را ترجیح داد. با این حال، از همان ابتدا مشخص شد بنی‌صدر، که خود سابقه یک سال عضویت در شورا را داشته و در آن دوران دولت بازرگان را با انتقادهای پیاپی می‌نواخت، حاضر نیست تصمیمات شورا را برتافته و با روند کلی شورا سر ناسازگاری دارد. وی در اعلامی توأم با هشدار گفت باید ترکیب و تصمیمات شورای انقلاب با رای اخیر ملت (در انتخابات ریاست جمهوری) متناسب باشد (اطلاعات، 1358/11/13، ص 1 و 2). کیش شخصیت و مشی اقتدارگرایانه بنی‌صدر از همان ابتدا مشهود بود. وی پیش از انتخابات مجلس اعلام کرد باید انتخابات مجلس مثل تجسم همان آرایی باشد که به رئیس‌جمهور داده شد (جمهوری اسلامی، 1358/11/30). از این عبارت مشخص می‌شود که در قاموس فکری، وی اعتقادی به اصل مهار و موازنه قدرت وجود ندارد و باید نظامی شخص‌گرایانه، حول محور وی و با نهادهایی مطیع و

منقاد در برابر تصمیمات او، شکل یابد. وی همچنین در آستانه انتخابات مجلس، شدیداً به شورای انقلاب تاخت و گفت شورا دچار ضعف‌هایی است که باید آن را جبران نماید تا قادر به ایفای نقشی قاطعانه در این مرحله باشد. وی بار دیگر از تعدد مراکز قدرت نام برد که بی‌شک، یکی از نمادهای آن را شورای انقلاب می‌دانست (انقلاب اسلامی، 1358/12/23، ص 1 و 12). انقلاب اسلامی، روزنامه وابسته به رئیس جمهور، نیز در حمایت از مواضع وی، شورای انقلاب را مقصر و مسئول اوضاع نابسامان مملکت معرفی می‌کرد. برای نمونه، این روزنامه در مقاله‌ای نوشت رئیس جمهور مسئول دولت فعلی نیست، بلکه دولت فعلی برگزیده شورای انقلاب است و مسئولیت خوب و بد امور نیز با همین شورا و دولت منتخب آن می‌باشد (انقلاب اسلامی، 1359/2/1، ص 1 و 16). در مقابل، آیت‌الله بهشتی، که در افکار عمومی به‌عنوان رقیب و هم‌اورد اصلی بنی‌صدر پنداشته می‌شد، می‌کوشید از موضعی وحدت‌بخش، با پذیرش مسئولیت مشکلات کشور از ناحیه شورا و سایر دستگاه‌های دخیل، فضا را برای حل مسائل آماده نموده و از فرافکنی‌های رایج اجتناب کند. وی با هشدار در خصوص خطر تداوم مناسبات اقتصادی پیش از انقلاب، اعلام نمود این قابل قبول نیست که اداره جامعه در دست ما باشد و باز هم در این مملکت کسی شب گرسنه بخوابد (جمهوری اسلامی، 1359/2/16، ص 2). وی همچنین با پذیرفتن وجود اختلاف نظر میان اعضای شورای انقلاب، در عین حال تأکید کرد همه اعضای شورا پشتیبان نظر اکثریت هستند و بنابراین، قاعده دموکراسی در تصمیم‌سازی‌های درون شورا رعایت می‌شود (کیهان، 1359/2/18، ص آخر).

با تمام این تفصیلات، نخستین مجلس شورای ملی (که بعداً به اسلامب تغییر نام یافت) در تاریخ هفتم خردادماه 1359 به‌صورت رسمی آغاز به کار کرد. دو روز پیش از افتتاح این مجلس، در جلسه‌ای با حضور نمایندگان و اعضای دولت، کارنامه شورای انقلاب تشریح گردید و بار مسئولیت شورا به مجلس منتخب مردم انتقال یافت (اطلاعات، 1359/3/6، ص 2 و 4). با این وجود، شورا تا پایان تیرماه ۱۳۵۹ و همزمان با آغاز رسمی فعالیت دولت منتخب مردم و مجلس، برقرار بود. محمدجواد باهنر از چهره‌های اصلی شورا، چند روز پس از اتمام فعالیت شورا در مصاحبه‌ای گزارشی از بیلان کاری آن را بیان کرد. بر این اساس، شورا ظرف مدت 17 ماه، دو هزار لایحه را به‌تصویب رسانید که گزارش مجموع طرح‌ها و لوایح برای امام خمینی ارسال شد (جمهوری اسلامی، 1359/5/7، ص 11). وی در جایی دیگر، موفق‌ترین طرح شورای انقلاب را لغو قراردادهای استعماری و اخراج مستشاران خارجی در همه سطوح عنوان نمود (جمهوری اسلامی، 1359/6/22، ص 5). بدین ترتیب، پرونده اولین مجلس قانونگذاری ایران در عهد پرتنش و آشوب پس‌انقلابی مختومه گردید.

اینک، با گذشت چهل سال از پایان کار شورای انقلاب، می‌توان با غور در مذاکراتی که برای نخستین بار به صورتی علنی منتشر می‌گردد، به عمق اهمیت آن و پیامدهای تصمیمات آن در مقطع کلیدی مزبور پی‌برد. شایان ذکر است که جلسات ضبط صوتی نمی‌شد و به صورت تندنویسی توسط دکتر عباس شیبانی و در شش ماه آخر توسط مهندس بازرگان یادداشت شده است و از همین روی، در برخی جاها دچار ابهام است. به همین علت، مطالبی که میان دو گروه قرار دارد به متن اضافه شد تا فهم آن را آسان‌تر کند. همچنین، سعی شده توضیحاتی که به نظر می‌رسید برای خوانندگان امروزی که گروه بزرگی از آنان از اطلاعات کافی تاریخی برخوردار نیستند، به صورت پانوشته بیاید که البته می‌تواند کامل‌تر نیز بگردد. نکته آخر این که اگر در تنظیم پانوشته‌ها از به‌کارگیری القاب خودداری شده است نباید به مثابه اسائه ادب به نامبردگان تلقی شود. امید آن که انتشار این سند مهم تاریخی، راه را بر شناخت علمی و جامع‌تر از عملکرد شورای انقلاب هموارتر و درک شرایط و مسائل آن دوره را با تکیه بر مستندات امکان‌پذیرتر سازد.



جلسه سه‌شنبه 1357/12/8

[موضوعات مطرح شده:]

1. در مورد وظایف شورا صحبت شد؛ [جایگاه آن] مثل مجلس در مقابل دولت است.
2. اضافه کردن چند نفر از مؤسسات حساس به شورا مطرح شد (از قبیل دانشگاه، کارگران نفت و ...). قرار شد اعضاء موثر، معرفی و بررسی شوند.
3. امضاء مصوبات توسط یک نفر همراه با مهر مطرح شد؛ قرار شد آقای طالقانی^۱ به‌عنوان دبیر شورا امضاء کنند.
4. در مورد افراد غایب گفتند حبیبی^۲ نمی‌آید، بنی‌صدر^۳ سخنرانی داشته که از قبل وقت داده، قطب‌زاده^۴ می‌آید.

-
1. سید محمود علایی طالقانی (1289-1358) از چهره‌های برجسته و فعال انقلابی و اولین رئیس شورای انقلاب بود. وی سابقه عضویت در نهضت مقاومت ملی و جبهه ملی دوم را داشت و از رهبران نهضت آزادی بود. در طول دوران پس از حادثه 15 خرداد 1342، به زندان و تبعید محکوم شد. وی به نگارش تفسیر پرتوی از قرآن هم پرداخت. طالقانی در ماه‌های پایانی حیات خود، به سبب انتقاد از شرایط سیاسی کشور، در شورای انقلاب حاضر نشد. او نهایتاً در شهریور 1358 بر اثر سکته قلبی درگذشت.
 2. حسن حبیبی (1315-1391) حقوقدان و سیاستمدار، سابقه عضویت در نهضت آزادی را داشت. وی از همراهان امام خمینی در پاریس بود و در ماه‌های نخست انقلاب، به تدوین پیش‌نویس قانون اساسی پرداخت. وزارت ارشاد در دولت موقت، عضویت در شورای انقلاب و نیز سخنگویی شورا، نامزدی نخستین دوره انتخابات ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس اول، وزارت دادگستری در دولت میرحسین موسوی، معاونت اول ریاست جمهوری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۰ و عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، از مهم‌ترین سوابق حبیبی به شمار می‌آید.
 3. سیدابوالحسن بنی‌صدر (متولد 1312) از اعضای شورای انقلاب، وزیر اقتصاد، و امور خارجه، و اولین رئیس جمهوری اسلامی ایران بود. وی پس از رسیدن به جایگاه اخیر، به پیشنهاد رهبران حزب جمهوری اسلامی و با موافقت امام خمینی، ریاست شورای انقلاب را هم در اختیار گرفت و پس از دوره‌ای توأم با تنش و خشونت، در خردادماه سال ۱۳۶۰ با اکثریت رای نمایندگان مجلس و تأیید امام خمینی از ریاست جمهوری عزل گردید.
 4. صادق قطب‌زاده (1314-1361) به همراه امام خمینی از پاریس به تهران آمد و در زمره سیاستمداران مشهور جای گرفت. وی عضو شورای انقلاب شد و ریاست رادیو و تلویزیون را نیز بر عهده گرفت. قطب‌زاده در مقطعی وزارت امور خارجه را نیز در اختیار گرفت و البته در انتخابات ریاست جمهوری اول، شکست سختی را متحمل گردیده و به حاشیه رانده شد. وی نهایتاً در سال ۱۳۶۱ به اتهام طراحی کودتا و توطئه ترور امام خمینی، به اعدام محکوم شد.

5. در مورد کتابخانه مجلس، عبدالحسین حائری^۱، که قبلاً سرپرست بوده، رئیس کتابخانه شود، که قرار شد این فرد به آقای خامنه‌ای^۲ معرفی گردد.

6. در مورد نماینده کارگران نفت گفتند فردی با فکر اسلامی و انقلابی باشد، امینیان از پالایشگاه تهران مطرح شد؛ [اما] گفته شد اگر نماینده از آبادان و جنوب باشد، بهتر است و اگر این شخص در [میان] کارگران آنجا هم نفوذ دارد چه بهتر. [حاضران در جلسه: آقایان 1- باهنر^۳، 2- خامنه‌ای، 3- مهندس سبحانی^۴، 4- شبیبانی^۵، 5-

1. عبدالحسین حائری (1306-1394) کتاب‌شناس، فهرست‌نگار و نسخه‌پژوه ایرانی و از نوادگان حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مدت‌ها ریاست کتابخانه مجلس را عهده‌دار بود.

2. سیدعلی حسینی‌خامنه‌ای (متولد 1318) از روحانیون فعال انقلابی، عضو شورای انقلاب، امام جمعه تهران، معاون وزیر دفاع و از مؤسسان حزب جمهوری اسلامی و سومین دبیرکل این حزب بوده و سابقه نمایندگی مجلس اول را در کارنامه خود داشت. وی، سومین رئیس جمهوری اسلامی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ بود و از سال ۱۳۶۸ و با درگذشت امام خمینی، رهبری نظام جمهوری اسلامی را در اختیار دارد.

3. محمدجواد باهنر (1312-1360) دارای مدرک دکترای علوم تربیتی از دانشگاه تهران بود و در تدوین کتب درسی دینی و قرآن در دوره پهلوی نقش داشت. وی از اعضای اولیه شورای انقلاب بود. وزارت آموزش و پرورش، نمایندگی در مجلس خبرگان قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی از مهم‌ترین مسئولیت‌های باهنر در ماه‌های ابتدایی انقلاب اسلامی است. باهنر از مؤسسان حزب جمهوری اسلامی و دومین دبیرکل حزب بود و با ریاست جمهوری محمدعلی رجایی در مردادماه ۱۳۶۰، مقام سومین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی را برعهده گرفت، اما کم‌تر از یک ماه بعد در حادثه انفجار دفتر نخست‌وزیری به همراه رئیس جمهور به شهادت رسید.

4. عزت‌الله سبحانی (1309-1390) از فعالان ملی-مذهبی، عضو شورای انقلاب و نماینده مردم در مجلس خبرگان قانون اساسی و مجلس اول شورای اسلامی بود. سبحانی همچنین مسئولیت سازمان برنامه و بودجه در دولت موقت را نیز برعهده داشت.

5. عباس شبیبانی (متولد 1310) از مؤسسين نهضت آزادی، عضو حزب جمهوری اسلامی و از اعضای شورای انقلاب بود. وی مسئولیت نگارش مذاکرات شورای انقلاب را برعهده داشت. شبیبانی همچنین سابقه نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری را در کارنامه داشته و مسئولیت وزارت کشاورزی را نیز در برهه‌ای عهده‌دار بود.

طالقانی، 6-قطب‌زاده، 7-مطهری^۱، 8-موسوی‌اردبیلی^۲، 9-هاشمی‌رفسنجانی^۳ و 1-مهندس بازرگان^۴؛ 2-دکتر سحابی^۵، 3-مهندس کتیرائی^۶، 4-دکتر یزدی^۷

مسائل زیر مطرح شد: 1) آب و برق 2) رفع آثار محکومیت‌های سیاسی 3) اماکن عمومی 4) رفرااندوم 5) لغو مالیات‌های مزاحم 6) هیئت امر به معروف و نهی از منکر که رسیدگی شود.

1. مرتضی مطهری (1298-1358) استاد فلسفه، الهیات و کلام اسلامی و از اعضای اصلی و ابتدایی شورای انقلاب بود. وی خصوصاً در مقابله تئوریک با جریان مارکسیستی نقش ویژه‌ای بر عهده داشت. وی 11 اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸ و پس از پایان جلسه شورای انقلاب توسط عوامل گروه فرقان به شهادت رسید.

2. سیدعبدالکریم موسوی‌اردبیلی (1304-1395) از اعضای اصلی شورای انقلاب بود. وی عضو مجلس خبرگان قانون اساسی بود و با ریاست آیت‌الله بهشتی بر دیوان عالی، دادستانی کل کشور را بر عهده گرفت. اردبیلی با شهادت بهشتی در تابستان ۱۳۶۰ به ریاست دیوان عالی کشور منصوب شد و پس از پایان مسئولیت، در قم اقامت گزیده و در مقام مرجعیت شناخته شد.

3. اکبر هاشمی‌بهرمانی مشهور به رفسنجانی (1313-1395) از روحانیون انقلابی و نزدیک به امام خمینی و از اعضای اصلی شورای انقلاب بود. هاشمی از مؤسسان حزب جمهوری اسلامی و یکی از متنفذترین شخصیت‌های سیاسی ایران از بدو انقلاب تا پایان حیات خود به‌شمار می‌رود. ریاست مجلس شورای اسلامی، فرماندهی جنگ هشت ساله، ریاست جمهوری، ریاست مجلس خبرگان رهبری و ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام از مهم‌ترین مسئولیت‌های هاشمی بود.

4. مهدی بازرگان (1286-1373) از اعضای جبهه ملی و مؤسس نهضت آزادی ایران، استاد دانشگاه، رئیس دانشکده فنی دانشگاه تهران و پژوهشگر قرآن بود. بازرگان چند روز پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، با حکم امام خمینی به‌عنوان نخست‌وزیر دولت موقت منصوب گردید و پس از نه ماه، به دلیل آنچه که خود مزاحمت‌های بر سر راه مسئولیت دولت نامید، از این مقام استعفا کرد. وی همچنین نماینده مجلس اول بود و صلاحیتش برای انتخابات ریاست جمهوری سال 1364 از سوی شورای نگهبان مورد تأیید واقع نشد.

5. یدالله سحابی (1284-1381) از مؤسسان نهضت آزادی ایران و زندانی سیاسی دوره پهلوی بود. وی استاد رشته زمین‌شناسی بود و تلاش داشت تبیین علمی از مفاهیم دینی و قرآنی به دست دهد. سحابی مشاور ارشد مهندس بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت بود و عنوان وزیر مشاور را برعهده داشت. وی همچنین نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی نیز بود.

6. مصطفی کتیرائی (1307-1394) پیش از پیروزی انقلاب از اعضای هیأتی بود که امام خمینی به منظور بررسی اعتصاب‌ها در صنایع نفت تشکیل داده بود. وی از مؤسسان انجمن اسلامی مهندسين بود و در دولت موقت بازرگان، مسئولیت وزارت مسکن و شهرسازی را برعهده داشت.

7. ابراهیم یزدی (1310-1396) عضو نهضت آزادی و از اعضای شورای انقلاب، معاون مهندس بازرگان و وزیر امور خارجه دولت موقت بود. یزدی نماینده مجلس اول بود و در زمره مؤسسان سپاه پاسداران قرار داشت و پس از تحولات سال ۱۳۶۰ عملاً به حاشیه رانده شد.

1 - در مورد برق:

مهندس سبحانی: برای جبران کسر درآمد برق، از مصرف بالا اضافه بگیرند و از پائین دست نگیرند [که در اینصورت] تساوی برقرار می‌شود.

دکتر سبحانی: از نظر اجتماعی، گرفتن پول اضافی در این موقع بد است.

هاشمی: صرفه‌جویی‌های دیگری به علت تقلیل کادر هست که جبران می‌کند.

موسوی [اردبیلی]: تبلیغ مفیدی است و یک مقداری تساوی ایجاد می‌کند و هم نشان [دهنده] حمایت از ضعفا [است]؛ ولی گفته شود [که این کار] برای کم کردن مصرف [است]، در ضمن حدود آن معین شود که در چه حدی است.

خامنه‌ای: تأیید حرف بالا.

بازرگان: نخواستیم دولت به‌عنوان گران‌کننده معرفی شود. هر کس که مصرفش زیاد بود نشانه ثروت داشتن نیست، ممکن است عائله‌اش زیاد باشد. از حالا تا آخر سال کمیسیون برای صرفه‌جویی تعیین خواهد شد، محل‌های زیادی هم داریم.

طالقانی: دولت انقلابی کارهایی باید بکند، مناسب با اسمش. خارجی‌ها می‌گفتند دولت مال شمال شهری‌ها است. اول، دولت بودجه را در نظر بگیرد و راه تأمین وضع فقرا را بیش‌تر توجه کند. مدرسه، بیمارستان و غیره رایگان شود. گزارش می‌رسد پول‌هایی جاهایی هست، رقم درشت، در سازمان امنیت، در دو سه جای دیگر، دولت مصرف کند؛ اوقاف هم با اجازه حاکم شرع، کمکی می‌تواند باشد.

(مطهری: حلبی¹ می‌گفت اوقاف بهایی‌ها زیاد است، بگیریم)

یزدی: لایحه به‌صورت فعلی پیشنهاد به دولت شود که قضیه بالا بردن نرخ مصرف در سطوح بالا تجدیدنظر شود و لایحه بخشودگی 25٪ مصرف‌کننده شخصی، بررسی شد.

هاشمی: حرف آقا گفته نشد.

¹ محمود ذاکرزاده تولایی (۱۳۷۶-۱۲۷۹) معروف به شیخ محمود حلبی، رهبر انجمن حجتیه مهدویه معروف به انجمن ضدبهاثیت.

(یزدی: نظر آقا 30 تا 50 تومان بود)

هاشمی: آقا روی 50 تومان اصرار داشت. قرار شد کار فنی در شورا رسیدگی شود.

لایحه بخشودگی درجه بندی مصرف برق تصویب شد.

امضای لایحه توسط آقای طالقانی تصویب شد؛ ذیل نامه قرار شد بعد از این بنویسند دبیر شورا و آقای طالقانی امضاء کنند.

2- لایحه آب بهاء مطرح شد.

شیبانی: مشابه قبلی است؛ اگر بحثی نیست رد شویم.

موسوی اردبیلی: قیمت آب با برق فرق دارد. چه مقدار کم می شود؟

کتیرائی: در حدود 16 تومان می شود.

لایحه آب بها تصویب شد.

3- تشکیل سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر وزارت دادگستری مطرح شد.

قطب زاده: چرا وزیر دادگستری ریاست کند [؟]

بازرگان: بالاخره کسی باید ریاست کند، چون قدرت دادن به دادگستری است.

قطب زاده: نخست وزیر نظارت کند.

بازرگان: کارش زیاد است.

مهندس سبحانی: این، مظهر نظارت قوه قضائیه روی قوه اجرائیه است، چون قانون اساسی جدید حاضر نیست.

کتیرائی: وزیر دادگستری، رئیس قوه قضائیه نیست، بر کار اجرایی آن نظارت دارد و چون مدارک باید به درد دادگاه بخورد، لازم است.

لایحه بازرسی کل کشور تصویب شد.

لایحه رفع آثار محکومیت مطرح شد.

مطهری: از چه کسانی؟

هاشمی: امنیتی نوشته‌اید. مجرمین سیاسی را هم مشمول می‌شود یا نه؟

بازرگان: سیاسی هم آمده.

هاشمی: شامل جاسوسان هم می‌شود.

موسوی اردبیلی: جاسوسان را شامل نشود.

خامنه‌ای: ضد سلطنت ذکر شد.

هاشمی: افسران حزب توده مراجعت می‌کنند یا نه؟

طالقانی: رفع اتهام یک مسئله است، پذیرفتن یکی دیگر.

کتیرائی: در صورت تمایل فرد نوشته شده.

بازرگان: در صورت احتیاج.

قطب‌زاده: اعاده حیثیت یکی است [و] خدمت کردن مسئله دیگر. موظف کردن وزارتخانه صحیح نیست. در امور

مذهبی و ملی، اشکالی ندارد. دیگران هستند که اصرار دارند و اسباب زحمت است.

یزدی: گفته قطب‌زاده درست است. استخدام مجدد، مسکوت شود.

هاشمی: لایحه برگردد.

بازرگان: نظرتان را بگویید چگونه اصلاح کنیم؟

کتیرائی: دولت متهم به غیرانقلابی بودن است. لوایح انقلابی رد می‌شود. دولت بختیار، لایحه تندتر [ی] آورده بود.

ولی تذکر آقای هاشمی در مورد آمدن افسران از روسیه اسباب زحمت است.

مطهری: محدودیت زمانی بگذارید [تا] شامل آنها نشود.

دکتر سبحانی: خیلی بحث شده بود، افرادی هستند [که] مفید می‌باشند.

تیمسار مسعودی^۱: اعاده حیثیت خوب است، ولی افسرانی هستند که مدت‌هاست زندان بوده‌اند، حقوق نگرفته‌اند. پول کلانی می‌شود.

بازرگان: پول در آن نیست، اگر لازم شد، وارد می‌شود. اگر نظر روی صحبت قطب‌زاده باشد، درست است.

مهندس سبحانی: در تصویب عجله نشود. در عفو کامل، تمام عوارض تبعی از بین برود.

شیبانی: اعاده حیثیت تصویب شود.

قطب‌زاده: قسمت اول لایحه بی‌ضرر است و نفع تبلیغاتی دارد. قسمت دیگر [در خصوص] خانواده شهدا لازم‌تر است که بعداً با بررسی اعلام خواهد شد.

طالقانی: اصل تصویب شود. قیود و حدود باشد. قوانین استخدام کشوری معتبر باشد. خیلی‌ها از خط خارج می‌شوند.

هاشمی: دو نکته، تعارف نیست، خیلی کارها می‌توانند بکنند که قبلاً ممنوع بودند. ولی در مورد دیگر، درگیر کمونیست‌ها هستیم.

کتیرائی: لایحه مطالعه شده [و] نقاط ضعف گفته شود تا حل گردد.

طالقانی: پیشنهاد اعاده حیثیت، تعارف است و توجیهات.

بازرگان: نگرانی روی افسران توده‌ای است. قسمت اول، خیلی هم تعارف نیست. [در آن] ضدیت با سلطنت ذکر شده و ساواک را [هم] به رسمیت نشناخته‌ایم.

1. تیمسار علی‌اصغر مسعودی، از افسران قدیمی ارتش بود. وی در دادگاهی در سال ۱۳۴۲ در مقام وکیل مدافع از امام خمینی دفاع می‌کند و همین امر به اخراج او از ارتش منتهی می‌شود. با توجه به شناخت امام و مطهری از مسعودی، وی به شورای انقلاب دعوت می‌شود (منبع: روزنامه شرق؛ سرنوشت متفاوت اعضای شورای انقلاب؛ 1398/11/21).

تیمسار مسعودی: اعاده حیثیت، قانون فعلی ما دارد، ولی مدت دارد. اگر بنویسیم از این تاریخ اعاده حیثیت می‌شوند، رفع اشکال می‌گردد.

بازرگان: [با] آنهایی که به جرم جاسوسی متهم شده‌اند، باید چه کرد؟

تیمسار مسعودی: اگر از این تاریخ بشود، خودبه‌خود مشمول هستند.

موسوی‌اردبیلی: مسئله [مد نظر] هاشمی حیاتی است؛ ما با شاه مخالفیم، حالا دشمن بدتر را سر کار نیاوریم. اصل کلی، جاسوسی برای دشمن است، مبارزه مسلحانه مطرح است.

بازرگان: چنین اثری ندارد، استخدام را برمی‌داریم.

مطهری: مفهوم مخالف آن، این می‌شود که هر کسی محاکمه و محکوم سیاسی شده، محکومیت او غلط بوده؛ پنج درصد ممکن است درست باشد. حق اعاده دادرسی بدهید. عمل انقلابی در هر کار درست نیست.

بازرگان: در دسر دارد.

مطهری: منطقی نیست هر چه بوده عفو شود.

دکتر سبحانی: علاج، برداشتن قسمت اخیر است.

مطهری: حکم عفو را دارد.

مهندس سبحانی: آثار لایحه، مطالبی دارد. در تصویب عجله نشود. قید کنیم [که] از این تاریخ، اعاده حیثیت می‌شود. در مورد افسران، چون سن بالاتر از 50 است، استخدام مجدد ندارد.

خامنه‌ای: نکات مورد نظر، مسئله استخدام در ارتش و فرهنگ مطرح است.

بازرگان: تذکرات را بدهید [که] چه باید باشد و چه نباید باشد.

قرار شد وزیر دادگستری بیاید و توضیحاتی بدهد.

لایحه ارجاع شد، رسیدگی مجدد گردد.

4- لایحه مراکز رفاه خانواده (سازمان زنان ایران) مطرح شد.

دکتر سحابی: سازمان زنان از کارهای اشرف^۱ است. می خواهیم آن را به وزارت کار بدهیم.

شیبانی: به وزارت کار ندهید، در آنجا چپی‌ها هستند و آنها را زیر نفوذ خود درمی‌آورند.

دکتر سحابی: تمام از وظایف وزارت کار است، بعضی قسمت‌ها را به وزارت بهداشت داده بودند که وظیفه آن نبود [و] سوء استفاده شد.

یزدی: نمی‌دانم اینجا باید مطرح شود یا نه، چند زن که در کاباره‌ها کار می‌کردند مراجعه کردند؛ ساکنین قلعه^۲ هم که تعدادشان شش هزار نفر است. ساکنین قلعه، اگر در خیابان‌ها پراکنده شوند، سبب گسترش فساد است.

خامنه‌ای: تأیید حرف دکتر شیبانی؛ وزارت کار، مرکز چپی‌هاست. دارالایتم حساس است. جای دیگر [لحاظ شود].

قطب‌زاده: [درباره] مشکلات توده‌ای‌ها باید تصمیم کلی در تمام جهات گرفت. تمام کسانی که از رژیم ناراحت هستند. وزارت خارجه رفته است دست چپی‌ها.

مطهری: در زمینه سلامتیان^۳، مسئول خود دولت است که راجع به معاونین ناراحت شد.

شیبانی: به وزارت کار داده نشود.

بازرگان: راجع به کاباره‌ها و غیره، دکتر یزدی نباید حرف می‌زد. مسئله کوچکی است [و] اثری ندارد. دخالت چپی‌ها در روزنامه و تلویزیون هست، اعتراض می‌شود به قطب‌زاده. در حالی که کار خوب است. بگذارید رد شود. سلامتیان معاون نیست. به دکتر سحابی گفتم معاون را قبلاً بگوئید با نظر دوستان باشد. ولی [در مورد] آمدن آن فرد به وزارتخانه، نمی‌شود گفت [که] نیاید، [او] کار خودش را می‌کند.

1. اشرف پهلوی (1298-1394) خواهر دوقلوی محمدرضا پهلوی بود و با بهره‌گیری از رانت‌های گسترده سیاسی و اقتصادی، در حوزه‌های گوناگون به ایفای نقش پرداخت. وی به فساد مالی و قاچاق مواد مخدر نیز متهم بود.

2. نام محله‌ای در تهران و مجموعه‌ای از روسپی‌خانه‌ها و میخانه‌ها را در بر می‌گرفت.

3. احمد سلامتیان (متولد 1323) از اعضای سابق جبهه ملی بود. وی در دوره تصدی وزارت امور خارجه توسط کریم سنجابی، در ماه‌های ابتدایی انقلاب، به معاونت سیاسی وزارت امور خارجه منصوب شد. سلامتیان نماینده مجلس اول بود و از هواداران جدی ابوالحسن بنی‌صدر به‌شمار می‌رفت.

هاشمی: وزارت کار را باید درست کرد.

لایحه تصویب شد.

[موضوع: کیفیت برگزاری فرماندوم تغییر رژیم:]^۱

1. در خصوص شکل و محتوای رژیم پس از سرنگونی رژیم سلطنتی، از مدت‌ها قبل مباحثی توسط چهره‌ها و گروه‌های مختلف مطرح می‌شد. امام خمینی همزمان با حضور در پاریس و انجام مصاحبه با رسانه‌های مختلف، از عنوان حکومت اسلامی برای تشریح آلترناتیو رژیم شاه استفاده می‌کرد. چنانچه در مصاحبه‌ای اعلام داشت: در حکومت اسلامی دیکتاتوری وجود ندارد (کیهان، 1357/11/3). در آن مقطع حتی آیت‌الله شریعتمداری، از مراجع محافظه‌کار ق، نیز اعلام کرد حکومت اسلامی مبتنی بر اراده و خواست مردم بوده و ماهیتی ضداستبدادی دارد (اطلاعات، 1357/11/4، ص 2) و از این طریق تلویحاً محتوای مذهبی حکومت آتی را تأیید می‌کرد. با این وجود، جناح‌های فکری و شخصیت‌های سیاسی مختلف رفته رفته کوشیدند گونه مطلوب خود را برای شکل آتی حکومت در کشور ترویج دهند. امام خمینی در روزهای ابتدایی حضور در تهران، شرط برقراری جمهوری را در کشور، موافقت مردم اعلام کرد (آیندگان، 1357/11/15، ص 1) و جمهوری اسلامی را تأیید نمود.

حزب توده از ایده برقراری جمهوری اسلامی حمایت نمود (اطلاعات، 1357/11/16، ص 1). کریم سنجابی، رهبر جبهه ملی هم اعلام کرد محتوای جمهوری اسلامی، دموکراتیک است (کیهان، 1357/11/24، ص 6). اما بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، در اواخر بهمن اعلام کرد سال برای تعیین رژیم آینده در فرماندوم این خواهد بود که: "جمهوری دموکراتیک اسلامی: آری یا نه؟" (کیهان، 1357/11/30). بر همین اساس، رئوس قانون اساسی احتمالی جمهوری دموکراتیک اسلامی نیز اعلام شد که عبارت بودند از: اداره سازمان‌ها توسط شوراها، مشارکت همه گروه‌ها با توجه به میزان تأیید توده‌ها از آنها، تعیین نخست‌وزیر با انتخاب رئیس جمهور و تأیید پارلمان، تشکیل شورای نگهبان قانون اساسی برای جلوگیری از هرگونه تخطی و تجاوز به اصول قانون اساسی (کیهان، 1357/12/1، ص 1). این پیش‌نویس قانون اساسی، توسط کارگروهی در دولت بازرگان تهیه شده بود. روشن بود که بازرگان و همفکرانش در نهضت آزادی، به جای جمهوری اسلامی، از جمهوری دموکراتیک اسلامی پشتیبانی می‌کردند، کما این که شخص بازرگان در مراحل اولیه اعلام کرده بود باید به جمهوری اسلامی صفت دموکراتیک را نیز افزود (کیهان، 1357/11/4، ص 3).

در روزهای واپسین سال ۱۳۵۷، مباحث جدی و گرمی درباره کیفیت فرماندوم تغییر رژیم و قانون اساسی آن درگرفته بود. برای نمونه آیت‌الله شریعتمداری اظهار داشت پاسخ به فرماندوم لازم نیست محدود به دو شکل باشد، بلکه بهتر است از مردم سوال کنند که چه نوع حکومتی می‌خواهند و پاسخ را به عهده خود مردم بگذارند (اطلاعات، 1357/12/5، ص 8). اما آیت‌الله مرعشی نجفی، دیگر مرجع حوزه علمیه قم، خواستار آن شد تا در "جمهوری اسلامی"، رهبری سیاسی، اقتصادی و اخلاقی به دست روحانیون باشد (کیهان، 1357/12/5، ص 8). چند روز بعد بازرگان در مصاحبه‌ای با لوموند اذعان می‌کند که توافق شده تا در فرماندوم فقط یک پرسش از مردم مطرح شود و آن این است که: "آیا جمهوری اسلامی می‌خواهید؟" (کیهان، 1357/12/9، ص 3). در حقیقت،

مقرر گردید تا پرسش همه‌پرسی، ناظر بر موافقت یا مخالفت با جمهوری اسلامی، به جای رژیم سلطنتی باشد: "تغییر رژیم سابق به جمهوری اسلامی که قانون اساسی آن از تصویب ملت خواهد گذشت: آری یا نه؟" (اطلاعات، 1357/12/9، ص 1).

موضع آیت‌الله طالقانی اما این بود که مردم باید بدانند به چه چیزی رای می‌دهند (کیهان، 1357/12/12، ص 8) و از این رو خواستار روشن شدن موضوع با شکل‌گیری بازار بحث و نظر بود. سنجایی، رهبر جبهه ملی بار دیگر با دفاع از جمهوری اسلامی و محتوای دموکراتیک آن، ابراز داشت روحانیت خواهان حکومت مستقیم خود نیست، بلکه خواستار نظارت قانونی بر امر حکومت است (کیهان، 1357/12/13، ص 7). امام خمینی نیز قاطعانه بر عبارت "جمهوری اسلامی" برای حکومت آینده اصرار می‌ورزید. وی آزادی بیان را مندرج در متن حکومت جمهوری اسلامی می‌دانست و حتی کمونیست‌ها را به پذیرش این فرم حکومتی دعوت می‌کرد و معتقد بود ملت بصورت یکپارچه جمهوری اسلامی می‌خواهد (کیهان، 1357/12/19، ص 3 و 4). در مقابل، آیت‌الله شریعتمداری از مسئولان می‌خواست از مردم پرسید چه نوع حکومتی می‌خواهند؛ چرا که مردم به جز جمهوری اسلامی چیز دیگری را انتخاب نمی‌کنند (کیهان، 1357/12/20، ص 4).

در آستانه انتخابات، غالب گروه‌های سیاسی حمایت خود را از عنوان جمهوری اسلامی به‌عنوان حکومت آینده ایران، اعلام می‌کردند. حزب توده ضمن دعوت همه مردم به رای مثبت به جمهوری اسلامی، اظهار داشت که به این شکل حکومتی رای خواهد داد (کیهان، 1357/12/24، ص 8). آیت‌الله طالقانی نیز وعده داد همه مردم در جمهوری اسلامی آزادند و مردم آن را درک خواهند کرد، چرا که روی آن کار شده است (کیهان، 1357/12/26، ص 3). سازمان مجاهدین خلق اعلام کرد برقراری حکومت جمهوری اسلامی، خواست اکثریت قاطع مردم است و برای ما هم کمال مطلوب است و سازمان علی‌رغم ایراداتی که به لحاظ حقوقی برای سوال فرزندم قائل است، مطابق نظر اکثریت قاطع مردم ایران و حسب نقطه‌نظرهای ایدئولوژیکی خود به جمهوری اسلامی رای مثبت می‌دهد (کیهان، 1357/12/27، ص 2). آیت‌الله شریعتمداری گفت به جمهوری اسلامی رای مثبت خواهد داد (اطلاعات، 1357/12/28، ص 3). حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان، وابسته به شریعتمداری هم اعلام کرد رای خود را به جمهوری اسلامی خواهد داد (اطلاعات، 1358/1/8، ص 8). علاوه بر حمایت از جمهوری اسلامی توسط شخصیت‌های ملی نظیر اللهیار صالح یا علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی، که از روشنفکران آن روزگار به‌شمار می‌رفت، (کیهان، 1358/1/9، ص 1) آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، از مراجع تقلید شهیر نجف، نیز از مردم خواست تا به جمهوری اسلامی رای دهند (اطلاعات، 1358/1/9، ص 2).

در ایام تبلیغات همه‌پرسی تغییر نظام، بار دیگر از برخی رؤس قانون اساسی آتی پرده‌برداری شد. این بار اما برخی مواد با آنچه که قبلاً اعلام شده بود مغایرت داشت. از جمله اینکه مقامی به‌عنوان نخست‌وزیری طراحی نگردیده و رئیس‌جمهور با رای مستقیم مردم برای مدت پنج سال انتخاب می‌شد. در این طرح، همچنین پارلمان تک‌مجلسی و تساوی کامل حقوق زن و مرد برقرار بود. رئیس‌جمهور نیز حق انحلال مجلس را نداشت، مگر آن که خود نیز استعفا کند (اطلاعات، 1358/1/7، ص 2). اداره کشور از طریق شوراها، آزادی بیان، احزاب سیاسی، مطبوعات و اجتماعات به‌طور کامل، آزادی کامل ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، و کردها در تعیین حق سرنوشت خود و ... از دیگر رؤس این طرح قانون اساسی بود (کیهان، 1358/1/7، ص 2). به نظر می‌رسد هدف از اعلام برخی از رؤس قانون اساسی در این مقطع، این بود تا پرده‌ای از آنچه قرار است در حکومت جایگزین رونمایی شود، به افکار عمومی عرضه گردد تا این ادعا که ماهیت جمهوری اسلامی و قوانین آن کاملاً مبهم و نامشخص بود، نقض شود.

دکتر سبحانی: لایحه فراندوم مطرح شد. وزارت کشور ده میلیون تومان مخارج [برای برگزاری فراندوم] در نظر گرفته بود. وزارت کشور فرمی می‌دهد که موافق نیستم. پیشنهاد کردم کمیسیونی تشکیل شود [و] یک نفر از اعضای شورا [ی انقلاب] هم در آن شرکت کند.

هاشمی: تغییر نظر آقا در تیتراژ تأمین شده یا نه [؟] ایشان گفتند تغییر رژیم سلطنتی به جمهوری اسلامی که قانون اساسی آن بعداً توسط مجلس مؤسسان تصویب شود، درست نیست. دنبال مجلس مؤسسان^۱ نباید رفت. [به ایشان] گفته شد که در فرمان چنین [آمده] بوده، گفتند فعلاً مسکوت بماند. [چون] مجلس مؤسسان خرج دارد. طالقانی: این مطلب قبلاً تصویب شد. هاشمی: آقا گفتند تجدیدنظر شود.

فراندوم در روزهای 10 و 11 فروردین ماه ۱۳۵۸ برگزار شد. امام خمینی در پیامی اعلام کرد پاسخ «نه» به پرسش فراندوم، به معنای تأیید رژیم سلطنتی نیست (اطلاعات، 1358/1/11، ص 5). آیت‌الله شریعتمداری نیز گفت برای این که دولت را تضعیف نکنم، با این نوع فراندوم موافقت کردم، چرا که عقیده‌ام این بود که فراندوم به این صورت محدود نباشد (اطلاعات، 1358/1/11، ص 4). فراندوم با اقبال گسترده مردم به جمهوری اسلامی همراه شد. علاوه بر رای چهره‌هایی مثل مسعود رجوی و موسی خیابانی، رهبران سازمان مجاهدین خلق، به جمهوری اسلامی (کیهان، 1358/1/11، ص 4)، گفته شد که امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر سیزده سال از دوران حکومت پهلوی نیز به جمهوری اسلامی رای مثبت داده، چرا که از صندوق زندان قصر، رای منفی خارج نشده است (اطلاعات، 1358/1/11، ص 7). در مجموع، با اقبال بیش از 98 درصد آرا، "جمهوری اسلامی" جایگزین رژیم سلطنتی گذشته شد (کیهان، 1358/1/12، ص 2 و 3). امام خمینی نیز در پیامی رسماً جمهوری اسلامی را اعلام نموده و تأکید کرد باید 12 فروردین ماه را عید بگیریم (اطلاعات، 1358/1/12، ص 8). این فراندوم با حضور ناظران بین‌المللی برگزار شد. رئیس هیأت بین‌المللی حقوقدانان دموکرات در توصیف شرایط حاکم بر فراندوم گفت این همه‌پرسی منطبق با شرایط ایران بود و تحریم برخی گروه‌ها (همچون چریک‌های فدایی خلق) قانونی بودن فراندوم را نفی نمی‌کند (اطلاعات، 1358/1/12، ص 8). هزینه این فراندوم نیز در مجموع، چیزی کم‌تر از سه میلیون تومان برآورد شد (کیهان، 1358/1/20، ص 2).

1. در ادامه مذاکرات، درباره مسائل مربوط به تشکیل مجلس مؤسسان، و نهایتاً مجلس خبرگان قانون اساسی توضیحاتی آورده خواهد شد.

دکتر سبحانی: [در مورد] این مسائل تذکر به صدر^۱ داده شد.

مهندس سبحانی: اطلاع نداشتیم [که] آقا چنین نظری دارند. مجلس مؤسسان، مسائلی مطرح می‌کند. مجلس مؤسسان محل بحث می‌شود. هرچه [در تشکیل] مجلس مؤسسان، تاخیر شود، اعتراضات بیش‌تر می‌شود. [بهتر است] یک کاسه کنیم. رفراندوم دیرتر [برگزار شود]. قانون اساسی که در شرف اتمام است، معلوم شود. آقا در رسیدگی تسریع کنند و [در رفراندوم] گفته شود [با] رژیم جدید که قانون اساسی آن چنین است موافقید یا نه.

یزدی: تجدیدنظر در مصوبات اشکالی ندارد. چون شرایط، سریع‌تر عوض شده و درگیری ارتش با دولت مطرح نبود. یک کاسه کردن رفراندوم بدین دلیل است.

قطب‌زاده: پیش‌بینی در پاریس می‌شد. مجلس مؤسسان عقده شده. در دوره فترت حداقل قانون اساسی تقدیم شده. به نظر می‌رسد اگر سرعت به خرج دهیم بهتر است. از قرن نوزدهم در دنیا، یک مجلس مؤسسان تشکیل نشد.

دکتر سبحانی: مخلوط کردن سبب اشکال می‌شود. مسئله تعویق شده. باید دید نظر مردم با آمار چیست. اساس قانون اساسی ذکر شود. اگر دموکراسی مطرح است، نظر عموم خواسته شود. یک آری یا نه بگیریم. باید اظهار نظر شود. اول رفراندوم بکنیم؛ رژیم جمهوری اسلامی که محرز شد، یعنی آمار بدهیم تا مسجل شود. بگذارید مجلس مؤسسان باشد.

شیبانی: با نظر دکتر موافقم. چون آقا نوشته دادند، لازم است عمل شود.

مطهری: مقداری حل شد. جمهوری اسلامی که قانون اساسی آن از تصویب ملت خواهد گذشت. اگر آن‌طور که گفتند قانون اساسی آماده است که زود می‌شود بررسی شود، بهتر است.

موسوی‌اردبیلی: تاخیر رفراندوم صحیح نیست. ولی هرچه سرعت به خرج دهند کم‌تر از یک ماه نخواهد بود؛ قانون اساسی را اگر تصویب شده باشد، تا ده روز دیگر در اختیار مردم باشد مواد بدون ... بروند مطالعه کنند.

2. احمد صدراعظم سیدجوادی (1296-1392) از چهره‌های ملی- مذهبی، عضو نهضت آزادی و اولین وزیر کشور جمهوری اسلامی بود. پس از آن وی وزارت دادگستری را نیز تجربه کرد و نماینده مردم در مجلس اول شورای اسلامی بود. وی مجری برگزاری رفراندوم جمهوری اسلامی در 10 و 11 فروردین ماه ۱۳۵۸ بود.

این مدت را کم نمی‌دانم. برای اظهار نظر هرچه فرصت پیش‌تر باشد [و] بیش‌تر حرف بزنند بهتر است. اگر رفراندوم اولی را تأخیر نکنند بهتر است؛ اگر عملی باشد نظر دکتر سبحانی [مورد قبول است].

بازرگان: چون مطلب تکرار شد، جواب تکراری است. جلسه قبل قطب‌زاده گفت رفراندوم یک کاسه باشد؛ خود ایشان دیدند [که] امکان‌پذیر نبود. قانون اساسی آماده نیست. قانون اساسی چیزی نیست که به سادگی بشود رسیدگی کرد. از آقا خواستم لایحه را بدهند ببینم، گفتند نمی‌شود؛ به من هم نمی‌دهند. چیزی که با سرنوشت اسلام سروکار دارد، ساده نباید گرفت. چون این قانون نظام اسلامی، اول مرتبه است که مطرح می‌شود، خیلی لازم است بررسی و دقت شود. در مورد مبارزه با چپی‌ها، اول قدم من بودم [که با آنها مخالفت داشته‌ام]، با آنها موافق نیستم. [اما] با سیستم چماق نباید روبه‌رو شد. با خدعه و نیرنگ هم درست نیست. فقط چپی‌ها هم نیستند. دوستان مسلمان هم هستند. بیست روز برای رسیدگی کافی نیست. چون من نخست‌وزیر منتخب ایشان گفته‌ام قانون اساسی در مجلس مؤسسان مطرح خواهد شد؛ ایشان به من برای این کار فرمان داده‌اند. دیروز به مخبر لوموند گفتم یا واقعاً اکثریت است یا نه. ما همه جا برویم حرف بزنیم، توضیح بدهیم، از راه صحیح. [باید] در حداقل مدت رفراندوم برای جمهوری اسلامی [برگزار شود]، بعد قانون اساسی تدوین و اعلام شود، قانون اساسی بررسی شود، طرح شود، طرح پیشنهادی برود مجلس، مردم در انتخاب نمایندگان دخالت می‌کنند. قرار شد این مطلب بررسی بیش‌تر شود تا جلسه بعد.

[مسئله گوشت‌های منجمد:]^۱

1. یکی از مسائل مطرح پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حلال یا حرام بودن گوشت‌های منجمد و نظارت بر ذبح شرعی بود که به‌صورت خاص از جانب مراجع تقلید پیگیری می‌شد. از این رو امام خمینی طی حکمی خطاب به مهندس بازرگان از وی خواست تا به مقامات مربوطه دستور دهد از ورود گوشت‌های یخ‌زده و مصرف آنها به‌شدت جلوگیری شود و گوشت‌های موجود نیز، به دلیل نجاست و حرام بودن مصرف آنها، از بین برده شود (صحیفه امام خمینی، جلد 6، ص 280). متعاقب این امر، خردادماه سال 1358 اعلام شد که هیأتی برای نظارت بر ذبح و تأمین گوشت به استرالیا می‌رود. در استرالیا شش کشتارگاه مورد تأیید قرار گرفت تا واردات گوشت ایران از آن صورت گیرد (کیهان، 1358/3/17، ص 6) و با این اقدام، ده هزار تن گوشت از استرالیا خریداری شد (کیهان، 1358/3/21، ص آخر).

هاشمی: پیشنهاد جدید. در مورد گوشت منجمد، کسی مراجعه کرده. دیشب آقای خوانساری^۱ هم ملاقات کرد با آقا. آقا گفته‌اند جلوی مصرف گوشت منجمد که حلیت آن معلوم نیست، گرفته شود. آقا گفته‌اند تا حلیت گوشتی که منجمد شده، ثابت نشود، حرام است، نمی‌شود خورد. گفته شد معدوم کردن فعلاً مطرح نشود.

طالقانی: گوشت منجمد کجاست؟ بدهید سفیر امریکا بخورد، چون گوشت نداشته است.

هاشمی: فعلاً مطرح شود گوشت یخ‌زده مصرف نشود، دو سه نفر مأمور شوند رسیدگی کنند [که] ذبح شرعی شده یا نه.

کتیرائی: دولت رسیدگی کند. اعلام لازم نیست. فقها در حلیت و حرمت اختلاف ندارند. برسیم که قحطی نشود.

هاشمی: در گوشت، باید محرز شود [که] حلال است.

یزدی: باید تحقیق شود.

هاشمی: در مورد گوشت باید ثابت شود [که] حلال است یا نه. آب این‌طور نیست. کره نیست.

طالقانی: باید محرز شود از دست کافر است تا حرمت ثابت شود. اگر ندانیم از کجاست عنوان بازار مسلمین، عنوان ثانوی است، کسانی که ...

موسوی‌اردبیلی: اگر آقا فتوا داده، نظر ما بی‌مورد است. دولت اگر می‌فروشد، اشکال دارد. اگر شرکت است، مثل مشروب‌فروشی است، اگر فروشنده دولت است، تحقیق شود. جهت دیگر مسئله آقای طالقانی، اصالت عدم تزکیه همه جا هست. سوق مسلم، ید مسلم، مسئله‌ای است. می‌دانم از خارج آمده، بلاد را نمی‌دانم [که] کفر است یا اسلام. در اینجا اصالت، عدم ذبح شرعی حاکم نیست سوق مسلم و ...

خامنه‌ای: سوق مسلم در اینجا اگر مسلم باشد، مثلاً از پاکستان درست است.

موسوی‌اردبیلی: اگر از بلاد کفر بیاید.

طالقانی: با آقا صحبت شود.

2. سیداحمد موسوی‌خوانساری (1363-1270) از مراجع تقلید شیعه و از جمله روحانیون محافظه‌کار در قبال حکومت پهلوی به‌شمار می‌رفت.

شیبانی: دولت رسیدگی کند معلوم شود [که] مثل رسومات زمان مصدق^۱، این مطلب توطئه نباشد علیه دولت. بازرگان: انواع خلاف شرع در مملکت هست [که] باید از بین برود. دو راه است: اول چشم‌پسته اقدام شود یا این که مهلت بدهند [و] مثل دوران 2500 ساله فرامین رعد و برقی ندهند. قطب‌زاده: یک جلسه در حضور آقا انجام شود.

مهلت داده شد، رسیدگی شود.

در مورد رفراندوم [تغییر رژیم]:

بازرگان: عبارت رفراندوم چیست؟

قطب‌زاده: در مورد رفراندوم در مورد جمهوری اسلامی هنوز معلوم نیست روی چه اصلی رای می‌دهند. قانون اساسی قبل وجود دارد یا نه؟ باید جمهوری اسلامی معلوم شود. پیش‌داوری نسبت به قانون اساسی شده، [به] علت این که صریح دور و بر آن جمع‌آوری شده. آقای نزیه^۲، بدون وارد بودن، مصاحبه کرد که قانون اساسی نوشته می‌شود باید بگویم این قانون اساسی تدوین شده با مقایسه با تمام قانون اساسی‌های دنیای متمدنی، متمدنی‌ترین قانون دنیاست. مسئله مملکت مطرح است که به جایی برسد. هر مجلس مؤسسان که تشکیل شود، حداقل یک سال باید [بحث کنند] تا تصویب شود.

مهندس سبحانی: به دنیا چه بگوئیم؟ مردم رای می‌دهند به جمهوری اسلامی؛ چیزی که نمی‌دانند. رفراندوم که بشود، مجلس مؤسسان خطرناک است. حداکثر سه ماه درست نیست؛ سه سال می‌شود [طول می‌کشد که کار تدوین قانون اساسی را انجام دهد].

1. محمد مصدق (1345-1258) نخست‌وزیر مشهور دوره پهلوی دوم، نماینده مجلس شورای ملی و مبدع سیاست موازنه منفی.
1. حسن نزیه (91-1300) از مؤسسان نهضت مقاومت ملی و از اعضای اولیه نهضت آزادی ایران و عضو کانون وکلای دادگستری. وی در دوران دولت موقت، به‌عنوان مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران منصوب شد. پس از طرح سخنانی که در آن نسبت به پیاده‌سازی احکام اسلام تشکیک نمود، از جانب نیروهای اسلام‌گرا مورد اعتراض قرار گرفت و نهایتاً با طرح اتهام علیه او در زمینه حیف و میل بیت‌المال و برخی مسائل در حوزه شرکت نفت، استعفا کرده و ایران را ترک نمود.

شیبانی: رفراندوم لازم است. مجلس مؤسسان هم لازم است، چون آقا فرمان داده‌اند که این کار بشود.
هاشمی: قانون اساسی باید رسیدگی شود. حرف‌های آقای مهندس [بازرگان] و دکتر [شیبانی] و قطب‌زاده خطابه
بود.

(جلسه بعد: ساعت 10 پنج‌شنبه 1357/12/10، منزل دکتر شیبانی)



جلسه پنج‌شنبه 1357/12/10

[حاضران: تیمسار مسعودی، رفسنجانی، خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، مهندس سحابی، شبیانی.]

قبل از دستور:

موسوی [اردبیلی]: در مسئله رفراندوم [تغییر رژیم] دو نظر است: یکی [این است که] آری جمهوری، نه سلطنت، بعد مجلس مؤسسان [تشکیل شود]؛ نظر دیگر [اینست که] قانون اساسی تکمیل شود و اصل مسئله یک‌جا به رای گذاشته شود. اگر قانون اساسی را از آقا بگیریم، هیئتی روی آن حدود ده روز بررسی کند و اگر لازم است اصلاح کنیم و بیست روز بحث شود، نظر مردم گرفته شود، صد نفر آماده کنیم، با توسل به گفتن و نوشتن و توضیح از آن دفاع کنند. بیست روز یا یک ماه بعد از آن که حرف‌ها زده شد [و] مخالفین مطالب خود را گفتند و احياناً اصلاحاتی به عمل آمد، در معرض افکار قرار داده و یک جا رای گرفته شود.

دستور:

بهشتی^۱: سه مسئله مطرح است: نظریات درباره قانون اساسی و رفراندوم، تشکیلات شورا. [در مورد] تشکیلات شورا، یک رئیس با حق امضاء [نیاز است]. ممکن است کس دیگری مسئول اداره باشد که آقای طالقانی رئیس هستند. منشی، شبیانی [است].

طالقانی: ممکن است من نباشم، نایب‌رئیس معین کنید.

جمع: آقای بهشتی، نایب‌رئیس.

مهندس کتیرائی: آئین‌نامه می‌خواهد.

مهندس سحابی: غیر از رئیس و منشی، تقسیم کار لازم نیست.

1. سیدمحمد حسینی‌بهشتی (60-1307) رئیس شورای انقلاب، مؤسس و نخستین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی، اولین رئیس دیوان‌عالی کشور پس از انقلاب اسلامی و از چهره‌های پرنفوذ سال‌های ابتدای انقلاب اسلامی است. بهشتی در جریان تحولات ترویرستی تیرماه سال 1360 در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

بهشتی: چرا. کمیسیون‌هایی لازم است.

مهندس سبحانی: اگر لازم است، بفرمایید.

هاشمی: اولین کار مهم، مسئول اداره است.

بهشتی: نایب‌رئیس معین شود. کار تشکیلاتی درست شود. دو نفر برای نوشتن آئین‌نامه داخلی معین شوند.

کتیرائی: من آقای بهشتی را معرفی می‌کنم.

نیابت آقای بهشتی [در شورای انقلاب] تصویب شد.

دو نفر برای نوشتن اساسنامه داخلی معرفی شدند، باهنر و مهندس سبحانی، نامزد کمیسیون موقت تعیین آئین‌نامه.

بنی‌صدر: من نبودم، روی چه رای بدهم [؟]

بهشتی: توضیح دادند.

تصویب شد.

اعضای اضافه شورا مورد بحث واقع شد.¹

بنی‌صدر: شورای انقلاب غایب، امام زمان غایب، دولت غایب، کمیته امام غایب، خود امام غایب. دیروز کارگران اصرار داشتند وزیر کار بیاید توضیح بدهد، نیامد. توده مردم، اتصال به تصمیم‌گیرنده‌ها را ندارند. این کار، بی‌خطر نیست. مردم حقی دارند. کارگران می‌گویند ما نباید باشیم [؟] دانشگاهی باشد. دانشجو باشد. کارگر باشد. دهقان باشد. زنان باشند.

بهشتی: بانوان داشت.

بنی‌صدر: نه، شما تعیین کنید. می‌شود آراء آنها را گرفت.

1. در خصوص اعضای شورا و تغییر ترکیب آن، و نیز ریاست شورا، در مقدمه توضیحاتی آورده شد.

خامنه‌ای: این حرف، زمزمه‌اش هست. قبول ندارم، ولی [در مورد این که] ترکیب قشرهای مختلف باشد، نمایندگان واقعی این قشرها را نمی‌شود پیدا کرد. ممکن است تشکیلاتی باشند و نماینده نداشته باشند. بازاری‌ها هم هستند. بنی‌صدر: آنها هم باشند.

خامنه‌ای: در [مورد] کارگران حرف هست؛ ممکن نیست. [همچنین در مورد] دانشجویها و قشرهای دیگر. شورای انقلاب پارلمان نیست که نمایندگان ملت باشند. ترکیب نمایندگان قشرهای مختلف نیست. آنهایی که هستند، قدرت استثنایی است. برای رسیدن به تشکیلات درست مملکتی، این تشکیلات را خمینی معین می‌کند. اینها کسانی هستند که کم و بیش در مبارزات شرکت داشته‌اند و خارج از مردم و مبارزات نیستند. زجرها دیده‌اند. عده حاضر در حکم عده‌ای هستند که در کشورهای دیگر، رهبری انقلاب را در دست می‌گیرند.

موسوی [اردبیلی]: همان حرف با اضافه‌ای از اعضای فعلی شورا هم آنهایی که هستند، نماینده قشرها نیستند. چند نفر معمم هست، ولی نماینده آنها نیست، یا افراد دیگر، هر کدام مربوط به قشری است. بودن کارگر هم همان موقعیت ما را پیدا می‌کند. پایه‌اش انتصاب است. انتصاب از طرف آقا.

مهندس سبحانی: شورای انقلاب، ترکیبی است از نمایندگان گروه‌های شرکت‌کننده در انقلاب. مثل جبهه یا مجلس شورای ملی منظور نیست. البته نمایندگی از رهبر انقلاب دارد و رهبر انقلاب هم آقاست که نماینده ملت است. رابطه چنین است. چون شورا که نماینده جمعی است، پس باید همان صفت جمع را داشته باشد. بازتاب کند هم افکار شرکت‌کننده در انقلاب باشد. بدین علت لازم است نماینده قشرها و گروه‌های شرکت‌کننده در جنبش در اینجا باشند تا ببینند فکرش منعکس است. رابطه طبیعی و ارگانیک برقرار می‌شود. شورا اصالت ذاتی پیدا می‌کند، و آلا اصالت اعتباری است. اگر آقای خمینی نباشند، شورا اعتباری ندارد. اگر مردم نماینده خودشان را ببینند، شورا طوری باشد که قشرهای مختلف از آن باشند.

بهشتی: تذکری است. [چون] جلسه کوتاه مدت است، جمله‌های کوتاه‌تر.

بنی‌صدر: مهندس گفت انتخاب نماینده برای شورا طول دارد، یک سال [طول می‌کشد]، ولی من در کم‌تر از 15 روز انجام می‌دهم. نمایندگان دانشجویان مختلف بیایند [و] نماینده تعیین کنند. از اول هم آقا پذیرفته بودند [که] شورا انتخابی باشد. معتمدین مملکت را در سراسر ایران جمع کنند. حالا این‌طور شد.

خامنه‌ای: از اولش این‌طور بود.

بنی صدر: می شود جمع کرد.

بهشتی: اشکال کار این است که [شورا] فعلاً سیزده عضو تعیین شده دارد. دو نفر بر حسب اساسنامه و به فکر خودشان اضافه کنند. سیزده نفر انتخابی نیست. برای دو نفر دیگر، مسئله انتخاب ساز کردن، دوگانگی است. باهنر: مسائلی که مطرح می شود، در مسیر خوب تعقیب شود. شورا کارش موقت است تا استقرار حکومت درست. و تعیین افراد کار ماست. ضمن اینکه آن مطالب رد نمی شود. فعلاً جای دو عضو خالی است. انتخاب کنید. بنی صدر: موقت است [برای] وقتی است که عملی انجام ندهد که پایه آینده شود. مثل دولت موقت که پایه آینده را می گذارد.

بهشتی: صحیح است.

بنی صدر: لازم نیست پانزده نفر باشد. بکنید هجده نفر.

مهندس سبحانی: سه تا هم علی البدل.

بهشتی: بر طبق مصوبات، مسئله فراندوم تمام شد. حالا بحث مجدد می شود. [درباره] زیادی عده شورا، عده ای بر طبق رعایت مقتضیات فعلی، مطرح شد که بیایند. روی دو نفر اصلی پیشنهاد دارم. این دو نفر به صورت سمبلیک، یکی کارگر، یکی دانشجوی، به صورت قبل تعیین شود. شورا شناسایی کند تا به آقا پیشنهاد کنیم.

بنی صدر: طبق رویه قبلی چیست [؟]

بهشتی: همان طور که اول بوده. اول پنج نفر بود، بعد گسترش یافته. اول شناسایی [صورت گیرد]، بعد دو نفر به صورت سمبلیک [انتخاب شوند]، یکی کارگر [باشد و] یکی دانشجوی.

موسوی [اردبیلی]: با این نظر موافقم. اما آقای بنی صدر [!] شورا بعد از آمدن آقا نبوده، مدت هاست کار کرده. دو نفر را به این وضع می پذیریم، مشروط بر این که افرادی باشند [که] کشش فکری اینجا را داشته باشند، نه این که [صرفاً به خاطر این که] دانشجوی یا کارگر [ند].

مهندس سبحانی: اقل ما یقنع. پیشنهاد آقای بهشتی قبول. سه نفر علی البدل نگه داریم از قشرهای دیگر.

بهشتی: روی آنها بحث نشود.

بنی صدر: رویه قبلی را نمی‌پسندم. پیشنهاد دارم [که] دانشجویان مسلمان، سازمان‌هایش شناسایی شود و انتخاب کنند؛ انتصاب را تحویل نمی‌گیرند.

خامنه‌ای: تأکید می‌کنم تخم لق انتخاب را نشکنند. 15 روز نمی‌شود که آمده‌اید.

بنی صدر: مسائل دانشگاهی ایران را ما واردتریم.

بهشتی: قطعاً.

خامنه‌ای: نماینده دانشگاه فردوسی مشهد، شیراز، تبریز، همدان، دو دستگی [است] و ممکن نیست آنجا انتخاب کنند. کارگران را جمع کنند.

مظهری: من هم تأیید می‌کنم [صحبت‌های] آقای خامنه‌ای را و فلسفه مهندس سبحانی را رد می‌کنم. واقعیت قضیه چیست [؟] آیا قشرهای مختلف و دارای آرمان‌های مختلف متضاد [که] احیاناً هم آرمان‌های در یک شخص به نام خمینی منعکس دیدند. او مظهر یک سلسله آرمان‌های مختلف متناقض است. شورای رهبری باید مظهر آقای خمینی باشد که او مظهر گروه‌های مختلف است، از کثرت به وحدت و از وحدت به سوی کثرت است. انقلاب ایران همان چیزی است که همه معادله‌ها را به هم ریخته، چون چنین معادله‌ای که می‌گویند ندارد. همه مردم، آرمان مشترک پیدا کردند، نه مظهر آرمان‌های متضاد که در حال دیگر به کثرت برگردد. اگر این کار را بکنند، تخم لق شکسته یا فلسفه‌ها نقض شده و باطل شده. اگر بگوییم کارگران یک سلسله منابع در دست دارند [پس] مدافع آنها کو؟ [باید گفت] بازاری، کارمند فلان و غیره هم در نهضت شرکت داشته‌اند و این حرکتی که ملت کرده و اعتقادی و آرمانی بوده، به مادی و طبقاتی تبدیل می‌شود. این اعتراض عده قلیلی است که روشنفکران باشند و پوچ‌ترین طبقات از نظر عمل هستند و نباید به حساب آورد. عملی نیست، اگر بخواهیم عمل کنیم، فلسفه شورای انقلاب نقض شده. باید بگوییم اینها مظهر آرمان مشترک نیستند. افرادی که در قشرهای مختلف زندگی می‌کنند، محیط خودشان را بهتر درک می‌کنند. ما بازار را درک نمی‌کنیم. فرضاً مدافع حق کارگر باشیم، محیط آنها را درک نمی‌کنیم. افراد مختلف که دارای شناخت مختلف از طبقات جامعه هستند که نیاز جامعه را بیان کنند درست است. [در غیر این صورت] هر گروهی نماینده می‌خواهد.

بهشتی: تذکر [!] آقای مهدوی [کنی] عضو اینجا هستند و نیامده‌اند. پس چهارده نفر هستیم. اگر حبیبی بیاید، می‌ماند یک نفر. با حبیبی هم باید صحبت کرد.

شیبانی: آن نماینده شرکت نفت که صحبت او شد، اگر بیاید بهتر است.

بنی صدر: انتخابات را اگر به هم نزنیم، شورا اتفاقاً موفق‌تر بود. سکوت هم را انتخابات حفظ کرد. فلسفه ایشان همان فلسفه شاه است که مرکز مشترکات و متناقضات است. اشتراک نباشد، تضاد است. این مشترکات، مظهرش شاه است. مظهر قدرت ملت هم با آن طریق، آقای خمینی نیست. اگر بخواهیم ما نماینده مظهر قدرت ملت باشیم، باید انقلابی باشیم، فلسفه قیومیت را بپذیریم. رهبری هم چنین نمی‌کند. چرا شورا این جور نباشد [؟]

[دکتر] سحابی: آقای مطهری فرمودند مجمع تناقضات و هم دردها از همین است. انسانی که درک کرده، کارگر، دانشجوی، سرمایه‌دار، آنها که انگشت روی درد گذاشته‌اند و خود مردم قبول کرده‌اند [که] شورا نمونه‌ای از او باشد. قسمت دوم را خودتان جواب دادید. نمی‌تواند کسی بیاید از منافع کارگر دفاع کند و او از مسائل کارگری اطلاع نداشته باشد و او می‌تواند مطالب را اطلاع دهد.

مطهری: انتخاب ضرورت ندارد.

[دکتر] سحابی: در مورد انتخاب، حرف شیبانی را تأیید می‌کنم. همانطور که دیگران تعیین شدند، کسی را که مورد قبول دانشجویان است، بیاوریم.

طالقانی: با مطلب بهشتی، که یک نفر بیش‌تر جا نداریم، دیگر بحثی باقی نیست.

بهشتی: کلمه شورای انقلاب که به حکم ضرورت به‌عنوان ما تعیین شده، سبب می‌شود برداشت‌هایی که می‌شود، بین اسم و مسمی اختلاف ایجاد کند. شورای انقلاب برای همکاری با رهبر انقلاب است. یک رهبر دارد، دیگران معاونان او تا مرحله به ثمر رسیدن انقلاب بناست باشد. انقلاب چاره [ای] ندارد [جز این] که تصمیم را رهبر بگیرد. چون تصمیم با او بوده. [اینکه] انقلاب تا اینجا رسیده، او مسئول است. رهبر احساس کرده معاونانی می‌خواهد، یارانی می‌خواهد. اگر بشود اقدامی کرد، به‌صورت سمبلیک، کسانی را بگذاریم بهتر است و اولویت

1. محمدرضا مهدوی‌کنی (93-1310) عضو شورای انقلاب، سرپرست کمیته‌های انقلاب اسلامی، عضو فقهای شورای نگهبان، وزیر کشور در کابینه رجایی و باهنر، نخست‌وزیر موقت پس از شهادت رجایی و باهنر، رئیس دانشگاه امام صادق (ع)، و رئیس مجلس خبرگان رهبری.

دارد. نقض غرض نباشد. کسی ما را به رهبری تحمیل نکرده. چه شد که در رهبری سیاسی جامعه تا امروز، نه دانشجو بود، نه کارگر، نه کشاورز و نه چیز دیگر. جبهه ملی امروز واقعیت اجتماعی است. این مطالب باشد برای خارج جلسه. روند کار این بوده. فعلاً یک نفر بیش تر جا نداریم. اگر کارگر یا دانشجو باشد، اولویت باشد.

موسوی [اردبیلی]: در این بحث، اصل اساسنامه فراموش شده. آقایان خودشان روی آن نظر دادند. آقا گفته است بر طبق ولایت شرعی، این کار را کرده‌ام. اگر نمی پذیریم، بر محور این بحث. اگر نه رای ما بی مورد است. بعضی حرف‌ها با عمل، درست در نمی آید [مطابقت ندارد].

قطب‌زاده: دو کلمه سریع. حرف آقای بهشتی مورد تأیید است. شورا، شورای انقلاب نیست. شورای مشاوره دولت غیرانقلابی است. ولی چون آقای خمینی تعیین کرده با رهبر انقلاب رابطه دارد. اگر ندارد، به صفت، شخص بنی صدر در دانشگاه اقدام کند.

طالقانی: این بحث صحیح نیست.

قطب‌زاده: ما غیر انقلابی هستیم. آوردن چند نفر در این سطح اگر باشد خیلی راحت تر است. دوم، مسئله اساسنامه و بحث این طور نیست. اساسنامه نوشته شده برای کارها. نه در 15 تا است [و] نه در 18 تا. هر یک بر اساس ولایت معین شده.

موسوی [اردبیلی]: انتخاب را من گفتم.

قطب‌زاده: امکان انتخاب نیست. با توجه به این که شورا بخواهد مخفی باشد، [شیوه] انتخابی آن را نقض می کند. از حبیبی باید خواست. بهتر آنست از این تعداد به 18 نفر برسد.

بنی صدر: تمام جنبش‌ها شکست خوردند، چون در آن افراد انتخابی نبودند. مجلس اول چنین نبود (انتخاب واقعی بود)، جلوی محمدعلی شاه ایستاد. مجالس بعد، [چون] خود مردم نبودند، شکست خورد. جبهه [ملی] دوم به همین سرنوشت دچار شد. در تاریخ ما جنبش سربداران، آخر دست غیره افتاد، شکست خورد. ناراضی زیاد است. دلیل آنست [که] به دولت مراجعه می شود، می گوید نه. شورای انقلاب محاکمات مخفی بوده، نیروهایی در جامعه هستند [که] باید در رهبری باشند.

بهشتی: فعلاً یک نفر کسری است. دوستان از میان دانشجویان، کارگران یا غیر آنها برای جلسه آینده یک نفر [را] مطرح کنند. انتخاب اگر شد، بیاید. سه نفر علی‌البدل را هم اسامی‌شان را یادداشت کنند تا جلسه یکشنبه تصمیم بگیریم.

طالقانی: تا به حال، افراد معین شده با انتخاب شورا بوده.

مهندس سجابی، قطب‌زاده، شیبانی، بنی‌صدر.

هاشمی: شما نبودید.

طالقانی: یک جلسه نبودم.

بهشتی: تا حالا رویه این‌طور بوده.

طالقانی: انتصاب بوده.

بهشتی: ولی ما معرفی کردیم.

مطهری: گروهی وقتی تصویب شد که شما (طالقانی) زندان بودید.

بهشتی: روز یکشنبه، یک فرد اصلی و سه نفر علی‌البدل را مطالعه کنید [و] معرفی نمایید.

مطهری: افرادی [را] اگر در نظر دارید، مطرح کنید.

بنی‌صدر: صبر کنیم، شور شود.

[مصادره اموال به‌جامانده از خاندان پهلوی]:^۱

1. با پیروزی انقلاب اسلامی، فرار تعداد بسیاری از مقامات و سرمایه‌داران عصر پهلوی، تنگناهای اقتصادی و کمبود منابع در دسترس حکومت و همچنین ضرورت برخورد با سرمایه‌های ناشی از رانت و زدوبندهای فسادزا، مصادره اموال بلاصاحب و یا مشکوک به حصول از طریق فساد را مورد توجه مسئولان دولت موقت و شورای انقلاب قرار داد. از این رو، امام خمینی در تاریخ نهم اسفندماه ۱۳۵۷ در حکمی خطاب به شورای انقلاب، فرمان مصادره اموال سلسله پهلوی و وابستگان به آنها را صادر می‌کند. در این فرمان آمده است: "شورای انقلاب اسلامی به موجب این مکتوب مأموریت دارد که تمام اموال منقول و غیرمنقول سلسله پهلوی

و شاخه‌ها و عمال و مربوطین به این سلسله را که در طول مدت سلطه غیرقانونی از بیت‌المال مسلمین اختلاس نموده‌اند، به نفع مستمندان و کارگران و کارمندان ضعیف مصادره نمایند و منقولات آن در بانک‌ها با شماره‌ای به اسم شورای انقلاب یا اسم اینجانب سپرده شود و غیرمنقول - از قبیل مستغلات و اراضی - ثبت و مضبوط شود تا به نفع مستمندان از هر طبقه صرف گردد در ایجاد مسکن و کار و غیر ذلک. به جمیع کمیته‌های انقلاب اسلامی در سراسر کشور دستور می‌دهم که آنچه از این غنائیم به دست آورده‌اند در بانک با شماره معلوم بسپارند. و به دولت ابلاغ نمایند که این غنائیم، مربوط به دولت نیست و امرش با شورای انقلاب است، و آنچه مأمورین دولت به دست آورده‌اند یا می‌آورند، باید به همین شماره به بانک تحویل دهند. و کسانی که از این اموال چیزی به دست آورده‌اند، باید فوراً به کمیته‌ها یا بانک تحویل دهند و متخلفین مورد مؤاخذه خواهند بود" (صحیفه امام، جلد 6، ص 267). پیرو این فرمان، شورا تصمیم به تأسیس بنیادی با عنوان بنیاد مستضعفان می‌گیرد که بر اموال مذکور نظارت نموده و وظیفه رسیدگی به امور این اموال را عهده‌دار باشد (در ادامه مذاکرات، در این زمینه خواهیم خواند).

همچنین، امام خمینی به صورت خاص علی حاج‌طرخانی، اسدالله عسگرآولادی و حبیب‌الله شفیق را مأموریت داد تا مجموعه‌ای از مستغلات و زمین‌های کشاورزی و تأسیسات دامداری به نام هژیر یزدانی را در اختیار و حفاظت خود گرفته و بر آن نظارت داشته باشند (صحیفه امام، جلد 6، ص 322). پس از ابلاغ این فرمان، ابراهیم یزدی، معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب اعلام کرد اموال سرمایه‌دارانی نظیر خیامی‌ها و هژیر یزدانی‌ها به طور انقلابی مصادره می‌شود (اطلاعات، 1357/12/17، ص 1). چند روز بعد دادگاه انقلاب حکم مصادره اموال برخی از اعدام شدگان، مانند محمود جعفریان، پرویز نیکخواه، دانشی و سپهد نادر جهانبانی را صادر کرد (کیهان، 1357/12/22، ص 7).

با این وجود، مدتی بعد رئیس بانک مرکزی برای ایجاد اطمینان در میان سرمایه‌دارانی که سرمایه‌های خود را از ترس شرایط انقلابی از کشور خارج کردند گفت: در صورت بازگرداندن سرمایه‌ها، سرمایه‌داران فراری تضمین جانی و مالی می‌شوند (کیهان، 1358/2/15، ص 1). چندی بعد، ابراهیم یزدی، که اکنون وزیر امور خارجه ایران شده بود، اعلام کرد راهی برای بازگرداندن کلیه دارایی‌های شاه مخلوع پیدا کرده‌ایم. وی در تشریح این راهکار گفت درصدد آن هستیم تا دزدی بودن اموال بنیاد پهلوی را ثابت نموده و آن را به ایران برگردانیم (کیهان، 1358/2/19، ص 6). صادق طباطبایی، معاون وزیر کشور نیز با اعلام فراهم شدن مقدمات محاکمه شاه مخلوع، خبر داد سوئیس برای بازگرداندن 23 میلیارد مارک موجودی شاه حاضر به مذاکره شده است (اطلاعات، 1358/2/22، ص 2). یک ماه بعد هاشم صباغیان، معاون نخست‌وزیر در امور انتقال گفت: بدهی خاندان پهلوی به بانک‌ها 22 میلیارد ریال است. وی افزود: طبق تصمیم شورای انقلاب و بر مبنای فرمان امام خمینی، اموال غیرمنقول کاخ‌ها در اختیار دولت قرار می‌گیرد (کیهان، 1358/3/16، ص 5). با این وجود، روند مصادره اموال چندان به مذاق دولت موقت خوش نیامد، چنان که سخنگوی دولت در مصاحبه‌ای اعلام کرد: مصادره اموال برخلاف دستور امام و دولت است (اطلاعات، 1358/4/2، ص 10).

مستولان بنیاد مستضعفان در ابتدای کار خود، رسالت اصلی‌شان را در شرایط پس از انقلاب، سرپا نگه داشتن واحدهای اقتصادی عنوان کردند (جمهوری اسلامی، 1358/4/13، ص 5). نیمه مردادماه 58، حسین مهدیان، مدیر مؤسسه کیهان اعلام کرد این مؤسسه در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفته است (کیهان، 1358/5/15، ص آخر) و کیهان نیز به سایر اموال تحت نظر بنیاد مستضعفان افزوده شد. چندی بعد، به دستور دادستان انقلاب تهران، روزنامه اطلاعات نیز "به نفع مستضعفین" مصادره شد. این امر در ارتباط مستقیم با مصادره اموال مصطفی مصباح‌زاده و محمدعلی مسعودی بود که در دوره پهلوی حاصل شده بود (کیهان، 1358/6/18، ص 2). در واقع، بنیاد مستضعفان به شناسایی و ضبط اموال به‌جای مانده از دوره پهلوی می‌پرداخت. برای نمونه، اعلام شد با

بهشتی: فوریت دارد. آقا گفتند کلیه اموال خاندان پهلوی و شاخه‌های او زیر نظر شورای انقلاب، صرف بهبود زندگی فوری قشر محروم شود.

کتیرائی: طرح مستقلی از طرف دولت آمده، او اجرا کند.

بهشتی: [امام خمینی] گفتند حسابی باز کنند در بانک [و] کلیه اموال به آن منتقل شود.

طالقانی: اموال نقدی کم است.

مهندس سبحانی: سهام کارخانه‌ها و غیره.

قطب‌زاده: قصرها را می‌شود فروخت.

بهشتی: کلی بحث شود. آقا گفته‌اند شورا مسئولیت را بپذیرد، حساب باز کنیم و ایشان به اطلاع می‌رسانند.

شناسایی اموال و املاک هژبر یزدانی، بدهی چهار میلیارد تومانی وی به بانک صادرات تأمین اعتبار شده است (اطلاعات، 1358/5/20، ص 12). همچنین کارخانجات گسترده او در سمنان نیز تحت مصادره قرار گرفت. استاندار سیستان و بلوچستان نیز گفت زمین‌های هژبر یزدانی در منطقه خاش در اختیار دیپلمه‌های بیکار قرار می‌گیرد (اطلاعات، 1358/8/13، ص 6). از این سنخ اقدامات بنیاد مستضعفان در ارتباط با تصرف اموال خاندان پهلوی و وابستگان آنها و نیز سرمایه‌داران مرتبط، به کرات قابل مشاهده است.

شورای انقلاب در اواخر سال 58، دگرگونی وسیع در تشکیلات و مدیریت بنیاد مستضعفان را تصویب کرد. با این دگرگونی، گسترش مدیریت بنیاد با بیش از 16 شاخه هدف قرار گرفت (کیهان، 1358/12/15، ص 2). در همین راستا، سینماهای کشور هم در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت (اطلاعات، 1359/1/24، ص 2). این گستردگی تشکیلات بنیاد مستضعفان بدون اعمال نظارت‌های قوی و موثر بر آن، موجب گردید تا به شائبه‌های فساد پیرامون فعالیت نهادی که قرار بود خود فساد خاندان پهلوی و وابستگان آن را با مدیریت صحیح رفع نماید، دامن بزند. برای نمونه، خردادماه سال ۱۳۵۹ اعلام شد 600 پرونده تخلف و مسامحه بنیاد در اختیار دادسرای انقلاب قرار دارد و یکی از ریشه‌های اساسی آن، گستردگی بسیار زیاد بنیاد و فعالیت‌های آن است که حتی فراتر از یک مؤسسه چندملیتی شده است (اطلاعات، 1359/3/18، ص 12). محمود کریمی نوری سرپرست بنیاد در مصاحبه‌ای گفته بود این بنیاد طبق آمار دقیق، حدود صد میلیون تومان ماشین‌های سواری و غیره به نهادهای انقلابی داده، اما این امر در هیچ منبعی انعکاس نیافته است. وی اذعان کرد به این نارسایی رسیده‌ایم که بنیاد به خاطر آن چیزی که تأسیس شده، کم‌تر فکر کرده و ناخودآگاه از مقصدش دور شده است (انقلاب اسلامی، 1359/7/24، ص 9). حتی در مقطعی اعلام شد شبکه توطئه عوامل دربار شاه و امریکا در بنیاد مستضعفان کشف گردیده است (اطلاعات، 1359/4/11، ص 1). بنیاد مستضعفان با آغاز چنین روندی از ابتدای انقلاب، بر بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی کشور، هنوز هم سایه سنگین خود را حفظ نموده است.

کتیرائی: لایحه‌ای [را] دکتر سحابی دادند، راجع به مصادره اموال پهلوی. لایحه خوب بود. بعد باز جرح و تعدیل شد. دقت کامل شده را آوردند [تا] بعداً بیاید [و] تصویب شود. در ضمن باید به اطلاع برسانم [که] اموال به شکل غیرمنقول است. [میزان اموال] منقول، کم است؛ اغلب در گرو بانک‌هاست و بیش از مبلغ قیمت پرداخت شده. در حقیقت، دولت بدهکار است. شمس پهلوی^۱ وام از بانک مرکزی گرفته، چون دستوری بوده، کارشناس و ارزیاب، گران‌تر محاسبه کرده و طبق لایحه متعلق به دولت است و چیزی از آنها دست دولت را نمی‌گیرد. البته مجموعه‌اش صفر هم می‌شود. بنیاد پهلوی شکل دیگری را دارد. در نیویورک، ساختمان 34 طبقه هست [و] سالور رئیس بنیاد شده، به علت این که به امور آنها وارد است.

شیبانی: باید اموال را گرفت. [ولو این که] بانک ورشکست شود.

بهشتی: اموال به‌طور موقت است و اموالی که مال دولت نبوده و متعلق به دربار و شاخه‌های دربار و شاخه‌هایی که بعد نفوذ می‌کردند. شریف‌امامی^۲ و غیره را نام بردند. بر طبق دادگاه‌های انقلاب ضبط شود. [در مورد این که] چه کسانی باید در دست بگیرند، باید قانون گذرانند و در اختیار شورا بگذارند.

کتیرائی: دولت بدهد.

بهشتی: کلیه اموال، مستقیماً در یک واحد زیر نظر شورای انقلاب رسیدگی می‌شود. مصرف هم یک مصرف، بهبود وضع زندگی طبقه محروم. برای شورا و برای تبلیغات، خودش مسئله‌ای است. اگر پولی نباشد، باز [از باب] تبلیغات هست.

طالقانی: فقرا را دربر نمی‌گیرد، در متن اظهار شود.

کتیرائی: صبر کنید لایحه بیاید.

بهشتی: فعلاً شورا نظرش را بدهد که مسئولیت قبول می‌کند یا نه، کیفیت اجرا باشد [برای بعد].

کتیرائی: شورا وظایفی دارد. این مخالف اساسنامه است.

1. شمس پهلوی (1296-1374) فرزند بزرگ رضاشاه و خواهر محمدرضا پهلوی.
2. جعفر شریف‌امامی (1291-1377) نخست‌وزیر دوران محمدرضا پهلوی و ریاست مجلس سنا در آن دوره. به روایت برخی، وی رئیس لژ فراماسونری ایران بوده است. شریف‌امامی به‌سبب زدوبندهای گسترده در مسائل اقتصادی، به فساد مالی نیز اشتغال داشت.

بهشتی: شورا جانشین مقام سلطنت و مجلس است. در سمت جانشین مقام سلطنت، ایجاب می‌کند کلیه اموال و املاک را ضبط کند.

مطهری: ارث چی به گفتار می‌رسد.

بنی صدر: مجلس شورا حق دارد به هر مقام که خواست، بدهد. دولت را ورشکسته اعلام کنیم.

بهشتی: موضوع این است [که] رهبر مطلبی را مناسب برای این مرحله انقلاب دانسته و این وظیفه را به شورا محول کرده؛ شورا راجع به آن بحث می‌کند. بحث این که پول دارد یا نه، کسی ورشکست می‌شود یا نه، خارج از بحث است. اموال، مالک داشته، [حال، برای رسیدگی به وضعیت] مالکان خلع‌ید شده، لایحه می‌خواهد یا نه [؟] پیشنهاد این است که این اموال در اختیار شورا باشد. اگر چیزی دارد، صرف بهبود زندگی فوری محرومان شود.

بنی صدر: بیان کتیرائی این است که سالبه به انتفای موضوع است. املاک موجود بیش‌تر مدیون است، مدیون دولت است. اگر اعلام شود که محتوی نداشته باشد، مثل قرض‌های دیگر است. چرا قبل از مطالعه کردن، ایراد می‌کنند [؟] حتماً طرف دولت است. دولت می‌گوید قرض است.

بهشتی: وقتی شورا می‌گوید (در رادیو اعلام شده)، [امام خمینی] خواسته‌اند رسیدگی را شورا بکند.

مهندس سبحانی: تصمیم انقلاب است، ملی شدن و اینها را تحویل می‌دهد. ملی شدن به نفع طبقات خاص (محروم)، خود تصمیم انقلابی است. روی آن باید سروصدا کرد. [این] که اموال ندارد یا بدهی زیادتر است، چیزی نیست که لاینحل باشد. بانک‌ها مال دولت است. دولت می‌خواهد سرمایه طلبکاری را ببخشد به مردم و کلیه اموال و سهام کارخانه را که درآمد دارد، در اختیار شورا باشد، در اختیار مردم بگذارد و تقسیم شود. دولت در آینده ممکن است لفت و لیس بشود. مشکلاتش زیاد است. یک هیئتی تعیین شود.

قطب‌زاده: مطلب همان است که مهندس گفت. اگر عیبی هست روی آن قسمت است که دادگاه‌های انقلاب باید به سرعت رسیدگی کند.

هاشمی: اولین قلم، پول اشرف [پهلوی] است. واسطه گفت 45 میلیون تومان پول نقد است که منتقل می‌کنم. مسائل خارج مطرح است. این شکل نیست.

مطهری: آقای طالقانی گفتند اگر بدین صورت است، تقسیم شود، بلبشو می شود. فرض کنیم بیمارستان‌ها، مدرسه و چیزهای دیگر که مورد احتیاج شدید مردم فقیر است، در اختیار آنها قرار گیرد.

به اتفاق آراء تصویب شد که شورا [این امور را] در دست بگیرد.

طالقانی: اگر اضافه شود، موقوفات مجهول‌المصرف تهیه شود.

بهشتی: از جلسه ما کمیسیونی از دو نفر انتخاب شوند، جهت تهیه [یک] طرح گونه برای این کار که در جلسات بعد مطرح کنند.

پیشنهاد شد بنی صدر باشد [و] طرح را تهیه کند.

[دکتر] سحابی: مسئله فوریت ندارد.

موسوی [اردبیلی]: اموال از بین می رود، گوسفند است و غیره.

بهشتی: شماره حساب فوری باز شود.

بنی صدر: تا برسند طرح گونه تهیه کنند، جزو طرح حداقل کمیسیونی است. [این که] کی‌ها باشند [و] شماره حساب [مشخص شود]، همین امروز اشخاصش را تعیین و اعلام کنید. شماره حساب برای سه نفر که با دو امضاء حق برداشت باشد.

قطب‌زاده: اگر بنا شد حساب فوری باشد، طرح تا سه‌شنبه حاضر شود. [برای] کمیسیون سه نفر بهتر است. همان سه نفر باشند. امضاء را به راحتی می شود تغییر داد.

مطهری: روضه می خواهد. چیزی نیست.

بهشتی: سه نفر صاحبان امضاء، یکی طالقانی [باشد].

طالقانی: امضاء مسئولیت دارد. زن مان هم یک امضاء بود، بعد پدرمان درآمد.

بهشتی: قبول کردید.

طالقانی، شیبانی و بنی صدر [به عنوان اعضای کمیسیون مزبور] تصویب شد.

بهشتی: پیشنهاد موسوی.

بازرگان: اطلاع بدهند.

طالقانی: پیش خدمت مخصوص، کلیدهای کاخ را آورد، به مصطفی ملکی^۱ دادم. یک عده پیش خدمت‌های مخصوص شاه، اموال زیادی بردند. فرش‌ها، صندوق‌های شمش طلا. کاخ که دیگر مهر و موم شده، از دادگستری بروند تحقیق از پیش خدمت‌ها.

مهندس سبحانی: اموال هژیر یزدانی^۲. [او] کارخانه‌هایی دارد در سنگسر، اگر اجازه می‌دهید، برویم سرپرستی.

طالقانی: کمیته سمنان، دکتر اقتصاد ما آنجاست.

بازرگان: دادستان دادگاه انقلاب از دولت خواسته اموال او ضبط شود.

طالقانی: بعضی کمیته‌ها خوب کار کرده. کمیته سمنان که تحت نظر دکتر اقتصاد است، اموال را حفظ کرده‌اند.

[موضوع: بحث قانون اساسی همراه رفراندوم باشد یا نه [؟]]

طالقانی: مطرح شد دوکاره نشود. در رفراندوم، قانون اساسی در معرض افکار باشد تا بدانند جمهوری اسلامی یعنی چه و یک رای بگیرند و واگذار به مجلس مؤسسان نباشد. بعضی گفته‌اند جنبه دموکراتیک نباشد.

موسوی [اردبیلی]: سبک کار است. پیشنهاد این بود [که] هر دو در یک جا [باشد]. قانون اساسی از آقا در عرض دو سه روز گرفته شود. ده روز کمیسیون باشد، در آن دقت کنند. احیاناً زیاد و کم کنند. بیست روز یا یک ماه در اختیار مردم باشد. از اول، صد نفری تجهیز شوند برای نوشتن و گفتن [تا] احیاناً اعتراض‌هایی اگر باشد، جواب دهند. رادیو و تلویزیون و روزنامه موافق و مخالف در عرض مدت مقرر، نظر داده، جواب بگیرند. آن وقت بگذاریم به رای، کافی است.

1. حجت‌الاسلام مصطفی ملکی از روحانیون فعال در هنگامه مبارزات انقلاب اسلامی بود که با مرکزیت مسجد همت تجریش در شمال تهران و در ارتباط با آیت‌الله طالقانی، نقش مهمی در بسیج مردم علیه رژیم شاه ایفا نمود.

2. هژیر یزدانی (1313-1389) از سرمایه‌داران مشهور دوره پهلوی دوم که در ایام ابتدایی انقلاب با فرار از زندان به امریکا و سپس کاستاریکا رفت.

طالقانی: این فرع است. اصل [موضوع اینست که] آیا رفراندوم با قانون اساسی باشد یا نه [؟]

بهشتی: در فرمان آمده [تشکیل] مجلس مؤسسان^۱. اگر دلیلی برای نفی نباشد، سستی ایجاد می‌کند. تصویب قانون اساسی بدین شکل تا چه حد صحیح است [؟] با معیارهای اساسی اسلام، از نظر من، آگاهانه نیست و درست

1. امام خمینی در حکم تأسیس شورای انقلاب، یکی از وظایف سه‌گانه آن را تشکیل مجلس مؤسسان برای تدوین قانون اساسی ذکر کرده بود (اطلاعات، 1357/10/23، ص 1). همچنین از جمله وظایف مهندس بازرگان، به‌عنوان رئیس دولت موقت، تمهید مقدمات برای تشکیل مجلس مؤسسان بود. بنابراین، چنان که از مذاکرات فوق و نیز ادامه مذاکرات استنباط می‌شود، اعضای شورا نسبت به انتظار افکار عمومی از شورای انقلاب و همچنین دولت بازرگان برای تشکیل چنین مجلس گسترده‌ای برای تهیه پیش‌نویس قانون اساسی، نگرانی داشتند. اما با روند تحولات، امام خمینی نسبت به تشکیل چنین مجلس وسیعی تجدیدنظر کرد. استدلال اصلی نیز این بود که تشکیل چنین مجلسی زمان زیادی را می‌طلبد و با توجه به شرایط انقلاب و هراس از تحریکات داخلی و بیرونی، ضرورت ایجاد می‌کند تا کار تدوین قانون اساسی و تصویب آن توسط اراده ملت با سرعت و شتاب بیش‌تری پی گرفته شود.

همان گونه که در بخش‌های قبل اشاره شد، تا زمان برگزاری رفراندوم تغییر رژیم به جمهوری اسلامی، از برخی اصول قانون اساسی آتی توسط دولت موقت رونمایی شد تا افکار عمومی درباره سرشت حکومت آینده شناخت داشته باشند. در حقیقت، دولت موقت کارگروهی را به سرپرستی دکتر حسن حبیبی مأمور تدوین پیش‌نویس قانون اساسی کرده بود تا این طرح اولیه برای بررسی به مجلس مؤسسان تقدیم شود. البته این پیش‌نویس چند روز پس از پیروزی انقلاب، تسلیم امام شد و قرار بود این قانون پس از انجام اصلاحات توسط امام خمینی منتشر شود. در این پیش‌نویس، مسائلی همچون آزادی‌های پیش‌بینی شده در اعلامیه‌های جهانی همچون اعلامیه حقوق بشر، حفظ حقوق زنان، پیش‌بینی مقام ریاست‌جمهوری و نخست‌وزیری و ... لحاظ گردیده بود (کیهان، 1357/12/9، ص 2). بازرگان، روز رفراندوم جمهوری اسلامی بار دیگر وعده داد پیش‌نویس قانون اساسی در مجلس مؤسسان بررسی خواهد شد (کیهان، 1358/1/11، ص 8). احمد مقدم‌مراغه‌ای، از چهره‌های ملی‌گرا و استاندار آذربایجان شرقی نیز گفت تنها با تشکیل مجلس مؤسسان می‌توان یک قانون اساسی مردمی تدوین کرد (کیهان، 1358/1/12، ص 7). مشاور وزیر کشور در امور رفراندوم هم اعلام داشت انتخابات مجلس مؤسسان تا خردادماه ۱۳۵۸ برگزار خواهد شد (کیهان، 1358/1/16، ص 7). قرار بود بر اساس قانون، هر صد هزار نفر، یک نماینده به مجلس مؤسسان بفرستند (اطلاعات، 1358/1/21، ص 7).

اندکی بعد، متن پیشنهادی قانون اساسی جدید در جراید منتشر شد. توجه به جایگاه شوراها در اداره امور عمومی، جایز بودن تظاهرات و ممنوعیت اعلام حکومت نظامی به هر عنوان، تشکیل گارد ملی جمهوری در هر استان، ملی شدن صنایع سنگین و ادغام بانک‌ها در سازمانی زیر نظر دولت، از مهم‌ترین محورهای این پیش‌نویس بود (کیهان، 1358/2/8، ص 5). هرچند به همین پیش‌نویس نیز انتقادهایی از جانب چهره‌های ملی‌گرا و روشنفکری مطرح شد. علی شایگان، نجف دریابندری و فریدون تنکابنی از جمله کسانی بودند که این طرح را مبهم، ناقص و غیردموکراتیک نامیدند (کیهان، 1358/2/15، ص 6). انتقادهای موجب عقب‌نشینی دولت شد، بگونه‌ای که سخنگوی دولت اعلام کرد طرح یادشده اصلاً طرح نهایی نیست و بین یک تا دو ماه دیگر حتماً برای نظرخواهی از مردم منتشر می‌شود (کیهان، 1358/2/17، ص 4). در این میان حتی صحبت‌هایی در زمینه اداره فدراتیو کشور در

قانون اساسی جدید نیز مطرح شد. تجدیدنظر در محدوده استان‌ها و طرح خودمختاری از مهم‌ترین موارد مرتبط بود (کیهان، 1358/2/20، ص 2). تا این مقطع، کماکان در جراید، مطبوعات و رسانه‌ها دولت موقت از تأسیس مجلس مؤسسان دفاع کرده و وعده برگزاری انتخابات و تشکیل این مجلس را می‌داد. اما جلسه شورای انقلاب با امام خمینی در اول خرداد 1358، موجب شد تا بازرگان و دولت‌ش از ایده تشکیل مجلس مؤسسان عقب بنشینند و پیشنهاد میانه آیت‌الله بهشتی برای تشکیل مجلسی منتخب با تعدادی محدودتر نسبت به مجلس مؤسسان، مورد موافقت قرار گرفت (رجوع شود به مشروح مذاکرات شورا در جلسه 1358/3/1، در ادامه این مجموعه). در این مذاکرات مهم که بیش از شش ساعت به طول انجامید، تصمیمات مهمی درخصوص قانون اساسی و مجلس مؤسسان اتخاذ گردید. روزنامه اطلاعات، از این جلسه گزارش داد که یک مقام آگاه اطلاع داد قانون اساسی در دو مرحله به تصویب می‌رسد. در مرحله نخست ابتدا پیش‌نویس قانون اساسی در جراید و در معرض افکار عمومی قرار می‌گیرد و سپس در مرحله نهایی، با توجه به نظریات مردم، این پیش‌نویس به وسیله نمایندگان منتخب بررسی شده و قانون اساسی به فرآیند گذاشته خواهد شد (اطلاعات، 1358/3/2، ص 2). پس از این جلسه، امام به بازرگان پیام داد تا هرچه سریع‌تر طرح قانون اساسی در اختیار افکار عمومی قرار گیرد (کیهان، 1358/3/5، ص 2). خردادماه ۱۳۵۸، شورای انقلاب در چندین جلسه، پیش‌نویس قانون اساسی مصوب دولت را مورد بررسی قرار داده و آن را برای ارائه به مجلس خبرگان قانون اساسی آماده کرد (رجوع شود به مذاکرات شورای انقلاب).

اما تصمیم تشکیل مجلس خبرگان به جای مجلس مؤسسان وسیع، مخالفانی هم داشت. کریم سنجابی رهبر جبهه ملی گفت ممکن است در قانون اساسی دستکاری شده و قانون اساسی مطلوب ملت حاصل نشود. در قطعنامه پایانی کنگره وکلای دادگستری هم آمده بود باید قانون اساسی ابتدا به تصویب مجلس مؤسسان برسد (اطلاعات، 1358/3/9، ص 5 و 8). آیت‌الله شریعتمداری نیز عدم تشکیل مجلس مؤسسان را اشتباه بزرگی برشمرد (کیهان، 1358/3/20، ص آخر). وی حتی تهدید کرد اگر قانون اساسی از طریق فرآیند تصویب شود، من در رای‌گیری شرکت نمی‌کنم، چون مخالف این شیوه هستم. از نظر وی باید قانون اساسی فقط از طریق مجلس مؤسسان بررسی و تصویب شود (اطلاعات، 1358/3/23، ص 7 و 8). حزب جمهوری خلق مسلمان، وابسته به شریعتمداری، هشدار داد بدون مجلس مؤسسان، حقوق مردم مورد تعدی قرار می‌گیرد (اطلاعات، 1358/3/10، ص 2 و 9). سازمان مجاهدین خلق طی بیانیه‌ای با اظهار این که امام بارها تشکیل مجلس مؤسسان را تأیید کرده‌اند، بر ضرورت مراجعه به مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی تأکید کرد (اطلاعات، 1358/3/20، ص 12).

اما امام خمینی با نهیب به مخالفان تشکیل مجلس خبرگان به جای مجلس مؤسسان، درباره توطئه در تصویب قانون اساسی اعلام خطر کرد. امام به کنایه گفت اشخاصی هستند که حسن‌نیت دارند، اما توجهی به عمق مسائل ندارند (کیهان، 1358/3/26، ص 2). امام در جای دیگری گفت آنان که می‌گویند اگر مجلس مؤسسان نباشد تحریم می‌کنیم، همین کمونیست‌ها هستند (کیهان، 1358/3/28، ص 2). متعاقب این سخنان، جلسه علمای اربعه (امام خمینی و آیات گلپایگانی، شریعتمداری و مرعشی‌نجفی) تشکیل شد و پس از آن، شریعتمداری گفت با تشکیل مجلس خبرگان و برگزاری فرآیند موافق است و مخالفین اسلام، محکوم و مطرودند (کیهان، 1358/3/29، ص 2). آیت‌الله بهشتی، دبیرکل حزب جمهوری اسلامی، نیز در دفاع از تشکیل مجلس خبرگان گفت: این مجلس همان مجلس مؤسسان است و من خودم در ابتدای امر هوادار تشکیل مجلس مؤسسان بودم، اما به دلیل زمان‌بر بودن فرآیند تشکیل و انجام وظایف این مجلس، از آن صرف‌نظر کردم (کیهان، 1358/3/26، ص 3). وی همچنین گفت: تسریع در تصویب

قانون اساسی برای آن است که دست دولت برای برنامه‌ریزی‌های درازمدت باز باشد. از نظر وی، برای تصویب قانون اساسی، حضور متخصصان جامعه‌شناسی، اقتصادی و حقوقی لازم است، ولی آنها باید اسلام را به‌عنوان یک ایدئولوژی زنده پذیرفته باشند (جمهوری اسلامی، 1358/4/7، ص 4). دکتر سبحانی، وزیر مشاور در امور طرح‌های انقلابی، اعلام کرد با توجه به این که با بحث طولانی زمان را از دست می‌دادیم، ایده مجلس مؤسسان منتفی شد و به جای آن، مجلسی متشکل از خبرگان و صاحب‌نظران خواهیم داشت که با توجه به نظریات مردم و پیشنهادهای آنها، متن قانون اساسی را تکمیل نموده و نهایتاً آن را به رفراندوم خواهیم گذاشت (کیهان، 1358/3/17، ص 2). صادق طباطبایی، معاون سیاسی وزارت کشور نیز اعلام کرد قانون اساسی نهایتاً با تصویب امام و شورای انقلاب به آرای عمومی گذاشته خواهد شد. وی در تشریح چرایی عدم تشکیل مجلس مؤسسان گفت این مجلس هم زمان زیادی می‌برد و هم تمامی گروه‌ها مدعی می‌شدند که باید در آن مجلس نماینده داشته باشند، اما مجلس خبرگان منتخب مردم بوده و شورای کوچکی است (کیهان، 1358/3/23، ص 3).

24 خردادماه 1358، متن کامل پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی در مطبوعات چاپ شد. در این پیش‌نویس، رئیس‌جمهور به‌عنوان عالی‌ترین مقام کشور شناخته شده بود (کیهان، 1358/3/24، ص 8). موسوی‌اردبیلی گفته بود این قانون اساسی، به‌وسیله حقوقدانان تراز اول تنظیم شده و مراجع تقلید هم درباره آن نظر داده‌اند تا با موازین اسلامی تطبیق یابد (جمهوری اسلامی، 1358/3/26، ص 2). پس از آن، وزیر مشاور در طرح‌های انقلابی گفت: صاحب‌نظران می‌توانند در مدت یک ماه نظرات خود را درباره قانون اساسی به شورای طرح‌های انقلاب دهند و پاییز آینده نیز موعد تصویب عمومی قانون اساسی خواهد بود (کیهان، 1358/3/26، ص 3). از این رو، مباحثی در این زمینه در فضای سیاسی کشور شکل گرفت. مثلاً در کنگره مسلمانان منتقد قانون اساسی گفته شد تقنین فقط کار خداست و قوه مقننه باید از قانون اساسی حذف شود (اطلاعات، 1358/4/7، ص 2). در قطعنامه کنگره مزبور آمده بود: روح این قانون پیشنهادی، غربی و غیرقابل قبول است (کیهان، 1358/4/24، ص 10). بنی‌صدر در دفاع از پیش‌نویس قانون اساسی گفت امام خمینی کلیت این متن را به جز یکی - دو مورد، تأیید کرده است (جمهوری اسلامی، 1358/4/14، ص 8). حسن آیت، از اعضای ارشد حزب جمهوری اسلامی، گفت این پیش‌نویس آن چیزی که ما می‌خواهیم نیست. وی برای نمونه اظهار داشت: رئیس‌جمهور حتماً لازم نیست ایرانی‌الاصل باشد، بلکه باید مسلمان‌الاصل باشد (جمهوری اسلامی، 1358/5/6، ص 9). فضالی حوزه علمیه قم در بیانیه‌ای ضمن اعلام خطر درباره محتویات قانون اساسی، از بی‌توجهی به جایگاه رهبری و ولایت فقیه در آن انتقاد کردند (اطلاعات، 1358/4/13، ص 1). آیت‌الله منتظری هم تأکید کرد باید ولایت فقیه در قانون اساسی گنجانده شود (جمهوری اسلامی، 1358/5/11، ص 2 و 4). حزب جمهوری اسلامی نیز وعده داد قسمت زیادی از طرح پیش‌نویس تغییر داده خواهد شد (اطلاعات، 1358/5/9، ص 5). در مطبوعات هم بازار بحث و نظر در خصوص حوزه‌های مختلف مندرج در قانون اساسی رواج داشت. برای نمونه، سیدمحمد خاتمی در یادداشتی با عنوان "قانون اساسی جمهوری و خطر جنگ داخلی"، نوشت: بختیار هم طالب چنین قانون اساسی بود که در آن رژیم جمهوری جایگزین سلطه پادشاهی باشد. وی افزود متأسفانه در پیش‌نویس قانون اساسی تنها چیزی که نیست، اسلام است (اطلاعات، 1358/4/21، ص 9).

نهم تیرماه ۱۳۵۸، متن لایحه قانون انتخابات مجلس خبرگان انتشار یافت. بر این اساس، مجلس بررسی نهایی قانون اساسی باید ظرف سی روز کار خود را به انجام برساند (کیهان، 1358/4/9، ص آخر). به تدریج، کشور آماده برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی می‌شد. نهضت آزادی، حزب توده و حزب جمهوری اسلامی هر یک نامزدهای خاص خود را معرفی کردند. جنبش

مسلمانان مبارز، جاما، ساش (سازمان اسلامی شورا)، جنبش و مجاهدین خلق هم نامزدهای مشترک ارائه کردند (انقلاب اسلامی، 1358/4/28، ص 12). امام خمینی از همه گروه‌ها دعوت کرد تا کاندیداهای مشترک معرفی نمایند (کیهان، 1358/4/30، ص 2 و 3). وی همچنین اعلام کرد اگر یک حرف از قانون اساسی اسلامی نباشد، نه من و نه ملت به آن رای نمی‌دهیم (جمهوری اسلامی، 1358/4/31، ص 2). پیرو درخواست امام برای ارائه لیست مشترک، حزب جمهوری اسلامی، جامعه مدرسین حوزه قم، جامعه روحانیت مبارز تهران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گروه انقلابی ابوذر و ... همگی کاندیداهای مشترکی را معرفی کردند (جمهوری اسلامی، 1358/5/4، ص 2). در مقابل، جبهه ملی با هشدار در زمینه حرکت کشور به سوی نوعی فاشیسم، اعلام کرد به شکل مشروط در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی شرکت می‌کند و چنانچه انحرافی را مشاهده نماید، آن را تحریم خواهد کرد و با این وجود لیست نامزدهای خود را برای این انتخابات معرفی نمود (کیهان، 1358/5/3، ص 10). اما داریوش فروهر، که نشانه‌های اختلاف و انشعابش از جبهه ملی نمایان شده بود، شرکت در این انتخابات را وظیفه‌ای ملی برشمرد (اطلاعات، 1358/5/4، ص 2). یکی دیگر از منتقدان این انتخابات، علی اصغر حاج‌سیدجوادی، از چهره‌های روشنفکری بود که اعلام کرد تا تبیض از میان نرود، در انتخابات مجلس خبرگان شرکت نمی‌کنم. وی به این که اعضای شورای انقلاب نامزد مجلس خبرگان باشند، اعتراض داشت (کیهان، 1358/5/8، ص 3). حزب جمهوری خلق مسلمان، خواستار تعویق برگزاری انتخابات شد و اظهار داشت عجله بی‌مورد امکان صحت انتخابات را مورد تردید قرار می‌دهد (کیهان، 1358/5/10، ص 3). اما نهایتاً این حزب اعلام کرد در انتخابات مشارکت خواهد نمود (کیهان، 1358/5/11، ص 2 و 4). جبهه ملی اما در آستانه انتخابات بیانیه داد و عدم مشارکت خود را در این انتخابات اعلام کرد. جبهه ملی در بیانیه خود تأکید کرد این مجلس خصلت دموکراتیک ندارد، اختناق حاکم است و آزادی فقط حرف است. این جبهه پرسید با توجه به باسواد بودن تنها 48 درصد افراد ساکن پایتخت، رای گیری این چنینی چه اعتباری دارد؟ (کیهان، 1358/5/11، ص آخر).

انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی روز جمعه دوازدهم مردادماه ۱۳۵۸ در سراسر کشور برگزار شد. نامزدها با قاعده اکثریت نسبی انتخاب شدند. شخصیت‌ها و گروه‌های متعددی همچون جبهه ملی، حزب جمهوری خلق مسلمان، جاما، مجاهدین خلق، جنبش مسلمانان مبارز و ... به فرایند و نتایج انتخابات اعتراض داشتند. اما هاشم صباغیان، وزیر کشور دولت موقت، صراحتاً ادعان داشت به جز چند حوزه، انتخابات در محیطی آزاد و آرام برگزار شد (جمهوری اسلامی، 1358/5/13، ص 1). نتایج انتخابات حاکی از پیروزی گسترده نامزدهای مشترک حزب جمهوری اسلامی با گروه‌های مؤتلف دیگر بود. از همین رو، بسیاری حزب جمهوری اسلامی را به انحصارطلبی متهم کردند. دبیرکل حزب، در پاسخ پرسید: اگر مردم گروهی را شناخته و به آن رای دهند و اعتماد کنند و مسئولیت کارها را بر عهده آن بگذارند، این اسمش انحصارطلبی است؟ وی افزود این آقایان قیّم خلق ایرانند و اعتراض دارند که چرا خلق ایران به این حزب اعتماد می‌کند؟ (جمهوری اسلامی، 1358/5/18، ص 4). در واقع از این انتخابات بود که هجوم گروهها و احزاب به تفوق حزب جمهوری اسلامی در فضای سیاسی کشور آغاز گردید.

اواخر مردادماه ۱۳۵۸، مجلس خبرگان قانون اساسی با پیام امام خمینی رسماً کار خود را آغاز کرد. امام در این پیام صراحتاً مجلس را از رسیدگی به پیشنهادهای مخالف اسلام برحذر داشت. آیت‌الله منتظری به‌عنوان رئیس مجلس خبرگان انتخاب شد، اما وی ریاست جلسات را به نایب رئیس، آیت‌الله بهشتی سپرد (کیهان، 1358/5/29، ص 5 و آخر). آیت‌الله منتظری در نامه‌ای به نخست‌وزیر نوشت بودجه برگزاری مجلس خبرگان (که ده میلیون تومان در نظر گرفته شده بود) به یک دهم کاهش یافت تا برای

کاهش هزینه‌ها در آینده الگو باشد (جمهوری اسلامی، 1358/6/8، ص 1). دکتر باهنر در ابتدای کار مجلس اعلام کرد بیش از چهار هزار اظهارنظر درباره قانون اساسی به این مجلس رسیده است (کیهان، 1358/6/8، ص 2). یکی از موضوعات مهم مطرح در این جلسات، مسئله ولایت فقیه بود که از همان ابتدا در مجلس مطرح شد و به تصویب نهایی نیز رسید. منتخب اول مردم تهران در مجلس خبرگان، آیت‌الله طالقانی بود که توجه رسانه‌ها را نیز به‌طور ویژه‌ای به خود جلب کرده بود. وقتی از وی پرسیده شد که چرا در مذاکرات مجلس کم‌تر شرکت می‌کنید، پاسخ داده بود: خیلی درگیرم، چشمم هم آب نمی‌خورد! (کیهان، 1358/6/3، ص 11). طالقانی نوزدهم شهریورماه ۱۳۵۸ بر اثر سکته قلبی درگذشت. روزنامه اطلاعات در شماره آن روز خود روایتی از آخرین حضور طالقانی در جلسه خبرگان منتشر کرد. طبق این روایت، طالقانی در مورد اصل پنجم قانون اساسی، که به اصل ولایت فقیه مرتبط می‌شد، به‌نشانه مخالفت، کارت سبز در گلدان انداخت. خبرنگار سپس به سراغ وی رفت و از وی پرسید چرا وقتی مخالفید، توضیح نمی‌دهید و در مجلس اظهارنظر نمی‌کنید؟ طالقانی در پاسخ به شوخی گفت مگر شما فصولید؟! (اطلاعات، 1358/6/19، ص آخر). با این وجود، برخلاف روایت اطلاعات، رای‌گیری درباره این اصل پس از وفات طالقانی صورت گرفت. این اصل، نقطه اوج مباحث در زمینه عملکرد مجلس خبرگان شد و بسیاری به مخالفت پنهان طالقانی در این موضوع اشاره می‌کردند، اما هیچگاه مشخص نشد که موضع صریح طالقانی درباره اصل ولایت فقیه چه بود (هرچند در ادامه مذاکرات شورای انقلاب، می‌توان به اختلافات فکری طالقانی با سران حزب جمهوری اسلامی در بسیاری از زمینه‌ها و بالاخص همین مسئله پی برد). با این وجود، امام خمینی قاطعانه از اقدام مجلس خبرگان در لحاظ داشتن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی پشتیبانی کرد. وی از مردم خواست پشتیبان ولایت فقیه باشند تا به مملکت آسیبی نرسد و به مخالفان هشدار داد کناره‌گیری از مجلس خبرگان، کناره‌گیری از اسلام است. امام همچنین خواستار تسریع کار این مجلس شد (کیهان، 1358/6/29، ص آخر).

با تداوم فعالیت مجلس خبرگان، انتقادات از آن افزایش یافت. جبهه ملی در نامه سرگشاده‌ای اظهار داشت هدف انقلاب، پیدایش قشر ممتاز مذهبی نبود و از این رو نتیجه گرفت مسیر انقلاب به انحراف گراییده است (اطلاعات، 1358/7/3، ص 2). مهندس بازرگان، نخست‌وزیر ضمن انتقاد شدید از مجلس خبرگان گفت: طرحی که دولت درباره قانون اساسی به مجلس خبرگان ارائه داد، با کم‌لطفی و بی‌توجهی مواجه شد و اصلاً ما را نخواستند که بپرسند این طرح شما چه بود؟ (اطلاعات، 1358/7/16، ص 6). در همین اثنا بود که طرحی به‌صورت مخفیانه در دولت موقت برای انحلال مجلس خبرگان به بهانه طولانی شدن دوره فعالیت آن، به ابتکار عباس امیرانتظام به جریان افتاد که البته با مقاومت امام خمینی و شورای انقلاب به نتیجه‌ای نرسید. بازرگان پس از استعفای دولت موقت به مجلس خبرگان وصیت کرد در بعضی مواد تغییراتی دهند تا حکومت انحصاری نباشد (اطلاعات، 1358/8/17، ص 1 و 2). به هر صورت، کار تدوین قانون اساسی در مجلس خبرگان حدود سه ماه به طول انجامید و اواخر آبان‌ماه ۱۳۵۸ متن کامل قانون اساسی با 175 اصل به همراه مقدمه و مؤخره منتشر شد (جمهوری اسلامی، 1358/8/26، ص 1 و 2).

یازدهم آذرماه ۱۳۵۸ از سوی شورای انقلاب، موعد برگزاری رفراندوم قانون اساسی اعلام شد. جبهه ملی خواستار فراهم شدن مجال اظهارنظر و بحث و گفتگوی مردم و گروه‌ها در رادیو و تلویزیون پیرامون قانون اساسی شد (اطلاعات، 1358/8/27، ص 1). جبهه در آستانه رفراندوم، در نامه سرگشاده‌ای از امام خواست تا همه‌پرسی به تعویق افتاده و کار تدوین قانون اساسی به مجلس شورای ملی منتخب واگذار شود (انقلاب اسلامی، 1358/9/6، ص 9). اما بازرگان علیرغم تمام انتقادهای خود به روند حاکم بر فعالیت مجلس خبرگان، از مردم خواست به قانون اساسی رای مثبت دهند، چرا که در کنار این قانون اساسی است که مملکت از

نیست، صحیح نیست. لزوم بحث برای ایجاد ثبات سیاسی در کشور مورد تأیید است. دوم: لزوم برطرف کردن ابهام در مورد جمهوری اسلامی. تذکر: اگر در قانون اساسی که با این حالت عجله تصویب می‌شود، امکان تغییرات لازم را طوری پیش‌بینی کنیم که مشکلی برای آن نباشد، باید دید آیا سرعت تغییر صحیح است یا نه [؟] سوم: بسیج صد نفر برای دفاع و توضیح. حالا ده نفر نداریم که از حملاتی که می‌شود، دفاع کند.

مطهری: شما مقداری گفتید [که] اگر [در وضعیت] اول [قرار داشتیم]، آن فرض بهتر بود. [اما حالا] گذشته است. حتی تعرفه‌اش را چاپ کرده‌اند. دولت و انقلاب و جمعی سهم هستند، اصول دموکراسی را رعایت نمی‌کنند. اگر مسجل باشد که آماده است، صاحب‌نظران بیایند قانون اساسی را شور کنند، بررسی شود. در غیر این صورت می‌گویند برای غافلگیر کردن مردم، قانون اساسی را گفتند همین طور رای بدهید. جلو آزادی افکار را نگیرید. خیلی قاطع و صریح، مسئله‌ای که خیلی سروصدا کرد. [مسئله] دیگر شورای انقلاب است که می‌گویند چرا معرفی نشد. در متن فرمان این طور آمده، اما گفته دولت برای رفراندوم، تعرفه را به همین شکل موجود چاپ شده، عدول کردن نادرست بود.

هرج و مرج به ساحل نجات خواهد رسید (کیهان، 1358/9/3، ص 2). مجاهدین خلق نیز ضمن محکومیت پیشاپیش هر نوع اخلال در فرایند رفراندوم، از مسئولان خواست هرکس را که به نام این سازمان در جریان رفراندوم اخلاقی ایجاد کند، فوراً دستگیر نمایند (کیهان، 1358/9/4، ص آخر). حزب جمهوری خلق مسلمان اعلام کرد در صورتی در رفراندوم شرکت می‌کند که قبل از آن، توضیحات لازم در متن پیشنهادی به عمل آمده باشد. این حزب با انتقاد از اعطای اختیارات گسترده به فقیه، بدون پاسخگو دانستن وی، البته اعلام کرد مخالفتی با اعطای این امتیازات به "آیت‌الله خمینی" ندارد (کیهان، 1358/9/5، ص آخر). آیت‌الله شریعتمداری نیز در اطلاعیه‌ای درباره رفراندوم نوشت: اصل 110 با اصل 6 و 56 مخالفت و تناقض دارد و با حاکمیت ملت همخوانی ندارد. وی البته اضافه کرد اصول دیگری هم ایرادهایی دارند و با مراعات این نقایص و اصلاح آن در نزدیکترین زمان، بقیه مواد قانون بلامانع است (اطلاعات، 1358/9/10، ص 12).

با همه این تفصیلات، رفراندوم در روزهای 11 و 12 آذرماه ۱۳۵۸ در 18 هزار شعبه اخذ رای برگزار شد. رای دهندگان می‌بایست به این سوال پاسخ آری یا نه می‌دادند که: "با اصول قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان موافقت دارید؟" 79 درصد واجدان شرایط در این همه‌پرسی مشارکت نموده و 99/5 درصد به آن رای مثبت دادند (کیهان، 1358/10/11، ص آخر) و بدین ترتیب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پس از ماه‌ها بحث و جدل، رسماً استقرار یافت.

خامنه‌ای: اگرهای موسوی [اردبیلی] ممکن نیست و تأکید بازرگان و مطهری. اشکال مهندس سبحانی، مجلس مؤسسان است. به نظر من برای آن راه حل میانه است.

طالقانی: ابهام رای.

خامنه‌ای: قانون اساسی را با چند ماده اساسی از آن، که تا حدی می‌شود جمهوری را معین کند [برای] بیست روز در معرض افکار باشد. بعد از این مشکل (که قانون اساسی تمام شد)، پس از بحث و بررسی کردن مردم، با رفراندوم دیگری تمام می‌شود. اگر گفته شود طول می‌کشد، مخالف وضع ما است.

مهندس بازرگان: تشکر از خامنه‌ای. دولت بارها گفته تمام اینها به استناد فرمان و مصوبات [است]. شورای انقلاب هم این را پسندیده‌اند. دیگر چه آبرو برای دولت و ملت و انقلاب است [؟] خصوصاً که این ترتیب غلط است، [یعنی] مردم را به کلی کنار گذاشتن است. شنیدم گفته‌اند مدرسین قم مطالعه کنند، بیست روز مردم بخوانند. اگر خود موسوی عیب‌هایی دیدند، اگر چه خود قطب‌زاده گفت عیب ندارد. همان‌طور که روی جریان کوچک دوره نظام که از دو سال بشود یک‌سال این قدر بحث شد، مسلم در قانون اساسی خیلی حرف‌ها هست. طبق نظر آقای موسوی که آقایان قم مطالعه کنند، دولت که نامحرم است. [به] میزانی که بیست روز مطالعه کنند، نظراتی دارند، چه می‌شود [؟] تغییر می‌کند یا نه [؟] یا می‌گویند این است و جز این نیست [؟] اگر این‌طور نیست، اصلاً نشان ندهیم مردم رای بدهند، بعد باز کنند.

خامنه‌ای: برای همه مهر و موم شده است.

مهندس بازرگان: با تمام حمله‌های چپی‌ها، همه‌اش درست درمی‌آید. قانون اساسی متعلق به حبیبی و قطب‌زاده و دیگران نیست. تبلیغ صد نفر چه فایده دارد [؟] ممکن است شرکت در آن را تحریم کنند. حقوق مردم پایمال می‌شود. بنده [به‌عنوان] یک فرد درباره سرنوشت مملکت، آره یا نه بگویم، کار خلاف حق است. آیا می‌شود تغییر داد یا نه [؟] معلوم است [که] نه. این کار میدان به چپی‌ها می‌دهد. طول می‌کشد، طبیعی است، انقلاب طول دارد. جواب بدهیم، اگر حرف حسابی دارند، جواب بدهیم. پست وزیر مشاور در انقلاب [برای] همین است. مجلس مؤسسان تشکیل شود [تا] دیگران احساس کنند [که] محلی از اعراب دارند. حرف‌هایشان را بزنند. قاعدتاً مسلمانان اکثریت دارند. می‌گویید مدت سه ماه کلیه حرف‌ها زده شود. کمیسیون مجلس مؤسسان رسیدگی می‌کند. وحشت وجود ندارد. چون خر ما از پل گذشته، با رفراندوم قبلی، مسجّل و مسلم شده [که] اکثریت مردم، جمهوری اسلامی می‌خواهند.

بهشتی: [صحبت‌ها] کوتاه باشد. هفت نفر نوبت گرفته‌اند.

مهندس سبحانی: یکی مسئله خلاف حرف قبلی است که دلیل، خیلی دارد. شرایط فعلی مملکت، موقتی و تا حدی بحرانی است. بین خودمان باشد، می‌بینیم که بحران شدت می‌کند، زمینه پیدا می‌کند بین خودمان. رفراندوم علی‌رغم شرایط بحرانی است. ایجاب نمی‌کند وضع موقت طولانی شود. از نظر دروغ گفتن به مردم در مورد جمهوری اسلامی که مجهول از نظر مردم است، همین تذکر.

خامنه‌ای: دستگاه تبلیغاتی درست کند.

مهندس سبحانی: جمهوری اسلامی اگر قولی بدهد [و] اجرا نشود، درست نیست. من از مجلس مؤسسان برحذر می‌کنم. دو گل در فرانسه این کار را نکرد، [درحالی‌که] جامعه آنها باتجربه‌تر است. [باید] به تجربیات دیگران توجه شود. تجربیات جهانی به اینجا رسیده [که] مجلس مؤسسان کارایی ندارد، به‌خصوص در مملکت ما. برخلاف گفته آقای مهندس، [کار مجلس مؤسسان برای تدوین قانون اساسی] حداقل دو سال طول می‌کشد. درست است [که] حرف زده شده [و] باید اجرا شود، [اما] همه اینها در مقابل اصل مصلحت کنار برود. من پافشاری می‌کنم [که] باید اینها جدا شود.

بهشتی: استدلال‌ها ناظر به گفته‌ها نیست.

سبحانی: توضیح می‌دهیم برای مصلحت ملت و خود انقلاب [این کار ضروری است].

قطب‌زاده: آن که اول حرف بزند، وقت اضافه می‌آورد؛ [اما] آخری [وقت] کم [می‌آورد].

بهشتی: دو دقیقه حرف زدم.

قطب‌زاده: مسئله مهم است. قانون اساسی را نخوانده؛ وقتی خوانده شود بهتر است. حبیبی با آقا رفته قم تا قضیه زودتر حل شود. نکته‌ای که وجود دارد، عنوان در بسته است. قانون اساسی فرانسه را میشل دبره با چهار نفر نوشت. کسی نمی‌دانست موقعی که آنها انجام می‌دهند، خوب می‌شود. ما انجام بدهیم، بد است. راه حل، کمیسیون می‌شود. راه حل‌ها را ببیند. من صد درصد نظرات مهندس [سبحانی] را تأیید نمی‌کنم، ولی کشیدن به مجلس مؤسسان درست نیست. واقعیت آن این است برای قانون اساسی نخوانده شده، سرمنشأ تمام کشمکش‌هاست. تمام حرف‌های دنیا مطرح می‌شود. در مورد [این] حرف [که] رهبر انقلاب که [از نظر اولیه‌اش] عدول می‌کند، می‌شود عکس قضیه را گفت. [می‌شود گفت] رهبر، دموکرات است، مصلحت ایجاب کرد، [نظر خود را] تغییر

دادند. حرف خود را می‌گویند، ملت رای دهد. نمی‌گویند مجلس مؤسسان نه، حالت لجبازی پیدا نکند. یکی از نکات مثبت حکومت مهندس [بازرگان]، عزل مهدیون^۱ بود؛ بلکه عزلش به علت اعتراض مردم است.

مهندس کنیرائی: من طرفدار رفراوندوم اول و مجلس مؤسسان بودم. تمام مخالف و موافق سهم دارند. سرنوشت را تغییر می‌دهد. می‌خواهیم مجلس مؤسسان را تغییر بدهیم [؟] ما در شرایطی گفتیم مؤسسان، که حکومت وقت می‌گفت مهندس و اعضای کابینه‌اش را اگر بخواهند دخالت در کارها کنند، تیرباران می‌کنم. روزنامه‌ها می‌نوشتند می‌خواهد مذاکره کند، بعد شرایط دیگر شد. آنچه که خیلی مهم است، ضریب در نظر گرفته شود. بدون تردید، انقلاب الان در نقطه اوج خود است، ولی ممکن است پایین برود، حتی سریع. تا ده فروردین، در آن موقع ما نباشیم، بعید نیست. اوج آن پایین‌تر نیاید. سه ماه یا شش ماه بعد بدتر. نمی‌دانم که می‌شود مؤسسه‌ای را درست در معرض قرار داد، ولی عمل شد. اکثریت قریب به اتفاق، صلاحیت اظهارنظر ندارند. مردم می‌گویند چون آقا گفته، رای می‌دهیم. اقلیتی می‌تواند بفهمد و اقلیت، کم‌تر اظهارنظر می‌کند. بگوییم آراء را می‌گیریم و اصلاح می‌کنیم.

بنی‌صدر: اساس استدلال فوری رای عمومی، بیم از آینده است. اگر روی آمدن نیروهای دیگر است، متن قانون را نادیده نگیرید. نظرم این است. اگر توجه مردم نسبت به انقلاب پایین آمده، جنبه روانی دارد، به علت خلاء [...] یکی از چیزها مجلس مؤسسان است. اگر دوگل آن کار را کرد، چهار نفر بودند، دوازده نفر بودند و آنها نمایندگان گروه‌های مختلف بودند. تازه تغییر رژیم نبود، تغییر شکل بود و تغییر رژیم، غیر تغییر شکل است. تازه همه‌اش اشکال دارد وضع فرانسه. ما می‌خواهیم وضع مناسب پیش بیاوریم. حرف‌های رهبری ثبات نداشته، [و] مقداری زیاد نارضایی ایجاد کرده. مهندس بازرگان گفته از اعداد خبر ندارم. شریعتمداری^۲ آن طور فرمودند، طالقانی طور دیگر. اصل قضیه گنگ است. خمینی همه اینها را قبول ندارد.

طالقانی: چرا. اینها هم هست.

1. سیدسعید مهدیون (59-1307) فرمانده پدافند هوایی و رئیس ستاد نیروی هوایی ملی ایران در اواخر حکومت پهلوی که به حکم بازرگان عزل شد. وی فرمانده کودتای نافرجام نوژه بود و به همین جرم، در سال ۱۳۵۹ اعدام گردید.

2. سیدمحمدکاظم شریعتمداری (1365-1284) از مراجع محافظه‌کار قم، مؤسس دارالتبلیغ اسلامی بود. مخالفت‌های وی با اصل ولایت فقیه و نیز تأیید حزب جمهوری خلق مسلمان، موجب گردید تا از امام خمینی فاصله گرفته و نهایتاً به دلیل آگاهی از طرح کودتای صادق قطب‌زاده و سکوت توأم با همراهی با این طرح، به‌صورتی بی‌سابقه از جانب جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از مقام مرجعیت خلع شد و سال‌های پایانی عمر را در انزوا گذراند.

بنی صدر: شکایت از بین برود.

موسوی [اردبیلی]: صحبت نمی‌کنم، وقت گذشته.

هاشمی: غیر از اینها، آقایان طرفدارند یا خیر [؟] این احتمال را بدهند [که] روح قبول شهرستان‌ها بیش تر است. اگر احساس وظیفه کنند، در این انتخابات شرکت می‌کنند. عده زیادی از مردم و مسجّل مجلس مؤسسان، از همین آقایان خواهند بود. چون جمعی اهتمام دارند، تاکید شود [که] ترکیب مجلس مؤسسان، شرعی است و چه موادی باید گذرانند. از چپی‌ها تعداد کم است. یکی از موانع [این است که] در روزنامه‌ها نوشته شده مجلس مؤسسان و شکل آن گفته شده. این یکی از تخلفات دولت است [که] باید تنبیه بشود که ما را در مقابل عمل انجام شده قرار دادند. اگر احیاناً صلاح باشد، پانزده روز تاخیر شود. آن را کار غیرمسئول است. بین دو جلسه صبر شود، شاید قانون زودتر برسد. تصمیم آنها شرط است.

مطهری: منفی نظریه‌ها برای فرد طرفدار اسلامی، امر مهم است و مجهول. چطور به مجهول رای دهد [؟] آقای مهندس سبحانی [!] امر مجهول، برداشت‌های مختلف از اسلام است. گروه‌ها [بی] که اسلام را مبادی ایمان می‌دانند 90% هستند. به هر کدام گفته شود معیار واقعی اسلام، قرآن و سنت واقعی پیغمبر است؛ در این جهت کسی شکی ندارد. این مردم بر آن اساس، نه بر امر مجهول اعتقاد دارند. مذهب از بالاست. به دلیل این که فکر می‌کند [که] پیغمبر گفته؛ نه این که منطقی گفته. اگر مسئله اقتصاد، حقوق زن وضع شده، او نظر می‌دهد که از روی قرآن است. او دلش می‌خواهد آن چیزی در جامعه ما معمول باشد که قرآن گفته. اگر رای به جمهوری اسلامی گرفته شود، بنابر اساس واقعی وحی و اسلام رای می‌دهد. برداشت‌ها مختلف است. کسی می‌گوید قانون اساسی بر مبنای اسلام است. کسی ممکن است بگوید روی قانون اساسی، اختلاف نظر زیاد است. قانون اساسی نوشته شده بر ما مجهول است. برای مردم که بر مبنای اسلام است، نمی‌شد گفت بر امر مجهول است.

قطب‌زاده: جلسه بعد نسخ شد.

بهشتی: زمان به سود ما به جلو نمی‌رود. دارید می‌گویید پانزده روز فراراندوم را تأخیر بیندازیم. ما در اصل رژیم خطر می‌کنیم تا قانون اساسی معلوم شود، ما بعد رژیم را حل می‌کنیم.

مهندس سبحانی: چپی‌ها روی تغییر رژیم حرف نمی‌زنند.

بهشتی: ابهام وجود دارد، شرح قانون اساسی کمک می‌کند، با روشنگری ساده. 1) جمهوری یعنی حکومت آراء، 2) اسلامی است بر مبنای مقدسات اسلامی، 3) گفتیم که قانون اساسی آن از طریق آراء شما معین می‌شود.

قطب‌زاده: یکی دو نکته است. به محض گفتن جمهوری اسلامی، فردا دولت موجود به هیچ چیز نمی‌خورد. بر اساس سلطنت، دولت بر آن اساس است. تخلف دولت است. دولت تخلف کرده. امر مجهول در مقاله روزنامه آمده. اگر جمهوری اسلامی نیست، آیا ولایت فقیه است [؟]

بهشتی: 4) مجلس موسسان، اعضاء آن، آیا متخصص وارد مجلس می‌شوند [؟]

مطهری: شخصی که مردم قبول دارند. ما و شما درست نیست. قانون اساسی را مخفی کردید، حتی از ما خواستید آقا تصویب کند. شما می‌خواهید مردم را در جریان نگذارید.

قطب‌زاده: صحبت شخصی کردن نیست. صحبت بسیار شده. آقای نریه در مصاحبه با روزنامه مطالبی گفته‌اند، در پاریس، بدون اطلاع از آن که درست نبود، بدون این که وارد در آن باشند. راجع به قانون اساسی، از مدت‌ها قبل، آقا با آقای سلطانی^۱ و منتظری^۲ در مشاوره بودند. خودشان اظهار نظر کردند.

مهندس بازرگان: نفهمیدم ایراد هاشمی چه بود. برای من یک حق مشروع بگذارید.

طالقانی: بیش‌تر مرجحات، حاشیه‌ای است، نه متن. آقای مهندس بازرگان در مصاحبه گفتند کار ما مثل کار آدمیزاد نیست. این کار ما هم شباهت به انقلاب دنیا ندارد. همه‌اش روی شعار اسلامی، یعنی وجدان دینی [سوار است]. مسئله دیگر [اینست که] مطالبی، طرح‌هایی و خیلی چیزهای سال‌ها قبل بوده، حالا هم مواجه با مسائل جدید شده‌ایم. [به] دو اصل توجه شود: در اصل حکومت با این اهمیت و تجدیدنظر در مسئولیت حکومت. مهندس بازرگان می‌گوید من مرد انقلابی نیستم، ولی کار به جایی رسیده که باید باشد. اشخاص منفی‌باف، همه انقلابی شده‌اند. باید انقلاب، استمرار داشته باشد. انقلاب را شروع کردیم، در شعار اسلام، متون اسلام، اصول قرآن، سنت

1. آیت‌الله سیدمحمدباقر سلطانی طباطبایی (1376-1292) از عالمان فقه و اصول، پدر همسر سیداحمد خمینی، و از مجتهدان نامور حوزه علمیه قم.

2. آیت‌الله حسینعلی منتظری (1301-88) مرجع تقلید، شارح نظریه ولایت فقیه و رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی. وی در سال‌های پایانی حیات امام خمینی به‌عنوان قائم مقام رهبری توسط مجلس خبرگان رهبری شناخته شد، اما با اوج‌گیری اختلافات میان وی و رهبری انقلاب و مسئولان نظام جمهوری اسلامی، امام خمینی در ماه‌های پایانی عمر، وی را از این مقام عزل نموده و از وی خواست منحصراً به امور حوزوی خویش بپردازد و از دخالت در سیاست پرهیز نماید.

پیغمبر و علی، باید پرسید در حکومت اسلام و علی، مجلس مؤسسان چه صیغه‌ای است [؟] حکومت اسلامی انتصابی است یا انتخابی یا رای گرفتن [؟] در مجلس مؤسسان، که تقلید مخرب است، چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود [؟] دیگران خوششان نیاید، مجبورند قبول کنند. درباره تبلیغات علیه ما، [چهره ما] در غرب منفی است. یکی دنباله‌روی از [مجلس] مؤسسان رضاخان است که عده‌ای طرفدار خودش را آورد، یکی هم مجلس مؤسسانی که برود با حالت جمود، بحث کند. اگر آقا گفته و کردید، یا اگر نگفته، شرایط فرق می‌کند. من خطراتی [را] احساس می‌کنم. شعور ناآگاه احساس می‌کند. بعدها خواهید دید. باید بطور قاطع مسئله پیش برود، آقای خمینی هم بگویند این‌طور باشد: رفراندوم در مورد رژیم و قانون اساسی، با توجه به نظر اهل حل و عقد و نظر مستقیم آقا [صورت بگیرد]، که [مخالفان] نگویند رفراندوم کردند و ... شکست دولت ما، ضعف ما، شکست انقلاب است. مجلس مؤسسان پایه در اسلام ندارد. نظر غرب لازم نیست. اگر رای موافق بدهید، تبعات آن را می‌بینید.

مهندس بازرگان: ایراد این است [که] چرا به روزنامه‌ها گفته شده. رفراندوم با این عبارت که رژیم سلطنتی نه، و رژیم جمهوری اسلامی آری، تا آنجا که حافظه حکم می‌کند، بعد از بحث‌های متعدد، آقایان کلمه دموکراسی را رد کردند، با اکثریت که حذف شد. رژیم سلطنت و غیره، آخر سر رای گرفتند به همین عبارت پیشنهادی وزارت کشور منهای دموکراسی [رسیدیم]. [به دلیل] این است که در روزنامه بوده و هست. بعد که صدر [حاج سید جوادی] به مناسبتی خدمت آقا رسید، برای آقا تازه بود. سلطنت مشروطه [را] نگفت درست است. خلاف از طرف دولت نشده.

بهشتی: به‌عنوان مدیر جلسه قبل، صورت جلسه را می‌گویم که درست است.

مطهری: نقض [را] بهشتی کرد که نبود یک جلسه.

قطب‌زاده: بحث شد با فتوایی که آقا دادند، این مسئله رفراندوم با قانون اساسی باشد یا نه، و بحث امروز هم دنباله همان است. ولی متن رفراندوم عیناً در روزنامه آمده.

بهشتی: شروع بحث مجدد، ارزش تصویب شده را از بین نمی‌برد.

قطب‌زاده: آقای بهشتی وقتی گفتند اصلاح کنید، [پس] مجدداً باید در شورا مورد تأیید واقع شود.

بهشتی: مسئله تمام است. جلسه از ساعت 10 تا یک است. می‌توانیم 10 دقیقه بحث کنیم، رای بگیریم. اگر احساس می‌کنید 10 دقیقه چیزی نمی‌شود، با کفایت مذاکرات نسبت به این که آیا قانون اساسی باید در این فرآیند جمهوری اسلامی باشد یا نه، رای بدهیم نه مجلس مؤسسان.

خامنه‌ای: قانون اساسی جزو فرآیند است یا نه [؟]

طالقانی: مجلس مؤسسان.

بهشتی: متنی را که آقایان می‌دهند، اگر تصویب شد، بحث مجدد ندارد. اگر تصویب نشد، رژیم معین می‌شود که قانون اساسی آن از تصویب ملت خواهد گذشت.

بازرگان: آقا گفته‌اند؟

بهشتی: تغییر رژیم سابق به جمهوری اسلامی که قانون اساسی آن بعداً از تصویب ملت خواهد گذشت.

[دکتر] سحابی: پیشنهاد این است که مجلس مؤسسان نباشد (در یک فرآیند یا دو فرآیند). بعد از کفایت مذاکرات، یک مخالف و یک موافق صحبت می‌کند.

بنی صدر: در صدر اسلام، قانون اساسی هم نبود.

مطهری: اجتهاد بود.

طالقانی: این مجلس مؤسسان نبود.

بهشتی: بعد از [مشخص شدن تکلیف] رژیم، قانون اساسی در یک فرآیند تعیین شود. فرآیند تغییر رژیم باید حتماً سریع انجام شود.

قطب‌زاده: الان مسئله‌ای نیست که تصمیم بگیریم.

بهشتی: قانون اساسی، خیلی مهم است. سی روز هم کافی نیست. قانون غیر اساسی است. از نظر ایدئولوژی اسلامی، رای باید آگاهانه باشد و گرنه مع‌الواسطه رای بدهد... دو مسئله است. یکی [که] جلوتر بحث کردیم، فرآیند راجع به اصل رژیم. گفتم فرمان صادر شده، این فرآیند را می‌خواسته‌اید مجلس مؤسسان هم باشد، قانون اساسی هم باید از مجلس مؤسسان گذشته باشد.

طالقانی: قانون اساسی، اصول و فروع آن اگر بشود در مورد آنها افکار بررسی شود، به رای بگذارید.

رد شد (فقط قطب‌زاده موافق نبود).

بهشتی: تکلیف این فراندوم معلوم شود و دولت وظیفه خودش را بداند.

قطب‌زاده: شلوغ می‌شود.

موسوی [اردبیلی]: مجلس شورا شد.

قطب‌زاده: نکته دوم، دولت چیزی را اعلام کرده، تعرفه را چاپ کرده، دولت چیز دیگری اعلام نمی‌کند.

بهشتی: آقای قطب‌زاده [!] توجه به حرف ما نکردید. متنی که دولت باید در این فراندوم تعیین کند، تمام شود (در متن اعلام کرده که مجلس مؤسسان نیست). بحث بر این است مذاکرات پیرامون قانون اساسی از راه فراندوم یا شقوق دیگر [؟]

طالقانی: آقای خمینی تصرف کردند.

بهشتی: کیفیت به تصویب رساندن قانون اساسی کافی است یا نه؟

هاشمی: مجلس مؤسسان باشد یا نه؟ بعد [از] دو فراندوم

طالقانی: چون مسلم بود، مجلس مؤسسان حالا شق دیگر پیدا کرده، مجلس مؤسسان فراندوم یا شیوه دیگر.

بهشتی: در جلسه بحث خودمان بررسی شود. مسئله کفایت مذاکرات کیفیت به رای گذاشتن قانون اساسی و...

عدم کفایت مذاکرات تصویب شد.

لایحه دولت: بودجه دولت، آخر سال نوشته شود. اواخر سال برای این که متمم بودجه را می‌گیرند تا پرداخت‌ها درست شود. قدر مسلم، پرداخت‌های تا آخر سال هست. کل بودجه سال گذشته، چهار هزار و خرده‌ای میلیارد ریال است، مقداری صوری بوده. کسر بودجه معمولاً موجود بود. مجوز را دولت گرفته تا اشکالی پیش نیاید...
تغییراتی در مواد باید داد.

لایحه متمم بودجه: به دولت انقلاب اسلامی اجازه داده می‌شود...

طالقانی: پرداخت بدهی‌های سابق، از کجا [معلوم که] درست باشد [؟]

معین‌فر^۱: وام است و مجبوریم بپردازیم.

بهشتی: سوال بند اخیر، قبلاً تصویب شده.

معین‌فر: اجازه پرداخت، لازم دارد.

بهشتی: در سایر موارد می‌شود ماده واحده تصویب کند. سال مالی تا پایان خرداد تمدید شود تا دست دولت بسته

نشود. ما هم به چیزی که روشن نیستیم، رای ندهیم.

معین‌فر: غیر از ماده آخر که وام گرفته‌ایم و باید فوراً بدهیم.

طالقانی: مسئولیت دینی است برای من. من تمام آنها را که زمان محمدرضاخان تصویب شده و کافر محارب

است، مالیت ندارد، مگر معین بشود.

مطهری: قرض چه می‌شود [؟]

قطب‌زاده: بر اساس قرارداد بسته شده.

بهشتی: احتیاج به بحث دارد.

معین‌فر: راجع به تمدید موعد تعهدات یک سال تا پایان خرداد، قابل پرداخت است. آن را عوض کردند. 15

فروردین چک می‌دادند، تاریخ آن را 29 اسفند می‌گذاشتند. اکنون ما مسئول پرداخت حقوق به مقاطعه‌کاران

هستیم. 80 میلیارد طلبکارند. قبل از عید باید پول برسد. مجوز نداریم. متأسفم که چرا 10 روز قبل نیامد. ابتدا

رفت هیئت وزیران. حساب مجلس، بر طبق ماده سی محاسبات دولت می‌تواند به تصویب دولت برساند. قاعدتاً

شورای انقلاب، جایگزین مجلس است، به موارد انقلابی برسد. الان قرض کردیم، مجلس نیست، در لوایح دیگر،

1. علی‌اکبر معین‌فر (96-1306) سرپرست سازمان برنامه و بودجه در دولت موقت و اولین وزیر وزارت نفت. وی پس از استعفای

دولت موقت، به عضویت شورای انقلاب درآمد و نماینده اولین دوره مجلس شورای اسلامی بود.

مجلس هست. چهار یا پنج روز گرفتاری و فشار وزارتخانه‌ها، کارخانه‌ها، و اعتصاب و اعتراضات است، کارگران دستگاه آسفالت‌پزی را برده‌اند.

بهشتی: پرداخت به شرکت‌ها و مقاطعه‌کارها روی 145 است یا 160.

معین‌فر: متأسفانه این لایحه را دفعه قبل هم نیاوردند. بعد به مهندس کتیرائی گفتم مهم است. گفت نگران نباش. با توجه به دهم اسفند، به علت دیر شدن زمان و اشکالات موجود، تخریب‌ها زیاد است.

بهشتی: یکی از شکایت‌ها [این است که] شرکت‌های طلبکار، پول کارگرها را نمی‌دهند. بهتر است پول به مقاطعه‌کار داده نشود، به کارگر بدهند. دولت موظف است در پرداخت مطالبات شرکت‌ها، کلیه مطالبات کارگران را تضمین کند.

معین‌فر: [به] این مطلب توجه می‌شود در ماده اول. الان می‌شود رای داد. با حرف آقا باید بدون ربا باشد. ماده چهار اختیارات را بدهیم [به] سازمان برنامه (مخالقم). آخرین موضوع بحث است.

بهشتی: فوری که من گفتم تا خرداد [باشد]. آن که برای طالقانی محذور دارد باشد [برای جلسه] یکشنبه.

معین‌فر: ماده سه را خودم هم گفتم بهره تعلق نگیرد. اردلان¹ گفته در جریان اقتصاد دنیا قبول نمی‌کند. خودم هم قبول دارم حالت من عندی نباشد. نمی‌شود اختیار داد [که] خود دولت ببرد و بدوزد. ماده به ماده دیگران بردند، ما هم می‌بریم. ماده غیرضروری را می‌بریم. این قدر دیگر به ما اعتماد کنید برای این که یک عده در کمیسیون بودجه بودند، چیزی که (کلیه مواد) اصلش را قبول نداریم.

ماده 5: موضوع وام خارجی فوریت دارد مقادیر زیادی گذشته، بانک‌ها با لطایف‌الحیل نگه داشته‌اند. مسئله سیاسی است. اگر قرار باشد بدهیم، به فوریت بدهیم.

مهندس بازرگان: این کار برای بیست روز است. بدهی که بررسی دقیق شود، دو ماه است. حال آن که یک سال است. چون ماه آخر است، یا بگویید قبول، یا آن که برگردانید به تصویب دولت.

1. علی اردلان (1293-1378) از چهره‌های ملی‌گرا و اولین وزیر امور اقتصاد و دارایی پس از انقلاب اسلامی. وی نماینده مجلس اول شورای اسلامی نیز بود، اما در سال ۱۳۶۰ و متعاقب اتفاقات تابستان، به زندان افتاد.

بهشتی: چیزی که در کار ما نیست، عدم اعتماد است، بلکه [مسئله مهم] بررسی کار است. ما می‌خواهیم شتابزده کاری نکنیم. صحبت، کمال اعتماد به درستی است. ولی بحث سر صحت تشخیص است، در مسایل فنی، بلکه در مسایل کلی نهضت و انقلاب. اگر آن را نگیرند، وظیفه آسان‌تر است.

بنی‌صدر: می‌گویند از مردم هستیم. برای همه یکسان نیست. کار من هم در فرنگ، بودجه دولت بوده. جزء جزء بودجه را می‌دانم [که] چه تاثیری در وضع اقتصاد می‌گذارد. مسئله ربا است و این که بر چه اساس خرج شود.

طالقانی: پیشنهاد می‌کنم چون [بنی‌صدر] مدعی هستند [و] تخصص دارند، ایشان نماینده باشند.

بهشتی: عملی نیست.

قطب‌زاده: در قسمت بودجه، تصمیم، سیاسی است نه اقتصادی. تا قسمت چهارم کاملاً قبول. ماده بعد هم سیاسی است. اگر یک سری را بپردازیم، بقیه را هم باید [بپردازیم].

بهشتی: به شرط این که با مطلبی که می‌گویند، بررسی سه ماده از سه تاریخ تا یکشنبه حداکثر سه‌شنبه، انجام شود (اگر تعهد می‌شود که انجام شود، اشکال ندارد).

قطب‌زاده: از ماده یک تا چهار به تصویب دولت. تمام ماده به استثنای پرداخت ربا، تصمیم با دولت [باشد].
تصویب شد.

مهندس بازرگان: الغای قانون اجتماعی زنان (توضیح بدهند در روزنامه نظام‌وظیفه).

لغو نظام‌وظیفه زنان تصویب شد.

مهندس بازرگان: تقلیل وظیفه عمومی به یک‌سال.

تصویب شد.

تصویب نامه تاریخ شروع ایام قهری 15 مهرماه و خاتمه آن 18 اسفند تصویب شد.

تذکر خامنه‌ای: این مطلب به بانک‌ها هم ابلاغ شود [و] این تأخیر را در نظر بگیرند.

مهندس بازرگان: کارمندان وزارتخانه و شرکت‌ها، مشمول ماده 84 استخدام هستند و در جریان انقلاب صدمه دیده‌اند و... محدود کردن صلاحیت دادگاه‌های نظامی.



جلسه یکشنبه 1357/12/13

[حاضران]: شیبانی، طالقانی، مهندس سحابی، موسوی [اردبیلی]، خامنه‌ای، هاشمی [رفسنجانی]، مسعودی.

مهندس سحابی: آقای زواره‌ای^۱ نمی‌رسد [که به] هم زندان [و] هم مسائل دیگر [رسیدگی کند]، قاضی تحقیق نمی‌رسد.

شیبانی: زواره‌ای می‌گوید [یک] قاضی که بتواند کار کند، نداریم.

هاشمی: دکتر مبشری^۲ گفت دادستان دادگاه، آقای هادوی^۳ گفته است بیست قاضی محکم معین شد. بحث قانونی است.

سحابی: تحقیق درست [صورت گیرد].

هاشمی: قرار شد فکری بکند، کسانی که بی فرمان، کسی را می‌گیرند، تحویل نگیرند.

خامنه‌ای: مسئله ایجاد می‌کند.

سحابی: بی جهت نباید گرفت. رزمجو تحت فرمان ابزارچی بوده [و] او هم زیر نظر لاهوتی^۴.

موسوی: آقای مهدوی [که] متصدی است، نامه‌ای به همه کمیته‌ها بنویسد، [و] مفاد آن این باشد که هیچ کمیته‌ای جز پاسداران حق دخالت در کاری ندارد و اگر گزارش رسیده از توطئه و اشخاص فراری، گزارش را مستقیم به هادوی در فلان مورد بدهد. و الا اگر کسی این کار را بکند، هم از کمیته اخراج و [هم] تحت تعقیب قرار می‌گیرد.

هاشمی: در روزنامه اعلام شود.

1. سیدرضا زواره‌ای (84-1317) حقوقدان و اولین دادستان انقلاب تهران و نماینده مجلس شورای اسلامی.

2. اسدالله مبشری (1369-1288) وزیر دادگستری دولت موقت.

3. مهدی هادوی (متولد 1305) قاضی و وکیل دادگستری، اولین دادستان کل انقلاب، رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات، و عضو شورای نگهبان قانون اساسی.

4. حسن لاهوتی‌اشکوری (60-1306) از روحانیون فعال انقلابی که روابطی با سازمان مجاهدین خلق داشت. وی دوره‌های کوتاهی، فرماندهی کمیته‌های انقلاب اسلامی و فرماندهی سپاه را بر عهده داشت و نماینده مردم رشت در اولین مجلس شورای اسلامی نیز بود.

خامنه‌ای: تصویب می‌شود.

تیمسار مسعودی: هادوی نمی‌رسد.

موسوی: اکثر گزارش‌ها درست در نمی‌آید.

شیبانی: نمی‌توانند گزارش بدهند.

سحابی: قانون محکم باشد. سه مورد: رضا همایون، باغی در کرج داشته و هشتاد ساله است، با رعیت‌ها دعوایش شده [و] کتک خورده و این مرد هشتاد ساله را برده‌اند کمیته.

طالقانی: کورنگی^۱ را با افتضاح بردند کمیته، خانمش به من تلفن کرد و بعد معلوم شد سر مسئله سیاسی نیست، اختلاف ملکی با ورثه پدرش داشته، گفتم به آقای ملکی [که] چرا گرفتی.

خامنه‌ای: تمام نشود. موضوعی است [که] باید مطرح شود. اسناد و مدارک ساواک، که در اختیار ماهاست، مهم است. اسناد و مدارک، متفرق شده، بعضی‌ها [هم] نیست. متین دفتری^۲ بدون اجازه، مقداری را برده [و] گفته من حقوقدان هستم. بعضی [از آن اسناد به] خانه افراد رفته، بعضی در دست گروه‌های چپی افتاده. گفتیم نگهداری شود. مقدار مهم [آن] در سلطنت آباد است. جوان‌ها آمدند، گفتند نگهداری شود. ابلاغ نوشتیم از طرف کمیته، دو سه روز بعد آمدند [و] گفتند از طرف دکتر یزدی ابلاغ آمده برای یک نفر از کارکنان همانجا [که] ابلاغ افراد و جمعیت‌ها اثر ندارد. نسخ دستور است. گفتم دولت است، اشکال ندارد. حالا فرد قابل اطمینان است یا نه. بلافاصله خبر رسید [که] افرادی پرونده‌ها را بررسی می‌کنند و می‌آیند هر شب. دو نفر اسم آوردند که رفتند پرونده‌ها را واری کرده [و] چیزهایی برده‌اند. تلفن کردم.

شیبانی: مراجعه زیاد است.

۱. سرتیپ اصغر کورنگی، رئیس زندان قصر پیش از انقلاب اسلامی.

۲. هدایت‌الله متین‌دفتری (متولد 1312)، نوه دکتر محمد مصدق و مؤسس جبهه ملی دموکراتیک ایران (منشعب از جبهه ملی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی).

خامنه‌ای: مگر تحویل نگرفتند که رسیدگی شود [؟] گفتم در نخست‌وزیری، واحدی مشغول این کار نیست. زواره‌ای در [زندان] قصر است. یزدی دید می‌دانم، گفت بله خلاف شده، اسم‌ها را بگویند [تا] تحقیق شود. این اسناد به سرنوشت انقلاب بستگی دارد. این آرشیو، پول و زمان صرفش شده. چه پول‌هایی باید از بین برود. اگر فلان گروه به خاطر مصالح گروهی ببرد، دست دولت نخواهد بود. اگر دولت نمی‌تواند، انتظامات می‌تواند ترتیب داده شود.

شیبانی: دولت رسیدگی کند، مراجعین تنها باشند.

تیمسار مسعودی: زمان بختیار^۱ از اول شب، دو هلی‌کوپتر، تمام مدارک را برده‌اند. از مقدم^۲ باید سوال شود که [داستان] هلی‌کوپترها چه بوده.

هاشمی: مقدم گریه کرده، گفته شما به هیچ چیز نمی‌رسید، اسنادی پیش من است. شاه 330 میلیون تومان داده و از من نخواستاید (قرار بود آن را اگر بختیار لازم داشت، بدهم به او).
طالقانی: معلوم نیست [که] راست بگویند.

تیمسار مسعودی: مدارکی را که برده‌اند استفاده شود. مدارک آنجا مهم نیست، ولی باید فشار آورد.

خامنه‌ای: از چند کار، یکی ایجاد ضداطلاعات [است] که دولت ندارد.

مهندس سبحانی: رادیا چکاره است [؟] قرار بود او این کار را بکند.

خامنه‌ای: در ساواک، افراد مطمئن است.

هاشمی: یکی می‌گوید کارشناس کمونیست‌ها هستیم.

خامنه‌ای: کسانی [را که] هستند، جمع کنیم.

موسوی: لازم نیست اعلام شود.

1. شاپور بختیار (1293-1370) آخرین نخست‌وزیر حکومت پهلوی، عضو برکنار شده جبهه ملی و مؤسس نهضت مقاومت ملی ایران (پس از انقلاب اسلامی).

2. ناصر مقدم (1292-1358) چهارمین و آخرین رئیس ساواک که در فروردین ماه ۱۳۵۸ اعدام شد.

طالقانی: در منزل من، پشت سرهم ساواکی‌ها را بازجویی می‌کنند [و] پرونده می‌سازند.

هاشمی: اطلاعات آنها چه می‌شود [؟]

سحابی: هیئتی تعیین شود، یک مسئول، چهار یا پنج همکار سازمان بدهند و گزارش کار ساواکی‌ها را جمع کنند. بازجویی جمع شود، این کمیته‌ها در اختیار خود ما است.

موسوی: اگر این کار بشود، دولت می‌پذیرد [تا] تشکیلات و اطلاعات داشته باشیم. تماس با ساواکی‌ها گرفته شود. آنها که باید، زندان بروند. آنها که باید آزاد شوند، آزاد شوند. [با] جمع‌آوری اسناد و مدارک و حفظ آنها، آیا دولت نمی‌گوید دست بردند در کار ما [؟]

خامنه‌ای: خود دولت بکند.

هاشمی: خود دولت بکند.

موسوی: خود دولت یا به علت کثرت کار یا درهم‌ریختگی کارهایی که می‌کند، زود به ثمر نمی‌رسد؛ مثل کاری که دکتر یزدی گفته با حرف. شاید بیچاره‌ها گله کرده‌اند.

تیمسار [مسعودی]: گرفتاری زیاد است.

موسوی: دولت [به] ما مأموریت بدهد، [تا] از طرف دولت انجام شود.

خامنه‌ای: می‌شود الان به دولت کمک کرد [تا] فرد یا گروهی را معین کنند، یک ساختمان در اختیار باشد، خودشان عمل کنند. ساواکی مطمئن می‌شناسم، افراد مطمئن.

هاشمی: مدارک را بگیرند.

سحابی: اگر مطمئن است باشد. بعد اطلاعات از ما بگیرد. پیشنهاد تأسیس اداره ضداطلاعات و ضدجاسوسی.

طالقانی: افراد مطمئن وجود ندارد. زیاد مراجعه می‌شود.

خامنه‌ای: حالا با شما آشنا می‌شود.

طالقانی: این کار را بکنند. اگر صادق هستند، بگویند همکاری بکنند.

مهندس سحابی: پرونده تشکیل شود از افراد، سوابق و درجه اطمینان [آنها].

خامنه‌ای: از خود پرونده‌ها کی حفاظت کند [؟]

موسوی: دو سه نفر جمع می‌شوند. می‌شود کنترل کرد.

مطهری: مقدم می‌گفت شما بروید فکری به حال خودتان بکنید. کمونیست‌ها می‌آیند سراغ ما یا ما خودمان می‌رویم سراغ آنها.

خامنه‌ای: مقدم قابل اطمینان نیست.

موسوی: اول شناسایی [شوند] تا حدود اطمینان [صورت گیرد]. دوم گفته شود اسناد کارهاشان مستند باشد. سوم افراد باهوش که می‌توانند کنترل کنند، در کنار اینها باشند [و] از کارها سر در بیاورند. این راهی است خودش در عملی کم کم آشنا می‌شوند. پنج نفر ساواکی، چهار نفر آدم باهوش مورد اعتماد، بیش از این نمی‌شود این کار را انجام داد.

خامنه‌ای: مقررات سخت و غلیظ می‌شود گذاشت.

طالقانی: عفو به ساواکی [ها] بدهیم و از آنها استفاده بکنیم.

سحابی: عفو عمومی می‌شود داد [؟]

طالقانی: به زیر دست‌ها، نه ثابتی^۱، حسین زاده^۲، ازغندی^۳ اوین، رسولی^۴ (تا حدی)، عضدی^۵.

تیمسار [مسعودی]: مقدم را به کار بکشید، همه حرف‌ها را می‌زند.

طالقانی: مقدم را بچه‌های ما گرفتند. صلاح می‌دانید، [از او] اطلاعات بگیرند.

-
1. پرویز ثابتی (متولد 1315) رئیس ساواک تهران، که چند ماه پیش از پیروزی انقلاب، تهران را ترک کرد.
 2. رضا عطارپورمجرد با نام مستعار حسین زاده (متولد 1317) از بازجویان ساواک در کمیته مشترک ضدخرابکاری.
 3. هوشنگ ازغندی (متولد 1306) از بازجویان ساواک در کمیته مشترک ضدخرابکاری.
 4. ناصر نوذری با نام مستعار رسولی (متولد 1319) از بازجویان ساواک در کمیته مشترک ضدخرابکاری.
 5. محمدحسن ناصری با نام مستعار عضدی (متولد 1313) از بازجویان ساواک در کمیته مشترک ضدخرابکاری.

تیمسار [مسعودی]: مدارک مهم گرفته‌اند. اطاق بدهند. یک نفر باهوش برود، امید بدهد، هرچه می‌تواند خبر بگیرد.

خامنه‌ای: کسی را اذیت می‌کردند، کچل بود و می‌گفت گل هم هستی. کوچصفهانی گفت در شأن گل، خدا گفت کلاً لیندن.

شیبانی: پرونده مقدم خیلی بد نیست، به او گفته شود [که] اگر حقایق را بگویند، در وضع او تخفیف داده می‌شود و به‌عنوان کارشناس از او استفاده شود.

طالقانی: اگر تصویب کنند.

تیمسار [مسعودی]: مدارک [را] می‌شود از او به دست آورد.

سحابی: مطالب را جدی کنیم. در رابطه با دولت، اگر اطلاعاتی ندارد، مزاحم نشویم. اگر دارد، ما هم جدا داشته باشیم. مسئله اطلاعات، مهم‌ترین مطالب است. شورا در وضع فعلی، سازمان‌ها و کمیته‌های مختلف نمی‌تواند داشته باشد، یکی [از آنها] اطلاعات است.

مطهری: پیشنهاد ضرورت می‌کنم، افراد را فوری جلب کنیم.

سحابی: مقدار زیادی اسناد و مدارک پخش می‌شود. به علت این که کمیته‌های مختلف، ساواکی را می‌گیرند، چند جور می‌شود. هم برای حفظ اسناد و هم اینکه عوامل جاسوس که هست. [در مورد] ساواکی‌ها باید فکری کرد.

مطهری: درست است، چه باید کرد [؟]

سحابی: سازمان‌های چپی پرکار سیاسی [هستند]. تشکیلات سیاسی برای تصمیم گرفتن احتیاج به اطلاعات دارد. در جریان واقعی، زیر پرده آگاه می‌شود. تصمیم [را] باید درست گرفت. من خبری می‌دهم، ولی [در] پشت پرده، شورا اگر تشکیلات نداشته باشد، این کلی است. (قطب‌زاده آمد). مغایر کار دولت نیست. اطلاعاتی خودش جمع می‌کند و در اختیار می‌گذارد. در زمان رژیم سابق، شاه کثیف پنج سازمان اطلاعات داشت [که] وسیله کنترل بود. چند سازمان مستقل از هم گزارش بدهد، صحت و سقم آنها گزارش داده می‌شود. پرسنل و کار آن از طریق دولت باشد. شورا کار اجرایی نمی‌کند، کار اطلاعاتی.

هاشمی: نظری دارم. سازمان وسیعی خواهد شد. با رابطه‌ای که با دولت داریم، تشکیل دهد، ما دو سه نفر رسمی بگذاریم، امور اطلاعات ما را ببیند. سازمان مستقل و درست کار کند. فشار به دولت نباشد. از خودمان دو نفر از ابتدا تا انتها باشند، اگر آنها گفتند فرد نداریم، اضافه کند. نمی‌شود در مقابل دولت باشد.

موسوی: فکر می‌کنم این مسئله سه مرحله دارد. ضرورت این کار باید انجام شود. اسناد و مدارک، پرت و پلاست. معلوم می‌شود [که] این کار با سرنوشت انقلاب و دولت سروکار دارد. دستگاه‌های جاسوسی، ستاد، ژاندارمری، نیروی مسلح چه کار می‌کنند. نمی‌دانم این مسائل را به کلی نادیده بگیریم. انتخابی‌ها هم اینجور هستند. الان نیست. اصل مسئله، بودنش ضروری است. این کار را دولت بکند، حق این است. فعلاً به دلیل قصور یا تقصیر کاری نشده. اگر به دولت بگوییم [که] شما با چنین دستگاه‌های خیلی دقیق و ظریف و عریض و طویل ایجاد کن، بدین زودی عملی نیست. شاید صحیح باشد یکی را پیدا کنیم و اقدام کند. افرادش را ببینیم، بعد در اختیار دولت بگذاریم تا از آنها استفاده کند. یکی از آقای مطهری سوال کرده [که] این کارها چه رابطه با ما دارد. ولی مسائل جاسوسی، مستقیم با انقلاب سروکار دارد. با آقا، با عوامل خود شورای انقلاب. نمی‌توانیم به سرنوشت انقلاب علاقه‌مند نباشیم. شورا کارش مستقل باشد. با کار دولت نباشد.

هاشمی: موافقم. کمک باید کرد، افراد از شورا باشند.

مطهری: غرض من این بود [که] شورای انقلاب، سازمان اطلاعاتی به وجود بیاورد؛ نه اینکه شورا به دولت پیشنهاد کند [تا] چنین چیزی را به وجود بیاورد. دولت، قوه مجریه و عملی است، محملی برای ما ندارد. ولی غیر از آن چه دولت دستگاه اطلاعاتی دارد، شورا می‌تواند دستگاه مستقل داشته باشد، با مدیریت خودش و بودجه خودش و کسی حق دخالت ندارد. مربوط به شورای انقلاب می‌شود. شورای انقلابی است. دولت انقلابی، سازمان اطلاعات داشته باشد و در جریان باشد. دولت [به صورت] مستقل انجام دهد و در جریان بگذارد. [این] محل بحث نیست.

شیبانی: سه مسئله است: مشروبات الکلی، گوشت یخ‌زده و ...

مطهری: مسئله فردا، سالروز [وفات] مصدق^۱، امری است خوب، ولی قضیه مشکل دیگری دارد. با ابتکار فدائیان خلق و مجاهدین خلق، جبهه ملی هم اعلام کرده [در این مراسم شرکت می‌کند]. بعد دولت هم اعلام کرده فردا مدرسه‌ها هم تعطیل است، ادارات هم از ساعت یازده، همه از شهر خارج می‌شوند. بعضی احتمال نگرانی‌هایی داده‌اند. ممکن است توطئه کنند، بریزند به مراکزی، اسناد را ببرند. اما در مورد [مراسم] سالروز، ابتکار آن دست فدائیان و مجاهدین است. در کاری که ابتکارش دست آنهاست، از مدت‌ها پیش اطلاع داشته‌اند [که] مجاهدین گفته‌اند اعلام موضع اصلی را در این روز می‌کنند. [باید] معلوم شود چنین چیزی بوده، توطئه هست یا نه [؟] اگر به همین صورت مسخ شده باشد، درست نیست. دیگران بروند، ابتکار را در دست بگیرند، آن خطری ندارد، وگرنه در وضع فعلی، کار خطرناکی خواهد بود، [تبدیل می‌شود به] میتینگ علیه خمینی.

هاشمی: از وقتی که رادیو گفته تا به حال تلفن‌های زیادی شده [که] دولتی که آن همه کار دارد، یک روز را تعطیل می‌کند، مدرسه‌ها را تعطیل می‌کند، این چه کاری است [؟] مردم به مصدق علاقه‌مند هستند، تجلیل از مصدق خوب است.

مطهری: [در حقیقت این مراسم برای] تجلیل از مصدق نیست.

هاشمی: چرا این طور شد [؟] باید زودتر اقدام می‌کردیم.

شیبانی: [اگر] آقای طالقانی شرکت کنند، مانع دیگران می‌شود.

قطب‌زاده: در رادیو تلویزیون برنامه‌ای هست؛ از این برنامه استفاده شود. نیروی غیرمذهبی در ایران قوی است. البته خیلی هم اینطور نیست که مذهبی‌ها نباشند. ماجراها زیر بلیت مصدق و مقداری هم دندان نشان دادن شده. برای این کار وظیفه قطعی است که همه ما شرکت کنیم و زمینه تبلیغات طوری باشد که اصلاً خود ما [این مراسم را برگزار] کردیم.

شیبانی: کمونیست‌ها پدر مصدق را درآوردند، حالا در مجلس او شرکت می‌کنند.

قطب‌زاده: اگر ما نرویم، آنها از فرصت سوء استفاده می‌کنند. باید رفت و [در آنجا] حاضر بود.

هاشمی: برنامه دست کیست [؟]

1. منظور، مراسم سالگرد درگذشت دکتر مصدق در احمدآباد است که در 14 اسفندماه برگزار شد.

سحابی: کارگردان، ظاهراً متین دفتری است. احمد مصدق دعوت‌کننده است. کارگردان هدایت متین‌دفتری [که] با چپی‌های گروه جزنی^۱ روابط صمیمانه دارد. خودش جاه‌طلب است، روابط ساواکی جای خودش. متهم بود، گرفتند، زدند و ول کردند. قسمتی از اسناد و مدارک را از ساواک، او برداشت. استنباط من مثل قطب‌زاده است. فکر نمی‌کنم توطئه‌ای در شهر باشد. جامعه و دنیا از ما توقع دارد که در بزرگداشت او شرکت کنیم. مذهبی آنجا هست، غیرمذهبی هم هست. تبلیغات شده، 500 یا 600 [هزار نفر در مراسم] خواهند بود. برویم روی آن تبلیغات بکنیم. همان‌طور که قطب‌زاده می‌گوید اگر بروید حرف بزنید، جایی برای غیرمذهبی نیست.

خامنه‌ای: یک مقاله جالب در مورد مصدق در رادیو خوانده شود [و] در این مقاله، نهضت مصدق کاملاً با موازین اسلامی تطبیق شود.

قطب‌زاده: من روزی که (در...) سخنرانی کردم، در آثار شانزله‌لیزه گفتم نهضت ملی در حقیقت با کمک اساسی و رهبری مذهبی شروع شد. از آن موقع که فکلی‌های غربزده دست به خیانت زده و شکاف انداختند بین مرحوم کاشانی^۲ و مصدق، به او ظلم شده. این را مذهبی‌ها جرأت ندارند بگویند. مطلب را باید روشن کرد، خیانت را کاشانی نکرد، اللهیار صالح^۳، دکتر سنجابی^۴ و غیره کردند.

طالقانی: میراشرفی^۵ و شمس قنات‌آبادی^۶ [هم به مصدق خیانت کردند].

سحابی: حائری‌زاده^۷ و ... [هم همین‌طور]

هاشمی: از آقایان شرکت کنند. باید صبح برویم و چرخ‌های آنجا را راه بیندازیم.

1. بیژن جزنی (1316-1354) مؤسس سازمان چریک‌های فدایی خلق که در سال ۱۳۵۴ توسط رژیم شاه اعدام شد.
1. سیدابوالقاسم کاشانی (1264-1340) رئیس مجلس شورای ملی و از رهبران نهضت ملی شدن نفت که در دوره دوم دولت مصدق از وی فاصله گرفت و نهایتاً شکست نهضت ملی رقم خورد.
2. اللهیار صالح (1276-1360) از رهبران جبهه ملی و حزب ایران، نماینده مجلس شورای ملی.
3. کریم سنجابی (1283-1374) رهبر جبهه ملی، وزیر فرهنگ دولت مصدق و اولین وزیر امور خارجه ایران پس از انقلاب اسلامی.
4. سید مهدی میراشرفی (1289-1358) نماینده مجلس شورای ملی و از منتقدان جدی مصدق.
5. سیدشمس‌الدین قنات‌آبادی مشهور به آقا شمس (1293-1367)، نماینده مجلس شورای ملی و از منتقدان جدی مصدق.
6. سیدابوالحسن حائری‌زاده (1267-1351) نماینده مجلس شورای ملی و از مؤسسان حزب دموکرات وابسته به قوام‌السلطنه.

قطب‌زاده: این‌طور نیست طالقانی حرف بزند، ولی برنامه دست آنهاست. مهندس بازرگان حرف بزند.

موسوی: همین بحث را که الان مقداری [از آن] مربوط به دولت است، بحث شود که چه‌طور شد [فردا را] تعطیل اعلام کردند [؟]

طالقانی: تعطیل کامل نیست.

سحابی: اگر منطقی پذیرفته شود، [آنها] خواسته‌اند جریان جدایی ملی و مذهبی را تبلیغ کنند. نباید بگذارند جدا شود، صاحب‌های عزا مذهبی هستند.

موسوی: اشکال، تردید ماست.

خامنه‌ای: برنامه‌ای مناسب [برای] فردا تصمیم بگیرند. زمینه را قطب‌زاده مرتب کند، خوب است. همچنین مهندس سحابی می‌خواهد بگوید [چون] غیرمذهبی‌ها [می‌خواهند] خودشان را نشان بدهند، آن را رنگ مذهبی بدهیم. یک مقاله و بیان جالبی نوشته شود، در تجلیل از مصدق با رنگ مذهبی. نصف دیگر، کار مذهبی شود. بدین مناسبت گفته شود تجلیل افراد، تجلیل از یک نفر نیست، بلکه کاری است در رویه ما و اسلامی.

مطهری: بسیار کم اثر است.

خامنه‌ای: کسانی بروند مثل طالقانی و روی جنبه مذهبی آن صحبت کنند.

موسوی: این روح مسئله است. اما همه همت می‌کنیم و یک نفر رابط برنامه‌ریزی و طراح باشد [و] کارهای شدنی را انجام دهد. اگر بشود چنین کاری کرد که نقش این طرف رد شود، که نقش اول نداشته باشد. نقش غیر محسوس باشد.

خامنه‌ای: فرض کنیم طالقانی برود [و آنها] بگذارند [تا] سخنرانی کند، بسیار جالب است. به‌آذین^۱ نماینده یک فکر است، به فرض که فکر باشد و فعالیت می‌کند. با من از آبادان صحبت کردند [و] گفتند راجع به آن با مهندس بازرگان در میان می‌گذارم.

1. محمود اعتمادزاده مشهور به به‌آذین (1293-1385) فعال سیاسی، نویسنده و مترجم، با سابقه عضویت در حزب توده و برخوردار از گرایش‌های چپ.

مطهری: مسئله، عکس این است. می گویند اکثریت نگذاشت [تا] اقلیت حرف بزند. اکثریت عامل اتفاق ما هستیم. شما بگویید 600 هزار [نفر] می آیند.

طالقانی: چند روز پیش متین دفتری آمد، گفت برنامه داریم برای آنجا، گفت ابتدا شما صحبت کنید، زیاد زحمت نمی دهیم، بعد برنامه دیگران [صحبت می کنند]. از همان وقت توجه کردم [که] دست آنها در کار است. باید دید برنامه فردا چیست [و] در مقابل آنها برنامه داشت.

سحابی: متین دفتری نامه‌ای از طرف خانواده مصدق به نهضت آزادی نوشته و دعوت کرده برای شرکت در جلسه مربوط به برنامه این روز که قرار بود [از طرف نهضت] آقای رجایی¹ برود.

طالقانی: باید کشف کرد [که] چند گروه چپی اعلام کرده.

دکتر یزدی: چند دسته است.

مطهری: از یک هفته قبل فدائیان خلق اعلام کرده‌اند در روزنامه‌ها [ی] فدائیان و مجاهدین.

خامنه‌ای: هر کاری بکنید بعد از اعلام دولت، مردم می‌روند.

مطهری: اگر دولت اعلام کند و آقای خمینی اعلام بکند [که] با اینکه بنا چنین بود [که] بروند، چون کشف شد [که] توطئه‌ای هست، نروند.

تیمسار مسعودی: عملی نیست.

مطهری: [اگر] تحلیل بشود که نباید بروند، کسی نمی‌رود.

یزدی: دیشب در دولت مطرح شد. توجه شود یکی از دلایلی که رای داده شد که اینها در مدارس بسیج کرده‌اند، در اداره بسیج کرده‌اند، همه قرار گذاشته‌اند. ده صبح اتوبوس می‌آید. [به] همین مطلب که نتایج سیاسی دارد، توجه کردند؛ بحث شد. ولی اکثریت نظر دادند [که] عدم توجه دولت یا موضع نگرفتن ضرر دارد. دولت بگوید و حالا که باید بگوید، خود دولت اقدام کند. نتیجه چیزی است که شروع شده، متأسفانه توجه نکردیم [که] این حرکت کنونی، استمرار حرکت گذشته است. مسجّل [است که] ما مسلمان‌ها وارث آن جنبش می‌باشیم. ما از

1. محمدعلی رجایی (1360-1312) عضو نهضت آزادی، وزیر آموزش و پرورش در دولت موقت، دومین نخست‌وزیر ایران پس انقلاب اسلامی (در زمان ریاست جمهوری بنی‌صدر) و دومین رئیس‌جمهور ایران.

مصدق به‌عنوان رهبر ضداستعماری تجلیل می‌کنیم (بهشتی و باهنر آمدند). مبارزه او دقیقاً و لزوماً جز در راه اسلام نبوده و یا ضد اسلام بوده. این قهرمان ملی است [و] عدم توجه به آن، فعالیت‌های ضداسلامی را تشدید می‌کند. [این که] فردا چه کنیم [را] نمی‌دانم. وظیفه شورای انقلاب است. دولت نمی‌تواند دخالت کند. حرکت سیاسی است که جایش در شورای مرکزی است. حالا که اینجا باخته‌ایم، در آینده نبازیم. اجازه ندهیم دستاوردهای متعلق به مبارزات ملی (گرچه ایراداتی دارد) [به] دست دیگران بیفتد.

سحابی: پیشنهاد آقای مطهری، که دولت اعلامیه بدهد [تا مردم] نروند و آقای خمینی.

مطهری: با تجلیل بسیار فراوان و مقاله خامنه‌ای در رادیو تلویزیون باشد، وظیفه اسلامی را توضیح بدهیم و خیانت کمونیست‌ها را بیان کنیم و این کار را بکنیم.

سحابی: با وجود همان برنامه تلویزیون، [از رفتن مردم] جلوگیری نباید کرد. دوازده سال در ذهن مردم است که روز چهارده اسفند بروند، جلوگیری می‌کردند و [مردم] رفتند.

مسعودی: هر سال رفتیم.

سحابی: ما خودمان تنها نیستیم. دهات اطراف نظرآباد و با خانواده یک عده جمع می‌شوند. مانع فردا اگر از طرف دولت یا آقای خمینی یا شورا بشود، تداعی می‌گردد [که] دولت، مانع ابراز احساسات مردم است. دولت نباید [جلوگیری] بکند.

مهندس بازرگان: اطلاع بدهم همان‌طور که در روزنامه‌ها بود، قبلاً هم شنیده بودم، قرار بود [یک نفر از طرف] هر جمعیت پنج دقیقه حرف بزند. پریروز پیشنهاد کردند رئیس دولت هم صحبت کند. من تأیید کردم. دکتر سحابی هم اول، پنج یا ده دقیقه. از آقای طالقانی خواهش شود [که] فقط و فقط ایشان سخنرانی بکند و تمام شود. امروز سیف، مزده قبولی آقای طالقانی را آورد. بدین ترتیب مسئله حل می‌شود.

مطهری: دیگری را نگذارند.

مهندس بازرگان: پیشنهاد را معین فر کرد [که] اعضای دولت بروند. اگر بگوییم تعطیل، آرزوی ما بوده. اگر بگوییم از صبح تعطیل کنند، دیگر کلاس نداریم، شاگردها هم نمی آیند [و] بد است. در داخله خودمان می دانید، فروهر^۱ گفت حقوق دانان اعلام کرده اند از جلو وزارت کار [حرکت می کنند]. جبهه ملی از جلو دانشگاه [حرکت می کند]. فلان دسته از فلان جا [حرکت می کنند]. مسئله، اداره آنجاست. فکر می شد برای در دست گرفتن کار، بهترین راه حل این است که انقلابیون فرصت بدهند. این محل [مزار مصدق] مال ما بوده، در سالهایی که فکر ضد رژیم جرم بود. امسال دیگر نمی شود مانع مردم شد. اگر فقط آقای طالقانی صحبت کنند بجاست. ایشان تذکر بدهد [که] از سنگهای جلو [ی] پای مصدق، توده ای ها بودند. بعدها گفتند غلط کردیم. مذاکره شد [که] به احمد آقا [خمینی]^۲ گفته شود آقا پیامی بدهند که نور علی نور است. درست اتصال این نهضت ملی شده و مصدق که مردمی است، قطعی می شود (بهشتی: آقای ...). ما اصول مان را معین کردیم.

قطب زاده: جمعیت کردها، نود درصد مذهبی است. یک برنامه با شعارهایی که بدهیم درود بر خمینی، این مسئله عملاً از دست آنها خارج می شود.

مطهری: پلاکاردها برای کیست [؟]

طالقانی: زیر چه پلاکارد [؟]

قطب زاده: فعالیت شده.

خامنه ای: آن که تعیین کننده است، صحبت کننده است.

مطهری: اگر است.

باهنر: مهم، برنامه ریزهاست.

قطب زاده: صحبت طولانی بکنند.

طالقانی: ممکن نیست، شلوغ می کنند.

1. داریوش فروهر (77-1307) دبیرکل حزب ملت ایران و از رهبران جبهه ملی، وزیر کار دولت موقت که نهایتاً در جریان قتل های زنجیره ای به همراه همسرش کشته شد.

1. سید احمد خمینی (1324-1373) فرزند امام خمینی، مشهور به یادگار امام، که نقش مهمی در اداره دفتر امام داشت.

مهندس بازرگان: ضمن فرمایش شما نه، [شلوغ نمی‌کنند].

طالقانی: ضمن بحث اگر حال داشته باشم، می‌گویم نهضت مصدق، مذهبی است. از کاشانی [و] فدائیان اسلام و چه شد که اختلاف شد، می‌اندازم گردن دستگاه‌های خارج یا توده‌ای‌ها.

خامنه‌ای: تکلیف روشن، روشن است.

یزدی: این که از رادیو تلویزیون اعلان شود.

مطهری: با یک شرط، نظر موافق دارم. یک گروه بروند اعتناء نکنند و مهندس بازرگان چند کلمه صحبت کند.

مهندس بازرگان: من نمی‌توانم چند دقیقه حرف بزنم.

مطهری: یک ساعت کامل، آقا [طالقانی] حرف بزنند.

خامنه‌ای: جمعیت مذهبی است در مقابل مخالف. با جهت مطلب روشن است.

طالقانی: تصویر زنده است.

قطب‌زاده: به همین دلیل بیشتر بکنیم، وضع فرق می‌کند. صحیح‌ها را می‌گیریم، آنها را که نخواستیم می‌بریم.

طالقانی: حرف مرا سانسور می‌کند.

خامنه‌ای: اعلامیه دولت و علما را دیدید که علیه کمونیست‌ها درآمد...

طالقانی: از کیهان تلفن کردند، می‌خواهند مقاله‌ای راجع به مصدق بنویسند و نفت شمال. گفتم درج نشود.

مهندس بازرگان: دوسه کار فوری داریم. قبلاً یا بعداً ممکن است شعار بدهند.

قطب‌زاده: یک شعار باطل داده نمی‌شود. اگر بدهند مردم توی دهن آنها می‌زنند. یک سخنرانی آقا، چند کلمه هم

از طرف شما [بازرگان].

خامنه‌ای: نقطه اشکال این بود که غیرمذهبی‌ها بگویند مال ماست. ولی اینها که صحبت کنند، فرق می‌کند.

مطهری: پیدا شدن مهندس بازرگان و چند کلمه حرف زدن فرق دارد.

شیبانی: شما [بازرگان] به‌عنوان رئیس دولت می‌گویید.

طالقانی: آسید رضا زنجانی^۱ و آسید ابوالفضل^۲ آنها هم بیایند.

[موضوع: تداخل وظایف کمیته‌های انقلاب و سپاه پاسداران:]^۳

1. سیدرضا موسوی زنجانی (1281-1362) از روحانیون حامی مصدق و جریان ملی، و از مؤسسان نهضت مقاومت ملی پس از کودتای 28 مردادماه ۱۳۳۲.

2. سیدابوالفضل موسوی زنجانی (1278-1371) از روحانیون حامی مصدق و جریان ملی و از اعضای نهضت مقاومت ملی.

1. در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، تداخل وظایف کمیته‌های انقلاب با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دوگانگی‌هایی را پدید آورده بود. علاوه بر آن، دولت موقت نیز به کرات، چنان که در مذاکرات ملاحظه خواهد شد، از دخالت‌های مراکز متعدد قدرت، به‌خصوص کمیته‌های انقلاب، سپاه و دادگاه‌های انقلاب شکایت داشت.

در بدو پیروزی انقلاب، کمیته‌ها با محوریت مساجد محلات، تأسیس گردیده و روحانیون، رهبری آن را در دست داشتند. در حقیقت، کمیته‌ها در فضای خلأ اقتدار نیروهای امنیتی و انتظامی، با ماهیتی مردمی، شکل گرفتند. به موازات آن، دولت موقت نهادی جدید با عنوان "سپاه پاسداران انقلاب" تأسیس کرد. امیرانتظام سخنگوی دولت، که خبر تأسیس سپاه را اعلام کرد، در تبیین هدف از تشکیل این سازمان جدید گفت: از این طریق برادرانی که در انقلاب شرکت داشتند، در تشکیلات جدید با انضباط و لباس مخصوص به پاسداری ادامه خواهند داد (کیهان، 1357/12/2، ص 1). چند روز بعد، حسن لاهوتی، سرپرست سپاه، در تشریح جزئیات تشکیل سپاه گفت: پاسداران انقلاب از مسلمانان انتخاب می‌شوند. وی افزود: تکیه سپاه از لحاظ بودجه‌ای، ابتدا به ملت و سپس به دولت است (اطلاعات، 1357/12/13، ص 1). سپاه در اولین بیانیه رسمی خود اعلام کرد تا آخرین قطره خون از انقلاب حراست می‌کنیم (اطلاعات، 1358/1/26، ص 1). اگرچه تأسیس سپاه به خواست دولت انجام شد، اما پاسداران انقلاب، شورای انقلاب را تنها ناظر بر کار خود معرفی می‌کردند (اطلاعات، 1358/1/28، ص 8). در شرح وظایف تشکیلات سپاه آمده بود: سپاه پاسداران از نهضت‌های آزادی‌بخش حمایت می‌کند (کیهان، 1358/2/16، ص 2). همچنین سخنگوی سپاه گفته بود: فعالیت سپاه گسترش خواهد یافت. وی تأکید کرده بود هر زمان که احساس کنیم، استقلال‌مان در حال محدود شدن است، ارتباط خود را با دولت قطع می‌کنیم (کیهان، 1358/3/22، ص 2).

بلبشوی پس از انقلاب و تعدد مراکز تصمیم‌گیری موجب شد تا شرح وظایفی برای نهادهای مختلف و به‌خصوص کمیته‌های انقلاب، تعیین گردد. کمیته مرکزی انقلاب اسلامی در اسفندماه 57 (یک روز پس از همین جلسه شورای انقلاب) تکالیف کمیته‌های انقلاب را مشخص کرد. بر این اساس، کمیته‌ها حق دخالت در امور حقوقی، قضایی و عزل و نصب افراد را ندارند و مأموران کمیته‌ها تنها با دستور رسمی می‌توانند اشخاص را بازداشت کنند (اطلاعات، 1357/12/14، ص 2). همچنین محمدرضا مهدوی‌کنی، سرپرست کمیته موقت انقلاب اعلام کرد کمیته‌ها حق دخالت در عزل و نصب مقام‌های دولتی و خصوصی را ندارند و برنامه کمیته نباید با برنامه دولت مغایرت داشته باشد (کیهان، 1357/12/17، ص 3).

اما تداخل وظایف میان کمیته‌ها و سپاه کار را به جایی کشانید که ابراهیم یزدی از ادغام این دو نهاد خبر داد (اطلاعات، 1357/12/20، ص 8)؛ هرچند هیچ‌گاه چنین مسئله‌ای تحقق نیافت. آرمان دولت بازرگان، ادغام و حتی حذف نهادهای موازی و مخالف حیطه اقتدار دولت بود. چنان که بازرگان در ابتدای سال ۱۳۵۸ در سخنرانی خود در تبریز صراحتاً اعلام داشت: دخالت کمیته‌ها دولت را در تنگنا قرار داده است (کیهان، 1358/1/6، ص 7). مقدم مراغه‌ای، استاندار آذربایجان شرقی، و از وابستگان دولت موقت، در توصیف رسالت کمیته‌ها گفته بود کمیته‌ها مثل پنی سیلین هستند؛ تا وقتی که مردم را از یک دوره خطرناک نجات دادند خوب بودند، اما بعد از تب، خطرناک می‌شوند (کیهان، 1358/2/10، ص 7). حسن نزیه، دیگر مسئول وابسته به دولت موقت، پیشنهاد کرد روحانیون به برچیدن کمیته‌ها کمک کنند و یا این که مثلاً کمیته‌ها وابسته به نخست‌وزیر و دولت شوند (کیهان، 1358/3/21، ص 3). با این حال، شخص مهندس بازرگان هم نمی‌توانست منکر نقش اجتناب‌ناپذیر کمیته‌ها در فضای خلاء اقتدار حکومت پساانقلابی شود و قائل به تداوم فعالیت کمیته‌ها بود و در جایی اذعان داشت تا زمانی که حالت انقلابی منفی تبدیل به مرحله مثبت و سازندگی شود، کمیته‌ها نیز وجود خواهند داشت (اطلاعات، 1358/1/15، ص 7).

وجود تحرکاتی خارج از چارچوب، کمیته‌های انقلاب را به نهادی خودسر در اذهان عمومی تبدیل کرده بود. این امر حتی اذعان مسئولان کمیته را نیز به همراه داشت. مثلاً آیت‌الله غروی، معاون کل کمیته‌های انقلاب، گفته بود حرکت‌های بی‌رویه و خلاف از کمیته‌ها مشاهده گردیده است (کیهان، 1358/2/18، ص 7). از طرف دیگر، تعطیلی کمیته‌ها و پایان کار آنها نیز منوط به آماده شدن شهربانی‌ها و کلاتری‌ها شده بود (اطلاعات، 1358/1/27، ص 1). از این رو، راه بینابینی برای پیشبرد امور در نظر گرفته شد. مهدوی‌کنی، برای اصلاح وضعیت نامساعد، تصفیه کمیته‌ها را که دستور امام و بازرگان هم بود، موثر می‌دانست (کیهان، 1358/1/27، ص 1). همچنین از تیرماه ۱۳۵۸ به صورت رسمی اعلام شد که کمیته‌ها زیر نظر دولت به فعالیت خود ادامه خواهند داد. بر این اساس، بدون اجازه و نظر دولت، هیچ مقام غیرمسئولی حق ندارد کسی را بازداشت کند و بازداشت متهمین باید صرفاً به دستور دولت انجام گیرد (اطلاعات، 1358/4/12، ص 1). متعاقب این تصمیم‌گیری، سخنگوی دولت موقت هشدار داد عناصر ضد انقلاب به داخل کمیته‌ها نفوذ کرده‌اند (کیهان، 1358/4/14، ص 4). چندی بعد، مهدوی‌کنی کاهش قدرت کمیته‌ها را در گرو قدرت‌یابی نهادهای رسمی درون دولت دانست. وی گفت اگر مأموران شهربانی قادر به اداره زندان باشند، زندان را به آنها تحویل می‌دهیم. وی افزود: در حال حاضر به وجود کمیته‌ها نیازمندیم و برچیدن آنها به مصلحت نیست، بلکه راهکار عملی، تصفیه کمیته‌هاست (کیهان، 1358/5/25، ص 11). همچنین در زمینه جمع‌آوری اسلحه، کمیته مرکزی، اجازه دادستانی را شرط ورود مأموران کمیته‌ها برای ورود به منازل اعلام کرد (کیهان، 1358/6/7، ص 2). با این وجود، در سراسر کشور سیاست واحدی در قبال کمیته‌ها و پاسداران اتخاذ نمی‌شد. برای نمونه، استاندار فارس تصمیم گرفت کمیته‌های استان را منحل نموده و وسایل آن را در اختیار سپاه پاسداران قرار دهد (اطلاعات، 1358/5/27، ص 1).

نمونه روشن خودسری‌های درون کمیته و سپاه در ماجرای دستگیری فرزندان آیت‌الله طالقانی قابل ملاحظه است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. در نمونه‌ای دیگر، رئیس اداره آگاهی تهران هشدار داده بود دزدان مسلح در پوشش پاسداران به خانه‌ها دستبرد می‌زنند (کیهان، 1358/6/4، ص 9). با این وجود، امام خمینی با قاطعیت از تداوم فعالیت هم کمیته‌ها و هم سپاه حمایت می‌کرد. وی در این رابطه عنوان کرد کمیته‌ها و پاسداران را تقویت می‌کنیم تا دولت قدرت یابد و وجود این دو نهاد برای خلع سلاح مخالفان اسلام و نهضت ضرورت دارد (کیهان، 1358/2/1، ص 6). حتی مهندس بازرگان در مقطعی اذعان داشت مملکت به وجود

مهدوی [کنی]: اشکال دارد یا ما خودمان اخطار می‌کنیم با سه نفر روحانی معتمد محل.

مطهری: متهمین سیاسی یا نه [؟] آنها به کمیته مراجعه می‌کنند. مثل ... است، پاسبان است، آیا پاسبان باید باشد یا نه [؟] کلانتری نیست. دعوا دارند، کلانتری نیست.

مهدوی [کنی]: قانون حمایت خانواده لغو شده، وقت ما را می‌گیرد. نمی‌روند محاضر و دفاتر رسمی. گذرنامه می‌خواهد، باید کمیته بنویسد تمام کارها [را].

مطهری: خود اداره ارجاع می‌کند. دکتر یزدی گفت تقاضا بنویسد سر یزدی.

بهشتی: نامه‌ای [را] دولت نوشته به شورای انقلاب. مشکل است. از همه جا تلفن می‌کردند. راه حل باید عملی باشد. مکرر صحبت شده [که] هر قدر دولت بتواند مسئولیت را به‌عهده بگیرد، کم‌تر حواله کنیم. [چون] نقش کمیته مشکل‌تر می‌شود. هر چقدر خود دولت حواله کند، بدتر. گذرنامه مراجعه می‌کند.

پاسداران محتاج است و من خودم در ابتدا این احتیاج به پاسداران را به‌خوبی درک نمی‌کردم (انقلاب اسلامی، 1358/4/11، ص 2). به‌رغم ناسازگاری‌های درونی و دخالت‌های بیرونی در کمیته‌های انقلاب، تصفیه عناصر درون کمیته مدت‌ها به‌طول انجامید و مهدوی‌کنی چندین ماه پس از وعده‌های اولیه درباره تصفیه کمیته‌ها، هنوز بر پیاده‌سازی این امر تأکید می‌کرد (کیهان، 1358/7/5، ص 7). نهایتاً، اواخر مهرماه ۱۳۵۸، رسماً اعلام شد که کار تصفیه کمیته‌ها آغاز گردیده است (اطلاعات، 1358/7/29، ص 2). به‌دنبال آن، تأکید شد که کار کمیته‌ها در مقطع فعلی، منحصر به مداخله در مسائل امنیتی و ضدانقلاب است (کیهان، 1358/8/3، ص 2).

رفته رفته و با شکل‌گیری نهادهای رسمی و قانونی در کشور، زمزمه‌هایی مبنی بر انحلال و پایان کار کمیته‌های انقلاب شنیده می‌شد. آیت‌الله منتظری گفت: وجود کمیته‌ها، حالا دیگر خیلی ضرورتی ندارد (اطلاعات، 1358/10/11، ص 8 و 10). اما مهدوی‌کنی، سرپرست کمیته‌های انقلاب، اظهار داشت انحلال یا عدم انحلال کمیته‌ها بستگی به نظر مجلس دارد (کیهان، 1358/11/24، ص 11). اوایل سال ۱۳۵۹، و پیش از تشکیل اولین مجلس شورای اسلامی، مهدوی‌کنی از ادغام کمیته‌ها در شهربانی و ژاندارمری خبر داد (اطلاعات، 1359/1/17، ص 1). اما شورای انقلاب، ادغام کمیته‌ها را موقتاً مسکوت گذاشت (اطلاعات، 1359/2/8، ص 8). موج بمب‌گذاری‌ها در تهران در اوایل سال ۱۳۵۹ این انگاره را تقویت کرد که باید کمیته‌های انقلاب به‌صورت جدی فعال شوند (جمهوری اسلامی، 1359/2/9، ص 10). این در حالی بود که مهدوی‌کنی صراحتاً اعلام می‌نمود دوام کمیته‌ها با وضعیت فعلی امکان‌پذیر نیست و کمیته‌ها باید اشکالات کار خود را بپذیرند و پاسداران نیز آموزش سیاسی ببینند (کیهان، 1359/2/29، ص 3). نهایتاً مقرر گردید تا برای کمیته‌های انقلاب، آئین‌نامه اجرایی جدید تهیه شود (کیهان، 1359/3/19، ص آخر).

به هر روی و با وجود تمام گمان‌ها و تصمیمات، کمیته‌های انقلاب تا سال 1370 به حیات خود ادامه داد و در این سال، با ادغام آن با ژاندارمری و شهربانی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی تأسیس گردید.

مطهری: آقای مهدوی [کنی] نتیجه زحمات یک هفته در جهت برنامه را گزارش دهد.

مهدوی [کنی]: برای رفع نابسامانی‌ها اخطار اول کردیم [که] کمیته‌ها و کارها سامان داشته باشد. این اخطار کافی نبود. خودشان مسئول کارها هستند. در مرحله اول، ابلاغ آقای لاهوتی و برای من و دو سه روز معطلی کار. هم آنها دخالت می‌کردند، هم ما. الان هم [دخالت] می‌کنند و می‌فرستند به‌عنوان این که از طرف نخست‌وزیر هستند. مردم دچار سرگیجه شده‌اند. آقای مهندس می‌گوید کسی را گرفته‌اند به‌عنوان پاسدار انقلاب [و] آنها کمیته‌اند.

قطب‌زاده: ...

بهشتی: مطلب روشن شود.

مهدوی: محدوده کار درست نبود. آقا تلفن کردند به لاهوتی که شما پاسداران انقلاب، چون همیشگی است، در محدوده هم دخالت نشود. ولی باز دخالت کردند، می‌فرستند افرادی را توقیف می‌کنند [و] به ما نمی‌گویند. مراجعات در امور جزئی سر ما می‌ریزد. از گرفتن بار، توقیف‌ها و غیره دخالت دارد. دوم، چهارده منطقه معین شد. چندین بار روحانیون دعوت شدند. صحبت این است [که] تا آخر روز، ابلاغ صادر شود برای چهارده منطقه خودمان معین کنیم؛ وظیفه‌ها را مشخص کنیم. کارت‌هایی را معین کردم [به صورت] کامپیوتری که قابل جعل نباشد [و] به همه داده نشده، [فقط] به سرگروه شناخته شده [داده شود]. [برای] سایرین برگ مأموریت باشد و در منطقه خود بروند. امروز تا آخر وقت عملی [می] شود.

مهندس بازرگان: کمیته انقلاب یعنی چه. این عکس درخواست ماست و تصور ما.

مهدوی: مأموریت حفظ انتظامات همین است؛ تداخل می‌شود. به‌خاطر حفظ انتظامات و سروسامان دادن، کمیته‌ها در حفظ انتظامات می‌کوشند. پاسداران انقلاب را نمی‌دانم.

مهندس سبحانی: پاسداران انقلاب، ارتش خلقی است.

بهشتی، بازرگان: گارد انقلاب برای همین است که اسمش شد پاسداران انقلاب، ولی [باید] زیر فرمان دادگاه انقلاب [باشد].

مهدوی: آقای مطهری رفتند پیش آقا؛ لاهوتی را دیدم که ناسخ حرف دیروز است. من برای هوس و برای قدرت نرفته‌ام. اگر ناسخ آن [حکم] آمده، بروم کنار. ایشان (مطهری) رفته پیش آقا، گفته کار مهدوی غیر از لاهوتی است

و کار ایشان (من) کارهایی است که اگر دولت مسلط بشود، خودبه‌خود منتفی است. کار آنها (لاهوئی) ادامه دارد، حدود وظایف آنها. الان عملاً اساسنامه این است. دخالت می‌کند. شما خودتان بفرمایید که شلوغ نکنند یا این که ما می‌رویم کنار.

بازرگان: دکتر یزدی توضیح بدهد. کمیته‌ها خودشان سروسامان ندارند. کسی نمی‌داند، قسمت خوب آن دنبال باید بشود و به پاسداران انقلاب برسد. گزارش می‌رسد [که] رئیس بهداری ما را گرفته، دست به دامن جنابعالی می‌شود، رها می‌کنید. آن وقت پاسداران انقلاب [او را] می‌گیرند.

مهدوی: شکایت از کمیته‌هاست یا از پاسداران انقلاب [؟] به‌نام امام، کمیته‌ای می‌رود، خلع سلاح می‌کند یک تیپ را. کمیته‌ای به‌نام اعتصاب می‌رود در کارخانه، مدیرعامل دارد، حسابدار دارد، با مسلسل وادار می‌کند و حتی توقیف می‌کند که چک بنویس در وجه من. این کارها به‌نام کمیته می‌شود.

مهندس بازرگان: درخواست این است [که در] تمام امور، کسانی که به‌عنوان کمیته عمل می‌کنند، اعتبارنامه صحیح از آقای مهدوی داشته باشند، وگرنه خلاف است. مثلاً پاسداران یا دولت برود بگیرد. در غیر این صورت، کلاه‌گذاری است. شما به آقای صدوقی^۱ اعتماد دارید. ایشان دستور داده‌اند. توضیح بدهند.

مطهری: با این سقوط رژیم، به‌طور خودبه‌خود، یک پدیده به‌وجود آمده، نه دولت، نه شورای انقلاب، نه امام، اسم آن شد کمیته امام در تمام ایران.

مهندس بازرگان: کمیته اعتصاب.

مطهری: مرکز همه اینها مساجد بود و این یک امر معنوی و مادی شد. [به لحاظ] مادی، اسلحه [و به لحاظ] معنوی [هم] مردم به مسجد توجه دارند. تا کمیته قبولی داشت، کارهای خوب کرد، بدی هم کرد. با از بین رفتن شهربانی و کلانتری‌ها؛ زاید بر این امنیت حفظ شد. در کنار این افراد منسوب به کمیته‌ها، فلان فرد هم آمد؛ انواع کارت‌ها دیده شد، مال فدائیان خلق و غیره. گروهی نزدیک دو راهی بودند، خانم سرلیخت هم با آنها بود، معلوم بود کمونیست هستند. آقای خمینی که آمد، کمیته استقبال تشکیل شد. چون به‌نام امام است، باز هم به‌نام امام کارت تهیه شود. در ابلاغ خودمان، ابلاغ برای سامان دادن باشد. یک حد محدود بودن در کارهای امنیتی یا در

1. محمد صدوقی (1287-1361) از روحانیون مشهور یزد و از فعالان انقلاب اسلامی، نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی و امام جمعه یزد که نهایتاً توسط عامل سازمان مجاهدین خلق به شهادت رسید.

غیر این کارها بشود. دوم، محدودیت زمان. تا وقتی که دولت مأمور رسمی نفرستاده، امر بالفعل موجود بود. مسئله گارد ملی و پاسداران انقلاب باید در آینده جای آن را بگیرد. با یونیفرم، چه پاسبان‌های گذشته رفته‌اند. غرب تهران [را] اگر آمادگی دارید، تحویل بگیرید. الان نمی‌شود همین‌طور گفت [که] تمام کمیته‌ها ملغی [شوند]. [در این صورت] کارها [روی زمین] می‌ماند. این کار در روزنامه اعلام می‌شود [که] باید مساعد دولت باشند [و] هر جا مأمور دولت آمد، عقب بروند.

مهدوی: کار ما درهم و برهم شده، سردرگمی است. تکلیف اول مشخص شود.

قطب‌زاده: مشکل، قضیه درهم‌ریختگی است. کمیته‌ها کار را خراب نمی‌کنند. 90٪ کارشان درست است. در وضع درهم‌ریخته اگر کسی در میان بود، می‌دید چه خدمت می‌کنند. واقعاً دلشکسته شدم [از اینکه] آقای مهندس [بازرگان] اینطور می‌گوید. دو سه نفر از دزدها را گرفته‌اند تا چیزی منظم درست شود [و] امنیت شهر را حفظ کند. خود آقا بگویند منحل شود.

طالقانی: نباید [منحل] بشود. آقای لاهوتی دارد نظم می‌دهد. [این به معنای] نفی مهدوی نیست.

قطب‌زاده: آقای مهدوی می‌تواند اداره کند. مشکل اساسی [از] پاسداران انقلاب است. از اول، فقط اسم بود. کار خلاف از پاسداران انقلاب است.

مهدوی: نمونه پاسداران انقلاب که نامه‌ای دارد و پهلوی منزل آقای طالقانی ابلاغ از نخست‌وزیری دارند.

طالقانی: چند بار به دکتر یزدی گفتم.

مهدوی: آن که در حرکتی آمده است، کارهایی می‌کند [که] شکایت در شکایت می‌شود.

طالقانی: می‌گویند از نخست‌وزیری آمده‌ام.

مهدوی: خانقاه را بسته‌اند، جلو آن مأمور گذاشته‌اند. می‌گویند زیرزمین خانقاه، اسناد فراماسون است. خودشان

هیئت مدیره دارند به نام نخست‌وزیری.

بهشتی: ابلاغ از نخست‌وزیری دارند.

مهدوی: ابلاغ چنین است [که] کمیته [مدرسه] رفاه، همان کاغذها را گرفته‌اند، مهر زده‌اند و الان هم همان مهرها را پاسداران انقلاب تأیید می‌کنند [و] می‌گویند از طرف ما منصوب است. این مهر سابق است، گذشت. آنها باید ابلاغ کنند.

دکتر یزدی: راجع به اینها یک سلسله مدرسه رفاه به کمیته استقبال و کمیته امام روی کاغذ نخست‌وزیری، همان‌ها که کمیته را سرانجام داده [و] به نام سپاه شده. مسئله ما این نیست که سپاه پاسداران است یا کمیته. مسئله، فقدان تشکیلات و سازماندهی است.

بهشتی: بالای در ساختمان نوشته.

دکتر یزدی: مربوط به ما نیست.

طالقانی: چهار خانه سر چهار راه ولی‌آباد، استانداری، مرکز ساواک که دو جوان در آنجا هستند و اطاق اصناف [را] دادم مهر و موم کردند. اینها آمدند در را باز کردند، یکی از رفقای ما را که آنجا بود رد کردند و بالای در نوشته‌اند کمیته آیت‌الله طالقانی. یک عده هروئینی و باج‌بگیر هستند. سه چهار کلانتری را تحت نفوذ گرفته‌اند. یزدی: سپاه پاسداران نیست.

قطب‌زاده: اشکال قضیه این است. این نوع بی‌تشکیلاتی به همه جا سرایت کرده. کوبیدن کمیته‌ها به افراد، غلط است.

یزدی: برای خلاص شدن باید دید دست راست می‌داند دست چپ چه می‌کند. یادداشت کردم. دولت مخالف انحلال همه کمیته‌هاست. با کمیته آقای مهدوی در تماس هستیم. اول، شناسایی کمیته‌ها بشود، گروهی فرستاده شود تا [مشخص شود که] مسئول کمیته‌ها کیست. آنها که مورد تأیید است، تثبیت بشود. اول ضوابط درست شود. اول کمیته‌ها، بعد پاسداران انقلاب. کمیته‌هایی که مورد تأیید نیست، منحل شود. غیر از این راه دیگری نیست. هم به نام پاسداران خلاف می‌شود و هم به نام دیگران. در مورد لاهوتی من شدیداً مخالف هستم. در همه جا، همه کار می‌کند. جلو می‌گیریم، می‌گوییم دعوا به شما مربوط نیست؛ به گوسفند هژبر یزدانی کار نداشته باش. در شورای هماهنگی آمده‌اند کمک کنند، در فلان جا زن و شوهر دعوا کرده‌اند، یا تقسیم ارث است.

قطب‌زاده: فراموش نشود.

یزدی: می‌گویند من در پادگان هستم، دو نفر آمده‌اند، چه بکنم [؟]

قطب‌زاده: بطور طبیعی مقداری مسئله هست. فقدان نیروی انتظامی وجود ندارد. نقض از دولت نیست. خیلی سهل نیست. حتی تلویزیون بیایند چنین است، بروید مساجد، اشکالاتی هست. بنابراین می‌رسیم به اینکه مسئله را وسیع‌تر باید دید. مهدوی هم اینطور. حدود اختیارات روشن شود، پاسداران انقلاب به کارهای کمیته اعتراض دارد و بر عکس. منطقی‌ترین راه این است که گروه در اختیار مهدوی باشد، در شهر تهران. پاسداران انقلاب دنبال این باشند [که] اگر خلاف کرد رسیدگی کند. خانه را در اختیار کمیته‌ها بگذارند، فقط محافظت کند، پاسداران انقلاب تقویت شود. سه ماه دیگر چیز منظم و منقح دارد می‌شود. تمام تمرین دیده‌ها کار کنند. آنها که نمی‌خواهند بروند پی کار و پاسداران انقلاب امنیت را در دست بگیرند.

یزدی: کمیته را ارزیابی کنیم. نگفتیم از چه طریق. به آقایان مراجعه می‌کنیم. تعدادی را من نگفتم. به تدریج که کارها درست شد، از طریق آقایان، کمیته صلاحیت‌دار تشکیل شود که اینها عضو پاسداران می‌شوند و پاکسازی در تمام شهر بشود.

بهشتی: مسئله کمیته‌ها ظرفیتی دارد که جز با اطلاعات محلی نمی‌شود رسیدگی کرد. اطلاعات برای دولت مقدور نیست. بنابراین، آن چه پیشنهاد می‌شود، برای تهران، دولت وسیله رسیدگی ندارد. کمیته صرفاً توسط آقای مهدوی اقدام کند، اطلاع از طریق ایشان و بالعکس. مشابه این برنامه [را] در جای بزرگ انجام ندهیم. یا آقای خمینی شناسایی کنند، یا دولت شناسایی کند. از تبریز تلفن شده آقای صام اصلانی با 50 مأمور رفته تبریز [و] در موقع ورود، احساس درگیری می‌کند بین کمیته‌ها. اصطکاک بین قطب‌های داخلی است. اگر از بیرون بیاید، مسئله حل دیگری دارد. دولت باید رسیدگی کند. اگر می‌تواند شناسایی کند، خوب است. اگر عملی نیست، این کار را شورای انقلاب انجام دهد.

موسوی [اردبیلی]: متفرقات شد. یکی مسجد است. از همان روز که قرار شد کمیته‌ها دخالت بکنند، می‌کنیم، حق دخالت ندادید؛ خصوصاً افراد شناخته شده نبودند. در دو سه روز اگر فرصت بکنم، کار من این است. اینها را من می‌گویم تا برویم برایش فکری بکنیم. بالاخره زن و شوهری دعوا کرده‌اند [و] معمولاً مأمور کلانتری نیست که بیاید. هرچه زودتر کلانتری‌ها با شکل ناقص هم [که] باشد، درست کنند. پول دادم، کلانتری محل را تعمیر کردند، چند نفر آنجا بود. جهت دوم، ارجاع خود دولت است. کسی آمد، شکایت برده که راننده تاکسی رابطه دارد، اول برده دادگستری، رسماً ارجاع کرده اینجا که تحقیق کنید. اداره گذرنامه ارجاع می‌دهد. سابق، کلانتری محل بود.

دولت یعنی ادارات، برای رد کردن از خود. همه لزوم یک نظم را احساس می‌کنند. صددرصد برچیده شدن کمیته‌ها راه عملی این است، به آقای صدر گفتم، این کار را انجام دهید، هر منطقه در ایجاد و راه انداختن کلانتری محل خود به دولت کمک کند. [این کار] چهار هفته طول نمی‌کشد. با آقای مهدوی صحبت بود، گفتم ایشان بخشنامه کنند، به‌عنوان آقایان کمیته‌ها بر طبق دستور آقا که گفته دولت باید تأیید شود، کمیته حق دخالت ندارد یا با اجازه دادگستری‌ها یا کس دیگر، اگر ارجاع می‌کند، شکل و نظمی داشته باشد، آقای مهدوی هم کمک می‌کند.

مهندس سحابی: فرمایش آقای موسوی درست [است]. تا دولت نماینده‌اش نیست، مردم می‌آیند، هر کس مسئله‌ای دارد.

مطهری: برمی‌گردد به دولت. شهربانی و ارتش می‌خواهد.. باید کار خود را قوام بدهد. پاسبان‌ها نمی‌آیند، مأمورین نمی‌آیند. به دستور آقای محلاتی^۱ [و] دستغیب^۲، کمیته‌های شیراز منحل شد. چرا اینجا نمی‌کنید [؟] حقوق می‌دهید یا نه [؟] ارتش هم همین‌طور؛ اعلام می‌کند بیایند، وقتی می‌روند در آنجا بسته است. بلکه تعمدی باشد، نمی‌خواهند قوای انتظامی سر جایش مستقر شود.

خامنه‌ای: این نکات مورد قبول. حضور دولت رسمی شود، لازم است. بلکه اضافه بر پاسداران انقلاب. تا آنجا که اطلاع دارم، مرکز عباس آباد مرکز ناامنی است. کسی را متهم نمی‌کنم. گزارش‌هایی هست که درست عمل نمی‌کنند. عباس آباد یا مرکز دیگری را تصفیه کنیم. کسانی [را] که سابقه انتصاب به گروه نداشته باشند، بگذارید در داخل کادرها. آیا اینجور نیست کسانی هستند که در تلاشند ارتش هستند، ارتش را منحل کنند. همان‌طور که در مورد ژاندارمری بود. روز جمعه راه را سد کرده بود، دستگاه مسئول می‌خواهد. اگر پاسداران انقلاب مورد اتهام است، فقط ساواکی نیست، فرصت طلب‌ها و گرایش‌ها. مجاهدین شایع می‌کنند دکتر یزدی کارت عضویت گرفته، مهندس توسلی^۳ را صددرصد شایع کرده‌اند. اگر واقعاً چنین عناصری باشند، که ترسشان از ارتش باشد، نمی‌گذارند که آن سامان یابد. تصفیه از ساواکی نیست، از عناصری است که تزهایی مخالف دولت را ادامه

-
1. بهاء‌الدین محلاتی (1360ش-1314ق) از روحانیون شیراز.
 2. سیدعبدالحسین دستغیب (1360-1292) از روحانیون مشهور شیراز، نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی، امام جمعه شیراز که توسط عامل مجاهدین خلق به شهادت رسید.
 3. محمد توسلی حجتی (متولد 1317) عضو نهضت آزادی، اولین شهردار تهران پس از انقلاب اسلامی و دبیرکل نهضت آزادی ایران.

می‌دهند. تنها گروه حامی دولت، ما هستیم و مهندس می‌گوید ... دوستان مشترک بوده‌اند، تصفیه کنید. بطور قاطع به کار بپردازید [تا] اصلاح شود.

یزدی: اسم بدهید.

خامنه‌ای: الان اسم احدی را نمی‌برم. بگذارید عمل بکنند، [آن وقت] اسم می‌دهم.

مهندس بازرگان: قبلاً یادداشت دادم [به] دکتر یزدی [که] وضع سپاه انقلاب را شرح بدهد. خود من هم نمی‌دانم چه کارهایی را می‌کنند و چه نمی‌کنند.

طالقانی: این اسم از کجاست [؟]

یزدی: سپاه پاسداران انقلاب، لایحه‌ای بر اساس آنچه [که] شورای انقلاب گفت تنظیم شد [و] در هیئت دولت به تصویب رسید. به موجب پیش‌بینی در لایحه 11 یا 12 وظیفه پیش‌بینی شده، اصل فکر منظم شده، شورا تصویب کرد، دولت بر اساس این لایحه‌ای تهیه کرد، به هیئت دولت داد، تصویب کرد، شورای عالی ستاد بررسی کرد، پاسداران فعال و ذخیره شورای هماهنگی با بررسی شرایط معلم‌هایی تعلیم داده شوند برای تربیت کادر. نماینده روحانیت لاهوتی [است]، نماینده دولت من هستم، نماینده وزارت کشور (صدر) آقای کرمانی، [نماینده] دادگستری گرانمایه، [و نماینده] ارتش سرهنگ دیزجی [که] کارش خوب بوده، کرمانی هم خوب بود، گرانمایه نامرتب می‌آید، لاهوتی کارش نامرتب است.

هاشمی: شما گرفته‌اید حکمش را.

یزدی: حکم آقای لاهوتی سوم صادر شده، من پنجم رفتم قم. این چهار نفر نماینده هماهنگی برای تهران، ستاد موقت دارند.

موسوی: دانش چه کاره است [؟]

یزدی: خود کمیته‌ها شناسایی شد، ستاد تهران. اساسنامه می‌گوید ستاد منظور تنظیم کار است. برای اینکه نرویم دنبال افراد، یک ستاد مشترک گذاشتیم.

مطهری: در شورا تصویب نشده.

بازرگان: توضیح منحرف می‌کند.

یزدی: سی نفر از کسانی که در حفاظت منزل آقا بودند، در رفاه [در] کمیته استقبال بودند، بین خودشان چند نفر را معین کردند: دانش، محسن رفیق دوست^۱، محسن سازگار^۲، علی افروز، ستاد فرماندهی برای این کار هستند [که] آن سی نفر نصب کردند. خیلی‌ها بودند [اما] عقب زده شدند. فرمانده تعیین نشد، ستاد فرماندهی موقت است، ببینید با کمیته تماس بگیرند، شناسایی کند، افراد آمدند [در] مرکز آموزش باشند، خود آن مناطق، تا این که کمیته بررسی و تأیید کند. من احساس می‌کنم چون مایل نیستند، این ستاد را ما اداره کنیم.

پرسشنامه تصویب شد. کارت شناسایی عین جواز حمل اسلحه ماشین برای نوشتن کارت، مرکز اسناد، وسایل ارتباط تلفن، سه شماره در دفتر آقای مهدوی.

مهندس بازرگان: نامه‌ای از طرف ماست. آقای دکتر بهشتی خواندند. درد ما این بود که کمتر گفته شود به نام کمیته نباشد، دخالت نکنند در کار ما. رئیس بهداری از طرف دولت فرستاده شده، [او را] گرفته‌اند. رئیس شهربانی، آقای کیاوش که خوب کار کرده، رد کرده‌اند، یک ستوان یک را رئیس شهربانی معین کردند و او را گرفته‌اند. درد عمده ما به نام کمیته است.

مطهری: نام کمیته را نباید کوبید.

مهندس بازرگان: درد ما آن است. هم یک اشکال دیگر دارد و دارم و یک چیز، دو چیز دقت نمی‌شود. عظمت و اشکال کار هم همین است. آقا ما همه‌اش می‌گوییم زود باش. کاری که تند و تند بشود، مسلم سرهم‌بندی می‌شود. بنده خودمان را می‌گویم. دائماً بگوییم صبر کنید، قبول کنید وجود بدی را. دزدی شده. تا فرصت کار حسابی باشد، معمولاً احترام به گذشته و زمان و سوابق نمی‌گذاریم. گزارش برای من خیلی به جا بود. مجاهدین خلق، فدائیان، کمونیست‌ها، هر کدام یک چیز می‌خواهند. مردم عجله دارند [تا] مقدم‌ها، ساواکی‌ها زود به کیفر برسند. دادگاه انقلاب لازم است. اگر دادگاه [طول] بکشد، سروصدای دنیا درمی‌آید. دولت و فرد خاص مطرح نیست. پلیس و ژاندارمری درست لازم است. ولی افراد مردم حاضر نیستند، نمی‌پذیرند. قرار بود نیرویی تشکیل شود، اول گارد انقلاب بود، پاسداران انقلاب شد، همه‌اش آئین‌نامه می‌خواهد، هم کادر انقلاب، هم دادگاه انقلاب.

1. محسن رفیق دوست (متولد 1319) عضو جمعیت مؤتلفه اسلامی، از اعضای اولیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزیر سپاه، و رئیس بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی.

2. محسن سازگارا (متولد 1335) از اعضای اولیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معاون وزیر کشور در دولت رجایی و رئیس سازمان گسترش صنایع سنگین.

کمیته‌ها فعلاً بی حساب شده. آقای قطب‌زاده نبودند. چون کمیته‌ها مشخص است. پرونده کسی که دزدی می‌کند، باید برود کمیته، این کار خوب را ادامه دهند تا پاسداران انقلاب تصحیح شود، عده ای می‌آیند به نام و آنکت نخست‌وزیری حکم علیه ما صادر می‌کنند. همان فرشچی کذا رفته سفیر انگلیس را تهدید کرده که باید قراردادهای بین دولت و دولت انگلیس را بیاوری و گفته من دولت را نمی‌شناسم.

مهدوی: [او] منصوب نخست‌وزیری است.

مهندس بازرگان: گفته صددرصد زیر فرمان مهدوی هستیم. در گذشته بسیار عالی، در حال هم یک کارهای بسیار خوب راهنمایی و حفاظت و غیره، کار به دخالت و کثافت‌کاری رفتن خانه مردم ندارد. ژاندارمری می‌گوید ماشین‌های ما را کمیته گرفته. کوه‌رنگی آدم درستی است، ما در زندان او را دیدیم، ولی او را هم گرفته بودند.

مطهری: موید نظر خامنه‌ای است. گروه‌ها می‌خواهند تشکیل نشود.

طالقانی: اینها به یک سری افراد مربوط است.

مهندس سبحانی: گفتم کسانی ناشناس هستند [که] چرخ ما را پنجر کرده‌اند. یک دفعه دادگاه انقلاب درست نشود، حکم دادستان را من باید بنویسم. آقای هادوی از کجا آمد، گفتند حکم از آقا گرفته. یک حکم آمد [که] آقای احمدیان دادستان دادگاه انقلاب هستند. ایشان پاراف کردند [که] متن حکم آقای احمدیان را خود هادوی نوشته. راجع به فرودگاه، ایشان قول داد لیست خانم‌ها و آقایان ممنوع‌الخروج را تا چهارشنبه بدهد. جمع شده‌اند جلو نخست‌وزیری. آقای احمدیان قهر کرده، حالا آقای هادوی است. باید استمرار و نظم باشد. لانه مرغ را می‌شود شلوغ ساخت، ولی آسمان خراش 120 طبقه بدون رعایت اصول ریاضی نمی‌شود.

هاشمی: ما همه‌مان تشخیص دادیم راه حل مشکل کمیته، تأسیس گارد ملی یا پاسداران است. آنچه که باید بکنیم، از نقطه صفر شروع کردیم. اطلاعات و شناخت. ریشه قضیه در منزل آقا، در نیت مبارزه و در طرز تفکر است. یکی کسانی که مثل آقای خمینی فکر و کار می‌کنند، که از نظر حساب اکثریت هستند، یکی [هم] افراطی [معتقدند] همه چیز باید زیر و رو شود و از نابسامانی برهد. آقای دکتر یزدی جذب قسمت افراطی شدند. کسانی هستند با ایشان که آن‌طور که هستند، نمی‌باشند. قضیه لاهوتی که از بهترین دوستان من است، حقیقتش این است که با گروه کوچکی کار می‌کند و نمی‌تواند گارد تشکیل دهد. من آنها را می‌شناسم. دانش توسلی برادر مهندس

صباغیان¹ را می‌دانم، تهرانچی را می‌دانم، همان گروه گرفته‌اند. پاسدار انقلاب با مجاهدین ارتباط محکم دارد. آنها [مجاهدین] نمی‌خواهند ارتش شکل بگیرد و ریشه جای دیگر است. اگر از طریق گارد بیاید، چوب لای چرخ دولت نمی‌گذارد. قرار نبود لاهوتی ابلاغ بگیرد... اگر در اختیار کمیته بگذارند، ما خوشحال می‌شویم. در غیر این صورت، یکنواختی کار را به هم می‌زند. اگر راه‌های افراطی... راه حل قضیه این نیست. اکثریت دید [که] شما از آن طریق کمک نمی‌کنید. ایشان می‌گفتند دو تا سه روزه می‌کنم. دیروز صد نفر فرستاده‌اند باغشاه. مگر نگفته روحانیت فقط از طریق گارد اعمال نفوذ کند [؟] پیشنهاد برای تأسیس گارد بود، کسانی که افکارشان بخواند با آقا و دولت زیر نظر دولت، نه شخص دکتر یزدی یا صباغیان.

موسوی: راجع به قسمت اول از فرمایش آقای مهندس [بازرگان]، شما موافقید مادام که دولت قدرت را در دست نگرفته، بخشنامه شود و وظایف کمیته‌ها تعیین شود که کمیته‌ها اعتبارنامه از آقای مهندس داشته باشد و حدود معین پاسداری و حفاظت و امثال اینها [اگر] گزارش دارند بدهند دادگاه‌های انقلاب. پاسداران انقلاب و آقای دکتر یزدی از آیین‌نامه آن به ما بدهند [تا] اگر نظریات اصلاحی داریم، بگوییم. مطهری: اجرا شده.

موسوی: پنج نفر نماینده را، من غرض شخصی ندارم، آن پنج نفر را سی نفر معین کرده‌اند. آنها صلاحیت داشته‌اند یا نه. روی جهتی که هاشمی گفت، آنها کاری را که شما می‌خواهید [و] آقا می‌خواهد، نمی‌خواهند. اگر آقای دکتر یزدی اصرار دارند، نمی‌دانم؛ وگرنه پنج نفر مورد اعتماد هم باشد.

مهدوی: بنده سوال دارم: پاسداران انقلاب، دخالتشان چقدر است [؟] مسئول کمیته‌ها چقدر [؟] ابلاغیه کمیته‌ها به دست آنهاست یا نه [؟] اگر به دست آنها نیست، آنها باید شخصاً خودشان اعلام کنند. کمیته‌هایی که سابقاً بود (دنباله نخست‌وزیری موقت)، وقتی بنا است اعتبارنامه از طرف من صادر شود، بگوید اعتبارنامه‌های سابق هم ملغی است. مسئله دوم می‌ماند شناسایی کنم. شما می‌گویید دولت نمی‌تواند یکباره بکند. شناسایی افراد وقت می‌خواهد. ممکن است شناسایی‌هایی باشند. مسئله دیگر، در کمیته کارهایی انجام می‌شد و می‌شود، ارجاع به دولت بدهند. سوال می‌کنند اموالی است که در جاهایی است که امریکایی‌ها ساکن بودند، خانه فراوان است، اگر رها کنید می‌برند، در هر خانه مأمور بگذاریم [اما مأمور به قدر کافی] نداریم. دیشب در سعدآباد سه پاسدار ما شهید شدند، علت کشته شدن این بود [که] جوان‌هایی هستند [که] هم سنگر وارد نیستند. نمی‌دانم به هر حال

1. هاشم صباغیان (متولد 1316) عضو نهضت آزادی ایران، رئیس دفتر مهندس بازرگان و وزیر کشور دولت موقت.

تمام خانه‌ها را تخلیه کنیم، کجا ببریم [؟] تکلیف روشن نیست. خانه‌هایی اجاره‌ای بوده، خانه سازمانی بوده، تخلیه کند، جناب مهندس می‌گوید چرا.

مهندس بازرگان: خود امریکایی می‌زند.

مهدوی: چهارصد خانه است. شرکت لاوان خانه‌های زیادی دارد. جایی معین شود. دکتر یزدی شرکت امریکایی اعلام جرم کرده، علیه ایران از پول‌های ایران در حساب‌های خارج ضبط می‌کند.

شیبانی: متعلق به شورای انقلاب است.

مهدوی: نمی‌شود محافظت کرد، اموال در سراسر ایران است، زمین، گاو و گوسفند، ماشین آلات، مسئله مالی. یک قلم از کرج برای مخارج ده روز، دویست میلیون ریال در کرج. این اموال گاوها و گوسفندها، جو و علوفه می‌خواهد؛ یا اجاره بدهیم یا بفروشیم و یا پول بفرستیم. خود ما در مجلس و در حوالی آن روزی پنجاه هزار تومان خرج داریم، غالب جوان‌های مان پاسداری می‌دهند، روزی صد تن گوشت می‌خواهد، رسیدگی به کارهای خودتان، بیمارستان‌ها، بیمارستان لیلا را ارتش تسلط پیدا کند، به کوه‌رنگی گفتم بیمارستان شهربانی برای گازوئیل پول ندارد، بدهید. کلانتری 9 را من فرستادم تعمیر کنند.

موسوی: این‌طور نیست.

مهدوی: کلانتری 9 به اسم پاسداران انقلاب است.

مهندس: کارگران سه نفر را.

مهدوی: چه می‌کنند [؟] حفظ امنیت از کی دستور می‌گیرند [؟] با دولت میانه‌مان خوب است، گفتم دولت از خودمان است. اما کی می‌رویم کنار [؟] همین قدر که احساس شد کاری نیست، برویم. اشکال مهم، کارخانجات است. اینها کارگران را تحریک می‌کند. روحانی می‌رود کارخانه صحبت می‌کند، می‌گویند این طرفدار سرمایه‌دارهاست.

مهندس: شما تأیید کنید.

خامنه‌ای: همه کمونیست می‌شوند.

مهدوی: سهام شرکت فلکه ...

مهندس بازرگان: مسئله، مشکل کارخانه‌ها[ست]. مؤسسات دولتی، گرفتار بی‌پولی است. بخش خصوصی ذوب مس جنوب، طرحی [را] فروهر آورد، معین فر تصویب کرد. دوم، اردلان صندوق وام تعاون درست شود، به کارگران وام بدهد، بعد از شش ماه بگیرد، ولی وام را بعداً پس بدهند. آیین‌نامه نوشته شده بود یک محل پولی توام شد، به اشکال قانونی برخورد. آقای نزیه گفته بود می‌خواهند چهارده اسفند که مصادف با سال فوت مصدق است، محموله نفت صادر بشود. شش کشتی ژاپنی آمده‌اند. نصف یک مقدار از فروش این محموله کشتی را به کارگران بدهد. قبلاً در آبادان دیده بود، اصولاً خوب است. گفتم شما حق ندارید، [باید] ضابطه داشته باشد. دولت گفت خودت حق ندارید، [چون] مبلغ قابلی است، اگر به کارگران خوزستان داده شود، سایرین هم سر بلند می‌کنند؛ تمام کارگران کارخانجات دولتی، صدایشان درمی‌آید. شریف امامی 750 تومان کشید روی حقوق‌ها، کارگرها هم دارند سروصدا بلند کردند، هفتاد یا هشتاد میلیارد تومان می‌شود. 230 تومان قبلاً تصویب شده بود. اگر نزیه حاتم‌بخشی کند، صدای آنها درمی‌آید. یک میلیون تن [نفت] صادر می‌شود، یک میلیارد تومان پول است. پیغام دادم ریخته شود در صندوق وام و تعاون هم، کارگران با واسطه یا بی‌واسطه اعتصاب، وضعشان مختل شد. ولی کافی نیست. عایدات باید بیاید پول‌های جمع شده مردم باشد، خودشان کمک کنند.

شیبانی: ...

لایحه تأسیس صندوق تعاون، قرض که با فروش اولین محموله نفت به وجود می‌آید، تصویب شد.

لایحه لغو معافیت گمرکی ماشین‌ها تصویب شد.

لایحه لغو هیئت امنای دانشگاه: پیشنهاد شریعتمداری^۱ این بود که وزیر علوم، جانشین هیئت امنای شود. قرار شد سه وزیر، وزیر علوم، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و دکتر سبحانی، وزیر مشاور در طرح‌های انقلاب تصویب شد.

1. علی شریعتمداری (95-1302) عضو حزب مردم ایران، عضو ستاد انقلاب فرهنگی و وزیر فرهنگ و آموزش عالی در دولت موقت.

هاشمی: پیام آقا. آقا گفته‌اند این مسائل مذاکره‌بردار نیست، از فردا بروید برای تهیه خانه برای بیچارگان. در کنار آن توکلی آمد حاضر است [بصورت] افتخاری از تجربه او و رفقاییش به واحدهای ساختمانی کمک کند. مقدم گفته 330 میلیون تومان شاه به من گفته [که] اگر بختیار خواست بدهم.

مهندس بازرگان: به من گفته یک کسی را معین کنید. در صندوق صد میلیون تومان هست، فردا گرفتند او را. مطهری: عده‌ای حاضر شدند زمین‌هایی را در اختیار بگذارند. اگر تبلیغ شود، پول بسیار خوبی جمع می‌شود.

قطب‌زاده: مزاحم دولت نشوند.

مهدوی: خانه خالی هست. بعضی را می‌شود خرید، بعضی مال دولت است. باید گرفت.

موسوی: پیشنهاد می‌کنم شورای انقلاب یکی یا دو نفر را معین کند. کار خوبی است. در جلسه صحبت شود. در جلسه بعد صحبت شود، درست نیست یکی برای تصاحب اموال دنبال خانه‌ها بروند. نقدها خانه غلامرضا و غیره آماده است، یکی برای زمین و خرج سرمایه. اسم بانک 16 بهمن باشد (چهار آبان سابق)، [یعنی] روز نصب دولت موقت.

خامنه‌ای: مهر و نامه تهیه شود.

قرار شد شیبانی در دستش باشد.

مطهری: شرکتی نباشد پول.

خامنه‌ای: شورا با مردم روبه‌رو نیست. دستگاه تبلیغات داشته باشد، ابلاغ کند. اعضای شورای انقلاب، اسامی‌شان مخفی باشد.

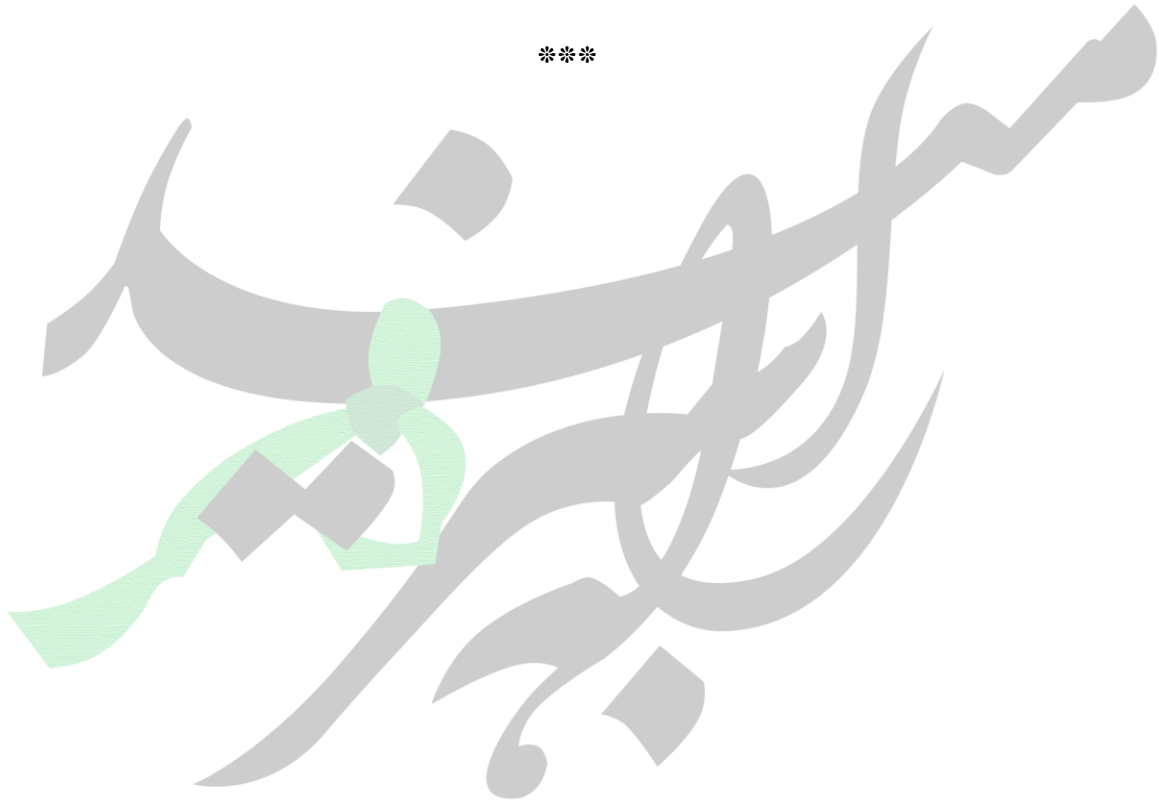
مهندس سحابی: قطب‌زاده و خامنه‌ای باشند برای تبلیغ.

تصویب شد.

مهندس بازرگان: پیشنهاد ندارم. چون در این زمینه قبلاً لایحه‌ای پیشنهاد شده، منتظر شدم آقای دکتر مبشری بیاید. لایحه‌اش نیامده، عملش شروع شد. یک نفر برای بنیاد، یکی برای اشرف، یکی برای شمس. چهار پنج نفر معین

کردم. مهندس سالور^۱ برای بنیاد، همچنین دکتر نظری مأموریت یافت به شمال برود. گزارش مفصل بود. باغات پنبه گرگان قرار بود فتوکپی بدهد، یادش رفت. هژبر یزدانی، محسن آزمایش^۲، از مشهد خیامی^۳، تکلیف آنها چه می‌شود [؟]

خامنه‌ای: 51٪ مال خاندان پهلوی است. کارگر و اموال اگر دست دولت است، بگذارد و سرپرستی کند. قدیم بیوتات بود، حالیه دست وزارت دارایی است.



2. منوچهر سالور (1293-1389) معروف به پدر صنعت سیمان ایران و سرپرست بنیاد علوی.

1. محسن آزمایش (1304-71) موسس کارخانه آزمایش.

2. برادران احمد و محمود خیامی، موسسان شرکت ایران ناسیونال و صنعت خودروی ایران، بانک صنعت و معدن، فروشگاه زنجیره‌ای کوروش و...

جلسه سه‌شنبه 1357/12/15

بهشتی: جلسه غیررسمی. از بابل تلفن شده هژبر یزدانی نود میلیون تومان پول دارد.

مطهری: شبیانی برای این کار معین شدند. این کار سنگین بودجه دارد.

بهشتی: ابلاغی [را] شورا صادر کند به نام دکتر شبیانی، تا سرپرستی کلیه کارهای اجرایی این فرمان را به عهده بگیرد. [همچنین] صورت‌برداری تأسیس دفتر برای ثبت این صورت‌ها [انجام شود]. پیش‌بینی یک شورای پنج نفری که اهل فن باشند در کشاورزی و در صنعت و بانک که به تأیید ما برسد [باید انجام گیرد]. دفتری دارد، گفته‌اند ساختمان‌های بنیاد [به شکل] مرتب و رسمی مشغولند.

مطهری: ناطق‌نوری^۱ داده به دقت رسیدگی کنند، برسند به زارعین. املاک پهلوی بلا تکلیف است و خسارت دارد. مقدار زیادی ذغال است که از بین می‌رود که می‌توان با فروش آن، بودجه درست کرد. ماشین‌های گران‌قیمت لاهوتی و پسرش، ماشین مهندس قطبی^۲ دست آقای خلخالی^۳ است.

شبیانی: ...

بهشتی: اگر مهندس سالور را تأیید بکنند، او را سرپرست کل این طرح بکنیم. بنیاد و سایر چیزها [مثل] معادن [را] بگذارید شبیانی شورا مشاور.

مطهری: از یک جهت خوب نیست؛ اگر کارهای دیگر را رها کند، یکی [را] می‌خواهد فقط برای این کار سیمان و غیره.

بهشتی: ...

1. علی‌اکبر ناطق‌نوری (متولد 1323) نماینده امام خمینی در جهاد سازندگی، وزیر کشور دولت نخست میرحسین موسوی، سرپرست کمیته‌های انقلاب اسلامی، نماینده و رئیس مجلس شورای اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام.
2. رضا قطبی (متولد 1318) پسر دایی فرح‌دیا (همسر شاه) و رئیس سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران.
3. محمداصداق صادقی‌گیوی مشهور به صادق خلخالی (82-1305) حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب در ماه‌های ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، نماینده در مجلس خبرگان رهبری و نماینده مجلس شورای اسلامی برای سه دوره. وی به دلیل عملکردش، توسط آیت‌الله بهشتی، رئیس دیوان‌عالی کشور، از مقام قضاوت خلع شد.

باهنر: پنجاه نفر هم اگر لازم است بگیرد. مثل یک وزارتخانه مرتب باید باشد.

مطهری: مهندس هویدا^۱ که قرار بود معاون وزیر پست و تلگراف شود، خوبی‌هایش برود، روی مسائل دینی تکیه می‌کند. مهندس هویدا مورد تأیید است. از کسانی که حق او تأیید است.

بهشتی: کار اداری است. او شروع کند.

تیمسار مسعودی: با هویدا^۲ که منسوب نیست [نسبتی ندارد؟]

مطهری: مسئول جمع‌آوری یک نفر، و مسئول مسکن دیگری باشد.

بهشتی: هر دو در دسر دارد، مراقبت [لازم است].

شیبانی: ...

بهشتی: ساختمان‌ها شناسایی شود، اداره به وجود آید. آقای خمینی غیر از این گفتند، وحشت نکنید [که] کارگر برود بالای شهر؛ نگویند نان ندارد، چرا بالای شهر باشد.

مطهری: تالار بزرگ باشد، کار و غیره که به درد او نمی‌خورد. ساختمان‌های بزرگ مثل اکباتان و ...

شیبانی: اینها فروشی بوده و فروخته شده.

بهشتی: اداره‌ای برای این کار درست شود.

شیبانی: مخارج موجود را به کار کنیم.

بهشتی: مهندس بازرگان با حمله‌اش عده‌ای را ناراحت کرده. آقای جلالی مدعی است شرق تهران را به خوبی اداره کرده‌ام و چقدر مؤسسات دولتی است [که] نگهداری می‌کنیم. چند خانه را دیوارش را خراب کردند، دادم درست کردند و ...

۱. محمد هویدا، نخستین رئیس بنیاد مستضعفان.

۲. امیرعباس هویدا (1297-1358) نخست‌وزیر سیزده سال از دوران حکومت پهلوی دوم، وزیر دارایی و وزیر دربار که پس از انقلاب، اعدام شد.

مطهری: کار خوبشان را باید بگویند، از بدش انتقاد کند. یک گروه می‌خواهند با بازرگان مبارزه کنند، یک گروه خدمت.

شیبانی: کمیته‌ها تأیید شوند.

مطهری: تهدید به استعفا می‌کند، ولی باید گفت مهندس ضعف دارد.

بهشتی: چرا پول‌های دولت را نمی‌دهد به این حساب بریزد [؟]

مطهری: پیشکار حمیدرضا^۱ یا محمودرضا^۲ پول‌ها را بدهد.

بهشتی: دولت کلیه وجوه را بدهد، هزینه کمیته‌ها از همین محل یا محلی که دولت در نظر می‌گیرد، تأمین شود.

خامنه‌ای: در مشهد، پولی در [حزب] رستاخیز است.

تیمسار [مسعودی]: در رستاخیز اینجا هست.

بهشتی: پول رستاخیزی گرفته شود، اتوبوس باید مجانی شود. خیلی خوب است بلیط فروشی‌ها را جمع کنند،

[آنها] شاگرد راننده باشند تا بعد فکری بکنند.

مطهری: این دو کار (آب و برق) خیلی در مردم اثر کرده، پول به حساب کارگران ریخته شود.

شیبانی: راننده‌ها در ایستگاه‌ها معطل نشوند.

تیمسار [مسعودی]: بر طبق برنامه باشد.

بهشتی: حق بیمه کارگران را نگیرند و اگر درمان را برای کارگران مجانی کنند و آنچه کارفرما می‌دهد به کارگر

بدهند، فقط دولت بدهد، حق کارگر هفت درصد [و حق] کارفرما 15 درصد.

مطهری: دولت قبول کند.

1. حمیدرضا پهلوی (71-1311) کوچکترین فرزند رضاشاه و برادر محمدرضا پهلوی. وی به دلیل اعتیاد و اعمال خلاف در سال

1340 از دربار طرد شد و حتی عنوان شاهزادگی هم از او سلب گردید.

2. محمودرضا پهلوی (79-1305) از فرزندان رضا شاه و برادر محمدرضا پهلوی.

شیبانی: تا شش ماه دیگر که کارش راه افتاد، اجرا کند.

بهشتی: تا دو هفته تأمین کند (مهندس کنترائی آمد).

پرداخت پول‌هایی که نزد دولت است مطرح شد. ملی کردن اتوبوسرانی و مجانی کردن آن. درآمد آن 270 میلیون تومان است. بلیط فروشی‌ها شاگرد راننده باشند [تا] فکری بشود.

بهشتی: برای جلب کارگرها از گرفتن حق بیمه صرف‌نظر کند و دولت بدهد. دو شاخه است، از کارگر بگیرد، مال کارفرما را بدهند به دولت. فعلاً سهم کارگران را نگیرد. دولت بررسی کند [و] گزارش بدهد.

باهنز: بخش کارفرما مشکلات فراوان دارد. [حق بیمه معادل] 15٪ کل حقوق است، مجبور به اخراج کارگران می‌شوند (بنی صدر و قطب‌زاده آمدند).

بهشتی: مهندس محمد هویدا [که] مقداری به علت تماس با مهندس بازرگان و طالقانی قرار بود بروند وزیر شوند، برای اداره این کار خوب هستند. بنده و مطهری [وی را] می‌شناسیم. از ایشان دعوت شود به کار در یکی از ساختمان‌های بنیاد، کارش را آغاز کند.

بنی صدر: طرحی تهیه کرده‌ام برای این کار.

بهشتی: شورا موافق باشد. طرح طول می‌کشد، [در حالی که این] مسئله روز است.

بنی صدر: مقام شورا نمی‌شود در اجرا باشد. وظایف سنگینی است.

قطب‌زاده: از دیروز تا به حال، سه میلیون تومان نقد کرده‌ام.

بنی صدر: اصل آن را نمی‌دانم.

تصویب شد [که] به هویدا ابلاغ شود، آقای مطهری به او بگویند با شیبانی تماس بگیرد.

بهشتی: مسئله بعدی اتوبوس است که مجانی شود.

بنی صدر: پول بدهید به کمک‌راننده‌ها [تا] بروند کار کنند.

بهشتی: در شرایط فعلی کار نیست.

بنی صدر: می‌شود کار درست کرد.

بهشتی: حالا موقت باشند.

رایگان شدن اتوبوس تأیید شد. قیمت بنزین اضافه نشود. (دکتر مبشری آمد)

کتیرائی: عوارض نوسازی قانونی است. 30 هزار تومان را معاف می‌کردند، می‌خواهند آن را به 60 هزار تومان برسانند.

تیمسار [مسعودی]: 10٪ تا آخر اسفند تخفیف می‌دادند، سر ماه تمدید کنند.

بهشتی: این مسئله که شورا نیست، دوستان مدرسین قم مراجعاتی دارند که به تهران نمی‌شود گفت. قرار شد نماینده‌ای تعیین کنند [تا] به نخست‌وزیری و وزارتخانه‌ها معرفی شود [و] آن نماینده با دولت در رابطه باشد. خامنه‌ای: ما دسترسی نداریم.

کتیرائی: ما هم دسترسی به کمیته‌ها نداریم.

بهشتی: ربانی املشی^۱ قبلاً تعیین شده، بعد در جلسه مدرسین تأیید می‌شود. [برای این که] رابطه باشد بین هیئت مدرسین قم و هیئت دولت.

مطهری: تلفن بی‌سیم بین منزل آقا هست با تهران. از آن استفاده کنند.

بهشتی: آن هم مشکل است.

مطهری: بی‌سیم به کمیته ندادید؟

1. محمدمهدی ربانی املشی (64-1313) روحانی انقلابی، دادستان کل کشور، عضو شورای نگهبان، نایب رئیس مجلس و عضو مجلس خبرگان قانون اساسی و خبرگان رهبری.

کتیرائی: شماره 207 بوده وزیر پست و تلگراف گفته.

مطهری: پاسداران انقلاب خیلی شلوغ می‌کنند.

بنی صدر: اعدامی‌ها را بازداشت کنند.

بهشتی: مطلبی است [که] عده‌ای را الان کمیته‌ها بازداشت می‌کنند [که] این بازداشت هم به نفع امنیت شهر است و هم به نفع امنیت سیاسی انقلاب. کمیته‌ها هم اگر بدون مجوز بازداشت نکنند، ممکن است مجوز تا یک ماه به دست نیاید. طرح علمای مورد اعتماد از طرف آقای هادوی بررسی می‌شود که آنها مثل بازپرس اجازه داشته باشند. معرفی یا توسط سازمان پاسداران باشد، رای هیئت مرکزی باشد.

مطهری: [در] آن پانزده منطقه کمیته نمایندگی بگیرد، به دولت مربوط نیست، به شورا مربوط است. خیلی‌ها فرار می‌کنند. خود زواره‌ای گفته تا دستور صادر کنند، فرار می‌کنند.

قطب‌زاده: علما و معتمدین محل باشند.

بهشتی: کمیته‌هایی که به تصویب کمیته مرکزی رسیده، حق دارند حکم بازداشت صادر کنند. دادستان، نمایندگی بدهد. نباید بچه‌ها می‌گویند در یک خانه بیست نفر را آورده‌اند [که] کار ساواک را آنها می‌کنند. خانه‌شان را زیر نظر گذاشتم. اگر ترس از اینها نباشد، توطئه‌ها خواهد شد.

قطب‌زاده: چون خودجوش و با ایمان است از ساواک بهتر است. آنقدر گزارش می‌دهند.

دکتر مبشری: [در] قضیه کمیته، زندان‌ها پر است. کاخ و قصر، نه نوشته‌ای، نه دفتری؛ چرا گرفته‌اند [؟] کسی نیست. ناچار سی قاضی خوب قرار شد با هادوی کمک کنند برای رسیدگی امثال هویدا و روحانی. لازم است پرونده منظم باشد، بدون دادگاه و محاکمه نمی‌شود. اینها آنقدر کار خلاف کرده‌اند که برای محکوم کردنشان دچار اشکال می‌شویم. در دادگاه، از همه دنیا بیایند، مخبر بیایند، پرونده تشکیل شود، وکیل باشد، دفاع کند. درست است که انقلاب باید سریع کار کند، ولی [برای مورد] هویدا و روحانی حتماً لازم است.

بنی صدر: [در مورد] آنها دیگر هم غلط بوده. حمله به ایران شروع شده، [و] کم‌کم خیلی خشن شده. این نشد. [باید] به حق دفاع و تجدیدنظر و غیره توجه شود. ما جلوی منابع استثمارگران را گرفته ایم، دادشان درآمده. اینها

هم گرزک است که دست آنها می‌دهیم. در نخست‌وزیری هم یکی از قضات عدلیه می‌گفت من دادستان دادگاه انقلاب هستم (یزدپور).

مبشری: احمدی را من معین کردم. حالا یکی تسبیح دستش می‌گیرد و قیافه حق به جانب. حالا تسبیح مد شده. خامنه‌ای: حتی [تسبیح] شاه مقصود.

مبشری: زمان امینی^۱ تمام رجال را گرفتم، سپهبد کیا^۲، علوی مقدم^۳، ضرغام^۴، ابتهاج^۵. ابتهاج در مجلس رقص بود، وقتی می‌خواستند او را بیاورند، گفته بود عدلیه راهش کجاست؛ گفتم آجان راهش را پیدا می‌کند. انقلاب شد [و] مکرر آن مرد به دکتر امینی گفته بود فلان کس (مقصودش من بودم)، شتر را در خانه می‌خواباند. گفتم شتر خودش می‌خوابد. یکی از دزدها علوی مقدم است.

بهشتی: تذکری بدهم که خلاصه باشد.

مبشری: زاییده شد و مُرد. خلاصه حقه زد، توفیق نکرد، گفتم تسبیح را بگیر، تو ده سال است سوار منی. از نجف نامه برای من می‌نوشت. بالاخره حقه‌اش را زد. علوی آدم طراری است (این مال گذشته است). این فرد آن قدر این دست و آن دست می‌کند، به او گفتم به این وضع کنار گذاشته می‌شوی. گفت ابلاغ امام را چه می‌شود کرد [؟] گفتم نقض می‌شود. در این آب و هوا و وضع، اگر یک خطا شود، یکی بسازد، خطرناک است. هر روز کمیته‌ها در دسر خواهند شد. امروز با مروارید^۶ جلسه داشتیم. امام جماعت کجا و سربازی کجا، بی جهت اسلحه می‌دهد (مهدوی آمد). [در] کمیته‌ها یکی قاضی می‌گذاریم.

بهشتی: هر جا توانستید بگذارید بهتر است.

-
۱. علی امینی (1284-1371) نخست‌وزیر حکومت پهلوی و از نوادگان تبار قاجار.
 ۲. سپهبد حاج علی کیا از نظامیان دوره پهلوی که به دلیل اشتها به فساد در زمان علی امینی بازداشت شد.
 ۳. مهدی قلی علوی مقدم، رئیس شهربانی و وزیر کشور دوره پهلوی.
 ۴. علی‌اکبر ضرغام از وزرای دارایی زمان پهلوی و از شخصیت‌های نظامی آن دوره که در زمان علی امینی بازداشت شد.
 ۵. ابوالحسن ابتهاج (1278-1377) وزیر مشاور و مدیرعامل سازمان برنامه و بودجه در دوره پهلوی که به طراحی برنامه‌های توسعه در ایران آن زمان اشتها دارد.

^۶ علی‌اصغر مروارید (۱۳۰۳-۱۳۹۶) از روحانیون مبارز مشهد و تهران.

مبشری: همه جا باشد.

مهدوی: الان عدلیه مسلط نیست. گزارشی می‌رسد [که] فلان کس مخفی شده، می‌گویند ساواکی جلاد است. بعضی شناخته شده‌اند. گزارش می‌دهند در خانه‌ای رفت و آمد مشکوکی است.

بهشتی: وسط صحبت است. در غیاب جناب عالی [مهدوی]، چیزی مطرح کردیم [که] آقای هادوی از ایشان خواسته شود به مسئولین کمیته‌های مورد اعتماد شما در تهران نمایندگی بدهد [که] حق دارد حکم توقیف صادر کند. هر قدر وزارت دادگستری بتواند رسیدگی کند، بهتر است. تحت نظر دو نفر باشد [که] یکی [از آنها] قاضی [باشد] بهتر است.

تیمسار [مسعودی]: اول قاضی باشد.

بهشتی: [برای] کمیته شهرستان‌ها، دوستان قم و مدرسین گفته‌اند عده‌ای از طلاب را تعلیم بدهیم تا بفرستند افراد را برای شناسایی کمیته‌ها و کمیته‌های خوب را تأیید کنند [و] بدها را منحل نمایند.

مطهری: با این شرط که در رابطه با کمیته مرکز باشد.

مهدوی: عملاً این طور شد. اهواز را اصلاح کردم.

مطهری: کمیته مرکزی در کارهای جزئی دخالت نکند.

بهشتی: آقای مهدوی! عضو زیاد است. مدرسین این کار خود را در اختیار کمیته تهران بگذارند.

مهدوی: بهتر است.

بهشتی: حُسن آن این است که با دادستان انقلاب نزدیک است.

بنی صدر: کسی که می‌فرستیم، چون کمیته‌های شهرستان‌ها زیر نظر علماست و معمولاً دو نفر از علما آنجا را در اختیار دارند، در بررسی آنها اگر طلاب وارد نباشند مسئله ایجاد می‌کند.

بهشتی: کمیته اینجا گزارش می‌دهد.

بنی صدر: گزارش‌دهنده ارشدیت داشته باشد.

بهشتی: [اگر] به شهر برود، وضع کمیته و نوع کارها را از زبان مردم مختلف می‌پرسد تا جلب رضایت اکثریت مردم انقلابی را بکند. کمیته‌هایی هست که مورد مخالفت اکثریت انقلابی است.

بررسی وضع کمیته‌ها تصویب شد اطلاع بدهند.

خامنه‌ای: و با ارتباط با آقای زمانی باشد. فقط در شهر نگرده. داخل کمیته و تشکیلات آن را بررسی کند. اگر دید مورد قبول است، طلبه‌هایی انتخاب شوند که محترم باشند.

مهدوی: بعضی طلبه‌ها جوان هستند، نه تجربه دارند، نه مورد قبول [هستند].

بهشتی: امثال عبایی.

مطهری: طاهری.

مهدوی: در بعضی شهرها مدرسین می‌روند.

بهشتی: از وضع فعلی بهتر است.

مطهری: از تبریز عده‌ای آمدند [که] پیشنهاد می‌کردند آقای [سید اسدالله] مدنی^۱ بیایند.

خامنه‌ای: برای اداره حوزه می‌گویند.

بهشتی: [یک] پیشنهاد به دولت. کمیته‌ها مخارجش سنگین است [و] هزینه دارد. باید دولت بپردازد. اعتباری برای این منظور در اختیار باشد. تمام شهرستانها هزینه دارند، [برای] آن هم اقدام شود. کمیته‌ها هزینه‌هایش با مردم بوده.

مطهری: دولت باید بدهد.

کتیرائی: ارتش، شهربانی، ژاندارمری بوده. آنها هستند، حقوق بگیرند. و آلا اگر بنا باشد بپردازیم، باید صورت بدهند تا از چه محل تأمین شود.

1. سیداسدالله مدنی (1293-1360) روحانی فعال انقلابی، امام جمعه همدان و تبریز که توسط عامل مجاهدین خلق در حال اقامه نماز جمعه به شهادت رسید.

بهشتی: اصل گفته می‌شود، اجرا با شما. تصویب می‌شود [که] کمیته یک نوع پیشنهاد به دولت بکند [و] دولت بودجه را تأمین نماید.

تیمسار [مسعودی]: پیشنهاد صحیح است.

بهشتی: ...

قطب‌زاده: کار انقلابی با تشریفات قاطی نشود.

بهشتی: توضیح آنکه به سیستمی که شرکت‌ها کار می‌کنند [و] طرح‌ها اجرا می‌شود، انواع بودجه‌ها دارید. رابطه دولت شبیه شرکت‌ها باشد و یا حتی اگر دشواری دارد، از اختیارات پارلمان (شورا) است [که] این پول را تحت اختیار ایشان بگذارند.

کتیرائی: طرز خرج، یکی اسناد است، یکی مناقصه است.

دکتر مبشری: رفتم فرح‌آباد. مویلی اجناس آنجا را بفروشد برای کار انقلاب یا اینکه موزه درست شود [تا] پول بلیط آن خرج شود. قرقاول، اسب و غیره است.

دکتر سبحانی: سه لایحه کتبی دارم و سه موضوع دیگر است [بصورت] شفاهی. موضوع‌هایی که تصویب شده، اموال خاندان پهلوی، نامه‌هایی است که دولت افرادی را معین کرده، بنیاد پهلوی: منوچهر سالور، دفتر شمس: معمارزاده، دفتر فرح‌دیا^۱: علی اصغر تهرانچی، [دفتر] غلامرضا: عباس توسلی، دربار اداره بیوتات وزارت دارایی، دفتر اشرف: احمد رئیس روحانی سازمان خدمات اجتماعی را تصدی دارد، رونوشت گزارش.

شیبانی: دولت به کار خود ادامه دهد.

بهشتی: این نامه فعلاً به اطلاع مسئولان نرسد. به کارشان ادامه دهند. در طی چهار پنج روز، مسئول تعیین شده از طرف شورا تماس می‌گیرد.

1. فرح‌دیا (متولد 1317) همسر محمدرضا پهلوی و مشهور به علیاحضرت شهبانو.

دکتر سحابی: لایحه قانونی اصلاح دادگستری.

بهشتی: کمیسیونی انتخاب شود [تا] سه نفری به لایحه رسیدگی کند. گزارش برای دو جلسه بعد (جلسه یکشنبه) [ارائه شود].

کتیرائی: آقای مبشری دیر نمی شود.

دکتر سحابی: دیر نمی شود.

مبشری: پریشب طرح شد پنج نفر از هیئت وزرا تعیین کنند. ده نفر پیشنهاد می شود که هیئت دولت بدهد.

بنی صدر: پنج نفر از قضات نباشند.

بهشتی: جوانب سیاسی و اجتماعی دارد. باید دقت شود در بُعد سیاسی چه نکات مثبت و چه منفی دارد. جلب رضایت مردم مثبت [است] و [ناراضی تراشی منفی] [است].

تیمسار مسعودی: داوطلب هاشمی.

بنی صدر: من کار ندارم.

بهشتی: تصویب شد آقای مطهری هم باشند، مهندس سحابی به جای هاشمی که کار دارد و تیمسار مسعودی.

دکتر سحابی: لایحه انحلال دیوان کشور و انحلال دادگاه‌های انتظامی.

دکتر مبشری: برای این دو لایحه تفکیک شد چون ذکر تصفیه برای دیوان کشور ممکن است توهین تلقی شود.

یک عده سازمان امنیتی، یک عده فراماسون [و] یک عده قاچاقچی هستند. نکته مهم [این است که] آنها که دعوت نشوند، بازنشسته می شوند. یک عده که دزدی کرده‌اند، محاکمه شوند.

بهشتی: انقلابی بودن تأیید شده. آقای خمینی گفتند فقها در اسلام تجدیدنظرش به این شکل نیست. شکل فرهنگی

برود، فقهای اسلامی باشد، دادگاه‌ها رای قاطع بدهند. جایی که محل تجدیدنظر است، موارد خاصی است. اگر

کمیسیون خواست آن نظری را که دگرگون کردن بنیاد کشور است بدهد، طول می کشد. اگر ندهد، دیوان عالی

کشور که دولت موقت سرکار دارد ممکن است چهار ماه دیگر منحل کنیم. مشکل سیاسی و تبلیغات است.

دکتر مبشری: (انقلاب در انقلاب اشکال دارد) قانون اساسی را ندیده‌ام. الان داریم قضات را خارج می کنیم.

دکتر سبحانی: طرح اساسی راجع به دستگاه قضایی است. به این نکته توجه می‌شود، ممکن است در یک ماه، اگر مسجّل شد، چه بهتر زودتر.

خامنه‌ای: دیوان کشور تجدیدنظر نیست. در ماهیت پرونده وارد نمی‌شود. دیوان کشور اسلامی هم باید باشد. نظارت است، اصل آن خوب است. اصلاح و مهذب شود، صافی برای بعد است. بهشتی: وارد بحث نمی‌شویم.

مطهری: نظر آقای بهشتی این مسئله اساسی است. محکمه از قاضی جامع‌الشرایط باشد و او حکم بدهد قابل نقض نیست که در محکمه دیگر برود. ممکن است در آینده به این شکل باشد [که] دادگاه بدوی نظرش قضاء نباشد، اظهارنظر باشد، بدون آنکه حکم باشد. [در] دادگاه عالی افراد جامع‌الشرایط باشد. بهشتی: تذکر سیاسی بحث اینجا نشود.

مهندس سبحانی: فرمایش می‌نمایند. از لحاظ حقوق جدید دادگاه سه مرحله قاضی صرف نظر از صلاحیت، اشتباه کند یا مدارک تازه پیدا شود. از مزایای حقوق ایران اینکه اهل فن می‌گویند بیگناه مجازات نمی‌شود، باگناه‌ها از مجازات معاف می‌شوند.

بهشتی: کندی دادرسی در ایران زیان و فسادش را از این که ده درصد بی‌گناه مجازات شود، بیش‌تر است.

دکتر سبحانی: سه موضوع است [بصورت شفاهی]: گوشت یخ‌زده.

بهشتی: دو سوال: با این گوشت‌ها چه شود [؟] برای بعد چه شود [؟]

مطهری: مطالعه شود [که] جوازها انطباق با موازین شرعی و اماره شرعی دارد یا نه. به صرف گواهی می‌شود اکتفا کرد.

بهشتی: جمعیت اسلامی در برزیل گواهی می‌کند جوجه‌ها و مرغ‌ها که به کشورهای اسلامی فرستاده می‌شود، به صورت اسلامی تهیه می‌شود. در زمان حاضر نوشته چنین است: محمد الذهبی رئیس انجمن اسلامی سانتوآمارو در برزیل با همکاری شیخ مسجد سائوپائولو.

مهدوی: یک نفر برود درست است.

بهشتی: گزارش مؤسسات اسلامی در مورد ذبح اسلامی برود.

قطب‌زاده: روزی که اعلامیه آقا خوانده شد، گوشت 10 تا 15 تومان بالا رفت.

بهشتی: بدون توجه.

مهدوی: قصاب‌ها [قیمت] گوشت تازه را بالا بردند.

کتیرائی: موجودی سی میلیون تن [داریم]. آنچه مسلم است [این است که] قرارداد دائم دارند. در هر حال اگر مدارک کافی نیست، زودتر به اطلاع برسد [تا] جلو صعود قیمت گرفته شود.

دکتر سبحانی: به اطلاع آقا برسد.

کتیرائی: وگرنه چند نفر بروند و ببینند و برگردند.

بهشتی: در [مورد] مسئله گوشت چند مطلب است: یکی این که گوشتی که از یدِ مُسلم می‌گیرند، احتیاج به اماره ندارد [و] حلال است. (2) گوشتی [که] در سوق مسلم از ید غیر مسلم بگیرند، احتیاج به احراز ندارد، مگر احراز خلاف شود. (3) اگر گوشت‌ها در ید مسلم یا سوق مسلم باشد [و] نمی‌دانیم آنچه در سوق است از ید غیر مسلم است (یقین بدانیم - کتیرائی) یقین بدانیم، خودش احراز نکرده، در اینجا شبهه است [و] اماره باید پیدا کرد.

شیبانی: هیئتی برود.

مهندس سبحانی: اگر گوشت یخ‌زده طرد شود، شاید سال آینده نداشته باشیم. واردات گوشت تازه خرج زیاد است و مقدور نمی‌باشد.

بهشتی: مطالعه شود [و] نتیجه مطالعه سریعاً به اطلاع آقا می‌رسد.

مطهری: دولت انقلابی هم کارهای دولت پیش را تصحیح می‌کند. موسیقی حلال، ربا حلال، فقط آن دولت نبود.

بهشتی: همان وقت گفته شد.

مطهری: چرا امیر انتظام^۱ گفت.

قطب‌زاده: دیگه بدتر.

دکتر سبحانی: بحث مشروبات الکلی؛ کشتی‌هایی است [که] مقداری مشروبات است [و] در داخل هم تولید می‌شود.

مهدوی: خیلی‌ها را ما توقیف کرده‌ایم.

دکتر سبحانی: چه باید کرد [؟]

قطب‌زاده: تمام کارخانجات مشروب را ببندید و تمام محمولات کشتی را دور بریزید.

بهشتی: مشروبات الکلی قابل بحث نیست. کارخانه تبدیل به [تولیدکننده] آبمیوه شود.

بنی‌صدر: سرکه می‌شود.

قطب‌زاده: در بعضی جاها آبمیوه خوشمزه زیاد است.

کتیرائی: بحث می‌کنیم.

مهدوی: درباره مشروبات، چون صد جا هست، در گمرکات، فرودگاه.

بهشتی: در قصر اشرف.

مهدوی: مسئله کارخانه‌هاست. خیلی مراجعه می‌کنند، با آنها تماس گرفتیم. چه کنیم [؟] مشروبات و آبجو در گمرک و بنادر هست، خریده شده، چه مسیحی و چه غیرمسلمان. آنچه در کارخانه‌ها است باید اعدام شود نه شیشه‌ها. مالکی گریه می‌کرد. دو اشکال هست: قبلاً اعلام نکردیم، می‌گوید قبلاً می‌گفتند باید ضرر و زیان آن را بدهند، وام گرفته‌ایم، کارگر داریم، حل کنند، بعد خراب کنند. پیشنهاد دوم: تبدیل به سرکه کنند. مؤمنی که می‌گفت وارد هستم گفت این مشروبات سرکه می‌شود. متخصصین ببینند اگر سرکه می‌شوند بکنند. کسی گفت

1. عباس امیرانتظام (97-1311) معاون مهندس بازرگان و سخنگوی دولت موقت و عضو شورای رهبری جبهه ملی.

دروغ می‌گویند. در پشت کارخانه، کامیون گذاشته بودند، ببرند. سرکه محدود است. مسئله سوم، کارگراها [هستند]. پاکدیس کارگر دارد. [برای] قزوین هم باید فکری کرد [و] بدهکاری آنها را تأمین کرد.

بهشتی: کمیسیونی به ضایعات آنها رسیدگی کند [و] در این چهار ماه نظر بدهد.

قطب‌زاده: مسئله دیگر [اینکه] اگر این حضرات نتوانند بفهمند که وضع عوض شده، آدم احمقی هستند.

سحابی: انقلاب است. حکم فوری تا زمانی که به اجرا درنیامده، بعد راحت می‌شود، فرمان ایدئولوژیک نباید صادر کرد. مسئولیت گذشته را نمی‌شد و فوری رای داد. باید دید چگونه اثر دارد. برای مشروبات الکلی باید برنامه گذاشت. راه بازار سیاه و قاچاق را باز می‌کنیم، چنانکه در امریکا شد و ناچار برگرداندند. انقلابی نمی‌شود عمل کرد.

دکتر سحابی: آقایان! وضع دولت با توضیح آقای مهدوی مشخص شد. دولت موظف است نسبت به گذشته و سرمایه از بین رفته رسیدگی کند. مدام که نیت این را دارید فوری از نظر کلی تبدیل‌هایی می‌شود. مقداری را می‌شود سرکه کرد، مقداری [را] تبدیل به الکل صنعتی و قبول کرد.

مهدوی: با نظارت کامل.

مهندس کتیرائی: مقداری [از] عرایض من گفته شد. رقم و عدد نداریم. مأموریت می‌دهیم، مطالعه کنند [و] ارقام بیاورند.

بهشتی: پیشنهاد این است قبل از این که مسئله آب وا کند، اعلامیه بدهند [تا] کمیسیونی از متخصصین برای زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با قاطعیت برود بر طبق دستور اسلام مشغول تهیه طرح شود. این کمیسیون موظف است در اسرع وقت، زمینه عدم تولید و عدم فروش آن را ایجاد کند.

مطهری: قاطع ایجاد نشود.

بهشتی: تبدیل واحدهای تولید مشروب به واحدهای دیگر. فردا طلبکار می‌شوند [و] جلوی گزیده می‌شود. خودشان همکار می‌شوند. واقعاً گروه هم جدی باشد [و] در عرض کمیته کار را تمام کند.

مطهری: تولید و فروش ممنوع، مگر برای اقلیت غیرمسلمان.

بهشتی: حق فروش ندارند.

قطب‌زاده: همین پایه پیشنهاد می‌شود ما تذکر نوع عمل در امریکاست.

مهندس سبحانی: شما خارج بودید. در تمام مدت که اظهار نظر می‌کردیم چهار ماه از ما خارج بودیم.

بهشتی: مهندس [در] زندان بود.

بحث جلسه آینده: تکلیف پاسداران انقلاب.

بهشتی: مذاکره جلسه آینده، ساعت ده باشد.

بنی‌صدر: ده بد است.

دکتر سبحانی: ساعت یازده گرفتارند، نه اداره، نه جای دیگر. هشت تا یازده باشد.

کتیرائی: جلسه برای رسیدگی [به] مطالب دولت و خودتان هر جور خواستید برای دولت، آخر وقت اگر یک بعدازظهر باشد بهتر است.

بهشتی: دولت ساعت هشت بیاید، تا ده کارش تمام می‌شود.

خامنه‌ای: جلساتی برای خودمان است. هفته‌ای یک جلسه حداکثر، در جلسه نماینده‌اش باشد. جلسات بدون دولت خواهیم داشت. نه تا دوازده، سه ساعت. آقایان نمایندگان دولت، [ساعت] یازده تا دوازده بیایند.

بهشتی: ساعت 8 یا 7/5.

قطب‌زاده: من که تا ساعت سه بعد از نصف شب کار دارم.

بهشتی: 8 دو روز تا 12 هیئت دولت ساعت 11 بیاید. هفته‌ای دو روز: هشت تا یازده شنبه، سه شنبه از ساعت

8 تا 12، دولت هم یک ساعت بیاید.

تصویب شد.

بنی‌صدر: دستگاه ما مثل سابق نباشد.

جلسه پنجشنبه 1357/12/17

[حاضران: مهندس سبحانی، تیمسار مسعودی، مطهری، مهدوی [کنی]، بهشتی، شیبانی، موسوی [اردبیلی]، طالقانی، هاشمی [رفسنجانی].

[موضوع: مصادره اموال پهلوی:]

مهندس سبحانی: [برای] کار کمیته‌ها، آقای زواره‌ای و غیره مشخص شود. (اگر کسی رفت و عملی شد، گزارش بدهد). مسئولی از طرف شورا برای دنبال کردن اعمال [مشخص شود].

بهشتی: ایجاد واحد برای مصادره اموال: آقای دکتر هویدا.

مطهری: دنبال کرد.

طالقانی: راجع به همه است.

بهشتی: [درباره] آنها که رای داده شده.

طالقانی: یک عده فرار کرده‌اند، خانه‌شان را مردم مصادره می‌کنند، اموال و اشیاء تلف می‌شود. پیشنهاد می‌کنم کمیته قوی و فعال بشود و مأمور بگذارد.

مهدوی: حدود مصادره کردن.

بهشتی: برای هویدا ابلاغ نوشته شود و رد شود و در ابلاغ این‌طور گفته شود [که] موظف هستید در مورد اداره و جمع‌آوری درآمدهای کلیه اموال خاندان پهلوی و همه کسان دیگری که طبق تصمیم دادستان دادگاه انقلاب، اموال آنها محکوم به بازپس گرفتن است.

طالقانی: کسانی که متهم و فراری هستند، اموال آنها زیر نظر این کمیته باشد.

بهشتی: وقتی دادستان ابلاغ می‌کند، مسئولیت [با] این شورا است. اگر ابلاغ نشده، مسئولیت [با] کمیته است.

طالقانی: کی توقیف کرده [؟]

مطهری: کمیته‌ها مرکز مسجد است، در حال توقیف است، موبدی در فرح‌آباد، جمارانی و غیره می‌خواهند که از آنها تحویل بگیرند.

بهشتی: اگر جاهایی نشده، وظیفه کمیته‌هاست.

طالقانی: گاهی بین آنها تصادم است. کمیته‌های خودرو هست. بیشتر چشم به اینجاها دوخته‌اند. نظارت کمیته مرکزی و بررسی لازم است.

بهشتی: [برای] اموال پهلوی و کسانی که حکم صادره صادر شده.

طالقانی: تمرکز دادن اموال منقول در یک جا.

بهشتی: چه اسمی روی آن بگذارند [؟]

طالقانی: این اصل مسئله است. مراجعه بکنند.

بهشتی: وظایف شناسایی و حفاظت و اداره و گردآوری درآمد و اموال منقول و غیرمنقول خاندان پهلوی در سرتاسر کشور و همه افرادی که دادگاه‌های ...

طالقانی: سالور در بنیاد پهلوی است.

هاشمی: مهندس پیراینده و جمعی برای این کار که رایگان کار کند.

با تذکرات آقای بهشتی، تصویب شد.

لایحه پاسداران انقلاب که در گیشا حادثه ایجاد کرده، پاسداران انقلاب عباس‌آباد رفتند [تا] بازداشت کنند، کمیته گفته دادستان انقلاب باید حکم بدهد [و] آنها [پاسداران] مخالفت کرده‌اند. آقای مهدوی می‌خواهند که آنها بروند. لایحه قرائت شد.

بهشتی: تقویت افرادی که استعداد و صلاحیت دارند برای سپاهیان انقلاب، بدون دخالت در امور جاری.

موسوی: [پاسداران] جانشین از کمیته مقابله با گروه‌های زیرزمینی هستند. عناصری در ارتش هستند که ممکن است امکان تصفیه نباشد. [باید پاسداران] نیروی در دست انقلاب باشد تا بتواند در مقابل آن، انقلاب را حفظ کند.

مهدوی: جانشینی کمیته‌ها. پس فعلاً [پاسداران] حق دخالت ندارند.

بهشتی: مقابله با گروه‌های ضداسلامی و ارتش.

موسوی: اول فکر می‌شد کمیته‌ها حداقل سه تا چهار ماه باشد. فکر می‌کردیم در عرض چند روز [پاسداران] می‌تواند جای کمیته‌ها را بگیرد، ولی فعلاً تا مدتی نمی‌تواند.

مهدوی: صریحاً اعلام شود. در رادیو و تلویزیون گفته شود. وظیفه کمیته‌ها مشخص شود. متصدیان سپاه اعلام شود. مسئولین جمع و مذاکره شود [که] در عین اینکه سپاه برای آینده کار کند، نیاز هست با درخواست کمیته‌ها کمک بدهد (تصویب شد). وظایف آینده سپاه مشخص شود [و] موضع آن در مقابل دولت [هم] روشن شود. موسوی: بدبختانه [سپاه] زیر نظر دولت است.

مهندس سجایی: [سپاه] برای رفع نابسامانی بوده. در گیشا، اشکال از پاسداران بود. صرفنظر از اینکه فعلاً مدرسه باشد، وظیفه عملی هم دارد. یکی یکی کمیته‌ها وظیفه‌شان را تحویل دولت بدهند، مشروط به درست شدن، نه اینکه حالا هست.

بهشتی: قرار شد این کار را کمیته مرکزی بکند. اصلاح کمیته‌ها صریحاً وظیفه آقای مهدوی است. ایشان برای امور اجرایی می‌توانند کمک بخواهند. مستقیماً سپاه انقلاب حق دخالت ندارد. مهدوی: یکی یکی جانشین شود. ژاندارمری نداریم، کلانتری نداریم.

بهشتی: کمیته‌های صالح به وجود آید. کمیته‌ها اصلاح شود. پاسداران انقلاب به دستور رئیس کمیته کمک کند. بنی صدر: باید دید چه اصلی است. انقلاب علیه تمرکز شدید قدرت در دست حکومت بود. این یکی پدر جد آن تمرکز است. نقض حرفی است که زده شد. کمیته غلط را باید اصلاح کرد، وگرنه آخر کار کودتا خواهد شد. مطهری: این برای اصلاح کمیته‌ها نیامده. اگر پاسدار انقلاب باید باشد، کار را باید از دست آنها گرفت. تصورمان این بود [که] نیاز به ارتش ملی اسلامی است که بذرش از حالا پاشیده شود و در کنار آن باشد. لایحه مردود است.

بهشتی: وضع امروز و فردا مشخص شود. سریعاً یا از طرف شورا یا از طرف آقای خمینی به آنها چیزی نوشته شود [که] در امور جاری دخالت نکند تا [زمان] به وجود آوردن لایحه حساب شده که کار آنها را مشخص کند.

مطهری: این کافی نیست. [قبلاً] شده و نتیجه نداده. مگر [این که] کسی که ایشان تأیید کنند، در راس آنجا گذاشته شود.

قطب‌زاده: نظر همان است که گفته شد. باید [سپاه] منفک از دولت باشد، ولو از دولت پول بگیرد. افراد ارتش واقعی، نه مثل روزگار گذشته، واقعاً پاسداران انقلاب باشند. در بعضی موارد این شدت عمل لازم است. سرهنگ لطفی را گرفته‌اند، مصطفوی را رها کرده‌اند. اگر بخواهیم عمل کنیم: 1) رهبری [سپاه] به کلی عوض شود 2) در اختیار کمیته باشد [تا] بلافاصله آقای مهدوی اگر احتیاج داشت، استفاده کند.

بنی صدر: کمیته واقعی نیست.

قطب‌زاده: کار خودش ساختن خود است.

هاشمی: خیلی حرف‌ها زده شد. دولت از روز اول خیال کرده [که سپاه] وسیله نظم برای خودش است. خیالی نشستیم.

قطب‌زاده: آقای دکتر سبحانی گفتند می‌خواهیم به شما تحویل بدهیم.

مهندس سبحانی: به‌طور اصولی قبول اصل گارد ملی همان است که آقای مطهری گفتند که با فرمایش آقای موسوی فرق دارد. چیزی در کنار ارتش باشد که با ارتش یا گروه‌های دیگر، اگر خطا بکند، مبارزه نماید. منبع اقتدارش معلوم شود [و این که] تحت فرمان کی است. اگر درست نشود، هرج و مرج است. یکی دیگر رد نشود، عمل اجرایی بکند. اگر فقط مدرسه باشد، یک چیز انتزاعی است. در اختیار کمیته باشد.

بهشتی: [هدف از تأسیس سپاه] یک واحد به‌عنوان تجربی قرار شد در جهت ایجاد مسلمانان متعهد آماده برای جهاد و آشنا به کاربرد سلاح و کلیه کارهایی که باید در برابر ضد انقلاب کرد [تشکیل شود]، اطلاع دارید کار موفقیت‌آمیز بود. اگر چنین چیزی امکان دارد، اینها را فسخ نمی‌کنیم. یک عده در اختیار کمیته سامان یافته، هر کس بخواهد در آنجا چنین تربیت‌هایی را کسب کند، یا در ایجاد آمادگی برای دیگران، تا روی کارآمدن گروه ارزیابی نشود، پیشنهاد بدهد.

تیمسار مسعودی: وقتی ژاندارمری و قزاق‌خانه بود، چنین سازمانی در آتیه همان خواهد شد. اگر به اینها احتیاج نیست، ژاندارمری، ارتش و شهربانی منحل شود.

مطهری: در زمان شاه سابق بود، گارد جاوید بهترین گروه بود.

موسوی: بنابراین قرار شد: (1) شورای انقلاب به عهده بگیرد (2) هیئت تصمیم گیرنده آنجا، پایه اش یا بررسی شود. دو نفر سه نفر که نمی شود کنترل کرد، عزل شوند.

بنی صدر: شورا بگذارد.

موسوی: (3) به آنها هرچه زودتر ابلاغ شود حق تصمیم گیری ندارند و در اختیار کمیته مرکزی هستند. برای این کار در اسرع وقت، آیین نامه نوشته شود.

مهدوی: در هیئت مدیره کمیته از آنها و از ما یک نفر باشد که با نظر هر دو رسیدگی شود.

- تیمسار مسعودی و بنی صدر [باشند].

مطهری: آقای هاشمی باشد.

هاشمی: وقت ندارم، [کار] لنگ می شود.

دو نفر قبول کردند تا روز سه شنبه رسیدگی کنند و طرح تهیه نمایند. سعی کنید در همه ملاقات ها و دیدارها حالت قدردانی رعایت شود. دوم این که ما الان اطلاع بدهیم شورا یا آقا که اینها تا تعیین مشخص شدن شرح وظایف از دخالت در امور خارجی خودداری کنند.

مطهری: باید کسی تعیین شود.

مهدوی: از خود آقای لاهوتی پرسیدم چرا دخالت می کنید [؟] گفتند طبق اجازه آقای زواره ای است.

موسوی: آقای زواره ای یا آقای دادستان که می خواهد تماس بگیرد...

مهندس سبحانی: اگر اقتدار آن از دست دولت درآید [...] اگر تحت نظر کمیته است بگوییم. اگر تحت نظر دادستان است، معلوم شود. هرکسی دخالت نکند.

بهشتی: اگر می خواهید در امور جاری دخالت داشته باشد، با دستور کمیته باشد. در مورد گفته تیمسار [مسعودی]، دعوای ژاندارمری و قزاق و غیره چون تحت رهبری واحد نبود، آن طور شد. اگر شورای انقلاب بر کمیته، بر پاسداران انقلاب و بر دولت نظارت انجام دهد، اینطور نمی شود. چیزی از طرف شورا به عباس آباد نوشته شود،

[که] چون مصالح ملی ایجاب می‌کند دخالت در امور جاری متمرکز در جایی شود، تصمیم‌گیری آن با کمیته است. کار پرمسئولیت است و هروقت کمیته به آنها نیاز داشت، استفاده کند و [آنها] از اتخاذ تصمیم در امور جاری خودداری کنند.

مهدوی: منطقه‌ای باشد که نظارت کند بر کمیته و پاسداران انقلاب. امور اجرایی را می‌خواهند آنها انجام دهند یا شورا [؟] جمع با هم نمی‌شود. ساماندهی کمیته کار مشکل است. شخص من نمی‌رسم. رسیدن به کمیته‌ها [و] آمارگیری خیلی وقت دارد. مربوط به تهران نیست. امیرانتظام گفته‌اند مهدوی مسئول تمام کمیته‌هاست. از شهرها به من مراجعه می‌شود. بار یک مملکت است.

بهشتی: کمیته محل بکند.

مهدوی: الان خونریزی معده دارم. جمعیت می‌آید از تمام جاها و انواع اشکال‌ها. من اخلاقاً رد نمی‌کنم. کمک هم ندارم.

مهندس بازرگان: خوشحالم که این را می‌گویید. درد خودمان است.

مهدوی: خاله هویدا اموالی دارد [که اگر] بگویم نگیرند، می‌برند؛ بگویم آری، چه کنم [؟]

هاشمی: کمک بگیرید.

مهدوی: بودجه‌اش چه می‌شود [؟]

هاشمی: کمک بدهیم که کار کنید.

طالقانی: آدم مطمئن و خوبی بفرستیم.

مهدوی: باید تمام وقت بیاید.

هاشمی: دو سه نفر مشورت کنیم.

مهدوی: آنها کارهایشان را انجام دهند.

بهشتی: افراد کمیته گیشا را زیر نظر آنها قرار دهیم.

قطب‌زاده: چند نفر را تصمیم‌گیرنده کنید.

بهشتی: ناطق‌نوری کجاست [؟] آقای هاشمی افراد را شناسایی کند به اشتراک آقای مهدوی. تصویب شد نامه‌ای نوشته شود از طرف شورا با امضای آقای طالقانی تا دیگران از دخالت مستقیم خودداری کنند. به آقای لاهوتی و آن گروه [ابلاغ شود] که در امور اجرایی دخالت نکنند (به آقای دادستان و زواره‌ای، این بحث دیگری است). مهندس بازرگان: دادگاه انقلاب شمول و حدود عملش معلوم باشد تا چه زمان وقوع جرم‌ها باشد و چه افرادی. مطهری: توقیف احمد بنی‌احمد حالت بدی به وجود آورد.

بهشتی: سریعاً بخواهید اقدام شود.

قطب‌زاده: امروز آزاد شد و دادستان معذرت خواست.

مهندس بازرگان: پس بگویید. در ضمن از ممالک خارج و داخل بپرسند تبریک عید بفرستیم یا نه. عید ممنوع است یا نه [؟]

بهشتی: تبریک بفرستید.

دو لایحه دکتر سبحانی دادند، دکتر مبشری خواسته.

مهندس سبحانی: هر دو تصویب شود، اشکال سیاسی ندارد. در مورد خود آنها که تصفیه می‌شوند، اثر بد دارد و در بقیه طبقات اثر خوب. آقای مطهری و تیمسار مسعودی گفتند این تغییرات دادگستری موقت است و دولت هم موقت. اگر قانون اساسی مشخص و تصویب شود، ممکن است تغییرات قضایی تغییر کنند. مطهری: این اقدام، توده مردم را علاقه‌مندتر می‌کند. این کار سبب می‌شود یک عده رای ندهند.

قطب‌زاده: رای ندهند.

مهندس بازرگان: اثر معکوس دارد. همه طرف فشار می‌آورند. خراب‌ها را بیرون کنید، منافات با تغییر بعدی ندارد. توقع مردم اجرا می‌شود.

بنی‌صدر: شورای تصفیه را نظر داشتم اگر از خارج باشد بهتر نیست.

بهشتی: مشخصاً از قضات باشد. غیرقاضی توهین است به دادگستری. ملاحظه‌کاری می‌کنند. پنج نفر بی‌ملاحظه را معین کند.

لایحه اصلاح دادگستری خوانده شد. تصویب شد.

بهشتی: تذکر: روی آن پنج نفر دقت شود.

لایحه دیوان کشور مطرح شد.

بهشتی: تعبیر "بازنشسته می‌شوند"، باشد.

مهندس بازرگان: منظور این است که حکم مجدد صادر نکند. در امور اداری سه نفر مطلع هستند: یکی معین‌فر، یکی کتیرائی، یکی مخصوصاً اردلان است. خیلی توجه دارند.

لایحه تجدید سازمان دیوان کشور تصویب شد.

مهندس بازرگان: گزارش دیشب هیئت وزرا و دو لایحه آقای وزیر کار در مورد ایجاد صندوق وام، یکی هم صدر [حاج سید جوادی] راجع به رفراندوم، یکی که قبلاً عملاً انجام شده بود، لایحه ادغام وزارت علوم و آموزش عالی با فرهنگ و هنر.

لایحه صندوق کارگری مطرح شد.

از آبادان سوال شد، پنجاه هزار کارگر است در شرکت‌های منحل شده که نطفه آشوب است، مشابه جای دیگر. این لایحه دوای آن نیست. این مسئله‌ای است مشکل که با آن مواجه هستیم. در وزارت پست و تلگراف هستند، در وزارت راه هم هست.

قطب‌زاده: دستور بدهید لوایح در چند نسخه باشد. چون ناقص در روزنامه چاپ می‌شود، در دست ما باشد.

مهندس بازرگان: آنچه تصویب شد به ایشان می‌دهم یک روز در میان بدهد.

قطب‌زاده: اگر فوراً بدهند، از نظر دولت مهم است. در روزنامه‌ها بالا و پایین می‌شود، حرف درمی‌آید.

مهندس بازرگان: نماینده شما مگر نیست [؟]

قطب‌زاده: نزیه گفته بود صندوق برای کارگران نفت است.

مهندس بازرگان: پیام من خلاف آن بود و خودش خواند.

مهندس سبحانی: فکری برای جذب آنها بشود.

مطهری: نسخه مکرر بفرستند.

مهندس بازرگان: کارها فوری است و فرصت نیست. همین اعتصابات [...] (به دولت اجازه داده می‌شود که طبق مواد این لایحه اقدام کند و [برای] تصویب قطعی لایحه در ظرف مدت 15 روز پس از دریافت اظهارنظرهای اعضای شورای انقلاب، اقدام شود).

مطهری: این اقدام غیرمنطقی نیست.

مهندس بازرگان: در مورد رفراندوم، صدر پیشنهاد داده. تصویب شد.

قطب‌زاده: انتصاب ذی‌حساب مطرح کردن نمی‌خواهد.

لایحه ادغام وزارت علوم و آموزش عالی و فرهنگ [و] هنر.

مهندس بازرگان: گزارش هیئت دولت. دکتر سبحانی نامه‌ای نوشته بودند [و] استعفا دادند و علت آن اعتراض به عملیات دادگاه انقلاب و کشتارهایی که صورت گرفته^۱، با وجود گفتن اینکه دادگاه علنی است. بعد شیراز و چند

1. منظور، اعدام‌های انقلابی است که با حکم دادگاه‌های انقلاب صورت گرفت. نخستین موج اعدام‌ها چهار روز پس از پیروزی انقلاب، در تاریخ 26 بهمن‌ماه ۱۳۵۷، رخ داد؛ زمانی که چندین تن از عوامل وابسته به رژیم شاه شامل نصیری، خسروداد، رحیمی و ناجی تیرباران شدند (اطلاعات، 1357/11/27). یک روز بعد اعلام شد که "امشب 22 خائن دیگر اعدام یا مجازات می‌شوند" (اطلاعات، 1357/11/28). پس از آن، با حکم دادگاه انقلاب و به اتهام کشتار در شهرها، چهار فرمانده ارتش (همدانیان، امینی افشار، معتمدی و ملک) تیرباران شدند (کیهان، 1357/12/1). سحرگاه 14 اسفند نیز هشت تن دیگر تیرباران شدند: "دو رئیس دادگاه نظامی، دو فرماندار نظامی، دو مأمور شکنجه، یک گروهان عامل قتل چهار نفر در آبادان، به همراه سالار جاف نماینده مجلس و عامل کشتار پاره" (کیهان، 1357/12/14، ص 2 و 4). همچنین هفت نفر نیز به جرم لواط تیرباران گردیدند (اطلاعات، 1357/12/15، ص 5). روز بعد هم اعلام شد که شش عامل تجاوز به کودکان اعدام شدند (کیهان، 1357/12/16، ص آخر).

نفری که به مناسبت لواط کشته شدند، هم از نظر شرعی و چه این حرف‌هایی که خودمان می‌زدیم و اعتراض داشتیم به دولت‌های قبل که چرا هیئت منصفه نیست [و] چرا علنی نیست و چرا تجدیدنظر درخواست می‌شود [با آن] مخالفت می‌گردد. خود ملت ایران و عده زیادی در تأسیس این جمعیت حقوق بشر دست داشتند، به صلیب سرخ و حمایت زندانیان مراجعه می‌شد. عین این اعمال (مورد اعتراض) از طرف دستگاه انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد و ما نمی‌توانیم جوابگو باشیم. من تبری می‌جویم. تقریباً همه وزرا [این مسئله را] در دل داشتند. مطهری: نظرتان نسبت به دادگاهها درست است؛ اگرچه مردم راضی هستند. نظیر این ایرادات به دولت وارد است، شما از کمیته‌ها شکایت می‌کنید.

طالقانی: من هم در جریان کمیته با شما موافق هستم. کارهای شاذ هم واقع شده، همانقدر که حمله کردند. دیروز کیهان را خواندم. دولتی که می‌گوییم ضعف دارد، کمک کنید جهات منفی را مثبت کند، [اینکه] یکباره حمله کنند [که دولتی‌ها] زندگی لوکس دارند، حرفهایی است که اسباب دست مخالفین شده، از ناحیه خودمان حقاً سزاوار نیست. خود ایشان [امام خمینی] روز آخر تأکید [کرده] بود که از ایشان [دولت بازرگان] حمایت شود. به نظر من هم اصلش درست، ولی یک ماشین لوکس نباشد! [در] مسئله دادگاه‌ها، احمدیان آدم متدین است و قاطع، ولی برای تعیین هادوی مشورت می‌کردند.

مطهری: ایشان یادشان می‌رود، شما که حکم بدهید دفتر باشد. مصیبت پاسداران انقلاب، فراموشی ایشان است.

اعدام‌های بعدی نیز به تدریج صورت گرفت و دولت بازرگان را برآشفته ساخت. در حقیقت، اعتراض به عملکرد دادگاه‌های انقلاب، یکی از محورهای اساسی شکایات دولت بازرگان بود که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

1. منظور، سخنرانی شدیدالحن امام خمینی علیه دولت بازرگان است. امام در این سخنرانی، به انتقاد شدید از دولت پرداخت و خطاب به آن گفت: ضعیفید آقا! تا ضعیفید زیر بار اقویا هستید. وی اعتراض کرد که وزارتخانه‌ها باز همان صورت زمان طاغوت را دارد و در ادامه به دولتیان عتاب کرد که ملت در این غارها زندگی کند و شما در کاخ‌های نخست‌وزیری و دادگستری. امام از دولت خواست تا انقلابی عمل کند. امام همچنین در این سخنرانی گفت زن‌ها باید با حجاب به وزارتخانه‌ها بروند؛ زن‌های اسلامی عروسک نیستند و کار کردن زنان در ادارات ممنوع نیست، اما باید با حجاب اسلامی باشند (کیهان، 1357/12/16، ص 3). این سخنرانی با اعتراض برخی زنان در تهران همراه شد که در مخالفت با حجاب تظاهرات کردند (اطلاعات، 1357/12/17، ص 2). چند روز پس از آن، آیت‌الله طالقانی در مصاحبه‌ای تأکید کرد که در مورد حجاب اجباری در کار نیست و مقصود از حجاب هم تنها چادر نیست و حجاب در عین حال، حفظ سنت‌های شرقی نیز به‌شمار می‌آید (اطلاعات، 1357/12/20، ص 7). متعاقب آن، امام موضع طالقانی را درباره حجاب صحیح دانست (اطلاعات، 1357/12/21، ص 2).

طالقانی: از دیروز تا حالا زن‌ها غوغا کرده‌اند، بدون حجاب راه ندهید.

مهندس بازرگان: آقای اشراقی^۱ گفته خانم ارمنی روسری سر کند.

طالقانی: مدیر مدرسه مهمی تلفن کرد [که] الان معلم‌ها و بچه‌ها در مدرسه جمع شده‌اند [و] یکی از مأمورین بی‌جهت چک زده به زنی.

بنی‌صدر: دادستان دادگاه انقلاب احکامی که صادر کرده، معلوم نیست یا آقا یا شورا چنین کرده. اگر قوانین معین کند با این شورا باشد، آبروی مملکت در دنیا رفته و محیط آماده کودتا می‌شود که حتماً تغییر در آن باشد. چقدر قیمت دارد کشتن سالار جاف^۲ بعداً با آن عکس و تفصیلات [؟]

مهندس بازرگان: [روی] کشتن بحث نیست، ولی چرا مخفی [؟]

بنی‌صدر: مگر خود ما اعتقادات نداریم [؟]

طالقانی: هیئتی با دولت بروند پیش آقا و مسائل حل شود.

بنی‌صدر: [امام خمینی] در مورد زنان گفته‌اند بهتر است، ولی در روزنامه نوشته باید [حجاب داشته باشند]. آقا گفته‌اند زنان آزادند.

طالقانی: سخنرانی فیضیه خیلی عالی بود.

مهندس بازرگان: یکی از اشکالات، رفتن آقا به قم است. آنها تصورشان این است که انقلاب برای حجاب است. اینها [باید] به تدریج باشد.

مطهری: نه، کسی نگفته.

مهندس بازرگان: [امام] تا وقتی [در] اروپا بودند، چیزهای متری می‌گفتند.

طالقانی: این طور نیست. تحت تاثیر نیست.

1. شهاب‌الدین اشراقی (60-1304) داماد امام خمینی که نمایندگی امام را در چندین مورد بر عهده داشت.
2. سالار جاف (57-1319) نماینده پاه و اورامانات در مجلس شورای ملی و از حامیان رژیم پهلوی که به اتهام افساد فی‌الارض در اسفندماه ۱۳۵۷ تیرباران شد.

مطهری: مدرسه فیضیه در جهت عکس بود. شما چنین هستید، حداکثر به عنوان ارشاد روسری داشته باشید. روزنامه‌ها که حرف اشراقی را می‌گیرند

مهندس بازرگان: رادیو گفت.

مطهری: از نظر حکم شرعی، حق ارشاد و هدایت دارد، اما نمی‌گوییم کتک بزنید.

مهندس سبحانی: از یک سال اخیر دیدیم زنها علاقه‌مند به اسلام شدند. با این حکم همه برمی‌گردند.

مهندس بازرگان: حجاب با گوشت یک مسئله است. اساس حرف ما است که ما می‌رویم قم.

مطهری: من می‌روم.

مهندس بازرگان: وضع آقا مثل شاه سابق شد. شاه نمی‌گفت سر شما را می‌برم، چیز خوب می‌گفت. آقا [هم] همین طور. زمان او [شاه] تا رئیس دانشگاه باید به حضور برسند، به عرض برسند و ... عین این وضع شده، یکی از استانداران را عوض می‌کنند، صدر، مبشری، رئیس ستاد، کار بدی می‌کنند، اما با این وضع اگر مهر ایشان پشت کسی بود دیگر نمی‌شود حرف زد. [در] مسئله گوشت، آقای صدر موضوع گوشت [را] چند روز قبل به خودم گفتند و موضوع اتوبوس که دولت پول ندارد. مادامی که قانونی نشده، همان‌طور است که فرمودید. آقا خط‌مشی کلی سیاست را تعیین می‌کنند. در اجرا، دولت و نظر شورای انقلاب [دخیل] باشد.

مطهری: مسئله گوشت یخ‌زده را تا حالا هم ما می‌گفتیم [و] ایراد می‌گرفتیم که اگر ذبیحه اسلامی نیست، نمی‌شود [آن را] خورد. نه دخالت در کار دولت مسلم. اگر ثابت شود ذبیحه اسلامی دارد، دخالت نمی‌کنند.

مهدوی: در اجرای آن دخالت می‌کنند. مشروب حرام است، اگر مشروب اعلام شود.

مهندس سبحانی: دولت، مشروب را می‌خواهد نفی کند.

بهشتی: اعتراض به دولت و ما وارد است. به شورا وارد است که در این مدت، جز این که طرف مشورت واقع شده، کاری انجام نداده. [در مورد] مسائل و مصایبی که بوده، جامعه انتظار دارد به شکلی حل شود. آن حرفی که زده شده این بود [که امام] گفته‌اند دولت در برابر این واهمه ضعیف است که اگر در خانه باشد و در کاخ نباشد، حرفش را نمی‌شنوند. اگر نخست‌وزیر در یک اتاق ساده بود، این یک اثر روانی داشت.

قطب‌زاده: روز اول که رفتیم، دیدیم عملی نیست. آن اتاق وسایلی دارد.

مهندس بازرگان: اتاق من، اتاق معاون دوم در امور اجرائیات است.

قطب‌زاده: ولی هیچ کس [این مسئله را] نمی‌فهمد.

بهشتی: هیچ بحثی نیست. کاری که مخفی انجام داده‌اید و انقلابی است، ولی ما موظف هستیم بعضی چیزها را بگوییم تا مردم بفهمند. مدیرکل بانک ملی، آقای شرکاء عوض نشده و سر جایش هست. یک نوع کارهایی است که اگر انجام شود، درست است. ایشان [امام] احساس مسئولیت می‌کنند. بیان علمی از علت بروز این حرفهاست. اگر اقدام به تعیین دادگاه انقلاب کرد، چون نه دولت و نه شورا برای ایجاد نظام حساب شده کاری نکرد. ایشان اطلاعاتشان کافی نبود. اقدامات از طرف ایشان باید در دفتری ثبت شود.

قطب‌زاده: نوع عمل ایشان، حجاب زن و غیره.

بنی‌صدر: شورا ضعفش از دولت کم‌تر نیست. دادگاه انقلاب را نمی‌شد قطعی کرد. کسی اگر خلاف کرد، تنبیه کند. وگرنه پیش آقا برویم [و] استعفا کنیم.

مهدوی: شورا می‌خواهد همه کار بکند.

بنی‌صدر: همه غایب هستند. ناراضی زیاد است.

قطب‌زاده: با خلخال مجبور شدم مصاحبه بکنم که بگویم در دادگاه‌ها، مخبرین خارجی باشند.

مهندس سبحانی: خودشان گفتند از این به بعد بدون دادگاه علنی و آشکار، کشتار نخواهد شد.

هاشمی: آقایان بروند پیش آقا. برخورد باید خیلی لطیف باشد، مشکلات گفته شود و از سرچشمه قضیه حل شود. ایشان با صراحت می‌گفتند باز هر چه هست، با تعیین دولت باشد.

موسوی: فردا رفتن به قم، آقای بهشتی، مطهری، موسوی، بنی‌صدر، مهندس سبحانی بررسی شود.¹

1. پس از مذاکره اعضای شورای انقلاب با امام خمینی، وی در سخنرانی جدیدی از همگان خواست تا از دولت پشتیبانی کنند. امام تأکید کرد دولت موقت، دولت اسلامی شرعی است و من به آن اطمینان کامل دارم. وی همچنین از نخست‌وزیر خواست تا به توصیه‌های منسویین من درباره عزل و نصب اشخاص ترتیب اثر ندهید (اطلاعات، 19/12/1357، ص 2). با این سخنرانی، فضای علیه دولت بازرگان برگشت و امام کوشید تا اعتماد عمومی به دولت موقت جلب شود. چند روز بعد بازرگان در سخنانی اعلام کرد دولت تحت فشار است. عده‌ای نزد امام می‌روند و از دولت به ایشان بدگویی می‌کنند، احساسات امام را تحریک کرده و دست و

جلسه یکشنبه 1357/12/20

[حاضران: شیبانی، خامنه‌ای، هاشمی [رفسنجانی]، موسوی [اردبیلی]، بهشتی، باهنر، مهندس سبحانی، مهدوی [کنی]، تیمسار مسعودی.]

[موضوع: کیفیت مصادره اموال:]

شیبانی: گزارش بنیاد. از اکثر شهرهایی که باغداری و دامداری هست، با تلفن یا پیک پیغام داده‌اند اگر کوتاهی شود، باغ‌ها و یا دام‌ها از بین می‌روند. قبلاً توصیه به ادامه کار آنها شده و آقای هویدا در محلی که مربوط به دفتر عرایض فرج بوده، مشغول به کار است.

بهشتی: هیئت پنج نفری فوری معلوم شود تا سه‌شنبه: 1) برای مسائل دامداری و کشاورزی سرعت می‌خواهد، 2) گردآوری اموال منقول کاخ‌ها، 3) وسایل موجود در بانک کارگشائی، 4) جواهرات بانک مرکزی، 5) اشیاء عتیقه جای دیگر.

شیبانی: باید دستوری به بانک داده شود برای بستن حساب‌ها و یا پرداخت.

بهشتی: دکتر هویدا مراجعه کند به هادوی برای گرفتن اختیارات و پول‌ها.

هاشمی: پولی که از خانه آقای خمینی گرفته شده.

بهشتی: به شفیق تلفن شود [تا] 25 میلیون تومان به حساب 3090 ریخته شود.

هاشمی: بانک عمران پول دارد.

شیبانی: پول بانک عمران را شاه و دیگران گرفته‌اند.

باهنر: ایران ناسیونال مال اینجاست.

مهندس سبحانی: خیامی سهمی به اینها نداده. پول می‌داد.

بهشتی: برای پول چه کنیم [؟]

هاشمی: پول بانک عمران و جاهای دیگر.

بهشتی: از دادستان حکم بگیرند.

شیبانی: پول از دولت بگیریم.

بهشتی: صد میلیون تومان وام می گیریم.

مهندس سحابی: بنیاد پهلوی یک سال پیش تمام سهم خود را منتقل کرده به دولت. مثلاً به اتکای مقداری سهام مانده من جمله سیمان فارس، چهار کارخانه بزرگ است. بیست هزار تن در روز که حدود پنج میلیون تومان فروش روز است. بنیاد 2/7٪ سهام دارد. پول بنیاد دستمان باشد.

بهشتی: پول جاری می خواهد.

مهندس سحابی: دولت ناچار است پول کارگران را بدهد. دولت گرفتاری دارد.

بهشتی: وام می خواهیم.

هاشمی: بانک عمران حساب مخصوص وا کند. چهارصد میلیون تومان سرمایه دارد، از آن بگیرند.

شیبانی: دولت پول ندارد، از پول نفت بدهد.

بهشتی: پول درآوردن سرمایه می خواهد.

موسوی: قرض طولی‌المدت نیست.

بهشتی: شرکت نفت صد میلیون تومان قرض بدهد.

شیبانی: در اسرع وقت می دهیم.

بهشتی: یا شرکت نفت یا بانک مرکزی یا دولت موظف است بدهد.

مهندس سحابی: نصف آن را دولت بدهد.

تیمسار [مسعودی]: تحقیق شده یا نه [؟]

بهشتی: تحقیق طول دارد. اینها احتیاج روزانه دارند.

هاشمی: از بانک عمران بردارند.

خامنه‌ای: الان اگر از بانک‌ها تحقیق شود، به مبالغی بیش از این می‌رسیم.

بهشتی: ایشان این هفته احتیاج دارند. از شمال و از جاهای دیگر تلفن کردند. از گرگان، نه فقط پرسنل لازم دارند برای مسلط شدن به کار پول بگیرند، دلگرم شوند. صبر کنند پول بانک عمران درست شود. 50 میلیون تومان.

مهدوی: اگر باغها را اجاره بدهند، سیب فراوانی است. سیب موجود در سردخانه‌ها را بفروشند.

بهشتی: آقای خمینی سوال کرده‌اند. از دولت بخواهیم با ضرب‌الاجل کار را انجام دهد. نزیه می‌گوید 200 میلیون تومان مال شرکت نفت [است]. 50 میلیون تومان فوری در اختیار موسسه بگذارند.

مهندس سبحانی: کارکنان شرکت نفت تنها نیست. شرکت‌هایی که کارمندانش رها شده.

تیمسار مسعودی: یک میلیارد و خرده‌ای تصویب کردیم، پنجاه میلیون تومان بدهد.

شیبانی: از هر راه شود، انجام بدهد.

بهشتی: تأیید شد، پنجاه میلیون تومان، این هفته بیست میلیون تومان با 9 رای.

موسوی: مراجعه پول نمی‌خواهد. ساری، گنبدکاووس، ساری، اجاره می‌کنند، مخارج را می‌دهند.

بهشتی: این پیشنهاد، با همکاری کمیته‌ها کار را اداره کنند.

باهنر: [نام این موسسه] بنیاد محرومین [باشد].

بهشتی: بنیاد مستضعفان [باشد].

خامنه‌ای: محروم در آیه قرآن ظهور دارد. رفاه معنوی و مادی. مستضعف، محروم مالی و مادی نیست. نظر جنبه دوم است.

بهشتی: مستضعف بنیاد محروم است.

موسوی: کلمه محروم، چون زیاد استعمال شده و تا حدی تحقیر شده.

خامنه‌ای: به همین دلیل که محرومین در کلمه پابره‌نه استعمال می‌شود، جهت کار ما را مشخص می‌کند.

بهشتی: بنیاد پابره‌ها.

تیمسار مسعودی: قطب‌زاده [این را] گفت. به عده‌ای برخورد.

بهشتی: احساس خودم، بنیاد مستضعفان است.

خامنه‌ای: در زمینه جمع‌آوری پول اقدام می‌شود کارخانه‌سازی انجام داد.

مهندس سبحانی: طرح وسیع‌تر است.

خامنه‌ای: از جنبه اجرایی گفته آقای خمینی.

بهشتی: این اداره ایجاد درآمد است. دایره خرج واحد دیگری است. قاطی نشود.

هاشمی: الان می‌خواهند خرج کنند.

بهشتی: واحدی را پیشنهاد کنید.

هاشمی: خود هویدا [پیشنهاد] بکند.

موسوی: دو شاخه داشته باشد. خانه‌های غلامرضا.

بهشتی: سریعاً یک واحد برای شناسایی آپارتمان و محل‌های مسکونی و زمین‌های تسلیم شده قابل استفاده برای

مسکن معرفی شود.

مهدوی: شهرک اکباتان را افرادی خریده‌اند.

بهشتی: یک واحد در اینجا به وجود آید و گزارش بدهد.

باهنز: طرح و شهرسازی، صورتی از افرادی که خانه احتیاج دارند، مخصوصاً زاغه‌نشین‌ها تهیه شود.

بهشتی: صدایش را دریاورند، ضایعه پیدا می‌کند. شاید هم هیچ چیز نباشد. تمام آنها را فروخته‌اند. مردم را

ناراضی می‌کنیم. برای همکاران از باهنر و دیگران استفاده شود.

مهندس سبحانی: اموال هژبر خودش ذی‌نفع می‌باشد. حاج‌طرخانی آدم خوبی است.

شیبانی: هژبر گفته است اگر تضمین بدهید تمام اموال را می‌دهم.

بهشتی: نمی‌شود تضمین کرد. این اصل بطور کلی هست. اگر آقا مطلبی در مورد افرادی می‌نویسند، به دلیل فعال نبودن آنهاست. مشورت بکنند.

شیبانی: سالور آدم خوبی است، ولی چون سابقاً کار کرده.

مهندس سبحانی: [در] کارخانه سیمان، سالور را راه نمی‌دهند.

مهدوی: هژبر را حاج‌طرخانی^۱ گفت از من سوال کنید. آقای موحدی را تلفن کنید حاج علی آقا حاج‌طرخانی. [درباره] بودجه کمیته، پیشنهاد کردم 15 میلیون تومان دولت بدهد و در اختیار کمیته باشد. با نظر آقای هادوی، کمیته‌ها ضابط دادستان انقلاب هستند.

شیبانی: هادوی سرش شلوغ است.

بهشتی: دولت در اختیار دادستان بگذارد، ایشان در اختیار مهدوی.

تیمسار مسعودی: مستقیم در اختیار ایشان بگذارند.

شیبانی: کرج گفته بود بیست میلیون تومان.

مهدوی: دو میلیون تومان قبلاً اشتباه شده بود.

بهشتی: اصناف خیلی پیش آمدند. اتاق بازرگانی 40 میلیون تومان پول گفتند نزد ما است که به آقای خمینی بدهند. حواله دادند، برای این منظور به محلاتی^۲ 15 میلیون و به کس دیگری. آن پول قدری شلوغ می‌شود. باید اینها کار انجام بدهند.

شیبانی: بازار احتیاج دارد.

هاشمی: من و بنی‌صدر قرار شد امضاء بدهیم. ذخیره بانکی هست. ده میلیارد ذخیره است. 160 میلیارد را تصویب کردند، ابزار هم از بانک بگیرند.

1. علی حاج‌طرخانی (72-1303) از بازاریان تهران و رؤسای اتاق بازرگانی ایران پس از انقلاب.

2. فضل‌الله محلاتی (64-1309) دبیر جامعه روحانیت مبارز، نماینده مجلس اول شورای اسلامی و نماینده امام خمینی در سپاه پاسداران.

موسوی: بانکی با سرمایه 200 میلیون تومان بدون ربح ایجاد شود، مقداری وضع مالی را اصلاح کند. اگر این کار شود، اثر روی بانکها می‌گذارد. فقط کارمزد بگیرد. بانک مرکزی گفته بانک بدون ربح را نمی‌توانم اجازه بدهم.

بهشتی: به‌عنوان پیشنهاد به دولت بدهیم مطالعه کند. گزارش بدهد یا خودمان گروه کارشناس اقتصادی بگذاریم. هاشمی: این پیشنهاد به بانک عمران که بانک شناخته شده است باشد و این بخش را به عهده بگیرد، وام بدهد، بدون بهره باشد.

مهندس سبحانی: پیشنهاد هاشمی خوب است به دولت واگذار شود. بانک بی‌بهره، طلبها دارد، بدهیها دارد، بدهی باید بهره بدهد، طلب اگر بهره نگیرد، سرمایه از بین می‌رود.

بهشتی: در مورد بانک بی‌بهره، مسائل اجتماعی و اقتصادی هست. خودمان ترتیبی بدهیم. هاشمی: فعلاً به خسارت دیده‌ها.

بهشتی: این غیر از کار بانکی است.

شیبانی: برای هتلها فکری شود. بی‌کارها می‌آیند.

بهشتی: پلاژها را بدهیم اجاره و پول بگیریم.

مهندس سبحانی: پول کارگران هتل را بدهیم.

بهشتی: با روح انقلابی، هتلداری نمی‌سازد. مردم محروم یوگسلاوی وسایل عیاشی شیوخ را فراهم می‌کنند.

خامنه‌ای: باید دید برای مملکت انقلابی هتل لازم است یا نه [؟] پولدار داریم (کسی که کراوات 300 تومانی می‌زند، پول این را هم دارد) اگر کسی نداشت، 500 تومان بدهد.

بهشتی: هتلها بصورت هتل نگهداری شود تا تصمیم گرفته شود.

خامنه‌ای: در هتلها شکل اسلامی رعایت شود. عشرتکده نشود. مشروب از طرف هتل ندهند. آن که از خارج می‌آید چه کند [؟]

بهشتی: با اجمال مخالفتی ندارم. در آینده چند نفری را می‌خواهیم [تا] مطالعه کنند در جوانب مختلف [تا] هماهنگی بین تمام موضوع‌های اجتماعی باشد. بنیاد مستضعفان و اداره هتل که ثروت است.

مهندس سبحانی: چند موضوع است. سوالی راجع به روزنامه‌ها.

بهشتی: به اتاق بازرگانی مراجعه چه بوده [؟]

مهدوی: روشن شود [که] چه کسانی اموالشان را می‌شود مصادره کرد [؟]

بهشتی: با ولایت شرعی فعلاً سرپرستی شود. اصل اجازه این کار مجوز شرعی، مبنای فقهی دارد... هر جا رعایت مصلحت انقلاب از یکسو و حفظ اموال افراد تصرفی را ایجاب کند، فروش قسمتی و غیره مجاز است.

مهدوی: شهربانی بگیرد، پاسبان می‌رود.

بهشتی: شهربانی به زودی راه نمی‌افتد. به استقلال کار کنند، با این سیاست که دولت به تدریج کار را به عهده می‌گیرد.

توصیه به دولت: راه‌سازی، خانه‌سازی در روستاها، افزایش قیمت خرید غله.

(مهندس بازرگان و دکتر یزدی آمدند)

بهشتی: روز سه‌شنبه یک نفر از طرف دولت، ساعت نه بیاید که پیشنهادات را بگیرد و نظر شورا باشد که در دولت مطرح شود.

جلسه سه‌شنبه 1357/12/22

[حاضران: موسوی [اردبیلی]، هاشمی [رفسنجانی]، خامنه‌ای، بهشتی، باهنر، صدر [حاج سید جوادی]، مهندس سحابی، شیبانی، مهدوی [کنی]، تیمسار مسعودی.

[موضوع: وضعیت زندان‌ها و محاکمات:]

موسوی: آماده شدن کلانتری (آقای فتح‌الله بنی‌صدر^۱ آمد).

شیبانی: در مورد [صدور حکم] ریاست زندان [برای] عراقی^۲ گفتند آقا بنویسند یا دولت [؟]

بهشتی: زندان مهم است. آبروی انقلاب در گرو آن است.

فتح‌اله [بنی‌صدر]: هادوی و سی نفر قاضی، شکایت از زوارهای دارند. دکتر یزدی از زوارهای حمایت می‌کند [ابوالحسن] بنی‌صدر آمد).

مهدوی: عراقی را نمی‌دانم. مشکلات زیاد است. اختلال به علت گروه‌های مختلف و سه‌دستگی است. با بودن سه گروه، آمدن عراقی چیزی را حل نمی‌کند. از یک گروه خاص ببرند.

بهشتی: تذکر مهم است.

مهدوی: زوارهای از خلخالی شکایت دارد. [مسئله] در یک ملاقات با آقا حل شود.

صدر: عراقی هم خسته می‌شود. خوب است، به شرط درست کردن عوامل اطراف، چه پاسدار و چه بازجو.

بهشتی: دو نکته در مورد روحانی قاضی محکمه، آقای خلخالی به دلیل روحیه خاص تا [زمانی که مسئول] باشد،

[کار] سامان نمی‌گیرد. با وجود جنتی^۳ نیازی به ایشان نیست. آقای خلخالی نباشد، مسئولیت به عهده ما [باشد].

1. سیدفتح‌الله بنی‌صدر، برادر ابوالحسن بنی‌صدر، چهره ملی‌گرا و اولین دادستان کل کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی.

2. مهدی عراقی (58-1309) از اعضای جمعیت فدائیان اسلام و از بنیانگذاران هیئت‌های مؤتلفه اسلامی، اولین مسئول زندان قصر تهران پس از انقلاب اسلامی، رئیس شورای مرکزی بنیاد مستضعفان و سرپرست مالی مؤسسه کیهان که توسط گروه فرقان به شهادت رسید.

3. احمد جنتی (متولد 1305) عضو فقهای شورای نگهبان از دوره اول و حاکم شرع اهواز. رئیس مجلس خبرگان رهبری و دبیر شورای نگهبان.

مطهری: نمی‌شود جنتی را به جای خلخالی گذاشت و او قبول کند.

بهشتی: هادوی بدون زواره‌ای وضع را بدتر می‌کند. هادوی اصیل و خوب است.

شیبانی: و زواره‌ای قاطع است. هادوی برش ندارد.

تیمسار مسعودی: در یک اتاق سه در چهار، حدود 43 نفر آنجا هستند. یک زندانی آزاد شده می‌گوید در اوایل [وضعیت زندان] خوب بوده، بعد بد شده، سخت است، به هیچ‌کس ملاقات نمی‌دهند. دادستانی انقلاب [باید] روشن باشد در چه کاری دخالت کند، [و] دادستان تهران در چه [کاری] [مهندس بازرگان و دکتر یزدی آمدند].

بنی‌صدر: خدمت آقا راجع به زندانیان گفتم [که افکار عمومی] شما را مقایسه با هیتلر می‌کنند. ایشان گفتند عراقی را معین کرده‌ام. بیرونی‌ها گفتند زواره‌ای با دزدها ساخته (قطب‌زاده آمد).

موسوی: دو نفر از شورا با دولت بروند [و] زندان را از نزدیک ببینند. مخفی بودن دادگاه و این کشتار را من محکوم می‌کنم و اخطار شود از این ساعت دیگر اقدام نکنند. راجع به خلخالی راه همان است. یکی کردن پاسداران لازم است. آقای مهدوی از یک تیپ بگذارد.

بنی‌صدر: قم در دادگاه شرکت کردم. [جلسه محاکمه] علنی بود.

قطب‌زاده: خبرنگاران ما گفته‌اند و پیچیده [که] او (خلخالی) گفته نگه داشتن آنها مشکل است، بکشید.

مطهری: تنها خلخالی نیست. جوئی است که او هم آمادگی دارد. در روزنامه‌ها متن حکم، جوری تنظیم می‌شود که عوامانه است و تعجب می‌کنم. آنها قاضی هستند، زواره‌ای و هادوی. آن وقت متن حکم چیزی باشد که دارد نباشد.

صدر: تذکر، برای زواره‌ای حفظ‌الغیب شود. او آدم درست و صحیح است. نقطه ضعفی دارد که شدت عملش است.

خامنه‌ای: [زواره‌ای] رئیس هیئت بازرسی شود.

فتح‌الله [بنی‌صدر]: تناسب ندارد.

خامنه‌ای: دادستان و اعضای دادگاه چه لزومی دارد [؟]

فتح‌الله [بنی‌صدر]: اینها دخالت ندارند.

دکتر یزدی: بعد از این مشکلات، آقای هادوی حکم گرفتند. طبق پیشنهاد رفتم پیش آقا. آقای ربانی شیرازی، زواره‌ای و ابوالفضل حکیمی^۲ معین شدند. ضوابط دادگاه علنی باشد. ادعای نامه باشد. ضمناً ظاهر قضیه مرتب باشد. دولت موظف به اجرای تصمیم دادگاه است. دولت آئین‌نامه تهیه کرد. آقا هم گفتند بدون آئین‌نامه تصویب و ضوابط نمی‌شود. مشکل، خلخالی است. دادگاه فقط جرایم سیاسی مربوط به انقلاب را رسیدگی کند [و] در جرایم دیگر دخالت نکند. آئین‌نامه تصویب شود، [تعیین کننده اینکه] چه کسی بنویسد و به کی ابلاغ شود، شورای انقلاب و دولت است. آئین‌نامه به دولت بدهد، [اگر] شورا تصویب کرد، اجرا شود.

خامنه‌ای: با فرمان موکد، این یازده اعدام باید رسیدگی شود.

دکتر یزدی: آقا گفتند کار خودتان را ادامه دهید تا آئین‌نامه درست شود. آقا گفتند قاضی و دادستان باید شمر باشد [و] احساس ترحم نکند. نحوه تعیین قضات.

موسوی: از این جمله اینها چه برداشت می‌کنند [؟]

دکتر یزدی: در اجرای احکام قاطع باشید. دیشب نصف شب رفته، دادگاه کرده‌اند و اعدام کرده‌اند.

شیبانی: حکمی آقا بدهند [که] بدون تصویب شورای انقلاب کسی اعدام نشود و دادگاه علنی باشد.

قطب‌زاده: آقا گفته‌اند شورای انقلاب.

بهشتی: برویم تا پاسخ حکم را از آقا بگیریم.

مهندس بازرگان: آقا بخواهند که این کار منع شود.

بهشتی: دو نفر از دوستان بروند [و] با آقا صحبت بکنند.

1. عبدالرحیم ربانی شیرازی (60-1301) عضو مجلس خبرگان قانون اساسی، نماینده ولی فقیه در استان فارس و عضو شورای نگهبان.

2. ابوالفضل حکیمی، از اعضای نهضت آزادی.

تصویب شد کلیه کارهای دادگاه‌ها، محاکمات و اجرای حکم در اختیار دولت و شورای انقلاب باشد.^۱

[موضوع: وظایف ژاندارمری:]

مهندس بازرگان: لایحه‌ای مانده بود.

یزدی: [درباره] سپاه انقلاب صحبت شود.

فتح‌الله [بنی‌صدر]: پرونده‌های معوق سیاسی و غیره.

بهشتی: جرائم به سبب خدمت انجام می‌دهند را در این لایحه توضیح بدهید.

فتح‌الله: در حین خدمت، جرائم مختلف است. اگر زد توی گوش زنش، به سبب خدمت نیست و در حین خدمت است. مال ژاندارمری و شهربانی را می‌آوریم دادگستری.

بنی‌صدر: ولو به سبب خدمت باشد، پرونده‌ها از طریق دادسرا ارجاع شود. دادگاه نظامی را خودمان دیده‌ایم. در دادسرا رسیدگی شود.

فتح‌الله: جرائم به سبب خدمت، مثل لغو دستور تمرد فرار از خدمت است که تعقیب با نظر فرمانده است. نه قضات ما از نظر نظامی فنی هستند و نه صلاحیت این را دارند.

تیمسار مسعودی: ژاندارمری از نظر نظامی مثل ارتش است. اگر برود [زیر نظر] دادگستری، اشکال ایجاد می‌کند.

فتح‌الله: جرائم تخلفات انضباطی داخل صلاحیت ما نیست. جرائم به سبب خدمت در قانون مجازات چیزی نیست.

1. همان‌گونه که از مشروح مذاکرات فوق روشن است، اعضای شورا از روند محاکمات دادگاه انقلاب و به‌ویژه عملکرد شخص خلخالی نارضایتی داشتند. با این مصوبه، امام حکمی را صادر کرد که بر اساس آن، کلیه محاکمات دادگاه مرکزی انقلاب متوقف شد. همچنین در این حکم مقرر گردید تا پس از تصویب آئین‌نامه جدید محاکمات، محاکمات زیر نظر شورای انقلاب و دولت انجام خواهد شد. علاوه بر این، اجرای حکم دادگاه‌های شهرستان‌ها نیز منوط به تأیید دادگاه مرکزی می‌باشد (کیهان، 1357/12/26، ص 4).

بهشتی: شما استدلال در مقابل می‌کنید که مسئله فنی را دادسرا نمی‌رسد. در ژاندارمری هم این‌طور است. فرمانده مصلحت نمی‌بیند. [کار] ارتش با دشمن خارجی و [کار] ژاندارمری با اخلاط‌گران داخلی است.

فتح‌الله: شهربانی جزء نیروهای سیویل است، نه صلاحیت جنگی دارد [و] نه جنبه فنی. ژاندارمری شبیه شهربانی است، با همان وظایف و خصوصیات. جنگ نیست، سارق فرار می‌کند، آنها در دهات هستند و این در شهر است. قبل از دادرسی ارتش در سال 36، شهربانی و ژاندارمری به دادرسی ارتش نمی‌رفت.

تیمسار مسعودی: ...

بهشتی: ژاندارمری یک دوره جابه‌جا شد. [به لحاظ تاریخی] ژاندارمری در ایران، جنگ با قبایل و ایل‌ها به عهده ژاندارمری بود [و] هر وقت موفق نمی‌شد از ارتش کمک می‌گرفت. قبول کنیم ژاندارمری تا حدودی و برخی موارد، وظایف ارتش را می‌کند در ایران. اگر گروهی یاغی شد، چه بکند [؟]
فتح‌الله: ارتش دخالت کند.

مهندس سبحانی: شورش، اعتصاب خیابانی است. یک وقت ترکمن‌ها شلوغ می‌کنند، آنجا که ژاندارمری خودش [اداره می‌کند]. بعد که ارتش آمد، قوانین ارتش [حاکم می‌شود].

فتح‌الله: نص خاص دارد.

بهشتی: اصلاح شود... ژاندارمری به سبب خدمت مرتکب شود یا نشود، در مراجع قضایی دادگستری رسیدگی می‌شود، مگر جرائمی که مربوط به رویدادهای جنگی باشد.

فتح‌الله: هر جا جنگ باشد، نظامی است.

بهشتی: موکول است به اینکه وظایف ژاندارمری را بدانیم. در اینجا دیده نمی‌شود. اگر هیچ جنگ در آن نیست، فرمایش [شما] صحیح است. [اما] اگر آمده باشد، باید اصلاح شود.

مهندس سبحانی: مقررات جای خودش. در فرانسه و آلمان، وضع [مشابه] ایران نیست. از سال 20 تا حال [تجربه] داشتیم [که] ژاندارمری وارد شده. [در] شورش عشایری، اول ژاندارمری، بعد ارتش می‌رود. کارهای تجزیه‌طلبانه کردستان [آن‌که] در مرتبه اول طرف است، سازمان ژاندارمری است. خالی از ضعف جنگی نیست. اگر خیلی رعایت دموکراسی شود، ژاندارمری ضعیف می‌شود.

فتح‌الله: اگر استثناء کنید، تالی فاسدش هر جا خواست می‌کشد و به حساب خودش می‌آورد در جنگ.

بهشتی: شرح وظایف بیاید.

فتح‌الله: ژاندارمری پلیس دهات است.

قطب‌زاده: راه حل: در موارد چنین شورش‌هایی، ارتش از نیروی ژاندارمری استفاده کند.

[موضوع: تأمین گوشت:]

یزدی: یازده نفر هیئت مدیره کشتارگاه آمدند قم.

خامنه‌ای: کدام قصاب‌ها [؟]

بهشتی: کلمه قصاب خوب نیست. اینها کسانی هستند که خیلی دزدی کرده‌اند. انتخابات جدید است که 800 نفر

امضاء کرده‌اند (ولی هشت نفر بیش‌تر نیستند).

هاشمی: گوشت را عده‌ای می‌توانند تأمین کنند.

یزدی: نگذارید کشتار داخلی شود تا سال آینده بی‌گوشت نباشیم.

[موضوع: اطلاعات و ضداطلاعات:]

خامنه‌ای: نیاز مردم به دستگاه اطلاعات و ضدجاسوسی است.

مهندس بازرگان: کردستان وضع ناهنجاری دارد. هنوز نشده آدم پیدا کنند. دکتر اسماعیل اردلان که رویش ممکن

است ایراد باشد، قرار است برود [و] رسیدگی کند (وضع سنندج بد اندر بد شده، توقیف مردم و اموال، توقیف

شیعه‌ها. مفتی‌زاده^۱ گفته مردم را می‌گیرند). دو روز دیگر در سنندج است، یک روحانی که بیانش و نفسش موثر باشد، بیاید به ایشان کمک کند.^۲

مهدوی: از سنندج چند نفری فرستاده‌اند برای گرفتن چند نفر. [به] بلوچستان دوبار مدنی رفت، گزارش خوب آورد. [آنها گفته‌اند] خواسته ما این است [که] در قانون اساسی ننویسید مذهب شیعه دوازده امامی. [به جایش] بگویند اسلام است. یک پدر و پسر و یک تیمسار آریان‌نژاد است، گنبدکاووس گفته همه غیره بردند و ملک ترکمن است. کسانی که در سنندج سابقه دارند، اگر آقای تهرانی بپذیرند [و] بروند، خوب است.

هاشمی: آقای ربانی شیرازی را آقا بفرستند. یک نفر معین شود به مهندس تلفن کنند.

بهشتی: مسئله‌ای مطرح کردند خامنه‌ای، [و اینکه] توطئه‌هایی هست. عوامل توطئه در داخل دولت هم نفوذ می‌کنند. دولت احتیاج به دستگاه اطلاعات دارد. گفتند آقای کامبیز روستا از فعالان کنفدراسیون است و متهم به خیانت [و او] مشاور فروهر در وزارت کار شده.

مهندس بازرگان: [اطلاعات را] در اختیار ما بگذارند.

بهشتی: همه‌اش به گوش ما نمی‌رسد. نامه‌ای است نزد آقای موسوی. فردی نوشته است که یک نفر 91 نفر [را] مسلح کرده، شخصی که در کمیته است، تحقیق [درباره] آن آسان است. آقای دکتر یزدی [!] شما در صدد تشکیل کمیسیون اطلاعات هستید. شورا ضرورت آن را ذکر می‌کند و توصیه می‌کند. ضداطلاعات ارتش دست نخورده است. پرونده‌های خودشان را از بین نبرند. آنچه اقدام شده 400 یا 500 تا از بین ببرند، کامپیوتر دارند، غیرنظامی تعیین شود. از چنگ ارتش خارج شود. همان ضوابط و روابط است. ضداطلاعات نیروی هوایی دست نخورده است. مراکز بی‌سیم و گیرنده الکترونیک با مراکز امریکایی‌ها سیزده مرکز خبر دارد. یکی مال مادر است، یکی بالای فرح آباد. بعضی گیرنده‌ها تا شعاع 50 کیلومتر نمی‌گیرد. مکالمات انگلیسی و اسرائیلی هست. قرار شد در گزارش ساواک، چندین اداره از بین نرود. اداره هشت.

مهندس بازرگان: و چهارم.

1. احمد مفتی‌زاده (1313-71) نویسنده، مفسر قرآن و فقیه اهل سنت و از چهره‌های پرنفوذ در کردستان.

2. بحران کردستان، یکی از مهم‌ترین چالش‌های جمهوری اسلامی در ابتدای کار بود که در ادامه به تفصیل توضیحاتی خواهد آمد.

بهشتی: [اداره هشت] کم‌تر آسیب دیده، بعضی اسناد برده شده، چون به روس‌ها حساسیت داشته‌اند. نفوذ در شبکه روسی زیادتر است. آن وقت دنبال روس‌ها و اکنون بیشتر دنبال آمریکا و اسرائیلی [هستند]. تعدادی اسرائیلی هستند، شاه دستور داد. پاسپورت ایرانی دارند، تعدادی از اسرائیل آمدند، قبل از خبر گرفتن، دو سه نفر آمده‌اند وارد مملکت شده‌اند و غیب شده‌اند. آن آمریکایی، رالف شانمن^۱ و کبک میلر که از زنان امریکاست، این تظاهرات شاید از او باشد، [وی] هم از نظر سیاسی و هم اخلاقی منحرف است [و] طرفدار آزادی روابط جنسی است. بدون [داشتن] اطلاعات، عمل [میسر] نمی‌شود. از واجب‌ترین واجبات مملکت است. این کمیته‌ها مقداری به وجود آمد.

مظهری: از کادر سابق.

مهندس بازرگان: ضرورت مسئله را متوجه شده بودم. باید انجام شود. یکی کامبیز... مشکل نیست، اگر اطلاعاتی رسید عرض می‌کنم. دکتر سنجابی وزیر خارجه است [و] دستش زیر بالش سلامتیمان است. به وزراء نگفتم. به او گفتم در سیستم ما وزیر و معاون، جفت است. بعد [از] حرف‌های دکتر یزدی و قطب‌زاده، او نفی کرد. تا این که هفته قبل [برای سمت] معاون مالی، کسی را معرفی کرد و معاون سیاسی، سلامتیمان [شد]. از قطب‌زاده خواهش کردم چهار تا مدرک بدهد، راجع به سلامتیمان. مسعود امینی (پسر نصرت الله)، قاعدتاً لابد احمدآقا [خمینی] گفته، احمدآقا گفته است هم من و هم آقا موافقیم. از احمدآقا پرسیدم، گفت من نمی‌شناسم، از نظر ما ایرادی نیست. سنجابی استعفا داد، به او گفتم برای خاطر معاون استعفا ندهید، [او را] جایی سفیر بکنید. دو سه روز است [که] هم هست و هم نیست، [به] وزارت خارجه نمی‌رود. با سنجابی مشورت کردم، باطناً حسن استقبال کردم، خود ایشان را سفیر امریکا کنیم، برویم سراغ دکتر سیاسی^۲. این جور جریانات است. نمی‌شود به وزیر یا مدیرکل گفت مجبوری [این کار را] بکنی. توطئه‌های دستگاه گذشته روی حساب خودش بود. سیویل ضداطلاعات. سپهد مقدم دو روز قبل از گرفتاری به من تلفن کرد، اطلاعاتی داشت، دیروز توانستیم هیئتی که ساواک را تحویل بگیرد، بفرستیم زیر نظر سرهنگ قنبر. تا آمدیم، مقدم را گرفتند، از طریق غیرمستقیم (رئیس دفتر چهارم بود)، اصرار دارد از او بگیریم. اداره سه شکنجه دهنده است، آن کنار، بقیه به درد ما می‌خورد. اگر آفتابی شوند، می‌گیرند و بمبارمان می‌شویم. دستگاه سابق آن قدر جاسوسی می‌کند. کاخ نخست‌وزیری، یکی آمد در اتاق هویدا، سه چشم

1. رالف شانمن، عضو هیأت اجرایی کمیته حقوق بشر که در روزهای ابتدای انقلاب در تهران به سر می‌برد و با اخبار و تحلیل‌های خود، توجه مطبوعات را جلب کرده بود.

2. علی‌اکبر سیاسی (1369-1274) وزیر چند دوره عصر پهلوی و رئیس دانشگاه تهران.

الکترونیک و هفت یا هشت گیرنده، صدا ضبط می‌شد. در اتاق بنده که معاون معاون است (بدنام شدیم) فرش آن گران‌تر از فرش آقای موسوی نیست. شرکت گاز از همان موقع مطرح بود. دیروز فردی را پیدا کردیم. نزیه گفت بروند سراغ حبیبی. سفیر امریکا خودش می‌گفت همکاری با ما نکنید، ولی خدماتی کرده‌ایم. یکی ضدتوده، یکی سیا که خیلی اطلاعات راجع به کردها دارد.

موسوی: افراد صالح اگر دیدند، معرفی کنید.

بهشتی: کسی را معین کنید [تا] افراد یا تیم‌هایی پیدا کند [و] به او بگویند.

یزدی: سه نفر که تعیین شوند، زیر نظر من است. خامنه‌ای، سرهنگ قنبر، و سرهنگ فشارکی.

بهشتی: نیروها را در شاخه‌های مختلف معرفی کنیم.

قطب‌زاده: تمام بچه‌های فرنگ که خیلی خوب هستند، تقسیم‌بندی کنیم.

هاشمی: یک تلفن یا دو تلفن کنند، افراد مختلف را معرفی کنیم.

مهندس بازرگان: صباغیان برای این کار است. یک پیک داشته باشد.

قطب‌زاده: در کانون توحید اتاقی باشد در تماس با صباغیان.

هاشمی: در خصوص کار کردها، کسی از کردستان که چهار سال کار کرده، ممکن است خدمت بکند.

بهشتی: گاهی اطلاعات غلط می‌دهند.

قطب‌زاده: از عناصر سابق با این بدی‌ها وضع تغییر کرده، باید خیانت نکند. در هر حال به خدمت اعلی حضرت باشد در مسیر شکم.

بهشتی: در دانشگاه ستاد این را گفتم. برای یک نفر می‌تواند با تلفن سیاسی با تمام وزرا تماس بگیرد، خودشان جمع کنند.

قطب‌زاده: جمله‌ای از مرحوم دکتر مصدق: ایشان می‌گفتند هر کاری نخواستید انجام شود، بدهید دست حبیبی!

بهشتی: در مورد جریان سپاه، یک جلسه که وقت نگیرد، جلسه‌ای باشد.

یزدی: تمام این پیشنهادات را نوشته‌ام و علامت زدم. هر جرح و تعدیل بکنند، بدهید.

بهشتی: یکشنبه [موضوع] سپاه انقلاب مطرح می‌شود.

مهندس سبحانی: دنبال اطلاعات، یک عده ساواکی قدیمی که مخفی هستند، پیغام می‌دهند. با مقدم سه نفر را مشخص کنند، تماس بگیرند، اشخاص مهم رئیس اداره شعبه خارج.

بنی صدر: قاچاق در مملکت. کمیته دو جور عمل کرده، شیخ محمد صالح دو میلیون و سیصد هزار تومان می‌گیرد، یک میلیون را می‌فرستد تهران. در اصفهان آقای خادمی^۱ عکس آن کرده، گفته جریمه مجوز شرعی ندارد.

بهشتی: [وضعیت] ملوک الطوائف ناشی از ضعف حکومت مرکزی است.

موسوی: علاج آن چیست؟

مهدوی: سید صالح طاهری است، در بوشهر بوده.

خامنه‌ای: بین کمیته و اشخاص حل شود.

مهدوی: با وجودی که عصبانی شدند، تکلیف کمیته از نظر قاچاق روشن نیست. باید دید مسئله قاچاق چیست.

هاشمی: تصمیم گرفتیم [در] قاچاق جزئی دخالت نکند.

فتح‌الله: دو عمل متخالف است.

مهدوی: گفته شود همان قانون سابق، تا بگوییم تو غلط کردی.

فتح‌الله: چرا پول گرفته [؟] عوارض باید گرفت. ورود کالای خارجی آزاد شد، کارخانجات داخلی خراب می‌شوند.

خامنه‌ای: حرف داشتم برای بودن بازرگان و یزدی.

بهشتی: مهندس می‌خواستند بروند، پرسیدم دوستان کار دارند.

^۱. سیدحسین خادمی (۱۲۸۰-۱۳۶۳) رئیس حوزه علمیه اصفهان.

خامنه‌ای: وسط حرف من صحبت کردید. یزدی در زمینه کار اطلاعاتی بیش از این کار کرده، با هیئتی مذاکره کرده. صریحاً باید بگویند. پیشنهاد من این است [که] در داخل ساواک افرادی هستند، نه یک اداره حفظ شود. من در اداره سوم افرادی [را] دیدم که ممکن است برای ما مفید باشند. لاقلاً در حوزه آگاهی ترتیبی دهند [که] در میان زندان رفته‌ها روشن شود چه کسانی خوب بودند. من می‌شناسم بعضی‌ها را که اینجا هستند و برای ما کار می‌کردند، حوادث نشان داده بود.

بهشتی: خود مقدم از اینهاست.

قطب‌زاده: دستور قتل من را او صادر کرده بود.

خامنه‌ای: پیشنهاد این است [که] الان واحدی مشخص شود [تا] افراد را با حفظ حرمتشان برونند آنجا. ما موقت خودمان را نسبت به آنها مشخص کنیم [و] از آن استفاده شود. دستگاه اطلاعاتی زودتر مرتب شود.

بهشتی: کسی را خودمان تعیین کنیم. افراد را به او معرفی کنیم. از اینجا لیست بردارد، بدهد [به] دولت. زندان رفته‌ای که اینجا ارتباط داشته باشد به صباغیان.

بنی صدر: عقیده ندارم [که] آنها آدم‌های درستی هستند. دستگاه اطلاعاتی ساواک را دست آنها ندهند. هیئتی باشد، پرونده‌ها را تحت ضبط بیاورند. بهترین گنجینه است. پرونده ترور ساواکی آنجاست. استفاده صحیح است. تربیت ما دستگاه اطلاعاتی باشد، نه اجرایی. هر دستگاه [که] ساواک درست کرد، می‌شود دستگاه سابق.

بهشتی: انقلاب میان دو تیغه گیوتین است.

بنی صدر: سه نفر را قبول ندارم، معتمد مردم.

بهشتی: قبول می‌کنید، معتمد می‌شناسید، افراد را معرفی کنید.

بنی صدر: قبول نمی‌کنم.

بهشتی: آقای خامنه‌ای یا هاشمی قبول کنند.

شیبانی: افراد مطمئن همراه آنها که مهندس گفت بنشینند.

موسوی: اصل مسئول مطمئن برای جمع خبر از آنها استفاده شود. در طول مدت، معلوم می‌شود.

بنی صدر: ساواک را داشته باشید. مورد اتفاق همه بود انحلال آن.

بهشتی: مجلس بختیار منحل کرد.

مهندس سبحانی: کار اصلی ما اساسنامه شورا است. پیش‌بینی هیئت اطلاعاتی شده، چون اداره حقیقی است. در مورد ساواکی گروه‌های موجود ما تصمیمات درست گرفته شود. اگر تصویب شود، کمیسیون اطلاعات شورا باشد با سازمان اطلاعات نخست‌وزیری رابطه برقرار کند.

بهشتی: فرد را معین کردید.

هاشمی: فرد نمی‌تواند. ما معرفی کنیم.

آقای هاشمی متصدی تعیین فرد شد در دفتر حزب در امیرکبیر.

هاشمی: پیشنهاد من این نبود. در همه بخش‌های دولت، افرادی معین کند.

[موضوع: رادیو تلویزیون:]

شیبانی: مطلب هویدا مطرح شود.

مطهری: اینها را تعیین کنید.

بهشتی: حقوق از ده هزار تومان بیشتر نباشد. سایرین آدم پیدا کنند، خارج می‌کنیم، اگر با این حقوق خواستند.

قطب‌زاده: اگر همانها را بتوانم، می‌کنم 10 هزار تومان.

خامنه‌ای: اگر مبارزه شود، فدائی‌ها شکست بخورند [و] مجاهدین پیروز شوند، رادیو تلویزیون مال مجاهدین است.

بنی صدر: ممکن است جنگ زرگری باشد.

مهندس سبحانی: بچه‌های مذهبی قرار بود در دانشگاه، تظاهراتی راه بیندازند.

قطب‌زاده: دیروز اطلاع رسید جلو تلویزیون توطئه شود، بچه مسلمان‌های دانشگاه گفتند کجا باشیم، بعید نیست. ولی حرکت کردند به طرف جام جم. جا تغییر می‌کند. فرستاده‌اند مراقبت کنند. یک راه این است که از مردم بخواهیم کمک کنند.

بنی صدر: مکرر در مکرر گفت بگوید ضبط می‌شود، دعوت کند به بحث. خیلی فروکش کرده در دو سه روز اخیر. ما حاضر شدیم به بحث، کسی دعوت نکرد.

قطب‌زاده: غروی مطالبش تنظیم شد. آرام، منظم و وارد است. ترک زبان است. ترک‌ها ناراحت بودند.

بهشتی: به دیگران تلفن شود و ضبط شود.

بنی صدر: گزارش بازدید کار توسط او و تیمسار داد.



جلسه یکشنبه 1357/12/27

[حاضران:] موسوی [اردبیلی]، باهنر، هاشمی [رفسنجانی]، بهشتی، خامنه‌ای، تیمسار مسعودی، فتح اله [بنی صدر]، سحابی، شیانی، مبشری.

[موضوع:] اسکناس‌ها پس از سقوط نظام شاهنشاهی: [و]

هاشمی: اسکناس‌هایی چاپ شده [و] می‌خواهند با چاپ چیز دیگر روی آن، عکس شاه را از بین ببرند.

شیانی: بنویسید جاء الحق و زهق الباطل.

بهشتی: قرآن نمی‌شود [روی اسکناس حک کرد]. عکس مردم [را] با مشت گره کرده بزنند روی عکس شاه، پشت آن هم مرقد امام رضا باشد.

تصویب شد.

لایحه دادگستری مطرح شد [و]: وظایف ژاندارمری.

تبصره: مگر در کارهای رزمی اضافه شود.

فتح‌الله: می‌خواهیم ژاندارمری مثل شهربانی شود.

باهنر، توضیح راجع به اساسنامه و تکمیل شورای انقلاب داد.

موسوی: این مجموع اساسنامه و آیین‌نامه است یا مکمل [؟]

باهنر: همه اساسنامه است.

فتح‌الله: ژاندارمری و شهربانی مشابه هم هستند. ما در دادگستری دوازده سال رسیدگی می‌کردیم.

بهشتی: چرا در یک بخش (در ارتش) دادگاه ویژه باشد [؟] چون که مسائل رزمی چیزی است که قاضی معمولی خوب رای نمی‌تواند بدهد. می‌گوییم هرگاه ژاندارمری و حتی شهربانی مشابه این مسائل داشت، همانطور رفتار کند.

مبشری: این مسئله برای افراد سیویل هم هست.

تیمسار مسعودی: تمام گرفتاری ما با عراق، با ژاندارمری بود.

بهشتی: [در] برخورد ژاندارمری با عشایر، اول ژاندارمری می‌رود.

تیمسار: تمام تصادفات ما با قوای عراق، با ژاندارمری بود.

سحابی: در اینجا رسیدگی کیفی مطرح است. [در] ژاندارمری از نظر نظامی، اگر مطالبی مطرح است، باید مثل ارتش رسیدگی شود.

بهشتی: مسائل ویژه ای پیش می‌آید که افراد عادی وارد نیستند و در مورد ژاندارمری هم هست.

موسوی: در ژاندارمری مسئله‌ای پیش نمی‌آید که محاکم عادی نتوانند رای بدهند.

مسعودی: مرزبانی جزء ژاندارمری هست یا نه؟

فتح‌الله: باید خارج شود.

[موضوع: وضعیت دادگاه‌های انقلاب:]

بهشتی: گزارش ملاقات آقا: [وضعیت] دادگاه‌های انقلاب را از طرف شورا به آقا گزارش دادم. [امام] گفته زیر نظر شورا باشد. سپاه پاسداران انقلاب هم زیر نظر شورا باشد. تعیین قضات دادگاه یا پیشنهاد آن با شورا باشد. 1) دادگاه انقلاب باید سرعت و قاطعیت داشته باشد. 2) دادگاه باید آبرومند و محکم باشد. دادرسی در معرفی افکار دنیا باشد. یک کمیسیون سریعاً جلسه بگذارد، حداکثر تا یکشنبه آینده آئین‌نامه دادگاه را بیاورد. چون وزارت دادگستری صلاحیت اظهارنظر دارد، با حضور شما (مبشری) مطرح می‌شود.

سحابی: در دولت هم مطرح بوده [مسئله] دادگاه‌ها. این دادگاه محاکمه عادی و سیاسی نیست، دادگاه انقلاب است؛ شرایط دادگاه‌های سیاسی را ندارد و هیئت منصفه لازم ندارد. افرادی که محاکمه می‌شوند، قالتاق هستند و دادگاه کارش عقب می‌افتد. اسم آن دادگاه انقلابی اسلامی باشد [و] هیئت منصفه نباشد (مطهری و قطب‌زاده آمدند). هیئت منصفه نماینده طبقات مردم است. مردم مجرمیت اینها را تشخیص داده‌اند.

شیبانی: هیئت منصفه باشد، ظلم و جنایات اینها در دنیا در معرض افکار و دید عموم قرار بگیرد.

مبشری: شکل دادگاه را بگویم (طالقانی آمد). سرعت، لازم است و گرنه بردن یا باختن انقلاب همراه آن است. به افکار دنیا هم توجه باشد. ملت‌ها با دولت‌ها فرق دارد، مخصوصاً در خارج. این ملت‌های خارج بودند [که] به ما کمک کردند. ما قاچاقچی نمی‌خواهیم کسی را بکشیم، ولی حق را باید درست عرضه کرد. بهتر بود دادگستری کنار بگیرد.

مطهری: دادگستری خودش را تبرئه کند.

مبشری: من تماس داشتم، برای دادگاه‌ها خلخالی مرد خوبی است. این کارها لازم بود. عده کمی ایراد می‌گیرند که وارد نیست. هم حق وکیل داشته باشند. به کانون وکلا گفتم نترسد، وکیل برای آنها بفرستد. ما ضد حق نیستیم. هادوی دادستان کل شد، در عمل قدرت اداره نداشت. یک دادیار، یک بازپرس با هم باشند و دلایل را جمع کنند. تمام که شد، ادعانامه بدهند، دادستان کل یا نماینده‌اش ببیند برود دادگاه انقلاب و حکم بدهد. ده تا بیست دادگاه در عین حال رسیدگی کند. بیست تا سی بازپرس خوب را معین کردیم. درون زندان آقای زواره‌ای هستند که آقای مهندس بازرگان ابلاغ داده‌اند و خودشان را مستقل می‌دانند. هر روز اختلاف بود. دیشب گروه مجاهدین تلفن کردند [و اعلام کردند که] اگر در جهت ارفاق [به عناصر رژیم گذشته] کار بکنید 300 یا 400 نفر مسلح هستیم و به زندان حمله می‌کنیم. عده زیادی سرعت عمل در رسیدگی را می‌خواهند. محکمه مرکب از یک مجتهد، یک قاضی و یک نفر نماینده مردم باشد (سمبل مردم باشد). سرعت عمل باشد [و] کار آنها را در ظرف یک هفته رسیدگی نماید. ضرورت ندارد تمام جرائم اینها رسیدگی شود.

بهشتی: اینکه گفتند هروئین قاچاق داشته هویدا، کج سلیقگی است.¹

مسعودی: در دادگاه دو نظر است: یا دادگاه انقلاب اسلامی یا دادگاه سیاسی. اگر انقلاب اسلامی باشد، از لحاظ سرعت قابل مقایسه نیست. اشکالی که دارد، دادگاه اسلامی حکم اعدام دارد، حبس ندارد.

بهشتی: حبس دارد، تعزیر دارد.

مسعودی: دادگاه سیاسی با هیئت منصفه خیلی خوب است. اگر چندین دادگاه تعیین نکنیم، طول می‌کشد.

بهشتی: آن دادگاه سیاسی قانون اساسی مطرح نیست.

مطهری: در دادگاه انقلاب اسلامی چرا نظر مردم آنقدر بررسی شود [؟] باید خودمان رعایت حقیقت و واقعیت را بکنیم. اگر یک فرد مجرم مجازات نشود، بهتر است که غیر مجرم مجازات شود. در مورد یازده نفر اخیر گفته می‌شود که بعضی مستحق اعدام نبودند. ادعاهای کلی محاربه با خدا درست نیست، دست روی جرم کلی نگذاشتند. اگر کسی استحقاق اعدام دارد [و] دنیا هم نپسندد، باید اعدام شود. با اعتراض اینکه گناهکار از تله در می‌رود، نباید بی‌گناه کشته شود (مهندس بازرگان و دکتر یزدی آمدند). بعضی افراد علی‌الظاهر به ناحق کشته شده‌اند، بعضی به حق، ولی طرز ناحق کشته شدند. الان که دست شورا است، مستقیم مسئول است. هیئت منصفه که گفتند.

سحابی: هیئت منصفه وظیفه‌اش این است که مجرم بودن یا نه را مشخص کند. دادگاه یک چیز است، مقدمات و تشکیل پرونده چیز دیگر. آنچه رای دادگاه را ضعیف کرد، مسائل پیش پا افتاده مطرح شد که مربوط به دلایل انقلاب نبود. اعتراف، اقرار، شاهد لازم است.

موسوی: دو سه چیز را بر طبق مسموعات انگشت گذاشتم. مخفی بودن، اجازه وکیل ندادن، هیئت منصفه نبودن، ضعف استدلال و اینکه دقت بیشتر کنند.

بنی‌صدر: هیئت منصفه در فرنگ بوده، در دادگاه می‌نشیند، قضات نظر آنها را می‌پرسند و در نظر می‌گیرند. ترتیبی که در روزنامه‌های داخلی و خارجی پدید آمده مثل این است که شخص خمینی این کار را می‌کند. مهندس

1. اشاره به موارد اتهامی امیرعباس هویدا در محاکمه علنی وی دارد. بر این اساس، اتهامات هویدا شامل شرکت مستقیم وی در فعالیت‌های جاسوسی به نفع صهیونیسم و غرب و نیز فعالیت مستقیم در قاچاق هروئین در فرانسه با همکاری حسنعلی منصور می‌شد (کیهان، 1357/12/24، ص آخر). شرح کامل دادگاه هویدا در ادامه خواهد آمد.

بازرگان مظهر دموکراسی [و] خمینی ماشین اعدام شدن، این چندین خطر دارد. دادگاهها به علت احکامی که صادر کرده‌اند، صلاحیت ندارند. چرا کسانی که نباید اعدام می‌شدند، اعدام کردند [؟] یک دادگاه عزل و قاضی جدید بیاید. انقلاب اسلامی کارش اعدام نیست. مجاهد خلق و فدائی چند درصد مردم هستند [؟] یک درصد هم نیستند. افکار عمومی را باید دید. همه حقوق آنها مطرح است.

بهشتی: [در] قضیه اخیر هویدا، سه جریان آمدند، نقل کردند که محرز بود اگر صحت داشته باشد، نقض دادگاه است و مایه آبروریزی. در این دادگاه، هویدا محاکمه نمی‌شود، اسلام محاکمه می‌شود. قاضی شرع دو سه بار وسط محاکمه رفته بیرون. آقا گفتند علنی است، فیلم هم دارد، مخبر هم هست، گروهی تعیین کنند، وقت بگذارند، دو سه نفر باشند، حداکثر تا هفته آینده. یکشنبه آئین‌نامه دادگاه انقلاب تعیین شود و تصویب شود. سوالی هم مطرح است: آئین‌نامه دادگاه انقلاب لازم داریم یا اینکه مشخص کردن جرائم و کیفرهای آن [؟]

هاشمی: تذکر [!] وقت روی نواقص دادگاه گرفته نشود. پیشنهاد می‌کنم: 1) نگوئیم عزل کنیم، ترمیم کنیم. یک نفر عنصر آگاه که مسائل سیاسی انقلابی را بفهمد به دادگاه ضمیمه کنیم که به مسائل تبلیغاتی توجه کند، سوالات را خوب منظم کند. آقای هویدا محاکمه‌اش قطع شود. سریع اقدام کنید. دولت و شورای انقلاب و آقای خمینی در مورد دادگاه یک جور اظهارنظر کنند، تشتت و عدم هماهنگی نباشد. رادیو تلویزیون ضبط کند.

مبشری: عده ای را گذاشتم سوال طرح کنند، کسی گوش نداد. سرعت لازم با باطل شدن حق نیست. یادمان رفته چه کارهایی کرده‌اند [؟] آدم را زنده زنده می‌سوزاندند. این مربوط به انقلاب نیست. تعدی و اجحاف نبوده. خلخالی به انقلاب کمک کرده.

طالقانی: اینطور نیست.

مطهری: با این طرز محاکمه، از شمرها امام حسین درست کرده‌اند.

بهشتی: بحث خارج و آنچه گفته شد، نشود.

مطهری: تا نحوه نقص بررسی نشود، رد نمی‌شود. ممکن است روش بد بوده، ولی ممکن است صلاحیت نداشته باشد.

بهشتی: ارائه راه حل صحیح بشود.

مبشری: پیشنهاد بدهند.

شیبانی: از سیاسیون محکوم شده باشند.

طالقانی: (1) روش دادگاه معلوم شود (2) مهلت بدهند از اطراف، دلایل مختلف جمع آوری شود (3) ترکیب دادگاه. مهندس بازرگان: غیر از [مسئله] دادگاه انقلاب و پاسداران مقداری لوایح است. خواست ما این است که وقت بدهند زودتر تمام شود، چون فوری است. نقص اساس، دیمی رفتن جلو است. خواسته و نظر و افکار [و] عقاید شخصی مطرح نباشد. آئین‌نامه‌ای [باید باشد] که طرفین یعنی رئیس دادگاه و متهم و دولت بدانند کارش چیست؛ آئین‌نامه حسابداری که کیفیت کار، شمول دادگاه، هر جرم و هر خطا و از چه زمان باشد، معلوم شود و بر طبق چه موازین، خودشان یا دولت مجری باشد، برای آئین‌نامه چیزی نوشته شود، هادوی و زواره‌ای نظر دادند. سرعت باشد، اشکالی ندارد. آقا صریح گفتند خلخالی در دادگاه نخواهد بود. گفتند دادگاه زیر نظر دولت باشد، بعداً آئین‌نامه را دولت بنویسد، شورای انقلاب تصویب کند. حتی آقا گفتند نظر من هم دخالت نداشته باشد، من می‌خواهم مستقل و جدای از دولت باشد. آقای بنی‌صدر نفرماید عدم اطلاع جرم است. برای محکم‌کاری، آئین‌نامه را که دولت می‌نویسد، شورا ببیند و تصویب کند و آقا هم تأیید کنند. برای سرعت کار، هیئت مختلط باشد. اختیارات تام سه نفر شورا، سه نفر هیئت وزراء، وزیر دادگستری، وزیر کشور و دکتر یزدی، سر فرصت و حسابداری بنشینند، از یک عده هم بخواهند تا قبل از سیزده عید. دو سه روز قبل از عید کار زیاد است. ایام عید برنامه داریم.

دکتر یزدی: مطلب اضافه ندارم. حتی موازینی که آقا معین کردند، نقض شده. هیئت قضات 5 نفر، رای اکثریت، سه نفر مجتهد باشد لازم است. در مورد اعدام دو مجتهد متفقاً رای بدهند.

محصول کار مبشری، هادوی و احمدیان و غیره تنظیم شده. اگر پیشنهاد مهندس تصویب شد، در اختیار آن هیئت است.

بنی‌صدر: وقتی آقا گفتند و عمل شده، چرا در دنیا خلاف منعکس شد [؟] خمینی را خراب نکنند. قاطعیت باشد، ولی در افکار عمومی خراب نشود. عجله نکنید، مقدمات دادگاه مهمتر است. بازپرس لایق، مدارک جمع شود، فرصت کافی باشد، محاکمه شود و به مجازات مقرر برسند. با ادامه محاکمه هویدا مخالفم. دادگاه محکوم است و ایشان حاکم دادگاه جدید.

بهشتی: حداکثر دو هفته.

باهنر: دو هفته از نظر تشکیل آئین نامه و دادگاه باشد، بازپرسی ادامه یابد.

مطهری: برای تهران گفته است متوقف شود.

بهشتی: آنچه در نوشته ایشان هست.

یزدی: بازپرس ها نمی توانند ادامه دهند. بر اساس مصوبه فعلی است که دولت مسئول بود.

بهشتی: پیشنهاد بحث تمام کمیسیون مختلط از اعضای شورا و نمایندگان دولت معین شود. وظیفه اش طرح آئین نامه لازم در مدت زمانی که معین می شود، تکثیر شود، داده شود به اعضای شورا. در اولین جلسه شورا مطرح شود.

تصویب شد.

بهشتی: یک نفر [آشنا به] فقه اسلامی، یک نفر [مطلع از] ابعاد سیاسی مسئله و یک نفر [که از] ابعاد و روحیه های جدید دنیا [شناخت دارد].

هاشمی: دکتر مبشری باشند.

موسوی: کسانی که از طرف شورا کار کمتر دارند [باشند].

طالقانی، بنی صدر، مطهری (طالقانی ایشان باشند که با همه سروکار دارند).

مطهری، بنی صدر، مهندس سجابی تصویب شد.

طالقانی: مرکزی را برای جمع آوری مدارک تشکیل شود. در منزل ما مقداری هست، در سازمان امنیت هست.

بهشتی: برای حفظ مدارک، جای مجهزی معین شود. شورا یک نفر را معین کرد.

قطب زاده: این مسئله که تصویب شد، اطلاعیه داده شود.

بهشتی: ما بدون اسم می گذاریم. رادیو بگوید در مورد تعیین دادگاه، زمان به نظرم یک هفته کافی است، حداکثر

دو هفته.

مهندس بازرگان: سه روز پیش از عید که هیچ، نه ایشان (یزدی)، دکتر مبشری را نمی دانم. شروع کار اگر شش نفر وقت داشته باشند، از روز دوشنبه شش فروردین یک هفته تا 13 عید.

بهشتی: یکشنبه 12 فروردین اولین روزی است که آخرین روز است و 15 روز می باشد. اولین جلسه برای این کار معلوم شود. آئین نامه به شورا بیاید.

قطب زاده: هیئت مختلط مطیع ترین افراد هستند. نیازی ندارد آئین نامه خوانده شود.

بهشتی: تکثیر می شود، همه می خوانند.

هاشمی: دکتر یزدی. آئین نامه قبلاً تعیین شده. اگر درست باشد، زود در اختیار آقایان باشد.

موسوی: آقایان نظر بخواهند. در ایام آخرین تعطیل کارش انجام شود. شش فروردین تکثیر شود. در جلسه اول نظر داده شود. تاریخ سه شنبه ده روز دیگر یا یکشنبه که 15 روز می شود.

[موضوع: وضعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:]

بهشتی: [درباره] پاسداران با آقا صحبت شد. گفتند پاسداران انقلاب زیر نظر شورای انقلاب باشد و از اول اینطور بود. اگر شورا مطالعه کرده، رای بدهیم.

طالقانی: شورا اینقدر بار خود را سنگین نکند. مسئولیت مستقیم و کار سنگین است.

بنی صدر: از طرف شورا، تیمسار مسعودی و بنده که مأمور رسیدگی بودیم، رفتیم [و] رسیدگی کردیم. تحقیق کامل است. آقای لاهوتی را دیدم. ایشان اطلاع درست از محل کارش ندارد. می گفت باید تحت نظر دولت باشد؛

گفت شنبه و دوشنبه و چهارشنبه می رویم بررسی می کنیم و در دفتر دکتر یزدی جلسه داریم و قرار است 600 میلیون تومان بودجه تصویب شود. قبول داشت [که] هماهنگی نیست. چهار عیب گروه لاهوتی: (1) خود لاهوتی

به همه کارها می رسد، جز تشکیل سپاه (2) اشکال دوم زیر سر مهدوی است که یک سپاه در حال تشکیل دارد (3) ضعف فرماندهی است که خودم دیدم

بهشتی: مقرر سلطنت آباد است.

بنی صدر: مقرر نظامی سلطنت آباد، مقرر رتق و فتق عباس آباد، در سعدآباد، مرکز آموزشی. خودش می گوید دویست نفر عضو، صد نفر تحت تعلیم، دیگری می گوید هفتاد نفر [هستند]. محمد منتظری^۱ در گارد سابق دانشگاه. وقتی رفتم آقای فرمانده نبود، خیلی بی نظمی است. با ایشان صحبت شد، گفت در مورد ضعف رهبری، در مورد لاهوتی، موافقت بلا تکلیفی است. نقص در روابط شورا و دولت است. ضعف مردم، لاهوتی می گوید از او ساخته نیست. شصت تا هفتاد نفر عده دارد، در کلاس فلسطینی ها آمده اند به آنها می رسند. گفتم مطابق اطلاع فلسطینی ها وارد نیستند، ولی او رد کرد. جمشیدیه یا جمشیدآباد (شریف) از این دو تا قوی تر است؛ کلاس داشت، دویست نفر، پانصد نفر هم دارند، تعلیم آنها بیشتر و نظم بیشتر است. زیر نظر شریف^۲ و هیئت رهبری است. کسانی که معرفی کردند، بررسی شود: رجایی، لاهوتی، فارسی^۳، دانش، میرسلیم^۴. دسته سوم با کارش رابطه دارند، برای هیئت رهبری، سروان کلاهدوز^۵، سرهنگ نامجو^۶، غرضی^۷، محسن رفیق دوست، شریف (زمانی)، محمد منتظری، یک نفر هم از گروه توحید. به منتظری ایراد داشتند که ایشان نظم پذیر نیست.

بهشتی: از شورای انقلاب سوال است [که] آیا مدیریت و مسئولیت اداره و رهبری سپاه پاسداران انقلاب را می پذیرند یا نه [؟] لازم نیست مستقیم اداره کند، بلکه غیرمستقیم.

هاشمی: از دولت بپرسید موافق [این کار] هست یا نه [؟]

1. محمد منتظری (60-1323)، فرزند آیت الله منتظری، عضو حزب جمهوری اسلامی و نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی که در انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ به شهادت رسید.
1. عباس آقامانی مشهور به ابوشریف (متولد 1318) از بنیانگذاران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرمانده سپاه برای دوره ای کوتاه.
2. جلال الدین فارسی (متولد 1312) نماینده دوره دوم مجلس شورای اسلامی و نامزد حزب جمهوری اسلامی برای دوره اول انتخابات ریاست جمهوری که به دلیل ایرانی الاصل نبودن، مجبور به انصراف شد.
3. سیدمصطفی میرسلیم (متولد 1326) از اعضای حزب جمهوری اسلامی و سرپرست شهربانی در مقطع پس از پیروزی انقلاب اسلامی.
4. یوسف کلاهدوز (60-1325) از بنیانگذاران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عضو شورای عالی دفاع و قائم مقام فرمانده سپاه در ابتدای جنگ.
5. موسی نامجو (60-1317) اولین فرمانده دانشکده افسری، نماینده امام خمینی در شورای عالی دفاع و وزیر دفاع در دولت شهید باهنر.
6. سیدمحمد غرضی (متولد 1320) از اعضای اولیه سپاه، استاندار کردستان و خوزستان و وزیر نفت و پست و تلگراف و تلفن.

بهشتی: مصدر قدرت، شورا است [و] نه دولت.

مهدوی: کار ما [کمیته‌های انقلاب]، سپاه پاسداران انقلاب نیست و دخالت در آن مسائل نداریم. کارت‌ها برای هماهنگ کردن افراد است. ممکن است افراد ما هم در سپاه باشند. تداخل کارت، مشکل ایجاد کرده. این کار برای رفع افراد ناباب است و آنها (سپاه) هم نشر کارت کرده‌اند.

بهشتی: سریعاً به پاسداران انقلاب مોકداً گفته شود [که] از کادر آنها احدی حق و وظیفه انتظامی ندارد.

قطب‌زاده: تا رهبری [سپاه] مشخص نشود، نمی‌شود.

شیبانی: رسماً ابلاغ شد که [پاسداران] کار اجرایی نکنند.

مطهری: امروز اعلام کرده.

یزدی: شورای هماهنگی برای این کار تهیه شد. پادگان و سپاه مربوط به آقای لاهوتی نیست. ستاد تهران [بصورت] موقت تشکیل شد. راجع به صلاحیت افراد بحث کردند. صحیح نیست [که] شورا دخالت کند، [چرا که] عمل اجرایی است.

بهشتی: اجرایی غیرانقلابی. قبل از بحث مسئله‌ای که در این جلسه می‌شود، تصمیم بگیریم اصل مسئله ادامه جلسه لوائح دولت و پیام آقا از قم است. آیا شورا مسئولیت را به عهده می‌گیرد تا گروهی را مأمور اجرا کند [؟]

بنی‌صدر: تکلیف ما چه می‌شود [؟]

قطب‌زاده: شرکت بکنند.

بهشتی: نظم سپاه لازم است. دولت از ما جدا نیست. بعضی اعضای دولت عضو شورا بودند.

خامنه‌ای: الان دیر شده؛ نمی‌شود متوقف شود. نامعلوم بودن رهبری [پاسداران] سبب آن شده. اگر دولت [مسئول] است، [با] دولت. اگر شورا [مسئول] است، [با] شورا.

مهندس بازرگان: توضیح لازم دارد.

قطب‌زاده: پیشنهاد می‌کنم مطلب پاسداران متوقف [شود و] اولین مطلب جلسه بعد، پاسداران [باشد].

بهشتی: صبح سه شنبه، مسئله اول، پاسداران انقلاب است. شما دو نفر، بنی صدر و تیمسار [مسعودی]، شرکت کنید.

تیمسار: پادگان جمشیدیه آمادگی دارند. مأمور نگهداری مؤسسات دولتی است. ابلاغ به مأمورین کرده‌اند، ولی گفته‌اند نمی‌رویم تا آقای طالقانی نگویند.

موسوی: سه مطلب از آقا: یکی رفراندوم و سن اشخاص شرکت کننده [که] قبلاً 18 سال بوده [و] بعد 16 سال شده [و] بعد 18 [سال]. آقا نظرشان این است که همان 16 [سال] باشد. 2) محاکمات: آقا ساعت یازده دستور دادند شورای انقلاب با دولت دست به دست هم بدهند، فعلاً محاکمات متوقف شود، آئین‌نامه‌اش را درست کنند، طوری تنظیم کنند [که] سه روزه تمام شود، کارها متوقف نشود. حداقل یا حداکثر [پس از] دو هفته محاکمه هویدا ادامه یابد. این طور به نظر نیاید که متوقف شده. سید اصغر حاج‌سیدجوادی¹ به‌عنوان مدعی خصوصی می‌تواند وارد شود.

بهشتی: متنی که برای ابلاغ دستور آقا، آقای قطب‌زاده تهیه می‌کند، کس دیگری ببیند.

موسوی: با در نظر گرفتن اینکه آئین‌نامه تهیه شود، تسریع کنند. 3) امیرانتظام صحبتی کرده راجع به آقای خاقانی² خرمشهر و ایشان به آقا مراجعه کرده که من می‌روم و سروصدایی در خوزستان ایجاد کرده. امیرانتظام گفته عربها را به دریا می‌ریزم [و] دندانشان را می‌کشم. به او [خاقانی] برخورده. تعبیرات امیرانتظام بسیار بد بوده و منطقه را به هم زده. اگر آقای مهندس [بازرگان] محذوری ندارند، اعتذار کنند و آقای امیرانتظام حتماً تکذیب کند.

بهشتی: لوائیح؛ لایحه انحلال دادگاه‌های نظام صنفی و عفو متخلفین از نظام صنفی.

باهنر: از این عبارت بر نمی‌آید [که] اگر گذشته محکوم شدند، پس بگیرند.

1. علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی (97-1303) نویسنده و چهره روشنفکری.

2. شیخ محمدطاهر آل‌شیرخاقانی از روحانیون منتفذ در خرمشهر.

مطهری: چرا معاف بشوند [؟] ارجاع شود به دادگاه جنحه. چرا بنا بر این باشد که هرچه حکم دادند غلط باشد [؟]

مبشری: صدهزار پرونده راجع به گرانفروشی هست و یک حکم آن صحیح نیست.

سحابی: دادگستری که لایحه انحلال می آورد، چیزی هم جای آن بیاورد.

لایحه تصویب شد.

لایحه ماده واحده به منظور رفاه حال رانندگان ... مرور زمان یکسال شد. تصویب شد.

[موضوع: فراندوم تغییر رژیم:]

لایحه: شرط سنی رای دهنده در فراندوم.

مطهری: قبل از تصویب، چرا به روزنامه می رود [؟]

مهندس: گاهی از اختیار آدم خارج می شود (پس شما می گوید چیزی نگوییم). قبلاً صحبت 16 سال بود. گفتند 18 سال غربزدگی است. چون جوانها عده زیادی در این حرکت [انقلاب] شرکت داشته اند، چرا از رای محروم شوند [؟] شرع حد بلوغ را 15 یا 16 گذاشته [و] برای دخترها 9 سال است. ولی این غربزدگی نیست. عادت بر این است که یک سنی باشد که بهتر تشخیص بدهد. بچه ای که دنبال مادرش بوده و زیر تانک رفته رای بدهد. بهشتی: مطلب را یک نفر بگوید، کافی است.

قطب زاده: [1] اگر مسئله شرعی و غربزدگی است، با شما موافق هستیم. دلایل 16 سال و حتی 15 سال، اشکال دختر نه سال را دارد. درست علیرغم غرب، خیلی مترقی شدند به 18 سال آمدند. (2) فراندوم هر چه رای بیشتر داشته باشد، اثرش زیادتر است. گرچه فراندوم به یک معنی، بی معنی است. 16 سال بگذاریم، تعداد زیادی شرکت کنند، ایراد نمی کنند. به عکس با این عمل، جوان های دنیا را تحریک [می] کنیم و از لحاظ داخلی خیلی اثر دارد. فراندوم توده ای خواهد بود.

بهشتی: به حساب آوردن نسل رزمنده - افزایش رای فراندوم به صورت صحیح - جنبه شرعی مطرح نبود.

سحابی: [رای دهندگان] 16 سال اگر حذف شوند، جمعیت زیادی حذف می‌شوند. اگر بچه‌ها در انتخابات شرکت کنند، به نفع اسلام است.

مطهری: دلیل علاوه، جنبه شرعی، نه سنی بلوغ [است]. رای دادن، حق شرعی است. اگر کسی بالغ است، 16 سن تمیز است.

شیبانی: مخالف 16 [سال] هستم. چون [مخالفان] می‌گویند رای نداشتند، این کار را کردند.

بنی‌صدر: اساس، آگاهی است. [آنان] در مبارزه بودند، باید رای بدهند.

16 سال تصویب شد.

بهشتی: روی جمله‌های ما بحث نشود. ما خودمان را از شما جدا نمی‌دانیم. مخالف شما نیستیم. بحث می‌کنیم.

قطب‌زاده: شما در جلسه‌ای آمده‌اید که اظهار نظر کنیم و کردیم. ما تابع کورکورانه نبودیم. با اجازه شما هم تابع کورکورانه شما هم نخواهیم بود.

مهندس بازرگان: شما به‌عنوان شورای انقلاب تابع نیستید. ولی به‌عنوان مسئول و رئیس رادیو تلویزیون، تابع دولت هستید.

قطب‌زاده: در آنجا قابل بحث است.

بهشتی: ما سر حکومت نداریم.

مهندس بازرگان: شما به‌عنوان رئیس و سرپرست رادیو تلویزیون، جزئی از دولت هستید. سیاست دولت را باید بگویید. راجع به طرز فرماندوم، که چگونه باشد، فرمی آوردم برای تغییر فرم سابق به جمهوری اسلامی بر طبق قانون اساسی که به تصویب مردم می‌رسد. دکتر مفتاح^۱ و بعضی گروه‌های چپی مخالف بودند. کار نداریم که یک

1. محمد مفتاح (58-1307) دکترای رشته فلسفه و از روحانیون مبارز، از مسئولان کمیته انقلاب اسلامی که نهایتاً توسط گروه فرقان به شهادت رسید.

بی‌احتیاطی و بی‌انضباطی کردند^۱. اقبالاً این نکات رعایت شود (با ایشان به‌عنوان عضو شورای انقلاب صحبت شده، رد نشده). آیت‌الله شریعتمداری هم گفته‌اند به هر جمهوری می‌خواهند رای بدهند. آقا چیزی نگفتند. احمدآقا گفت برای اینکه نظر آقای شریعتمداری هم رعایت شود، [به] هر نوع حکومت [که] می‌خواهند، رای بدهند. رئوس قانون اساسی بیاید در روزنامه، ولی قانون اساسی قبلاً دست ایشان نبود. رای را چهارخانه بکنیم: یکی جمهوری دموکراتیک، یکی جمهوری، یکی جمهوری خلق، یکی جمهوری مطلق و یکی چه. [از] خلاصه کردن قانون اساسی صرف‌نظر شود. این دومین قسمت که نه است تقسیم‌بندی شود. در هیئت دولت مطرح شد، اعتراض کردند که چرا مجدد مطرح می‌کنیم. آقای قطب‌زاده! در این زمینه جواب داده شود.

قطب‌زاده: در صحبت پریروز، مفصل جواب دادم.

بنی‌صدر: همه اینها به گردن خمینی می‌افتد.

بهشتی: مسئولیت به عهده ما و دولت است. اگر انتقاد لازم باشد، از آقا [انتقاد] می‌کنیم، ولی کارها گردن ایشان نیافتد.

هاشمی: من موافقم [که] تجدید شود.

بهشتی: اسباب زحمت نشوید. اگر طبق آئین‌نامه‌ای باشد، بحث‌هایی که رای گرفته شده، دوباره رسیدگی نمی‌شود. مهندس بازرگان: چندین لایحه [مربوط به] وزارت دارایی است. اردلان باید می‌آمد. توضیح جواب سوال مقدر را بدهم. مسئله گوشت است که خیلی خراب است. در جنوب شهر شهرها اقدام شود. گوشت در تنگناست. علت آن صرفاً مسئله یخ‌زدگی است. آقای امامی^۲ کسی را فرستاده‌اند انبار گوشت را مهر و موم کرده. ما نمی‌دانیم با چه کسی طرف هستیم.

2. در این رابطه، دکتر مفتاح اظهار کرده بود: در فراندوم، رای دادن به هر نوع جمهوری آزاد است. میناچی، وزیر فرهنگ اما در پاسخ گفت فراندوم تنها برای جمهوری اسلامی انجام می‌شود و سخنان دکتر مفتاح، نظر شخصی وی است (کیهان، 1357/12/21، ص 3).

1. محمد امامی‌کاشانی (متولد 1310) از روحانیون مبارز علیه رژیم شاه، عضو جامعه روحانیت مبارز، نماینده امام خمینی در شهربانی و عضو شورای نگهبان.

بهشتی: توضیح اینکه از آقای امامی سوال شد. آنها کسی را خواستند، آقای امامی کاشانی بی اطلاع بودند از جریان شورا و دولت. ایشان گفته‌اند گوشت‌های یخ زده تاریخ قبل توزیع نشود. برای ایشان توضیح دادم و ایشان روشن شدند.

موسوی: آقای امامی کاشانی کارشان اعزام مبلغ است؛ نکند.

بهشتی: ممکن است دولت مراجعه کرده باشد.

مهندس بازرگان: بارها خواهش شده بیائید کمک کنید. دلیل این نیست که علیه ما اقدام کنند. ایشان حق جلوگیری نداشته.

بهشتی: دولت در این موارد به آقایان مراجعه نکند، اگر کسی از طرف سازمان گوشت مراجعه کرده باشد.

شیبانی: قرار بوده به آقای امامی برای تأیید مراجعه شود.

مهدوی: من به احمدآقا گفتم مردم از گوشت یخ‌زده می‌ترسند و قصاب‌ها هم نمی‌دهند. تهران آقایان روحانیت تهران.

هاشمی: آقای گلو زیاد آدم مناسبی نیست. هادوی رفته است پیش آقای ایزدی^۱ گفته من این را نمی‌دانم (قرار بود او را بفرستند [تا] بررسی کند در خارج کشتار را).

موسوی: از زندان آئین‌نامه‌ای فرستاده‌اند.

بهشتی: بازپرسی بکنند.

مطهری: بازپرس مبنا بر مدارک است.

مبشری: چه جرایم را رسیدگی می‌کنند [؟]

بهشتی: اعمال ضد انقلاب، خیانت به مردم.

1. علی محمد ایزدی (متولد 1306) وزیر کشاورزی دولت موقت.

بنی صدر: مراجع سه‌گانه دیگر از این محاکمات به سرزنش پرداخته‌اند که چرا روحانی در آن دخالت دارد [؟]
محاکمه را نمی‌شود ادامه داد.

مبشری: بازپرس درجه یکم گذاشتم.

یزدی: قاضی دادگاه می‌گوید این چیزها غربی است و تا آقا احضار نکردند، اقدام می‌کرد.

مطهری: می‌گویم چرا دانشی را کشتی [؟] می‌گوید نمی‌شود آخوند نباشد.

قطب‌زاده: خبرنگار قسم می‌خورد که گفته بکشید [چون] جا نداریم.



جلسه سه‌شنبه 1357/12/29

[حاضران: موسوی [اردبیلی]، خامنه‌ای، هاشمی [رفسنجانی]، باهنر، بهشتی، مسعودی، شیبانی، سبحانی، مبشری، قرنی^۱ (دکتر سبحانی، مهندس بازرگان، یزدی، طالقانی، بنی‌صدر، اردلان).

[موضوع: تحولات کردستان:]

بهشتی: مقابل [مقابله] با تمایل فکری موجود در کردستان چگونه باید باشد [؟]^۲

1. تیمسار ولی‌الله قرنی (1292-1358) نخستین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران که توسط گروه فرقان ترور شد.

2. نخستین نشانه‌های بحران کردستان، یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی آشکار شد. شکل‌گیری ناآرامی‌ها در منطقه موجب گردید تا دولت، داریوش فروهر، وزیر کار، را به کردستان گسیل دارد تا چاره‌ای برای رفع بحران بیاید (اطلاعات، 1357/11/30، ص 2). گزارش‌های رسیده حاکی از آن بود که کردها با توجه به فروپاشی نظم سابق، خواسته‌های خود را مطرح نموده‌اند و شعار اصلی آنها در این روزها: "دموکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردها روی نقشه ایران" بود (اطلاعات، 1357/12/1، ص 1). با این حال، مقامات دولت موقت سعی داشتند تا از التهاب بیش‌تر جلوگیری کنند. امیرانظام، معاون نخست‌وزیر اظهار کرد: اعلام استقلال کردستان صرفاً یک شایعه است (کیهان، 1357/12/1، ص 2). در حقیقت، در جایگاه اعلام مواضع، رهبران گروه‌های کرد همچون عبدالرحمن قاسملو، رهبر حزب دموکرات، اعلام می‌داشتند که صرفاً در جستجوی خودمختاری هستند و نه استقلال‌طلبی، و از رهبری انقلاب حمایت می‌کنند (اطلاعات، 1357/12/3، ص 8). با این حال، ناآرامی در مناطق کردنشین در حال گسترش بود. رهبران کرد هم بر خواسته خودمختاری خود اصرار داشتند؛ چنان که احمد مفتی‌زاده، رهبر مذهبی سندج، گفت از حق خودمختاری کردها صرف‌نظر نخواهیم کرد و این حق با حفظ مرزهای ایران منافاتی ندارد (کیهان، 1357/12/9، ص 3). داریوش فروهر، فرستاده ویژه دولت به کردستان نیز اعلام کرد خودمختاری کردها رابطه‌ای با تجزیه‌طلبی ندارد و کردها تنها خواهان حقوق خود در چهارچوب انقلاب ملی ایران هستند (کیهان، 1357/12/10، ص 3).

اسفندماه ۱۳۵۷ به‌صورت رسمی اعلام شد که حزب دموکرات کردستان پس از 32 سال فعالیت پنهانی، وارد عمل سیاسی آشکار گردید. قاسملو، دبیرکل حزب دموکرات، از امام خمینی خواست تا در مورد خواسته‌های خلق کرد به دولت رهنمود دهد. وی تأکید کرد بدون اعطای حقوق خلق کرد، برقراری دموکراسی واقعی در ایران امکان‌پذیر نیست (کیهان، 1357/12/12، ص 7). یک روز بعد، قاسملو تهدید کرد در صورت عدم اعطای خودمختاری، کردها واکنش نشان می‌دهند. وی در پاسخ به سوالی در خصوص امکان استفاده از ابزار مسلحانه توسط کردها علیه حکومت، تنها سکوت کرد (اطلاعات، 1357/12/13، ص 2). در همین ایام، طرحی با عنوان "طرح خودمختاری کردستان" اعلام شد. بر اساس این طرح، حکومت ملی خودمختار کردستان، شامل همه سرزمین کردستان ایران شده و در تمامی حوزه‌ها به جز سیاست خارجی، دفاع، طرح‌ریزی برنامه‌های اقتصادی درازمدت، بانک مرکزی، نشر اسکناس و...، که در زمره صلاحیت حکومت دموکراتیک ایران است، صاحب صلاحیت می‌باشد (کیهان، 1357/12/13، ص 8). طرح این مسائل در فضای سیاسی آن روز مخالفان جدی هم داشت. برای نمونه، ابوالحسن بنی‌صدر، ضمن اعلام مخالفت با حکومت

خامنه‌ای: از چهار طریق معامله شود: راه حل سیاسی، مذاکره با سران روحانی. قدرت اول دست روحانیون است، بخصوص مفتی‌زاده و تا حدودی عزالدین [حسینی].¹ (2) راه تبلیغات: آیندگان و کیهان شرح تحریک کننده می‌نویسند. با افکار عمومی و نفوذ امام، افکار مخرب کوبیده شود. (3) راه حل نظامی و قدرت‌نمایی: نظامی‌ها ضعف نشان داده [اند]. دولت استاندار نفرستاده. در مورد کردستان، خوزستان و بلوچستان هم کوتاهی شده. بمباران حل نمی‌کند. [نکته بعدی] جلوگیری از گسترش این مطلب روی سایر نقاط سنی‌نشین [است]. اگر بلوچستان تحت تاثیر قرار گیرد، حادثه به وجود می‌آید و اگر روزنامه‌ها بزرگ کنند، مشکلات بیشتری می‌شود. اول، آذربایجان غربی، رضائیه و غیره که گُرد زیاد دارد، ترکمن صحرا، مناطق سنی‌نشین خراسان و بلوچستان.

فدرال گفت: مگر کردستان چه درآمدی دارد؟ این منطقه اگر به حال خودش بماند یا باید از روسیه کمک بگیرد و یا از امریکا؛ پس چه بهتر که تابع خود ما باشد (اطلاعات، 1357/12/15، ص 1). در این میان، انجام تحرکاتی از سوی حزب دموکرات، مسئولان حکومت جدید را نسبت به نیت آنان دچار تردید می‌کرد. مثلاً دیدار دبیرکل حزب دموکرات کردستان با چریک‌های فدایی خلق در این چارچوب جای می‌گیرد؛ دیداری که قاسملو آن را "نوعی تمرین دموکراسی" خواند (اطلاعات، 1357/12/16، ص 8). از اواخر اسفندماه ۱۳۵۷، تحولات کردستان وارد فاز درگیری مسلحانه شد، چنان که در نبردی خونین، به اذعان مطبوعات این دوره، چندین تن کشته و 200 نفر مجروح شدند. متعاقب این درگیری‌ها، شورای موقت انقلاب سنندج از امام خمینی تقاضای کمک کرد. گزارش‌ها حکایت از آن داشت که این درگیری‌ها زمانی آغاز شد که کمیته‌های انقلاب از دادن فشنگ به اهالی کرد امتناع کردند. قاسملو ضمن اعلام آرام بودن غالب مناطق کردنشین اعلام کرد عده‌ای با نام‌های مختلف و با ایجاد اغتشاش در صدد جلوگیری از تفاهم کردها با حکومت مرکزی هستند (کیهان، 1357/12/28، ص 2 و 7). با این حال، درگیری مسلحانه در سنندج، با سنگربندی خیابان‌ها، حمله به مراکز حساس و اشغال ستاد ژاندارمری و رادیو تلویزیون همراه بود (اطلاعات، 1357/12/28، ص 2).

تشدید منازعات مسلحانه در کردستان موجب شد تا امام خمینی شخصاً وارد عمل شده و در پیامی به مردم کردستان اعلام کند: "شنیده شده که عده‌ای وضع کردستان عزیز را مغشوش کرده‌اند و نمی‌خواهند بگذارند مسلمانان آسایش داشته باشند و برخلاف اسلام عمل می‌کنند. این عده به ارتش، که اکنون به سوی ملت مسلمان برگشته و از آن تبعیت می‌کنند، حمله می‌برند و آنها را مورد توهین قرار می‌دهند. این قبیل کارها برخلاف اسلام و مصالح مردم مسلمان است. مردم کردستان و سایر نقاط باید بدانند که هرگونه حمله به ارتش و ژاندارمری از نظر ما مردود است. و ما با برادران اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم، همه اهل ملت واحد و قرآن واحد هستیم. ارتش و ژاندارمری و پلیس نیز باید بدانند که از این به بعد آنها حافظ مصالح و استقلال مردم مسلمانند، و اگر کسی به آنها حمله کند از مردم مسلمان نیست و از عمال اجانب است. و باید نیروهای مسلح با قدرت از منافع و مصالح ملت مسلمان دفاع کنند و هرگونه حمله‌ای را به خود و به نوامیس مردم با قدرت دفع نمایند" (صحیفه امام، ج 6، ص 384). با این وجود، تلاش‌ها برای مصالحه از جانب دولت موقت و شورای انقلاب پیگیری شد که مهمترین نمود آن، سفر هیأت حسن نیت به منطقه بود.

1. سیدعزالدین حسینی (89-1301) از روحانیون متنفذ کردستان.

موسوی: حرفها گفته شد، نتیجه گرفته شود [تا] برویم بحث دوم. راجع به نوشته روزنامه‌ها تصمیم گرفته شود راه حل عملی چه باشد، مسئول که [باشد؟]

خامنه‌ای: پیشنهاد دیگری دارم، در همین بعد، چهار کار همزمان [صورت گیرد].

بهشتی: آقای موسوی تماس داشتند با آقا.

موسوی: آقا گفته و تاکید کرده بهشتی و هاشمی با تماس با دولت بروند [به] سنندج.

هاشمی: خبر بدهند. خواسته‌های مفتی‌زاده را آورده. صبح معاون استانداری خبر می‌دهد [که] دیشب کاملاً شهر آرام بوده. این قرارداد مبادله است. قرار است 130 نفر چپی با فرمانده لشکر معاوضه شود. خبر بعدی این است که مسلمان‌ها که فهمیده‌اند اینها جمعی چپی هستند، خواستند از عقب به آنها حمله کنند.

قرنی: وقتی با کمیته امام صحبت شد، برای اینکه محاصره شد و با همه صحبتها، عده‌ای رفتند از شهرها به کردستان؛ حتی از تهران، چهل هزار نفر از کردستان و آذربایجان. ولی مخلوط با اینها چپی هستند، و ممکن است بروند. به کمیته های سرراه، گفته شد با تلفن با کمال احترام بگویند احتیاج نیست. اینها رفتند پادگان، صفدری را بیاورند، [اما] پادگان آنها را گرفته. عوامل چپی خیلی حساس است باشد. عوامل اصلی چپ، کنارند. از احساسات جوان‌ها سوء استفاده می‌شود. گفتم عوامل حساس را نگه دارید، سرهنگ را با بقیه مبادله کنید. (1) تلویزیون تخلیه نشود [و] به کمیته کرمانشاه داده شود. (2) فرودگاه را رها کنند. (3) پادگان را چرا محاصره کردید [؟] ستاد و پادگان را رها کنید. آنها اجازه تقویت پادگان را نمی‌دهند. باید اسلحه را از دست آنها بیرون آورد. در خود پادگان از عوامل اینها وجود دارد. در مهاباد اینطور شد. باید آخرش خلع سلاح شود. علما نفوذ ندارند، لااقل راجع به چهارچوب.

خامنه‌ای: صفدری غریبه است. علما مخالف هستند.

قرنی: می‌خواهیم مردم را علیه اینها مسلح کنیم. نفوذ جای خود. چطور است مفتی‌زاده را انتخاب کنیم روی آنها نفوذ کند [؟]

شیبانی: با روسای عشایر صحبت شود تا چپی‌ها کوبیده شوند.

موسوی: روی تذکرات اقدام شود.

بهشتی: مسائل جدا از هم نیست. مسائل نظامی پیش می‌آید. مسائل سیاسی هم به آن مربوط می‌شود.

موسوی: تصمیم بگیریم: 1) راجع به روزنامه‌ها.

قرنی: روزنامه‌ها مهم است. شروع مسئله کردستان به علت دامن زدن روزنامه‌ها بوده. سخنرانی افراد غیرمسئول و تعبیر عزالدین حسینی بوده [که] خودمختاری حرفی فایده ندارد. بارزانی می‌گوید آنچه در اسلام است، بالاتر از خودمختاری است.

بهشتی: جلوگیری از درج مقالات یعنی [اینکه] سانسور شود و جانشین آن روزنامه، اسلام جوابگوی خواسته‌ها هست.

خامنه‌ای: پیشنهاد کردم در آن واحد چهار مسئله است. شکل کلی مطرح شود. [ضرورت] استفاده از نیروی اطلاعاتی، شناسایی محرکین غیر کرد و محرکین خارجی. بارزانی^۱ با طالبانی^۲ مخالفت دارد^۳. بهشتی: قرار روی روزنامه است.

مطهری: تنها [روزنامه] آیندگان نیست. چپی‌ها خودمختاری ملیت‌ها را صریحاً اعلام کرده‌اند. [به] مقاله امروز آیندگان توجه شود. باید حساب را با چپی‌ها صاف کرد.

موسوی: فرمایش شما صحیح است.

هاشمی: پیشنهاد من این است [که] از طریق دولت بشود [و] از طریق آقا و از طریق مردم. در داخل روزنامه کسانی هستند [که] می‌خواستند کیهان را تعطیل کنند.

مطهری: دولت را متهم کرده به چیزهایی که دروغ است.

بهشتی: چگونه می‌توان با تلقین اندیشه خودمختاری مبارزه کرد [؟]

1. رهبری حزب دموکرات کردستان عراق.

2. رهبری حزب میهنی کردستان عراق.

3. در ابتدای شکل‌گیری تحولات خونین کردستان، جلال طالبانی، رهبر حزب میهنی کردستان عراق، در مصاحبه‌ای اطمینان داد که ما به کردستان ایران، انقلاب صادر نمی‌کنیم. وی همچنین گفت: از خودمختاری کردستان عراق خرسند می‌شوم، اما هرکاری که منجر به تضعیف انقلاب ایران شود، کاری ارتجاعی است و به کردهای ایران خدمت نمی‌کند (اطلاعات، 1357/12/21، ص 4).

موسوی: آن طور که هاشمی گفت، در سطح وسیع ما احساس می‌کنیم چاپ اینگونه مقالات، جز تحریک بر علیه انقلاب چیز دیگری نیست [و] باید به شدیدترین وجه [با آن] مقابله کنند.

بهشتی: مقابله و ریختن [به] آنجا صحیح نیست. [باید] عملاً گروهها نخریدن آیندگان را ترویج کنند.

قطب‌زاده: صحیح نیست، عملی نیست.

موسوی: درست نیست.

بنی‌صدر: حق شورا است [که] ابلاغ کند [تا روزنامه‌ها] دروغ ننویسند و تحریک نکنند. تحریم موثر است و جدی. برای دخل و خرج، تیراژ باید بالا باشد.

بهشتی: پول می‌دهند.

بنی‌صدر: خود مسئله تاثیر می‌گذارد.

قطب‌زاده: در مجموع اگر سیاست کلی این باشد در نامه به روزنامه‌ها فقط (ضمن اینکه تحریم تیراژ را کم می‌کند) بگویند به واسطه دروغ نوشتن و خیانت به تمامیت ارضی تحریم می‌شود [مورد قبول است]. آیندگان عملاً اسرائیلی است. خلاصه داغون شود.

مهندس سبحانی: با خراب کردن، امام‌زاده می‌شوند.

بهشتی: مردم تحریم کنند. شورای انقلاب و مراجع همگی بگویند، چون آیندگان دروغ پراکنی می‌کند [پس تحریم شود].

مطهری: یک روزنامه صبح ملی دراید.

قطب‌زاده: خط کلی روشن شود [تا] در تبلیغات رادیو تلویزیون، مسائل مربوط به تمامیت ارضی مطرح شود.

بهشتی: دست شما باز است.

قطب‌زاده: جریان‌ات سنندج تحت الشعاع منزل امام بود. سیاست دولت، عکس‌العمل شدید یا خفیف، چه باید کرد [؟] تلاش کردم کاری نشد. امام اعلامیه داد، خود آقا گفتند.

موسوی: به کیهان و اطلاعات تلفن بشود یا نه [؟]

بهشتی: آیندگان را چه کنیم [؟] به کیهان و اطلاعات تلفن شود [و اعلام شود که] اگر مسئله تحریک آمیز، امروز در روزنامه‌ها دیده شود، عکس العمل شدید [به] همراه دارد.

مهندس سبحانی: از طرف مردم، نه از طرف شورا.

موسوی: از طرف شورا.

بنی صدر: ضرر ندارد.

مطهری: آقای هاشمی به دیگران بگوید.

بنی صدر: [از طرف] مردم حرف مفت است. شورا باید بگوید؛ بگوید روزنامه را سانسور نکنند [و] اخبار دروغ ننویسید.

بهشتی: یک فرد شناخته شده، یک مقام مسئول بگوید.

مهندس سبحانی: روزنامه مربوط به مردم است، اگر نخرند.

بهشتی: امروز عصر مطرح است.

مهندس سبحانی: چهار تلفن از نقاط مختلف بشود.

یزدی: تلفن اگر مشخص بزنند، اثر مشخصی دارد. یک گروه یا برادرانی اگر قدرت دارند، در کیهان و آیندگان از چاپ آن در امروز جلوگیری کنند و بگویند اگر بخواهید این رویه را ادامه دهید، چاپ نمی‌کنیم.

هاشمی: اگر سیاست کلی این باشد، از طرق مختلف می‌شود اقدام کرد.

موسوی: مال عصر است و اثر زیاد دارد.

خامنه‌ای: یک نفر برود بررسی کند، نگاه کند و اگر دید نادرست است، جلوگیری کند.

هاشمی: آن یک چیز عمومی است. حالا برویم جلو چاپ را بگیرند.

مطهری: طالقانی تلفن کند و بگویند مردم به ما چنین فشار آورده‌اند. اگر ایشان [تلفن] بزنند، قابل قبول است. می‌تواند از طرف شورای انقلاب بگوید.

خامنه‌ای: می‌گوید چشم، ولی روزنامه پنج روزه است. این گارد سرخ‌ها مهم است تعقیب شود [و] مقاله‌ها دیده شود.

یزدی: موثرترین راه، چاپ نشدن روزنامه‌هاست.

شیبانی: یک نفر برود از شورا به کیهان [و] اطلاعات.

مطهری: مردم بد می‌گویند.

خامنه‌ای: رادیو تلویزیون هست.

بهشتی: قطب‌زاده استفاده کند.

هاشمی: اطرافیان ایشان حاضر نیستند همکاری کنند.

بهشتی: بُعد سیاسی [و] نظامی.

قطب‌زاده: چطور شده قدرت‌نمایی نظامی نشده [؟]

بهشتی: بُعد سیاسی، درگیری‌های داخل منطقه، غیر گُردها، گروه‌ها، رابطه شیعه و سنی، مسائل قدرتهای خارجی [مانند] عراق و اسرائیل و امریکا [و] احیاناً شوروی.

موسوی: پیشنهاد مفید است. همانطور که آقا تعیین کرد، شما دوتا [بهشتی و هاشمی] و اگر کسی را لازم دیدید، بدون دفع‌الوقت بروید [به] این مناطق، سنندج و هر کجا لازم است. گروه‌های مذهبی هستند، ممکن است اثر خوب بگذارند، مستقیم از طریق مذهبی وارد شوند، مسائل دیگر را مطرح کنند. [با] روسای عشایر از طریق نظامی و سیاسی حل شود.

هاشمی: یک سری اطلاعات جمع شده [را] فوری در اختیار بگذارند و ما و شما مطالعه کنیم. مسافرت [به آنجا] لازم است. شما (موسوی) رضائیه منابع کار است. عوامل تحریک کشف شود. افراد کمونیست عراق، علنی در سنندج دیده شده‌اند.

یزدی: از نظر سیاسی دو گروه عمده هست: طالبانی و بارزانی. بارزانی‌ها رابطه نزدیک با اسرائیلی‌ها دارند، مراکز خودشان در ترکیه است، از آنجا تحریک می‌شوند. غیر از این گروه‌ها، پالیزبان و عده‌ای ارتشی فراری در منطقه

هستند. یک طرف قضیه، رهبران مذهبی سنی هستند که از دولت حقوق می‌گرفتند. قرار شد حوزه علمیه به آنها کمک کند، نه از طریق دولت؛ شریعتمداری هم تأیید کرد. برخورد [باید] دو صورت باشد: ارتش قدرت‌نمایی کند، گروه ضربت بروند [و] مراکز تحریک را بزنند. درگیری نظامی ممکن است کل مردم را مقابل ارتش قرار دهد.

بهشتی: اینها "اگر" است.

یزدی: گروه ضربتی که می‌گویند، ببیند پالیزبان کجاست.

بنی‌صدر: گزارش کردستان: عیب بزرگ ضعف رهبری شیعه آنجاست. 2) رعایت آنهایی که رهبری سنی را دارند. 3) ضعف اساسی در دولت است. یک عالم گردن کلفت برود، شهریه بدهند فوری، سوم [اینکه] حکومت تقویت شود.

مهندس سبحانی: [باید] از دستجات شناخت داشته باشیم. دموکرات، کومله، فدائیان. حزب دموکرات سابقه زیاد دارد، با توده‌ای‌ها ائتلاف کرده، طبعاً سیاست شوروی را اعمال می‌کند، خودمختاری می‌خواهد. حزب کومله، حزب توده‌ای است [و] جنبه مذهبی هم دارد. با آن می‌شود نزدیک شد [و] مذاکره کرد. در گذشته با دولت، طرف بودند، حالا با ملت. نفی کار نظامی و تبلیغ نمی‌شود. فدائی‌ها به دنبال استراتژی جنگ مسلحانه [به این نتیجه] رسیدند [که] در تمام ایران، کردستان آماده‌تر است برای جنگ چریکی. در آنجا نفوذ زیاد دارند، اگر ما جناح ناسیونالیست گرد [را تقویت کنیم]، خصوصاً کومله و [...]، را رویشان کار سیاسی شود، فدائیان ایزوله [می]‌شوند. آن جناح‌ها زیاد هستند.

موسوی: شما [بهشتی] اگر قرار شد بروید، یکی دو نفر با شما یا تنها دنبال حرف مهندس سبحانی بروند، تماس بگیرند [و] ناسیونالیستها با شما در ارتباط باشند.

بهشتی: [آثار] رفتن ما کوتاه‌مدت است. اثر روانی می‌تواند داشته باشد. اثر روی مفتی‌زاده و غیره، مقداری هم روی منطقه [ممکن است داشته باشد]. لازم است ستاد عملیاتی روحانی فعال متحرک قابل اعتماد، رابطه با این سه چهار دسته، دوستانی از تیپ آقایان که بتوانند زمینه ایجاد کنند و گروه ارتشی که لباس نداشته باشند، با مسئول به گونه‌ای که منعکس باشد بروند، از نزدیک اخبار را بگیرند و دستور با نظر مشورتی بگیرند، کار ساده نیست.

یزدی: محلاتی نسبت به اعزام هیئت روحانی متذکر شد، چون اکثریت سنی هستند، فعالیت بعضی آقایان نتایج برعکس دارد. پس محرز شد [که] باید قدرت نظامی در آنجا نشان داده شود. قاطع نگهداری شود. پادگان‌های مرزی جلدیان و سایر پادگانها، 500 یا 300 نفر برای حفظ منطقه و از اطراف، محاصره نظامی کردن؛ البته نه به شکل جنگی که تحریک کند [لازم است].

قرنی: در کردستان، همانطور است که یزدی گفت. رضاییه بر عکس است [و در آنجا] شیعه بیشتر است. یک حزب مسئول‌تر تشکیل شود. سرپرستی آن را یک عده [از] آقایانی که مجموعاً شیعه و سنی باشند، به عهده بگیرند. عمال آن احزاب گفته شده زیاد نیست، جوان‌ها طرفداری می‌کنند. اگر حزبی تشکیل شود که این عوامل را جذب کند [بهتر است]. روسای عشایر مختلف کم هستند، 10 تا 12 نفر آنها هم تمایل پیدا می‌کنند [تا] در حزب اسم بنویسند و اگر یک رئیس بیاید، 500 نفر افراد او می‌آیند. در مورد [عملیات] نظامی، نخست وزیر دستور داد، تقویت کردم. جلدیان تخلیه نشد. پاسگاههای ژاندارمری جانشین می‌آید. شهربانی آنجا فعالیت ندارد و ژاندارمری چون کوچک است، بیشتر مورد حمله است. مراکز پاسگاهها تمرکز عمده‌تر دارد، تصویب شود ژاندارمری عده‌ای از مردم معمولی را استخدام کرده در اطراف پادگان هستند.

بهشتی: آهنگ تند است یا کند [؟]

قرنی: تا حدی شده، در شمال 500 یا 600 نفر استخدام شده، توی این افراد عوامل دیگر رسوخ می‌کنند. قبلاً سربازان تیراندازی نمی‌کردند. داخل پادگان رسوخ دارند که به یکی از احزاب بستگی دارند. حدود 1300-1200 نفر تقویت شده. تقویت بیشتر تحریک می‌کند. آنها مانع شدند، فرودگاه را گرفتند و تیراندازی کردند. رادیو دست آنهاست. در مورد حرف علما، عزالدین حسینی از اعلامیه‌اش پیداست، می‌گوید باید خودمختاری باشد. خود مفتی زاده هم حرفش گوش [داده] نمی‌شود.

بهشتی: احتیاج است [که] آخرین اطلاعات را به ما بدهید [و این اطلاعات] قابل اعتماد باشد.

قرنی: هلیکوپتری در پادگان است و با بی‌سیم در کرمانشاه در تماس است. صادق وزیری^۱ را گمراه کرده بودند، می‌گفت چرا صفدری را پناه داده‌اید (قرنی رفت، کار داشت).

1. صارم‌الدین صادق‌وزیری (97-1300) از چهره‌های پرنفوذ گُرد.

[موضوع: تعیین فرماندهان ارشد نظامی:]

مهندس بازرگان: لوایحی هست: آئین‌نامه سپاهیان، راجع به دادگستری، چهار تا بخشودگی مالیات آخر سال و اوایل سال آینده، اردلان می‌آید. تغییر وزیر جنگ، مسئله فرماندوم، دکتر سحابی آمده‌اند. قرضی مدتی نقش وزیر جنگ داشت و اشکالاتی بود. تعیین افراد یا با آقای خمینی یا [با] بنده بود. آقا که اقدام نمی‌کردند، من هم اطلاع نداشتم و قرضی اقدام می‌کرد. با ایشان [قرنی] از زمان نهضت مقاومت [ملی] رابطه داشتم، اطمینان هست. [اما] سیستم اداری او مطابق ما نیست. انتصاباتش ناجور است. راه‌حل منطقی که مال یک ماه و نیم پیش است، گفتند ایشان صلاحیت فنی و نظامی برای ریاست ستاد ندارد. کمیسیونی تعیین شود، مخصوص خود بنده [تا] کارهایشان آن حدود که تصویب ساده است، کمیسیون تصویب کند [و] من هم قبول کنم. با خودش مشورت شد، سه نفر معلوم شد. زحمات با تیمسار بود. بعد که حکم نوشتند آنچه ما می‌خواستیم نبود و گفتند نظارت ما فایده ندارد. با مدنی^۱ صحبت کردم، کسی را برای ریاست ستاد معین کرد [که] من نمی‌شناسم، تیمسار نمی‌شناخت. آنجا پر شود جای دیگری نیست. آن آقا بشود رئیس ستاد، مدنی با موافقت خودش فرمانده نیروی دریایی می‌شود، ریاحی^۲ وزیر جنگ بشود.

بهشتی: چند ساله است [؟]

مهندس بازرگان: یکی دو سال کوچکتر از من است. پلی تکنیک دیده، زمان مصدق رئیس ستاد بوده و زندان رفت، محکوم شد. پس از آن در کارهای خصوصی بود.

بهشتی: کارهای وزارت جنگ، فنی است.

مهندس بازرگان: صحبت بود [که] جم^۳ رئیس ستاد شود. شرط قبولی جم، آنجا بود. من و مسعودی هم نه نگفتیم. وضع زمان گذشته، بدعت رزم آرا^۴ است و این بدعت به نفع شاه شده. وزارت جنگ مثل سایر وزارتخانه‌هاست.

1. احمد مدنی (84-1308) چهره ملی‌گرا، فرمانده نیروی دریایی و اولین وزیر دفاع پس از انقلاب اسلامی، نامزد اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری.

2. محمدتقی ریاحی (1289-1367) چهره ملی‌گرا و دومین وزیر دفاع پس از انقلاب اسلامی.

3. فریدون جم (1293-1387) از فرماندهان ارتش در دوره پهلوی.

4. حاجعلی رزم‌آرا (1280-1329) رئیس ستاد ارتش و نخست‌وزیر محمدرضا پهلوی.

وزیر جنگ، مسئولیت کامل وزارتخانه با او باشد. رئیس ستاد، هماهنگ کننده نیروهاست. اموری که ابوالجمعی او بود، باید مثل وزارتخانه‌های دیگر باشد.

بهشتی: ریاحی که 25 سالی دور است.

مهندس بازرگان: بنده نخست وزیر، دکتر ایزدی وزیر کشاورزی و صدر وزیر کشور، در مقایسه با ریاحی خیلی دورتر و بی بهره‌تر نیستیم. ریاحی پذیرش دارد. آن کمیسیون که معرفی شد، با ریاحی کار می‌کند. مشاور فنی و جنگی تیمسار ریاحی است.

هاشمی: از وزیری که راضی بودند، مدنی بود. کنار گذاشتن ایشان درست نیست.

مهندس بازرگان: خودش اصرار داشت رئیس ستاد شود و قرنی وزیر جنگ [باشد].

قطب‌زاده: مطلب دوره 25 سال گفته شد. قبلاً هم شرکت نفت را خوب اداره کردید، هم سازمان آب را. صدر هم دادستان بود، دادگستری را خوب درست کرد. ریاحی آدم درستی است، آدم فنی خوبی است، ولی از لحاظ عُرْضه همان موقع جنجال بود، روز 28 مرداد مسئله حل می‌کرد. در ستاد ارتش که بود، ارتش قادر به انجام عملی نبود. تنها نخست وزیر مصدق خواست دو سه سرباز فرستاد دور خانه مصدق، عده‌ای او را متهم کردند ساخته است. با چنان سابقه مدت خدمت و 25 سال دور بودن، سیاتیک داشتن و مریض بودن، وزیر جنگ که می‌خواهد کار را تغییر دهد صلاحیت آن [...].

بنی صدر: معرفت به حال ریاحی نداریم. تأیید حرف قطب‌زاده. او می‌گوید اگر دستور می‌دادم، معلوم نبود این وضع به وجود آید. در اوضاع کنونی کردستان چنین تغییرات، ضعف دولت نیست [؟] اثر بد می‌کند. توجه شود [به] انتصابات ناجور کردن، خصوصاً اگر جانشین رئیس ستاد، صلاحیت نداشته باشد.

مسعودی: راجع به تفکیک ستاد از وزارت جنگ، وزیر جنگ مهره بوده. وزیر مسئول باید به طور قطع نظارت داشته باشد. ریاحی افسر فنی نیست، توپچی است، تحصیل فنی هم کرده، خیلی قوی از لحاظ تحصیل، پاکی و درستی اول است. نقص ندارد.

بهشتی: از نظر جنگ کردستان چطور است [؟]

مسعودی: الان هیچ خبر نداریم. اسم است. صددرصد موافقم. ممکن است از نظر ضعف، ایرادی باشد [اما] افسران موجود [به او] علاقمند هستند.

مهندس سحابی: حرف تیمسار [مسعودی] را تأیید می‌کنم. همه دولت اینطور است. ریاحی پذیرش دارد.

بهشتی: در [میان] افسران بررسی کردید [؟]

مهندس سحابی: [در میان] افسران قائلتاق اینطور نیست. در افسران پاک و درست [اما پذیرش ریاحی هست].

بهشتی: دو مسئله راجع به مسائل دولت، بلکه مهمتر در مورد مملکت داریم.

شیبانی: تغییر در این موقع، صلاح نیست.

دکتر سحابی: جم حاضر نیست. با بودن افراد همکار ریاحی، احیاناً ضعف جبران می‌شود.

مهندس بازرگان: جم برای آن موقع که قره‌باغی^۱ و غیره بود، لازم بود، حاضر نشد. نسبت به ریاحی اشکالاتی بود، [اما] بی‌عرضه نیست.

بهشتی: کیفیت مذاکره با قرنی، حکیمی از طرف شما گفت.

بنی صدر: شورا محل نقد و ایراد است.

شیبانی: ممکن است خلاف گزارش داده باشند.

مهندس بازرگان: مسئله کردستان سه نقطه است، رسیدگی شده.

مسئله آوردن ریاحی با پنج رای رد شد.

مسئله نظر دادن به اینکه دولت خودش مسئول باشد: اختیار به دولت دادند. [رای] اکثریت [را] آورد.

[موضوع: رفراندوم:]

1. ارتشبد عباس قره‌باغی (1297-1379) وزیر کشور و رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران در دوره پهلوی دوم.

دکتر سبحانی: لایحه فرماندوم، [پرسش] آری یا نه، قبلاً تصویب شد. [اما] حالا طرحی است که [پاسخ] "نه" را [به] چندین شکل [مطرح] بکنند. در هیئت دولت مطرح شد [و] رد شد. اخیراً یک دسته [از] آقایان گفتند که سن 16 سال باشد. روی این نظر اخیر هم نظر بدهید [در مورد] جمهوری اسلامی.

موسوی: اخطار نظام‌نامه ای، تاخیر صحیح نیست. وارد شدن به مطلب درست نمی‌باشد.

بهشتی: تذکر، ما در حد ادامه بحث صحبت کنیم.

طالقانی: حرف‌هایتان متناقض است، دنبال دلیل تازه می‌گردید.

بهشتی: گفتم اگر همان دلایل است [وقتش] گذشته. اگر دلیل تازه‌ای هست، آن را مطرح کنید. قبل از ورود در بحث، پیشنهادی را مطرح کنم. تجدید بحث در این زمینه را تأیید می‌کنید [؟]

مهندس سبحانی: در مورد مسائل سیاسی و سرنوشت مملکت، دنبال مقررات نباید رفت. [در اینجا بحث] مصلحت مطرح است.

قطب‌زاده: هرچه طرح می‌شود در مصلحت مملکت است. دو سه بار کار بکنیم، نمی‌شود. خصوصاً در این مطلب. بهشتی: توضیح می‌دهم، نه روی مقررات. [به] خود مصلحت توجه شود.

طالقانی: مسئله طرح شد، بررسی شد و تصویب شد. به مصداق آیه *فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ*^۱.

بهشتی: ما سیزده نفر، [با احتساب] حبیبی چهارده نفر، [طبق] اساسنامه هشت نفر باید تصویب کند. دو نفر از کسانی که با پیشنهاد طرح مجدد مخالف هستند.

مهندس سبحانی: بنی‌صدر، حبیبی نیست.

مطهری: الان طرفداران رژیم سلطنت و ساواکی‌ها، خاندان ارتشی و وزرا در ایران [به] پنج یا شش میلیون [نفر] می‌رسند. الان آب در آسیاب چپی می‌ریزند. برای ضربه‌زدن می‌نویسند جمهوری دموکراتیک و تعداد، زیاد می‌شود.

بهشتی: عملاً تخلف شد از رویه. اگر با حبیبی صحبت کردید، نمی‌پذیرد. رای هفت نفر است و اکثریت دارد.

بنی صدر: اینها رای به چپی می دهند. چه مانع است [که] رای سفید بدهند [؟] تمام رای سفید، آن وقت [برای] چپی ها می شود. برای چه [؟] رفراندوم است، رژیم عوض شده. افکار عمومی دقیقاً چه نظر دارند [؟] تصمیم ما روی اصرار مهندس بازرگان بود.

شیبانی: بگویید جمهوری دموکراتیک کمونیستی.

مهندس سبحانی: رای گیری آماری شده. پیشنهاد دهنده خودش نظرش را عوض کرده.

خامنه‌ای: حرف روز اول. خود کمونیستها روی آن کار می کنند. باید کار توضیحی کرد. بگذارید تمام مخالفین ادعا کنند زیر عنوان کمونیستی به "نه" رای دادند. در سایه کارهای توضیحی، [مسئله] روشن می شود. ترویج کنندگان کمونیستی خیلی کم هستند. [با] آوردن آنها در ورقه رفراندوم و ضعف تبلیغات ما، برای آنها موقعیت فعال به وجود می آوریم. سه روزنامه داریم، یکی ارگان چپی ها [است]، یکی هم به طرف آنها می چربد.

هاشمی: برگشت حرف از تاریخ رفراندوم مسئله [ای] نیست. دولت قبول کند، شورای انقلاب این پیشنهاد را داده. اگر قضیه بماند، تحریم آنها صحیح نیست. بچه های خوب ما نمی توانند در دانشگاه حرف بزنند.

بهشتی: نه به خاطر دولت رای دادم، نه ترس از آراء مخالفان خودم [دارم]. شخصاً منطقی داشتم [که] رفراندوم و انتخابات داریم. رفراندوم چیزی است که احتمال می دهد رای مخالف بیاورد یا موافق. رای در مورد یک مسئله است و غیردموکراتیک نمی باشد.

دکتر سبحانی: در عین اینکه یک کاسه کردن مخالفین را پذیرفته ایم، به مناسبت تبلیغ شدید چپی ها، جواب به آنها داده شود.

یزدی: اگر تصور می کنید نق نق و اعتصاب تمام می شود، خوب؛ وگرنه درست نیست. آنها دنبال کارشکنی هستند. اعمال شما عکس العمل نباشد.

مطهری: طرح این نیست در رفراندوم این شکل باشد یا نه. آنها گفتند اول مجلس موسسان باشد، قانون اساسی اعتبار ندارد، رفراندوم بعد از اینکه قانون اساسی مشخص شد.

مهندس سبحانی: برخلاف نظر آقای خامنه‌ای و مطهری، دموکراتیک بازی نیست. یک عده کمونیستها، یک عده رهبران، یک عده توده مردم. در مقابل توده مردم می خواهند خود را تبرئه کنند. مراجع هم اینطور نیست.

بهشتی: لایحه مودیان مالیاتی مطرح است.

اردلان: بدهی‌هایی از سال 20 هست. بهتر آن بود که این پرونده‌ها سروصورتی بگیرد، [و] از فردای اول سال، نوع مالیات جدید منطبق با اصول اسلام پیش بیاید. پرونده قبل از 46 است.

بهشتی: بساز و بفروش را [در بر] نمی‌گیرد، چون قبل از 46 است.

طالقانی: مالیات اصلاً درست است.

بهشتی: انقلابی است، چون از آمدن و زحمت مردم جلوگیری می‌شود. ضد انقلابی [است] چون مال پولدارهاست.

طالقانی: چند نفر رسیدگی کنند.

اردلان: در هیئت دولت چند نفر دیدند، برای حل مشکلات مردم است.

بنی‌صدر: ارفاق به خرده‌پاست و خوب است.

لایحه تصویب شد.

بهشتی: لایحه قانون تمدید سال مالی 1357 تا آخر خرداد.

تصویب شد.

بهشتی: لایحه پاسداران مطرح شد. لایحه، شبیه سازمان امنیت و دولت در دولت بود.

بنی‌صدر: آنها هم که نزد لاهوتی هستند، موافق دولت نیستند.

بهشتی: مسئله دیگر، مشاغل زیاد دکتر یزدی است. سه گروه است: در گارد، مسئولیت با منتظری است، یک گروه

شریف و یکی لاهوتی است. کارشان به جایی نرسیده [و] اشکالات دارد.

دکتر یزدی: بعد از طرح مسائل پیشنهاداتی داده شد. چیزهایی که در آن لایحه آمد، تک تک آقایان نظر دادند.

مسعودی: لایحه مغایر اینهاست.

دکتر یزدی: گفتم حدود و ثغور آن روشن شود، بعد کار کنیم، گفتند نه. ما اقدامات مقدماتی کردیم. تا شروع شد، اعتراضات پیدا شد. ما با گروه‌های مختلف بررسی کردیم.

خامنه‌ای: فقط گروه سپاه پاسداران را می‌گوییم.

دکتر یزدی: چرا از من نپرسیدند [؟] ایرادشان این نبود که چرا دولت این کار را می‌کند. می‌گفتند چرا مجاهدین هستند.

خامنه‌ای: این مطلب را مطرح کنید، حرف پیدا می‌شود.

هاشمی: بررسی گذشته لازم نیست. روشن‌ترین مسئله این است [که] واقعاً شورا خودش می‌خواهد اداره کند یا توسط دولت یا با شرکت آن [؟]

طالقانی: این را گردن دولت نیاندازیم.

بنی صدر: آنها گفتند 60 نفر، او می‌گفت 130 نفر. ایشان می‌گویند 660 نفر، راجع به خودشان، یک رقم می‌گویند ایشان 660، دقیقاً درست معلوم نیست 130 نفر باشند. لاهوتی نمی‌داند.

یزدی: آقای لاهوتی چه سمت دارد [؟] اعضای شورا گفته‌اند لاهوتی مسئول است. اعضای شورا می‌دانستند. شما مسئول هستید.

مطهری: شما لاهوتی را معرفی کردید.

یزدی: آنچه آقا نوشته‌اند به‌عنوان همکاری با دولت است.

باهنر: بحث چگونگی کار نیست. شورا باید نظر بدهد، خودش یا دیگری.

بنی صدر: اصل این است که دولت کار اجرایی بکند. دولت در عمل، جمع‌کننده همه گروهها نیست. خود آنها

(پاسداران) مخالفند [که] دولت اداره کند. شورایی برای رهبری نظامی، یک شورا برای رهبری سیاسی [و] دینی

و دولت [هم] نماینده داشته باشد و تحت نظر شورا باشد.

یزدی: خود دولت زیر نظر شورا است (زیر نظر کاملاً نیست) اینها گروههایی هستند [که] سوابقی دارند. تلفیق آنها

مدت می‌خواهد. اداره آنها باید تحت نظر دولت باشد. اعمال با کنترل شورا باشد.

بهشتی: برداشت من با برداشت بعضی دوستان متفاوت است. انقلاب باید بازوی مسلح داشته باشد. قتال هم تجویز می‌شود. پاسداران محافظان دولت هستند، مقابل گروه‌های مخالف مسلح که یا رو هستند یا مخفی.

هاشمی: دیشب رفیق دوست گفت شورای رهبری [سپاه] گفته اگر زیر نظر دولت باشد، کار نمی‌کنیم.

یزدی: خلاف آن را هم من دارم.

هاشمی: گفتند در حضور شما بوده.

یزدی: اینطور نبوده.

مهندس سبحانی: حرف بنی صدر درست است که اجرا با دولت است، باید جمع کرد. اگر دولت تنها باشد، درست نیست. شورا اجرائیات را گرفته. شورای رهبری نظامی تشکیل شود [و در آن] از اعضای شورا باشند [و] نماینده دولت [هم] باشد.

بنی صدر: اگر دولت در دست ما نبود، صحیح. ولی دولت بازوی شورا است، ولی در عمل چیزهایی مطرح شده. بهشتی: شورای ما دو نقش دارد: شورای انقلاب جانشین مجلسین در تصویب لوایح، یکی هم رهبری گروهی که انقلاب خدشه نیابد و جانشین ایشان [رهبری] باشد.

بنی صدر: حرفم را پس گرفتم.

خامنه‌ای: اگر شورا بخواهد این کار را بکند، ناگزیر یک شورای نظامی یا نظامی سیاسی تعیین کند و از اعضای این شورا در آن شرکت داشته باشند. نماینده دولت هم [در آن شورا] باشد.

مهندس سبحانی: اصل درست [این است که] زیر نظر شورا باشد. ولی شورا نماینده تمام جناح‌های اسلامی نیست. اگر با این ماهیت رهبری نظامی داشته باشد، خالی از آن گروه‌هاست.

قطب‌زاده: اگر شورا نماینده همه نیروها نیست، دولت کمتر نمایندگی نیروها را دارد. فعلاً به عهده شورا باشد. با تدوین آئین‌نامه درست و حسابی به آن برسد. هرچه بیشتر بگذرد، برخوردها بیشتر می‌شود. بعداً ممکن است [سپاه] تحویل دولت شود، ولی فعلاً شورا [اداره] بکند.

بهشتی: حداقل داخل شورا گروه سه نفری مسئولیت این کار را بپذیرد.

مطهری: فلسفه اصلی پاسداران انقلاب روشن شود. در اول گفته شد پاسداران پیرو مکتب خاصی نباشند تا تسلط پیش نیاید.

یزدی: کم لطفی جناب مطهری است. بنده که جزو شورا بودم [و سپس] عضو دولت شدم، صلاحیت خود را از دست ندادم.

بهشتی: با همان چهره روشن از دولت با ما هم‌دوش هستید.

یزدی: ماهیت سپاه در لایحه آمده.

مطهری: اگر مهندس بازرگان عضو شورا بود، صلاحیت داشت. ولی هیئت دولت چنین صلاحیت را ندارد.

هاشمی: کار سپاه اجرایی نیست، مگر اینکه از آنها خواسته شود.

بهشتی: انقلاب ما را قدرت‌های سلطه‌جوی دیگر تهدید می‌کند. دولت متعلق به انقلاب است.

مهندس سبحانی: فرمایش آقای مطهری و جنابعالی (بهشتی) منفک شدن از انقلاب است. انقلاب ما مردمی است.

مهدوی: آقایان برف انبار می‌کنند کار را. سپاه پاسداران را می‌خواهید مثل کارهای دیگر اگر بکنید، نکنید.

مطهری: افرادی مسئولیت را به عهده بگیرند و کارشان این باشد.

تصویب شد [که] شورا [اداره سپاه را] به عهده بگیرد.

یزدی: کار را به شورا واگذار می‌کنم.

بهشتی: شورا از شما دعوت می‌کند تا اقدام بکند [و] شما سرپرستی آن را به عهده بگیرید.

سبحانی - خامنه‌ای: یزدی از دولت بیاید بیرون.

یزدی: مصوبه خودتان را به دولت ابلاغ کنید. من ممکن است بپذیرم یا نه.

قطب‌زاده: الان هم اگر بشود، همه باید همکاری کنند.

یزدی: ادامه کارها [با] این وضع غیرممکن است. شورا یک نفر را معین کند از طرف خودش [تا] همه کارها را

تحویل بگیرد [و] سرپرستی کند.

بهشتی: تا وقتی که مسئول جدید این کار معین شود، از مسئول قبلی خواسته می‌شود [تا] ادامه دهد.

بنی صدر: پیشنهاد دارم الان شورای نظامی تکلیفش روشن شود.

بهشتی: شورا سه نفر را معلوم کند.

یزدی: دوران تحویل و تحول معین شود.

بهشتی: حداکثر دو هفته.

یزدی: اشکال دارد. یک قسمت کارش منظم است. یک سپاه در حال تکوین است، باید متوقف شود.

خامنه‌ای: برای شهرستان‌ها نکنند.

یزدی: سیاست روشن شود.

مهندس سبحانی: درخواست عضویت بگیرند.

بهشتی: سه نفری که از شورا باید معین شود.

بنی صدر: کی گفته سه نفر [؟]

بهشتی: گروهی را که باید مسئول باشند، از طرف شورا انتخاب کنید.

موسوی: آنها تعیین شوند از همین امروز یا فردا در کنار دکتر [یزدی] باشند و به جریان امور وارد گردند تا

آئین‌نامه درست شود.

بنی صدر: من علی‌الدوام در سفر هستم. من مخالفم [که] مقام تبلیغ با مقام رهبری این کار توام باشد.

بهشتی: از مقام تبلیغ بیرون بیایید و این کار را در نظر بگیرید.

خامنه‌ای: صاحب السیف و القلم.

بهشتی: این درست نیست، ایشان برای این کار بهترند.

بنی صدر: دو نفر مهندس سبحانی و قطب‌زاده، اگر [قطب‌زاده] صرف‌نظر کند از تبلیغات.

بهشتی: ما نمی‌توانیم ارتش نیرومند رادیو تلویزیون را کنار بگذاریم.

خامنه‌ای: موسوی اردبیلی [باشد].

موسوی: من نمی‌توانم، وقت ندارم.

یزدی: کنترل شورا به معنای این است که باید اعضای شورا باشند.

قطب‌زاده: اعضای شورا آئین‌نامه می‌گذارند، شورای نظامی و یکی شورای ایدئولوژیک و البته نباید به‌عنوان کسانی که عضو شورا هستند در آن شرکت کنند.

بهشتی: با یک نفر از اعضای شورا یا سه نفر آن با هیئت مدیره در تماس باشد.

خامنه‌ای: آقای موسوی [!] قبول کنید.

بنی‌صدر: تیمسار مسعودی، قطب‌زاده برای اداره پیشنهاد شد.

موسوی: این کار تا درست شود، حسابی باید وقت گذاشت.

بهشتی: یک وقت گفته می‌شود تحت نظر، یک وقت گفته می‌شود باید تصویب کند، این سه نفر برای رهبری پاسداران انقلاب.

هاشمی: پیشنهاد می‌کنم آقای موسوی تا [زمان] شکل گرفتن باشد.

کردستان شلوغ شد.

یزدی: نیروی زرهی فرستادن، دارای خطر است؛ [خطر] جنگ شدید.

شیبانی: مردم را باید اول جلو انداخت، شاید خودشان حل کنند.

خامنه‌ای: مفتی‌زاده و سید عزالدین [حسینی] دیده شود. استفاده از نفوذ آقا روی عوامل ضد ارتجاع.

هاشمی: آقای طالقانی هم صحبت کنند.

موسوی: از طریق مدنی از کرمانشاه خبر رسید علمای آنجا دست به کار شدند و آتش بس دادند. فرمانده تیپ را آزاد کردند. گفته است ممکن است فردا خودم مسافرت کنم. با تشکیل گارد زرهی در آنجا موافقم و از طریق سیاسی هم.

بهشتی: برویم قم، محلاتی هم باشد [و] روابط را بررسی کنیم.

طالقانی: گردها آمدند مذاکراتی کردند [و] از طرف طالبانی‌ها گفتند قصد حمله نداریم.

